

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه تهران

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

گروه مبانی فلسفی و اجتماعی آموزش و پرورش

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

**«بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان  
آن در اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران»**

استاد راهنما: دکتر نرگس سجادیه

استاد مشاور: دکتر مرضیه عالی

پژوهشگر: فائزه وحدانی

بهمن ماه ۱۳۹۶



به نام خدا

دانشگاه تهران

دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی

گروه فلسفه تعلیم و تربیت

گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیئت داوران پایان نامه کارشناسی ارشد خانم: فائزه وحدانی

در رشته: تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش گرایش: —

با عنوان: « بررسی تطبیقی مؤلفه های تربیت جنسی و مبنای انسان شناختی پشتیبان آن در اسناد بین المللی و

اسناد آموزش و پرورش ایران »

را در تاریخ: ۹۶/۱۱/۳۰

با شماره نهایی پایان نامه (با عدد) ۱۸۶۲ محمد رحمت زاده با حروف:

و درجه: بسیار خوب ارزیابی نمود.

ردیف	مشخصات هیأت علمی	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	امضاء
۱	استاد راهنما	دکتر نرگس سجادیه	استادیار	دانشگاه تهران	
۲	استاد مشاور:	دکتر مرضیه عالی	استادیار	دانشگاه تهران	
۳	استاد موعود: (یا استاد مشاور دوم)				
۴	استاد مدعو داخلی	دکتر خسرو باقری	استاد	دانشگاه تهران	
۵	استاد مدعو خارجی	دکتر علیرضا صادق زاده	استادیار	دانشگاه تربیت مدرس	
۶	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی دانشگاه یا گروه آموزشی:	دکتر شهین ابروانی	دانشیار	دانشگاه تهران	

تذکر: این برگه پس از تکمیل توسط هیئت داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.



جمهوری اسلامی ایران  
دانشگاه تهران

اداره کل تحصیلات تکمیلی

شماره: ۲۵۱

تاریخ: ۹۶/۱۱/۳۰

پیوست:

بسمه تعالی

### تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب فائزه وحدانی متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

می باشد. /م

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء

مانزه رحالی

تایید امضای دانشجو توسط مدیر گروه یا استاد راهنما

نام و نام خانوادگی: زکریا سجاد

امضاء

تاریخ

۹۶/۱۱/۳۰



به نام آن که او نامی ندارد

به هر نامی که خوانی سر بر آرد

از زحمات استاد راهنمای بزرگووارم، سرکار خانم دکتر سجادیه که همواره از دیدگاه ها و نظرات ایشان بهره برده‌ام و صبورانه و بزرگووارانه کاستی‌های این حقیر را تحمل فرموده و در جهت رفع ضعف‌ها و نقص‌های این نوشتار راهنمایی فرموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم. هم‌چنین از سرکار خانم دکتر عالی، که زحمت استاد مشاور این اثر را به عهده گرفته و با آشکار ساختن ضعف‌هایم، بهترین و برترین هدیه را در ساحت اندیشه به بنده ارزانی می‌دارند، کمال تشکر و امتنان را دارم.

سپاس و عشق تقدیم به دوستان بسیار عزیزم برای حمایت و همکاری و همسر مهربانم که در طول تحصیل همراه و همدل بوده است و در نهایت از تمام اعضای خانواده، به ویژه پدر و مادر مهربانم که مانند همیشه با محبت و فداکاری، تحمل سنگینی بار مسئولیت را برایم آسان ساختند، بی‌نهایت سپاسگزارم.

## چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان آن در اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران است. از این رو، این پژوهش به دنبال پاسخ گویی به سه پرسش اصلی است؛ نخست، مولفه های تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان آن در اسناد بین المللی کدامند؟ دوم، مولفه های تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان آن در اسناد آموزش و پرورش ایران کدامند؟ و سوم، بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان آن در اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران چه نتایجی را نشان می دهد؟ روش های پژوهش تحلیل مفهومی و استنتاج پس رونده برای پاسخگویی به پرسش نخست و دوم و روش پژوهش تحلیل تطبیقی برای پاسخگویی به پرسش سوم پژوهش به کار گرفته شده است. پژوهش حاضر نشان می دهد تربیت جنسی در اسناد بین المللی مبتنی بر یازده مولفه از جمله «چند بعدی بودن امر جنسی»، «حساسیت جنسی»، «دانش جنسی»، «تقویت تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی»، «تقویت قابلیت گفتگو»، «تقویت استقلال از دیگران»، «تقویت قدرت تصمیم گیری» است. تربیت جنسی در اسناد ایران نیز مبتنی بر شش مولفه «حفظ کرامت نفس»، «مهار و کنترل خویشتن»، «دانش جسمی و جنسیتی»، «توجه به ملاحظات فرهنگی و تاکید بر نظام معیار اسلامی»، «تقویت مهارت تصمیم گیری» و «تقویت مسئولیت پذیری» است. بر اساس این مولفه ها، مبانی انسان شناختی؛ «ذو ابعاد بودن وجود انسان»، «به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان نیاز انسانی»، «به رسمیت شناختن لذت جنسی»، «به رسمیت شناختن مفهوم «تفاوت» در ارتباط با امر جنسی»، «ارزش ذاتی انسان»، «به رسمیت شناختن توانایی اندیشه ورزی در انسان»، «اراده و اختیار»، «تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر» پشتیبان اسناد بین المللی و مبانی انسان شناختی؛ «به رسمیت شناختن نیاز جنسی»، «به رسمیت شناختن تفاوت ظرفیت های جنسیتی»، «کرامت»، «اراده و اختیار»، «تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر» پشتیبان اسناد ایران است. بررسی تطبیقی مولفه ها نشان می دهد برخی مولفه ها در اسناد ایران غایب و برخی مولفه ها ضمن اشتراک، قوت کمتری در اسناد ایران دارد. هم چنین برخی مولفه ها در اسناد مبتنی بر مبنایی متفاوتند. بررسی تطبیقی مبانی نیز نشان می دهد برخی مبانی مانند ارزش ذاتی با مبنای کرامت در اسناد ایران تفاوت بنیادی دارند، برخی مبانی متناظر یا غائب در اسناد ایران نیز با امکان پذیرش همراه است، در حالی که در مورد برخی، مانند به رسمیت شناختن مفهوم تفاوت در ارتباط با امر جنسی ضمن سازگاری نسبی با مبانی پشتیبان اسناد ایران، امکان پذیرش بخشی از آن به دلیل ناسازگاری با نظام معیار اسلامی وجود ندارد.

واژگان کلیدی: تربیت جنسی، اسناد آموزش و پرورش ایران، اسناد بین المللی، تربیت جنسی مبتنی بر پرهیز، تربیت جنسی جامع

## فهرست مطالب

### فصل نخست: کلیات پژوهش

۱. بیان مسئله	۲
۲. ضرورت مسئله	۶
۲-۱. اهمیت و ضرورت عملی مساله	۶
۲-۲. اهمیت و ضرورت نظری مساله	۷
۳. مبانی نظری	۷
۳-۱. نگاهی به مبانی اسلامی در باب تربیت جنسی	۷
۳-۲. نگاهی فلسفی به رویکردهای مطرح جهانی در تربیت جنسی	۸
۳-۲-۱. رویکرد تربیت جنسی مبتنی بر پرهیز	۸
۳-۲-۲. رویکرد تربیت جنسی جامع	۹
۴. اهداف پژوهش	۱۱
۵. پرسش های پژوهش	۱۱
۶. تعریف مفاهیم کلیدی	۱۲
۷. روش پژوهش	۱۳
۸. پیشینه پژوهش	۱۳

### فصل دوم: مبانی نظری

مقدمه	۲۵
۱. نگاهی به مبانی فلسفی اسلامی در باب تربیت	۲۵
۱-۱. مبانی انسان شناسی؛ انسان به منزله موجود عامل	۲۶
۱-۱-۱. در هم تنیدگی نفس و بدن	۲۷
۱-۱-۲. عقل	۲۷
۱-۱-۳. اراده و اختیار	۲۸
۱-۱-۴. هویت جمعی	۲۸
۱-۱-۵. محدودیت ها	۲۹
۱-۲. مبانی معرفت شناسی؛ سازه گرایی واقع گرایانه	۳۰
۱-۲-۱. اکتشافی بودن علم	۳۱
۱-۲-۲. مطابقت علم با واقع	۳۱
۱-۲-۳. ابداعی بودن علم	۳۲
۱-۲-۴. تناظر علم با نیازهای آدمی	۳۲
۱-۲-۵. سطوح مختلف تناظر علم با نیازهای آدمی	۳۲
۱-۲-۶. پویایی علم	۳۳
۱-۲. مبانی ارزش شناسی؛ سه سطحی بودن ارزش ها	۳۴
۱-۲-۱. اعتباری بودن ارزش ها و ناظر بودن آن ها به واقعیت	۳۴
۱-۲-۱. ثبات و تغییر در ارزش ها	۳۴
۱-۲-۱. کرامت انسان	۳۵
۱-۲-۱. آزادی	۳۶

۳۶	۱-۲-۱. عدالت
۳۷	۱-۲-۱. زیبایی و ارزش زیبایی شناختی
۳۸	۲. نگاهی فلسفی به رویکردهای مطرح جهانی در تربیت جنسی
۳۸	۲-۱. نگاه فیلسوفان به میل جنسی
۳۹	۲-۱-۱. بدبینی جنسی متافیزیکی
۴۰	۲-۱-۲. خوش بینی جنسی متافیزیکی
۴۰	۲-۲. رویکردهای موجود در تربیت جنسی
۴۱	۲-۲-۱. رویکرد محافظه کار
۴۱	۲-۲-۲. رویکرد لیبرال
۴۲	۲-۲-۳. رویکرد انتقادی
۴۳	۲-۲-۴. رویکرد پست مدرن
۴۵	۲-۳. رویکرد تربیت جنسی مبتنی بر پرهیز
۴۷	۲-۴. رویکرد تربیت جنسی جامع
۵۴	۳. معرفی اسناد مورد بررسی در پژوهش
۵۴	۳-۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران
۵۵	۳-۲. سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی ج.ا.ا.
۵۵	۳-۳. سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران
۵۶	۳-۴. نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان
۵۷	۳-۵. سند «آینده تربیت جنسی» آمریکا
۵۹	۳-۶. سند «راهنمای فنی بین المللی تربیت جنسی» یونسکو

## فصل سوم: تبیین و بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی براساس اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش

### ایران

۶۲	مقدمه
۶۲	۱. تربیت جنسی در اسناد بین المللی
۶۳	۱-۱. سند «آینده تربیت جنسی» آمریکا
۶۳	۱-۱-۱. نظریات روان شناسی پشتیبان سند آمریکا
۶۵	۱-۱-۲. مفاهیم کلیدی تربیت جنسی در سند آمریکا
۶۷	۱-۱-۳. مضامین تربیت جنسی در سند آمریکا
۶۹	۱-۱-۴. معیارهای تربیت جنسی در سند آمریکا
۷۲	۱-۲. راهنمای «فنی بین المللی تربیت جنسی» یونسکو
۷۲	۱-۲-۱. پیش فرض های مرتبط با امر جنسی در سند یونسکو
۷۳	۱-۲-۲. مفاهیم کلیدی تربیت جنسی در سند یونسکو
۷۵	۱-۲-۳. مضامین تربیت جنسی در سند یونسکو
۷۹	۱-۳. تبیین مولفه های تربیت جنسی در اسناد بین المللی
۷۹	۱-۳-۱. چند بعدی بودن امر جنسی
۸۱	۱-۳-۲. دانش جنسی
۸۴	۱-۳-۳. حساسیت جنسی
۸۵	۱-۳-۴. تقویت تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی
۸۹	۱-۳-۵. تقویت قابلیت گفتگو



- ۶-۳-۱. تقویت قدرت تصمیم‌گیری ..... ۹۰
- ۷-۳-۱. تقویت استقلال از دیگران (مهارت نه گفتن) ..... ۹۲
- ۸-۳-۱. تقویت مدیریت خود ..... ۹۳
- ۹-۳-۱. ارائه و ارزیابی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی ناظر به امر جنسی ..... ۹۶
- ۱۰-۳-۱. احترام به خود و دیگران ..... ۹۸
- ۱۱-۳-۱. تقویت مسئولیت‌پذیری ..... ۱۰۰
۲. تربیت جنسی در اسناد آموزش و پرورش ایران ..... ۱۰۳
- ۱-۲. معرفی اسناد آموزش و پرورش ایران ..... ۱۰۳
- ۱-۱-۲. پرداخت سند «مبانی نظری تحول بنیادین» به تربیت جنسی ..... ۱۰۳
- ۲-۱-۲. پرداخت سند «تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران» به تربیت جنسی ..... ۱۰۶
- ۲-۱-۳. پرداخت سند «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» به تربیت جنسی ..... ۱۰۷
- ۲-۱-۴. پرداخت «نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان» به تربیت جنسی ..... ۱۰۸
- ۲-۱-۵. پرداخت پروتکل «پیشگیری از رفتار مخاطره‌آمیز در نوجوانان و جوانان؛ سنین بلوغ» به تربیت جنسی ..... ۱۰۹
- ۲-۲. واژه‌شناسی «نیاز جنسی» در اسناد آموزش و پرورش ایران ..... ۱۱۵
- ۲-۳. تبیین مولفه‌های تربیت جنسی براساس اسناد آموزش و پرورش ایران ..... ۱۱۶
- ۱-۳-۲. حفظ کرامت نفس ..... ۱۱۶
- ۲-۳-۲. مهار و کنترل خویشتن ..... ۱۱۸
- ۲-۳-۳. دانش جسمی و جنسیتی ..... ۱۲۱
- ۲-۳-۴. توجه به ملاحظات فرهنگی و تاکید بر نظام معیار اسلامی ..... ۱۲۴
- ۱-۳-۴-۱. ازدواج در نظام معیار اسلامی ..... ۱۲۵
- ۲-۳-۵. تقویت مهارت تصمیم‌گیری ..... ۱۲۷
- ۲-۳-۶. تقویت مسئولیت‌پذیری ..... ۱۲۸
۳. بررسی تطبیقی مولفه‌های تربیت جنسی در اسناد بین‌المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران ..... ۱۲۹
- ۱-۳-۱. مولفه‌های غائب در اسناد آموزش و پرورش ایران ..... ۱۲۹
- ۱-۳-۱-۱. چند بعدی بودن امر جنسی ..... ۱۲۹
- ۱-۳-۱-۲. حساسیت جنسی ..... ۱۳۰
- ۳-۱-۳. تقویت تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی ..... ۱۳۰
- ۳-۱-۴. تقویت قابلیت گفتگو ..... ۱۳۱
- ۳-۱-۵. تقویت استقلال از دیگران ..... ۱۳۲
- ۲-۳-۱. مولفه‌های مشترک با قوت کمتر در اسناد ایران ..... ۱۳۲
- ۳-۳-۱. دانش جنسی / دانش جسمی و جنسیتی ..... ۱۳۲
- ۳-۳-۲. ارائه و ارزیابی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی ناظر به امر جنسی / توجه به ملاحظات فرهنگی و تاکید بر نظام معیار اسلامی ..... ۱۳۳
- ۳-۳-۳. تقویت قدرت تصمیم‌گیری / تقویت مهارت تصمیم‌گیری ..... ۱۳۳
- ۳-۳-۴. تقویت مسئولیت‌پذیری ..... ۱۳۴
- ۳-۳. مولفه‌های با مبنای متفاوت در اسناد بین‌المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران ..... ۱۳۴
- ۳-۴-۱. احترام به خود و دیگران / حفظ کرامت نفس ..... ۱۳۴
- ۳-۴-۲. تقویت مدیریت خود / مهار و کنترل خویشتن ..... ۱۳۵

## فصل چهارم: تبیین و بررسی تطبیقی مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش

### ایران در تربیت جنسی

مقدمه	۱۴۰
۱. مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی در تربیت جنسی	۱۴۰
۱-۱. ذو ابعاد بودن وجود انسان	۱۴۱
۱-۲. به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان نیاز انسانی	۱۴۳
۱-۳. به رسمیت شناختن لذت جنسی	۱۴۳
۱-۴. به رسمیت شناختن مفهوم «تفاوت» در ارتباط با امر جنسی	۱۴۴
۱-۵. ارزش ذاتی انسان	۱۴۵
۱-۶. به رسمیت شناختن توانایی اندیشه ورزی در انسان	۱۴۷
۱-۷. اراده و اختیار	۱۴۹
۱-۸. تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر	۱۵۱
۲. مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی	۱۵۳
۲-۱. به رسمیت شناختن نیاز جنسی	۱۵۳
۲-۲. به رسمیت شناختن تفاوت ظرفیت های جنسیتی	۱۵۵
۲-۳. کرامت	۱۵۶
۲-۴. اراده و اختیار	۱۵۷
۲-۵. تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر	۱۵۸
۳. بررسی تطبیقی مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران	۱۶۰
۳-۱. به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان نیاز انسانی / به رسمیت شناختن نیاز جنسی	۱۶۰
۳-۲. به رسمیت شناختن مفهوم «تفاوت» در ارتباط با امر جنسی / به رسمیت شناختن تفاوت ظرفیت های جنسیتی	۱۶۱
۳-۳. ارزش ذاتی انسان / کرامت	۱۶۲
۳-۴. اراده و اختیار	۱۶۳
۳-۵. تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر	۱۶۴
۳-۶. سایر مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی	۱۶۴
۳-۶-۱. ذو ابعاد بودن وجود انسان	۱۶۴
۳-۶-۲. به رسمیت شناختن لذت جنسی	۱۶۴
۳-۶-۳. به رسمیت شناختن توانایی اندیشه ورزی در انسان	۱۶۵

### فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهاد های پژوهش

مقدمه	۱۶۸
۱. پاسخ به پرسش های پژوهش	۱۶۹
۲. پیشنهاد های پژوهشی	۱۷۳

### فهرست منابع

۱. منابع فارسی	۱۷۶
۲. منابع انگلیسی	۱۸۵

## فهرست جداول

- جدول ۱-۲: نگاهی به مبانی نظری اسلامی در تربیت (جنسی)..... ۳۷
- جدول ۲-۲: رویکردهای تربیت جنسی براساس گزارش جونز..... ۴۴
- جدول ۳-۲: برنامه های تربیت جنسی مطرح در جهان..... ۵۳
- جدول ۱-۳: سند تربیت جنسی آمریکا در یک نگاه..... ۷۱
- جدول ۲-۳: سند یونسکو در یک نگاه..... ۷۸
- جدول ۳-۳: مولفه های تفکر انتقادی..... ۸۸
- جدول ۴-۳: نقاط ورود اسناد آموزش و پرورش ایران در حوزه تربیت جنسی..... ۱۱۴
- جدول ۵-۳: مولفه های تربیت جنسی در اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران..... ۱۲۹
- جدول ۶-۳: بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی بر اساس اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران..... ۱۳۸
- جدول ۱-۴: مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران..... ۱۶۰
- جدول ۲-۴: بررسی تطبیقی مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران..... ۱۶۶

فصل نخست

## کلیات پژوهش

## ۱. بیان مساله

تلاش انسان برای یافتن بهترین شیوه زیستن و جستجوی مطلوب ترین راه پاسخگویی به نیازهایش، موجب شکل گیری نظام ها و مکاتب فکری متعدد گردیده است. در این میان، «حیات طیبه»، تصویر ارائه شده در نظام معیار اسلامی برای این وضعیت است. حیات طیبه وضعیت مطلوب زندگی بشر است که صرفاً جنبه اخروی نداشته و با سامان یافتن زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب آن بر اساس نظام معیار اسلامی تحقق می یابد (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹). از این رو برای داشتن زندگی خوب، باید تمام ابعاد وجودی انسان مورد توجه و تربیت قرار گیرد. از جمله ابعاد وجود انسان، غریزه جنسی است (زنداونیان، احمد؛ شمشادی، صادق، ۱۳۸۹) که از دیدگاه تمام روان شناسان و زیست شناسان جزء غریزه های فیزیولوژیک و ثانویه<sup>۱</sup> انسان به شمار می رود (فقیهی، ۱۳۹۱) و می تواند تحولات اساسی در زندگی انسان ایجاد کند (ابراهیمی هرستانی، مهram و لیاقتدار، ۱۳۹۴)؛ به طوری که پاسخگویی به این نیاز از مراتب مقدماتی تحقق حیات طیبه و حکم هر عقل سلیمی معرفی می شود (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰). بنابراین باید گفت: غریزه جنسی امر مقدری است که خداوند آن را در وجود انسان قرار داده است تا به وسیله تربیت درست آن، زندگی انسان روی خط متعادلی قرار گیرد (خنیفر، ۱۳۸۱).

علیرغم تاکید بر اهمیت و ضرورت تربیت جنسی از سوی متخصصان و پژوهشگران امر، به ویژه در عصر حاضر با توجه به ویژگی های خاص آن، با نوعی غفلت و سرگردانی در زمینه تربیت جنسی در کشور رو به رو هستیم؛ تکرار حوادثی مانند آزار جنسی و قتل ستایش، آتنا و اهورا، گزارش های پژوهشگران مبنی بر ناتوانی خانواده ها در زمینه تربیت جنسی فرزندان، ضعف آگاهی و عملکرد دانش آموزان دختر در مورد بلوغ و رعایت نکات بهداشتی (امینی، تمنایی فر و پاشایی، ۱۳۹۰)، سرگردانی و بعضاً برخورد غلط مربیان بهداشت در زمینه مسائل جنسی دانش آموزان (ابوالقاسمی، مرقانی خویی تقدیسی، ۱۳۸۹)، اعلام آمار ۵۴/۲ درصدی از ارتباط دوستی دختران و پسران ۱۶-۱۹ ساله با دست کم یک جنس مخالف از دبیرستان های منطقه ۵ تهران (فقیهی، شکوهی یکتا و پزند، ۱۳۸۷)، بالارفتن آمار مصادیق آسیب ها و ناهنجاری های جنسی مانند کاهش روزافزون حیای عمومی و رقیق شدن حریم های اخلاقی در تعاملات اجتماعی به ویژه میان قشر نوجوان و جوان، ضعف خویشتن داری در برابر تکانه ها و تحریکات جنسی (شرف الدین، ۱۳۹۳) از نشانه های این غفلت و بی توجهی است.

با این وجود، مراجعه به اسناد کشور نقاط ورودی برای بحث و بررسی در زمینه تربیت جنسی به ما می دهد. تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش ایران به عنوان یکی از عوامل اساسی محقق کننده آرمان های انقلاب اسلامی، دغدغه دائمی رهبران و مسئولان نظام از آغاز انقلاب اسلامی ایران بوده است به طوری که در سخنان ایشان همواره به تغییر و تحول «بنیادین» آموزش و پرورش اشاره شده است.

تلاش برای چنین تحولی با تشکیل شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش آغاز گردید. فعالیت این شورا در سال ۱۳۶۴ شروع و در نهایت در سال ۱۳۶۷، طرح پیشنهادی کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری

<sup>۱</sup> غریزه جنسی پس از گرسنگی و تشنگی که جزء نیازهای فیزیولوژیک اولیه هستند، از نیازهای فیزیولوژیک ثانویه به شمار می رود؛ زیرا عدم ارضاء گرسنگی و تشنگی حیات انسان را در معرض خطر قرار می دهد، اما کارکرد مهم غریزه جنسی مبتنی بر بقاء نوع است نه بقای فرد (رضازاده شیراز، ۱۳۶۹).

اسلامی ایران ارائه گردید. در این سند، انسان موجودی مرکب از جسم و روح معرفی شده است که هر کدام از آن‌ها دارای قوا و استعدادهایی است که برای تعالی انسان باید به طور متوازن و بر اساس تعالیم دینی به فعلیت برسند. میان جسم و روح، حقیقت وجود انسان، روح او و بدن ابزار آن شمرده می‌شود، به همین دلیل بدن و بعد زیستی انسان مورد توجه قرار می‌گیرد، اما این سند از بعد جنسی انسان نام نمی‌برد. تنها موضوع مرتبط با تربیت جنسی که در این سند مورد توجه قرار گرفته، توجه به اقتضات دوران بلوغ است. نمود این امر در اصل هفدهم در بخش «اصول حاکم بر نظام آموزش و پرورش» قابل مشاهده است. این اصل از رعایت مقتضیات دوران بلوغ سخن می‌گوید، به گونه‌ای که دانش آموزان قبل از بلوغ باید تعالیم دینی و آموزش‌های لازم را دریافت کنند. چنانچه می‌بینیم این سند اشاره مستقیمی مبنی بر به رسمیت شناختن بعد جنسی و تربیت جنسی ندارد.

پس از این سند، در جریان تحقق تغییر بنیادین در آموزش و پرورش کشور، در سال ۱۳۹۰، دو سند مهم به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید، سند نخست، «سند مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران» که باید «مبنای تمام سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تولید اسناد تحولی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد» (سند مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۱۰)، سند دوم، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» به عنوان قانون اساسی و نقشه راه برای تحولات همه‌جانبه و دراز مدت نظام آموزش و پرورش کشور است.

سند مبانی نظری تحول بنیادین به طور جامع و آن‌گونه که به سایر جنبه‌های تربیت پرداخته، به بحث تربیت جنسی ورود نکرده است، اما بر خلاف سند سال ۶۷، امر جنسی و تربیت جنسی را به رسمیت شناخته و خط مشی اصلی خود را در این حوزه مشخص کرده است. چنانچه ذیل مبنای ۱۱ انسان‌شناسی مبانی نظری سند تحول بنیادین، امر جنسی ذیل مفهوم «شهوت» به رسمیت شناخته شده است و در مبنای ۱۸ همین بخش، از هویت جنسی انسان در کنار هویت جنسیتی او نام برده می‌شود. بنابراین هر چند این سند به تفصیل به تربیت جنسی نپرداخته است اما باب گفت و گو حول بعد جنسی انسان را گشوده است و از تربیت جنسی در قلمرو ساحت تربیت زیستی و بدنی سخن می‌گوید. این سند رویکرد خود را در هدایت بعد جنسی، خویشتن‌داری و مهار غرایز طبیعی، بهره‌مندی متعادل و به دور از افراط و تفریط از تمایلات طبیعی و به طور هماهنگ با فطرت عنوان می‌نماید. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش اشاره مستقیمی به حوزه تربیت جنسی ندارد؛ تنها اشارات غیرمستقیم این سند، ذکر حیا و پاکدامنی به عنوان دو ویژگی انسان تربیت یافته ذیل هدف‌های کلان و رعایت اقتضات دوران بلوغ ذیل هدف عملیاتی ۱۶ است.

در ادامه تلاش برای تحول نظام آموزش و پرورش، در سال ۱۳۹۱ «سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» به عنوان نقشه جامع یادگیری کشور (پیش‌گفتار برنامه درسی ملی، ص ۳) به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید. در این سند نیز اشاره مستقیمی به تربیت جنسی وجود ندارد، اما می‌توان اشاراتی از توجه این سند به حوزه تربیت جنسی یافت. ذکر حیا و عفت به عنوان ارزش‌های مرتبط با خود، بهداشت بلوغ و سلامت نوجوانی از موارد تحت شمول حوزه سلامت و تربیت بدنی از اشارات این سند در حوزه تربیت جنسی است.

در سال های اخیر، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور با همکاری دیگر نهاد های مربوط از جمله آموزش و پرورش اقداماتی در زمینه سلامت جنسی نوجوانان و جوانان انجام داده است. یکی از این اقدامات تهیه پیش نویس «نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان» در ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی در سال ۱۳۹۰ توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری نهادهای مربوط در استان اصفهان و نهایی شدن آن در سال ۱۳۹۱ است. این سند از رفتارهای جنسی غیرایمن به عنوان یکی از هفت رفتار مخاطره آمیز برای نوجوانان و جوانان یاد کرده است. گر چه در تدوین این پروتکل، عنوان آن به «پیشگیری از رفتارهای مخاطره آمیز در نوجوانان و جوانان؛ سنین بلوغ» تغییر می یابد.

در سال ۱۳۹۳ سندی موسوم به «سند سلامت جوانان» از سوی وزارت بهداشت برای تامین، حفظ و ارتقاء سلامت جوانان تدوین شد. در این سند یکی از هشت بسته راهبردی ارائه شده در زمینه سلامت جوانان، به «سلامت جنسی و بهداشت باروری» (بسته راهبردی هفتم) اختصاص دارد. لازم به ذکر است عنوان این بسته راهبردی پس از نهایی شدن در تیر ماه ۱۳۹۴ به «بهداشت باروری» تغییر کرده است. علاوه بر این اسناد، برنامه خودمراقبتی با نام «زندگی عاری از اچ.آی.وی/ایدز» با همکاری دفتر آموزش و ارتقای سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دفتر سلامت و تندرستی وزارت آموزش و پرورش تدوین و با همکاری صندوق جهانی مبارزه با ایدز سازمان ملل متحد به نقل از ضیاءالدینی، رئیس دفتر سلامت وزارت آموزش و پرورش در مدارس ۱۲ استان کشور در حال اجرا است (پایگاه خبری تابناک، آذر ۱۳۹۳).

در مجموع باید گفت اسناد تحولی کشور اشاراتی در حوزه تربیت جنسی دارند، اما این اشارات برطرف کننده ضرورت ها و مسائل و مشکلات موجود در کشور نمی باشد. از این رو نیاز است ضمن بهره گیری از این اشارات و با در نظر گرفتن واقعیت ها، تربیت جنسی را به طور جدی مورد بررسی قرار دهیم. از سوی دیگر، رویکرد اسناد مرتبط با تربیت جنسی، مقابله با آسیب های موجود در زمینه مسائل جنسی است تا تعیین خط مشی های اصلی در باب تربیت جنسی، بنابراین ضرورت امر، در خصوص تبیین سندی ویژه تربیت جنسی دانش آموزان پابرجاست؛ از این رو باید در گام نخست، با توجه به اسناد مذکور و پژوهش های موجود، به تعریف مفهوم تربیت جنسی و تبیین مولفه های مقوم آن پرداخت. هم چنین، با توجه به اینکه ما در ابتدای راه تبیین تربیت جنسی و ساماندهی این حوزه از تربیت هستیم، استفاده از تجربه سایر کشورها ضروری به نظر می رسد.

در زمینه راهبردهای جامع تربیت جنسی در جهان، اسنادی وجود دارند که با توجه به موضوع پژوهش ما، قابل توجه هستند. در زمینه تربیت جنسی، دو رویکرد «تربیت جنسی مبتنی بر پرهیز» و «تربیت جنسی جامع» وجود دارد. امروزه در کشورهای غربی و حتی برخی کشورهای اسلامی نظیر مالزی، رویکرد موجود در زمینه تربیت جنسی، تربیت جنسی جامع است. بنابراین راهبردهای موجود در یک ویژگی مشترک هستند و آن ابتدا بر رویکرد تربیت جنسی جامع است.

در پژوهش حاضر از میان اسناد و راهبردهای موجود در کشورهای مختلف، دو سند انتخاب شده است: اول، سند تربیت جنسی آمریکا؛ به عنوان یکی از کشورهایی که زمینه ی بررسی و تجربه طولانی در



حوزه تربیت جنسی<sup>۱</sup> را دارد. این کشور دارای استانداردهای ملی تربیت جنسی<sup>۲</sup> است، که در دسامبر ۲۰۰۸ با برگزاری یک همایش دو روزه با حضور چهل نفر از متخصصان حوزه های آموزش سلامت، تربیت جنسی، سلامت عمومی، سیاست گذاری عمومی و ... تدوین شده است. این سند به نام «آینده تربیت جنسی<sup>۳</sup>» است که در آن دوازده سال آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. پس از این سند در سال ۲۰۱۲، آمریکا بر اساس این استانداردها، اقدام به تدوین سند برنامه درسی سلامت جنسی<sup>۴</sup> نموده است. انتخاب این سند از حیث جامعیت آن و در برگرفتن دوازده سال تحصیلی از پیش دبستانی تا پایه دوازدهم و در مرحله بعد تدوین سند برنامه درسی جنسی در آمریکا بر اساس آن است که می تواند در نشان دادن فرآیند کار برای ما الهام بخشی داشته باشد.

دوم، سند تربیت جنسی جامع یونسکو<sup>۵</sup> (۲۰۰۹)؛ این سند با توجه به ۸۷ پژوهش از سراسر جهان و یک همکاری فنی جهانی با حضور متخصصانی از ۱۳ کشور در سال ۲۰۰۹ با همکاری برنامه ایدز سازمان ملل<sup>۶</sup>، صندوق جمعیت ملل متحد<sup>۷</sup>، یونیسف<sup>۸</sup> و سازمان جهانی بهداشت<sup>۹</sup> به عنوان اولین راهنمای جهانی تربیت جنسی<sup>۱۰</sup> و در دو جلد منتشر شد. جلد اول این سند بر منطق تربیت جنسی و جلد دوم بر ارائه مفاهیم و موضوعات کلیدی، همراه با اهداف یادگیری و ایده های کلیدی برای چهار گروه سنی متمایز متمرکز شده است (۵-۸ سال، ۹-۱۲ سال، ۱۳-۱۵ سال، بالای ۱۸ سال-۱۵). انتخاب این سند نیز از حیث جامعیت آن و توجه به ابعاد مختلف در زمینه تربیت جنسی است. در مورد کشورهای دیگر علیرغم علم به وجود راهبردها یا اسنادی در زمینه تربیت جنسی، این اسناد یا از جامعیت کافی برخوردار نبودند، یا غیرقابل دسترس بودند.

با توجه به مجموع آنچه بیان شد، در این پژوهش، با توجه به اهمیت تربیت جنسی به عنوان یکی از ابعاد وجودی انسان و ضرورت مضاعف پرداختن به آن در عصر حاضر با توجه به گسترش و توسعه فناوری اطلاعات و سهولت دسترسی به اطلاعات نامعتبر، تلاش می گردد در پرسش نخست پژوهش، مولفه های مفهوم تربیت جنسی و مبانی شناختی پشتیبان اسناد بین المللی منتخب تبیین گردد. در پرسش دوم با توجه به اسناد آموزش و پرورش، مولفه های تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد ایران تبیین می گردد. در نهایت این دو دسته مولفه و مبانی در سوال سوم پژوهش مورد بررسی تطبیقی قرار می گیرند تا ضمن مشخص شدن نقاط خالی اسناد داخلی، روشن شود این اسناد چه دستاوردهایی در تربیت جنسی برای ما دارد.

<sup>1</sup> Sexual Education

<sup>2</sup> National Sexuality Education Standards

<sup>3</sup> Future of Sex Education: FoSE

<sup>4</sup> Sexual Health Curriculum

<sup>5</sup> CSE: *Comprehensive Sexuality Education*

<sup>6</sup> UNAIDS: *United Nations Programme on HIV/AIDS*

<sup>7</sup> UNFPA: *United Nations Population Fund*

<sup>8</sup> UNICEF: *United Nations International Children's Emergency Fund*

<sup>9</sup> WHO: *World Health Organization*

<sup>10</sup> International Technical Guidance on Sexuality Education

## ۲. ضرورت مساله

دو دلیل اصلی برای ضرورت پرداختن به مساله تربیت جنسی می توان ذکر نمود:

### ۱-۲. اهمیت و ضرورت عملی مساله

هر چند میل جنسی، غریزی و به بیان مازلو از نیازهای حیاتی و ذاتی انسان تلقی می شود اما تحت تاثیر عوامل محیطی می تواند از سیر طبیعی خود خارج شده (فقیهی، شکوهی یکتا و پرند، پاییز و زمستان ۱۳۸۷) و زمینه ساز ایجاد مشکلات و انحراف های رفتاری برای انسان شود (امینی، تمنایی فر و پاشایی، ۱۳۹۰). امروزه با توجه به افزایش محرک های جنسی، وجود و شیوع انواع رسانه ها، دسترسی سریع و آسان به اینترنت و اطلاعات انحرافی، لزوم اطلاع رسانی صحیح (هرستانی، مهram و لیاقتدار، ۱۳۹۴) و فراتر از آن، تربیت صحیح جنسی به گونه ای مضاعف احساس می شود. پژوهش ها و آمارهای داخلی موجود در این زمینه مبین و موید این مطلب است.

کلانتری و همکاران وی (۱۳۹۲) در پژوهش خود از پایین بودن سطح اطلاعات دختران درباره بلوغ و نگرش و رفتارهای بهداشتی نسبت به حد انتظار و نگران کننده تر بودن وضعیت پسران در مورد کسب اطلاعات در مورد بلوغ و مسائل آن نسبت به دختران و کسب اطلاعات از طریق محیط و دوستان در سال های بالاتر گزارش می کنند. در پژوهشی دیگر، گلزاری (۱۳۸۴)، آمار ۷۰-۳۰ درصدی ارتباط صمیمانه و قرار عاشقانه با جنس مخالف در جامعه آماری ۸۰۰۰ نفر از دانش آموزان دبیرستانی قم، تهران و گچساران و ۱۳۰۰ نفر دختر ساکن خوابگاه در تهران را ارائه می کند. در پژوهش رشید (۱۳۹۱) نیز، برقراری رابطه جنسی با میل خود سومین رفتار پر خطر در میان نوجوانان ۱۸-۱۵ ساله شهر تهران بوده است (۳۳/۹٪ در پسران و ۲۷٪ در میان دختران). هم چنین طبق آمار ارائه شده از سوی مرکز ملی پیشگیری از ایدز ایران در سال ۱۳۹۵، رابطه جنسی دومین<sup>۱</sup> راه انتقال اچ.آی.وی در سال ۱۳۹۵ (سایت مرکز ملی پیشگیری از ایدز ایران) و ۱۳۹۶ (به نقل از افسر کازرونی؛ رئیس اداره بهداشت، مرداد ۱۳۹۶) است. از سوی دیگر حوادثی نظیر قتل و آزار جنسی ستایش (۱۳۹۵) و آتنا (۱۳۹۶) شواهد ضرورت توجه به موضوع تربیت جنسی هستند.

توجه به هر کدام از شواهد ارائه شده، ضمن در نظر گرفتن عدم ارائه اطلاعات معتبر و مهارت های لازم به نوجوانان و جوانان توسط والدین و مدرسه، از سوی دیگر دسترسی بسیار آسان به کانال های ارتباطی نامعتبر و نامتناسب با دین و فرهنگ ما، از ضرورت و اهمیت مضاعف پرداختن به تربیت جنسی حکایت می کند.

<sup>۱</sup> لازم به ذکر است در برخی گزارش ها، رابطه جنسی اولین راه انتقال ویروس اچ.آی.وی معرفی شده است (سلامت نیوز). هم چنین حاج عبدالباقی رییس بخش عفونی بیمارستان امام خمینی در گفت و گو با خبرگزاری فارس گفته است که بیش از یک سوم حاملان جدید ویروس ایدز در ایران از طریق رابطه جنسی حامل این ویروس شده اند.

## ۲-۲. اهمیت و ضرورت نظری مساله

به نظر می‌رسد یکی از دلایل بی‌توجهی و سرگردانی در ارائه آگاهی‌های لازم در زمینه مسائل جنسی به دانش‌آموزان، روشن نبودن مسیر راه، تعاریف و راهبردهای مرتبط با مسائل جنسی برای والدین و مربیان است. بنابراین علاوه بر اقدامات علمی لازم، گام نخست برای حرکت صحیح در مسیر تربیت جنسی، پر کردن خلا نظری موجود؛ یعنی تبیین و تعریف مفهوم تربیت جنسی و سپس مولفه‌ها و ابعاد آن و در مرحله بعد تبیین راهبردهای عملی متناسب با مبانی فلسفی اسلامی و تدوین سندی در زمینه تربیت جنسی است. از این رو، پژوهش حاضر در تلاش است تا با توجه به روزه‌ها و نقاط ورود اسناد و منابع داخلی و استفاده از تجربیات خارجی، به تبیین و بررسی تطبیقی مولفه‌های تربیت جنسی و مبانی انسان‌شناختی پشتیبان آن در اسناد بین‌المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران بپردازد.

## ۳. مبانی نظری

مبانی نظری در این پژوهش، نظر به اینکه بنیاد تربیت جنسی و ابعاد آن تبیین شود، در وهله اول، مبانی نظری اسلامی یعنی مجموعه آراء و نظرات اندیشمندان و متخصصان مسلمان در زمینه تربیت جنسی برای تبیین این مفهوم است، از سوی دیگر با توجه به اینکه از دو سند تربیت جنسی مربوط به آمریکا و یونسکو در این زمینه استفاده می‌شود، رویکردهای مطرح در زمینه تربیت جنسی در جهان در اینجا مطرح می‌شوند.

### ۳-۱-۳. نگاهی به مبانی اسلامی تربیت جنسی

مبانی<sup>۱</sup> موجود<sup>۲</sup> در زمینه تربیت جنسی را می‌توان در دو دسته کلی قرار داد: دسته اول، مبانی که نیاز جنسی را به رسمیت می‌شناسد و دسته دوم، مبانی که از کنترل و هدایت نیاز جنسی حکایت می‌کند. لازم به ذکر است، برخی از مبانی در هر دسته قرار می‌گیرند.

#### ۳-۱-۱. مبانی ناظر به رسمیت شناختن نیاز جنسی

دسته اول از مبانی ناظر به تربیت جنسی، مبتنی بر به رسمیت شناختن نیاز جنسی است، به عنوان نمونه مبنای نیازمندی، که نیاز جنسی را به عنوان یک نیاز طبیعی انسان که باید به آن پاسخ صحیح داده شود، معرفی می‌کند. مبنای تفاوت ظرفیت‌های جنسی در زن و مرد و توجه به آن در تربیت جنسی، مبنای وجود مراحل مختلف رشد و تطور در آدمی و مبنای حب ذاتی انسان نسبت به جنس مخالف از دیگر مبانی ناظر به رسمیت شناختن نیاز جنسی هستند.

#### ۳-۱-۲. مبانی مبتنی بر کنترل نیاز جنسی

<sup>۱</sup> منظور از مبانی، هست‌ها یا گزاره توصیفی است (طاهرپور، شرفی، باقری و مسعودی، ۱۳۹۲) که در این جا بیان‌کننده دیدگاه اسلام درباره تربیت جنسی است و مبنای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در این باب قرار می‌گیرد.

<sup>۲</sup> عناوین مبانی مذکور، برگرفته از پژوهشی است که رهنما، علیین و محمدی (۱۳۸۸) در زمینه مبانی ناظر به تربیت جنسی با تحلیل اسنادی کلیه متون اسلامی انجام داده‌اند.

دسته دوم از مبانی ناظر به تربیت جنسی، به کنترل و هدایت نیاز جنسی و کیفیت این امر اشاره می کند. به عنوان نمونه مبانی تاثیر شرایط بر انسان، به اثر گذاری شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی قبل و بعد از تولد در امر تربیت جنسی با توجه به اتحاد نفس و بدن و ارتباط انسان با سایر انسان ها در جامعه اشاره می کند (باقری، ۱۳۹۱). مبانی تاثیر شرایط بر انسان، تاثیر انسان بر شرایط، اندیشه ورزی و مبانی وجود مراحل مختلف رشد و تطور در آدمی از دیگر مبانی ناظر بر هدایت نیاز جنسی است.

## ۳-۲. نگاهی فلسفی به رویکردهای مطرح جهانی در تربیت جنسی

امروزه در زمینه تربیت جنسی، دو رویکرد اصلی وجود دارد و به نظر می رسد دغدغه اصلی هر دو رویکرد، مساله فراگیر شدن فساد جنسی و جلوگیری از آن است (متقی فر، ۱۳۸۳). در این بخش دو رویکرد موجود در زمینه تربیت جنسی آمده است.

### ۳-۲-۱. رویکرد تربیت جنسی مبتنی بر پرهیز<sup>۱</sup>

این رویکرد، تنها به آموزش پرهیز در ارتباط با امر جنسی پرداخته و هیچ گونه اطلاعاتی در مورد وسایل پیشگیری از بارداری یا روش های رابطه جنسی ایمن آموزش نمی دهد (وب سایت و مجله آمریکایی «سکس و غیره<sup>۲</sup>»): این رویکرد مبتنی بر وجود ارزش های اخلاقی بنیادینی<sup>۳</sup> چون احترام به خود و دیگران، مسئولیت پذیری، خود انضباطی، خودکنترلی، درستی و راستی، صداقت، انصاف، مهربانی و ... است که به اعتقاد این رویکرد، کم و بیش عمومی هستند و باید رعایت شوند (الجیری<sup>۴</sup>، کالینز<sup>۵</sup>، مورین<sup>۶</sup> و سامرز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲). یک برنامه آموزش جنسی مطلوب از نظر رویکرد تربیت جنسی پرهیزمدارانه شامل این موارد است. (هشت مورد اول عناصر تعریف فدرال رویکرد خویشتن داری در آمریکا هستند):

- ۱- هدف منحصر به فرد آن، آموزش دستاوردهای اجتماعی، روحی و سلامتی است که در پی نداشتن رابطه جنسی تحقق می یابد.
- ۲- پرهیز از رابطه جنسی خارج از ازدواج را به عنوان استاندارد مورد انتظار برای تمام کودکان مدرسه ای آموزش می دهد.
- ۳- این رویکرد آموزش می دهد که پرهیز از فعالیت جنسی تنها راه مطمئن برای جلوگیری از بارداری های خارج از چارچوب ازدواج، بیماری های مقاربتی و سایر مشکلات مربوط به سلامت است.
- ۴- می آموزد که یک رابطه متقابل وفادارانه به شریک منحصر به فرد آن در بستر ازدواج، استاندارد مورد انتظار برای فعالیت جنسی انسان است.
- ۵- می آموزد که رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج به احتمال زیاد اثرات جسمی و روحی مضر دارد.

<sup>1</sup> AOE :abstinence only education

<sup>2</sup> Sex, Etc

<sup>3</sup> core ethical values

<sup>4</sup> Alagiri, P

<sup>5</sup> Collins, C

<sup>6</sup> Morin, S

<sup>7</sup> Summers, T

- ۶- می آموزد که فرزندآوری در خارج از چارچوب ازدواج به احتمال زیاد نتایج زیان آوری برای کودک، والدین کودک و جامعه دارد.
- ۷- می آموزد که جوانان چگونه پیش روی جنسی را رد کنند و اینکه چگونه افزایش استفاده از الکل و مواد مخدر می تواند موجب آسیب پذیری در پیشرفت جنسی آنان شود.
- ۸- اهمیت دست یابی به کف نفس<sup>۱</sup> را قبل از مشارکت و مشغولیت در فعالیت جنسی آموزش (کیف، ۲۰۰۷).
- ۹- رویکرد پرهیز، بزرگسالان را مسئول هدایت نوجوانان و دور کردن آنها از سبک های زندگی نامن و مضر می دانند؛ از این رو مرجع تعیین محتوای مربوط به مسائل جنسی هنگام اختلاف نظر میان پدر و مادر و فرزندان، در این رویکرد والدین است (الجیری، کالینز، مورین و سامرز، ۲۰۰۲).

## ۲-۲-۳. رویکرد تربیت جنسی جامع<sup>۲</sup>

شورای آموزش اطلاعات جنسی ایالات متحده<sup>۴</sup> برنامه تربیت جنسی جامع را این گونه تعریف می کند: «احترام به تفاوت و تنوع ارزش ها و باورهای مطرح در جامعه و تکمیل و تقویت آموزش های جنسی که بچه ها از خانواده ها دریافت می کنند» (همان، ۲۰۰۲). تربیت جنسی جامع یک دیدگاه کل گرایانه نسبت به جنسیت و رفتارهای جنسی است که متناسب با سن و مبتنی بر برنامه درسی با هدف تجهیز بچه ها و جوانان به دانش، مهارت ها، نگرش ها و ارزش ها با توجه به ظرفیت های در حال توسعه آنها به آموزش می پردازد، تا آنها را در ایجاد و پرورش نگرش مثبت به تمایلات جنسی شان توانا سازد. «جامع» در اینجا به معنای چیزهای مختلف برای افراد مختلف است (سایت صندوق جمعیت ملل متحد<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵).

این رویکرد، ضمن اتخاذ نگاهی مثبتی به تمایلات جنسی به عنوان بخشی طبیعی رشد انسان، اطلاعاتی درباره خویشتن داری و پیشگیری از بارداری و بیماری ها ارائه می کند، هم چنین نوجوانان را به مهارت هایی تجهیز می کند تا اطمینان پیدا کنند که می توانند از سلامت جنسی خود به وسیله تصمیمات سالم و مسئولانه مراقبت کنند<sup>۶</sup>. بیشتر طرفداران تربیت جنسی جامع استدلال می کنند که آموزش جنسی باید خویشتن داری را تشویق کند اما باید جوانان را به اطلاعاتی در باب پیشگیری از بیماری های مقاربتی و ایدز مجهز کند. از این رو عنوان «خویشتن داری به اضافه ی آموزش جنسی<sup>۷</sup>» برنامه ریزی شد (الجیری، کالینز، مورین و سامرز، ۲۰۰۲).

هلمیک ما<sup>۸</sup> (۲۰۰۹)، در پژوهش خود، با گسترش معنای تربیت جنسی جامع، نه اصل را به عنوان اصول اساسی تربیت جنسی جامع عنوان می کند:

<sup>1</sup> self-sufficiency

<sup>2</sup> Keefe, Marilyn

<sup>3</sup> CSE: comprehensive sexuality education

<sup>4</sup> SIECUS: Sexuality Information and Education Council of the United States

<sup>5</sup> UNFPA: United Nations Population Fund

<sup>6</sup> <https://sexetc.org/sex-ed/sex-terms/>

<sup>7</sup> Abstinence – Based (Abstinence – Plus Sexuality Education)

<sup>8</sup> Helmich Ma, J

- ۱- مخاطب محوری<sup>۱</sup>: به معنای دانستن اطلاعات عمومی و کلی درباره جوانان و مهم تر از آن، گوش فرا دادن به یادگیرندگان در تمام جنبه های مربوط به آموزش جنسی از در نظر گرفتن جوانان خاص تا سیاست گذاری و طراحی درسی و ارزشیابی.
- ۲- گستردگی<sup>۲</sup>: بدین معنا که شامل چیزی فراتر از پیشگیری است و باید موضوعات زیادی را که در چهار دسته آناتومی، بیولوژی و رفتار جنسی، سلامت اجتماعی و عاطفی، سلامت و ایمنی و جامعه و فرهنگ قرار می گیرد، آموزش دهیم.
- ۳- ابتدای بر مهارت<sup>۳</sup>: تحقق اهداف تربیت جنسی مبتنی بر آموزش مهارت تفکر انتقادی، مهارت تصمیم گیری، مهارت های درون فردی، مهارت های بین فردی، تکنولوژی و مکانیک و یافتن و استفاده از منابع است.
- ۴- ارزش گذاری<sup>۴</sup>: در این زمینه باید به ارزش های مورد پذیرش عموم، استانداردهای مورد پذیرش مربوط به حقوق بشر و شان انسانی و ارزش های مورد پذیرش و احترام گروه های خاص در جامعه توجه کرد.
- ۵- ابتدای بر پژوهش و نظریه<sup>۵</sup>: اطلاعات، روش های تدریس، دروس و برنامه درسی باید مبتنی بر دانش معتبر ما در مورد نشان و تجربیات زندگی او باشد و مورد ارزیابی و پژوهش قرار گیرد.
- ۶- آموزش بلند مدت<sup>۶</sup>: به معنای ترویج یادگیری مهارت هایی است که در طول زندگی مورد استفاده قرار می گیرند؛ یعنی آموزش جنسی جامع باید مسائل جنسی را به عنوان بخشی از زندگی در نظر بگیرند.
- ۷- یکپارچگی<sup>۷</sup>: با توجه به اینکه مساله جنسی، یک فاکتور و مبحث در تمام زندگی و به عبارتی مرکز زندگی ماست، باید درباره جنسیت در سراسر رشته ها، یعنی در دوره های مربوط به فرهنگ، مذهب، قانون، عدالت، علم، سیاست، بهداشت، ادبیات و هنرهای زبان، نه فقط آموزش بهداشت یاد بگیریم.
- ۸- آموزش همکارانه<sup>۸</sup>: یعنی باید توسط والدین، خانواده ه، همسالان، سازمان های مذهبی، کلینیک ها، سازمان های خدمت رسانی جوانان و رسانه ها، و همچنین در بسیاری از عرصه های اجتماعی، از جمله مدارس و کلیساها، حمایت شود.
- ۹- تاکید بر نگاه مثبت به تمایلات و آموزش جنسی<sup>۹</sup>: به معنای تاکید بر نقاط مثبت تمایلات جنسی و نگاه مثبت در آموزش جنسی و تجلیل تمایلات جنسی، زندگی و حتی لذت است، نه فقط در سکس بلکه در روابط مان.

<sup>1</sup> Client-Centered

<sup>2</sup> broad

<sup>3</sup> skills-based

<sup>4</sup> values

<sup>5</sup> research and theory based

<sup>6</sup> long term

<sup>7</sup> integrated

<sup>8</sup> collaborative

<sup>9</sup> positive

به نظر می رسد این رویکرد ضمن به رسمیت شناختن رابطه جنسی در هر چارچوبی که انتخاب طرفین آن است، تلاش می کند آسیب های پیرامون مسائل جنسی مانند بارداری های ناخواسته، بیماری های مقاربتی و ایدز را کاهش دهد.

علت اصلی مخالفت طرفداران رویکرد تربیت جنسی بر مبنای پرهیز با رویکرد تربیت جنسی جامع، ماهیت ارزشی خنثی آموزش های جنسی جامع است؛ در حالی که آموزش های این رویکرد توانایی های اخلاقی از جمله تشخیص خوب از بد را در حوزه آموزش های جنسی به رسمیت شناخته و ترویج می کند، رویکرد تربیت جنسی جامع، بر انتخاب های فردی دانش آموزان به جای اخلاق مطلق تاکید می کند (الجیری، کالینز، مورین و سامرز، ۲۰۰۲). از این رو در حالی که رویکرد تربیت جنسی مستقیم، ارتباط جنسی را تنها با جنس مخالف و در چارچوب ازدواج تایید کرده و درست می شمارد، رویکرد تربیت جنسی جامع با اتکا به انتخاب های فردی و احترام به تفاوت ها، اقلیت های جنسی<sup>۱</sup> را به رسمیت شناخته و مورد حمایت قرار می دهد.

بخش اول ذیل مبانی نظری پژوهش بیشتر در پاسخگویی به سوال دوم و سوم پژوهش و بخش دوم این قسمت بیشتر در پاسخگویی به سوال اول پژوهش یعنی تبیین مولفه های تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان آن در اسناد بین المللی مورد استفاده قرار می گیرد.

#### ۴. اهداف پژوهش

##### ۴-۱. هدف کلی

بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی آن در اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران.

##### ۴-۲. اهداف جزئی

- ۱- تبیین مولفه های مفهوم تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان آن در اسناد بین المللی.
- ۲- تبیین مولفه های مفهوم تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان آن در اسناد آموزش و پرورش ایران.
- ۳- بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان آن در اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران.

#### ۵. پرسش های پژوهش

- ۱- مولفه های مفهوم تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی آن بر اساس اسناد بین المللی کدامند؟
- ۲- مولفه های مفهوم تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی آن بر اساس اسناد آموزش و پرورش ایران کدامند؟
- ۳- بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان آن در اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران نشان دهنده چه نتایجی است؟

<sup>1</sup> LesbianGayBisexualTransgender



## ۶. تعریف مفاهیم کلیدی

تربیت جنسی<sup>۱</sup>: «فرد در دوره های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی، به گونه ای پرورده شود و آموزش داده شود که با جنسیت خود آشنا گردد و آن را بپذیرد؛ قدردان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند؛ نقش مذکر یا مونث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد؛ و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با همجنس و جنس مخالف را فراگیرد؛ آمادگی روانی برای ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا کند؛ با مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و روابط با همسر آشنا گردد و در سایه آن، به آرامش برسد» (فقیهی، ۱۳۹۱).

**اسناد آموزش و پرورش ایران:** منظور از اسناد آموزش و پرورش ایران، سه سند زیر است:

- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش «با الهام گیری از اسناد بالادستی و بهره گیری از ارزش های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین» شده است (مقدمه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) و «به مثابه قانون اساسی برای تحولات همه جانبه و دراز مدت» آموزش و پرورش، برای بازخوانی و بازتولید تمام زیر نظام ها و مؤلفه های خرد و کلان نظام تعلیم و تربیت، مهم ترین سند نظری - تحولی کشور محسوب می شود (مقدمه سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱).
- سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران: به عنوان یکی از زیرنظام های اصلی سند تحول بنیادین و به منزله نقشه جامع یادگیری کشور (مقدمه برنامه درسی ملی)، به عنوان سند تحولی کشور در بخش مفاهیم و محتوای آموزشی مورد بررسی قرار می گیرد (مقدمه سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱).
- نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان: مجموعه ای جامع، هماهنگ و پویا از اهداف، سیاست ها، راهبردها، اقدامات، الزامات و نقش سایر بخش های توسعه در راستای حفظ و ارتقای سلامت نوجوانان و جوانان مبتنی بر ارزش های اسلامی - ایرانی با نگاهی بلند مدت به آینده برای دست یابی به اهداف چشم انداز نظام سلامت کشور در سال ۱۴۰۴ (نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان، ۱۳۹۰).

**اسناد بین المللی:** منظور از این اسناد، دو سند زیر است:

- سند تربیت جنسی آمریکا: این کشور دارای استانداردهای ملی تربیت جنسی است، که در دسامبر ۲۰۰۸ تدوین شده است. این سند به نام «آینده تربیت جنسی» است که در آن دوازده سال آموزشی مورد توجه قرار گرفته است پس از این سند در سال ۲۰۱۲، آمریکا بر اساس این استانداردها، اقدام به تدوین سند برنامه درسی سلامت جنسی نموده است (سند آینده تربیت جنسی، ۲۰۰۸).
- سند تربیت جنسی جامع یونسکو: این سند در سال ۲۰۰۹ با همکاری برنامه ایدز سازمان ملل، صندوق جمعیت ملل متحد، یونیسکو و سازمان جهانی بهداشت به عنوان اولین راهنمای

<sup>۱</sup> یکی از اهداف این پژوهش، تبیین مولفه های مفهوم تربیت جنسی است، از این رو در این بخش تعریف موسعی در نظر گرفته شده است که ممکن است در ادامه و با پیشرفت پژوهش، تعریف دیگری برای این مفهوم به دست آید.

جهانی تربیت جنسی و در دو جلد منتشر شد. جلد اول این سند بر منطق آموزش جنسی و جلد دوم بر ارائه مفاهیم و موضوعات کلیدی، همراه با اهداف یادگیری و ایده های کلیدی برای چهار گروه سنی متمایز متمرکز شده است (سند تربیت جنسی جامع یونسکو، ۲۰۰۹).

**تربیت جنسی مبتنی بر پرهیز یا مستقیم:** این رویکرد بر آموزش جوانان مبنی بر پرهیز از داشتن رابطه جنسی تا پیش از ازدواج به عنوان بهترین راهکار برای اطمینان از عدم ابتلا به ویروس ایدز، سایر بیماری های مقاربتی جنسی و بارداری ناخواسته متمرکز است (راغب<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹).

**تربیت جنسی جامع یا غیرمستقیم:** این رویکرد ضمن بیان منافع بالقوه به تاخیر انداختن فعالیت جنسی تا زمان ایجاد آمادگی احساسی و فیزیکی برای جوانان، چگونگی مراقبت از خود در برابر عفونت ها و بارداری، بعد از تصمیم به فعالیت جنسی را توضیح می دهد (راغب، ۲۰۰۹).

## ۷. روش پژوهش

در این پژوهش به اقتضای سوالات آن، از روش تحلیلی استفاده می شود. در پاسخگویی به سوال اول و دوم، پژوهشگر به دنبال آن است تا مولفه های مفهوم تربیت جنسی را بر اساس اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش مورد واکاوی قرار دهد؛ از این رو در سوال نخست، در مرحله اول برای تبیین مولفه های مفهوم تربیت جنسی از روش تحلیلی استفاده می گردد. طبق آنچه باقری، سجادیه و توسلی (۱۳۸۹) در مورد رویکرد و روش پژوهش تحلیلی بیان می کنند، روش تحلیلی به کار رفته در این سوال، در دوقطبی توصیف و نقد در سمت توصیف قرار دارد و به دنبال آن است تا شبکه مفهومی و روابط آنها با یکدیگر و به عبارتی جغرافیای منطقی این مفهوم را به دست بدهد. سپس برای تبیین مبانی انسان شناختی از روش پژوهش استنتاجی پس رونده استفاده می گردد. استفاده از روش استنتاجی از این حیث است که با در نظر گرفتن مولفه های به دست آمده از اسناد به عنوان نتایج استنتاج، به دنبال تبیین گزاره های واقع نگر ناظر به انسان در حوزه تربیت جنسی هستیم.

در سوال سوم، با توجه به پاسخ پرسش اول و دوم و مشخص شدن مولفه های مفهوم تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران، بررسی تطبیقی این مولفه ها و مبانی انسان شناختی صورت می گیرد؛ از این رو در پاسخ به این پرسش از روش تحلیل تطبیقی استفاده می شود. «در روش تحلیل تطبیقی، رویه پژوهش مبتنی بر یافتن گزاره ها، مفهوم ها و منظومه های معرفتی متناظر و مقایسه و تطبیق آنها با یکدیگر است»؛ از این رو، پس از مشخص کردن محورهای تطبیق، مقایسه آنها با یکدیگر صورت می گیرد (سجادیه، ۱۳۹۳، ص ۳۱).

## ۸. پیشینه پژوهش

در این بخش، خلاصه ای از پژوهش های صورت گرفته که به نحوی با پژوهش حاضر در ارتباط هستند و می توانند در اثنای کار یاری گر باشند، ارائه می شود. پیشینه پژوهشی از عام به خاص تدوین شده است؛ بدین صورت که ابتدا پژوهش های صورت گرفته پیرامون اسناد تحولی مورد بررسی قرار می گیرد، سپس پژوهش

<sup>1</sup> Ragab, A

هایی که به تربیت جنسی می پردازد و در قسمت آخر، پژوهش هایی که تربیت جنسی را با نظر به اسناد تحولی مورد بحث و بررسی قرار داده است.

### ۸-۱. پژوهش های معطوف به اسناد تحولی

در این قسمت، پژوهش هایی که از دریچه موضوعات مختلف، سند تحول را مورد بررسی قرار داده و از طرفی عنوان یا نتایج آن، به نحوی مرتبط با موضوع پژوهشی ماست، به عنوان پیشینه عام پژوهش آورده می شود. هم چنین ممکن است ارتباط این منابع با پژوهش ما، از جهت روش برخورد و تحلیل سند تحول باشد.

سبحانی نژاد، نجفی و نورآبادی (۱۳۹۶) در پژوهش خود، ضمن بررسی مفهوم تعالی به عنوان کانون تربیت اسلامی، جایگاه آن را در سند تحول بنیادین مورد بررسی قرار می دهند. ایشان تعالی را وضعیتی برای صعود و بالا رفتن فرد و دارای پنج بعد اعتقادی، اخلاقی، شخصی، اجتماعی و سیاسی می دانند که در صورت هماهنگی این ابعاد، زمینه رستگاری همیشگی فرد و جامعه فراهم می آید. تحلیل محتوای سند تحول بنیادین در خصوص مفهوم تعالی، نشان می دهد، این سند از میان ابعاد مفهوم تعالی بیشترین و کمترین توجه را به ترتیب به بعد سیاسی و بعد اجتماعی داشته است.

چنانچه ذکر شد، تحقق حیات طیبه به عنوان وضعیت مطلوب، مورد نظر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. مفهوم تعالی یکی از مفاهیم اسلامی مرتبط با حیات طیبه است. برخی مولفه های ذکر شده از سوی محقق برای تعالی که در سند تحول موجود هستند، بسیار مرتبط با بحث تربیت جنسی می باشند. به عنوان نمونه یکی از مولفه های ذیل بعد اخلاقی، احاطه بر نفس در تمام امور است. می دانیم یکی از مسائل هر فردی در ارتباط با بعد جنسی اوست و اینکه شخص بتواند مبتنی بر معیارهای اسلامی و انسانی و اجتماعی در صحنه اجتماع و حتی در ارتباط با شخص خودش و انسان های دیگر، حدودی را رعایت کند. رعایت این حدود متضمن تسلط و احاطه بر نفس است. یکی دیگر از مولفه ها، کرامت مداری در همه وجوه زندگی است. یکی از وجوه آدمی، وجه جنسی اوست؛ از این رو حرکت بر مدار کرامت در این وجه ضروری است و باید تصمیمات فرد در حیطه جنسی، کرامت وی را حفظ کند. از دیگر مولفه های مرتبط با بحث تربیت جنسی، خودسازی مداوم، باور به اعتدال در همه وجوه زندگی، ستایش تحمل و بردباری و تسلط بر نفس و خویشتن، آرامش طلبی مداوم ضابطه مدار در بعد شخصی تعالی است.

### ۸-۲. پژوهش های معطوف به تربیت جنسی

در این بخش، پژوهش هایی مورد توجه قرار می گیرند که به موضوع تربیت جنسی پرداخته اند و از این جهت که جوانی از تربیت جنسی را تعریف یا تحلیل کرده اند، می تواند در این پژوهش یاری گر باشند. مطلبی که ضرورت پژوهش پیش روی ما را با وجود این پژوهش ها بیان می کند، محدودیت برخی تعاریف ارائه شده از تربیت جنسی و از سوی دیگر بر جای ماندن ضرورت تبیین مولفه های مقوم مفهوم تربیت جنسی و از سوی تحلیل و بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از دریچه تربیت جنسی است

طاهرپور (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «تبیین فلسفه اخلاق جنسی در اسلام» به تبیین مبانی اخلاق جنسی می پردازد. وی اخلاق جنسی را «قواعد و هنجارهای تعیین کننده رفتار جنسی مورد پذیرش جامعه در زمان معین» (ص ۸) تعریف می کند، به گونه ای که عدم رعایت این هنجارها، غیراخلاقی تلقی می شود. منظور از مبانی، ویژگی های هستی شناسی، انسان شناسی و ارزش شناسی از دیدگاه اسلام است. طاهرپور از دو دسته مبانی قریب (عفت و حیا، حجاب، غیرت و ازدواج) و بعید ناظر به اخلاق جنسی سخن می گوید. مبانی بعید نیز ذیل سه دسته مبانی هستی شناسی (خدامحوری، هستی تجلی نظام احسن، زوجیت، هستی هدفمند و هستی اعم از دنیا و آخرت)، انسان شناسی (انسان موجود چند ساحتی، اصالت نفس و روح انسان، قابلیت تکامل نفس، اختیار و انتخاب آگاهانه نفس، حب ذات ریشه گرایش های انسان، انسان مفطور به فطرت الهی، هویت جمعی، کرامت، اندیشه ورزی و ضعف) و ارزش شناسی (خداوند خیر علی الاطلاق، اعتباری بودن ارزش ها، ثبات و تغییر در ارزش ها و عدالت) تبیین شده است. این مبانی به ترتیب بیان شده، آورده می شود:

تحلیل و ارزیابی مبانی استخراجی در پژوهش طاهرپور نشان می دهد تلاش برای تبیین «مبانی» اخلاق جنسی به عنوان یکی از حوزه های کمتر پرداخته شده در ایران، ارجاعات مناسب و دقیق و به عبارتی تلاش برای استناد و اتکاء بر منابع اسلامی و صداقت در کار پژوهش و تلاش برای مواجهه صادقانه با رویکرد اسلامی اخلاق جنسی از نقاط قوت این پژوهش است. در کنار آن، دارای نقاط ضعفی است:

نخست، *ابهام مبانی*؛ یکی از ایرادات وارد به پژوهش طاهرپور نیز، عدم توضیح کافی و پاسخگویی به سوالات ایجاد شده در خصوص برخی مبانی است. به عنوان نمونه یکی از موارد تخفیف حکم ذیل تاثیرات مبنای ضعف در حوزه اخلاق جنسی، حکم ازدواج موقت در اسلام است. طاهرپور تنها به ذکر این مورد و مستند قرآنی آن بسنده کرده و کیفیت استفاده از این حکم را در عصر حاضر توضیح نمی دهد. مورد دیگر در این خصوص تفکیک مفهوم اختیار از انتخاب است. هر چند طاهرپور میان اختیار و انتخاب تمایز قائل می شود اما دقت در تعریفی که از هر یک از این مفاهیم ارائه می دهد نشان می دهد، هر دو به یک معنا اشاره می کنند. نمونه دیگر مربوط به مبنای اندیشه ورزی به عنوان یکی از مهم ترین مبانی تربیت جنسی است. کیفیت ارتباط این مبنا با تربیت جنسی روشن نمی گردد و تمام بار بر دوش متربی قرار داده می شود.

دوم، *عدول از تعریف «مبانی»* به *امر تجویزی*؛ طاهرپور در استخراج مبانی ناظر به اخلاق جنسی از معنای مبنا به عنوان «ویژگی» به امر تجویزی عدول کرده است. نمونه این امر را می توان ذیل مبنای حجاب مشاهده کرد. اگر منظور از این مبنا، وجود گرایش درونی در انسان به پوشش به عنوان عرصه ظاهری نمود عفت وجود دارد، چرا مستند قرآنی که طاهرپور ذکر می کند بر ضرورت حجاب دلالت دارد؟

سوم، *خلا برخی مبانی*؛ طاهرپور ضمن تلاش برای تبیین مبانی اخلاق جنسی اسلامی، برخی موارد را از یاد می برد. علیرغم تاکید بر لذت جنسی در روایات، جایگاه این مفهوم و ارتباط آن با امر جنسی مشخص نمی گردد. علاوه بر این، آیا کیفیت نیاز جنسی در انسان های مختلف چه زن و مرد یکسان است؟ روشن شدن پاسخ این سوال، کیفیت تجویز خویشتن داری برای جوانان را روشن می سازد و کمک می کند درک واقعی تری از امر جنسی داشته باشیم.

بنظر می‌رسد ضمن توجه و اهمیت مبانی مذکور که حاصل پژوهش و استنتاج از منابع اسلامی است، هنوز برخی جوانب تربیت جنسی دیده نشده است و همین مساله ضرورت پژوهش حاضر را در جستجو و تبیین مولفه‌ها و ابعادی که در تربیت جنسی باید مد نظر قرار گیرد، نشان می‌دهد. ضمن این که تلاش ایشان در استخراج مبانی ناظر به اخلاق جنسی اسلامی در موارد زیادی با مراجعه به آثار دکتر باقری در این زمینه بوده است.

نوحی (۱۳۸۷)، در پایان نامه خود، تربیت جنسی را بر اساس قرآن و روایات «ایجاد زمینه مناسب برای ارضای صحیح این غریزه و آشنا نمودن فرد با هنجارهای شرعی و آموزش مفاهیم جنسی با رعایت ضوابط شرعی و متناسب با توانایی روحی و روانی متربی» تعریف می‌کند. با توجه به این تعریف وی، تربیت جنسی را مخصوص دوره کودکی و بلوغ و آموزش جنسی را مربوط به دوره بعد از بلوغ و بعد از ازدواج و دوره زناشویی می‌داند. نوحی سپس، اهداف، اصول و روش‌های تربیت جنسی را بیان می‌کند.

بررسی تعاریف ارائه شده از تربیت جنسی و تحلیل آن‌ها و تبیین مفهوم تربیت جنسی و مولفه‌های آن یکی از اهداف این پژوهش است، تعریف ارائه شده در این کار نیز در این بخش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

محمدی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیت جنسی با تاکید بر دیدگاه اسلام»، تربیت جنسی را مجموعه اقدامات مربوط به غریزه جنسی، شامل هدایت، کنترل، تعدیل و ضابطه مند کردن غریزه جنسی که دین اسلام برای حفظ عفت و پاکدامنی، شرافت و کرامت انسان به کار گرفته است، تعریف می‌نماید، به نحوی که به رشد و تعالی شخصیت اخلاقی، عاطفی، اجتماعی و فرهنگی انسان منجر گردد. وی با اتکاء به منابع دینی، ده مبنای تاثیر شرایط بر سلامت جنسی انسان، تاثیر انسان با شرایط، ضعف، تداوم نسل، تفاوت ظرفیت‌های جنسیتی در انسان، حب ذاتی انسان به جنس مخالف، نیازمندی (نیاز جنسی به عنوان یک نیاز طبیعی)، اندیشه ورزی، کرامت و وجود مراحل مختلف رشد و تطور برای تربیت جنسی استخراج می‌کند. منظور از مبانی تربیت جنسی در پژوهش محمدی، آن دسته ویژگی‌های عمومی است که به طور مستقیم مربوط به تربیت جنسی می‌باشد (محمدی، ۱۳۸۵).

تحلیل و ارزیابی مبانی استخراجی در پژوهش محمدی نشان می‌دهد تلاش برای تبیین «مبانی» تربیت جنسی به عنوان یکی از حوزه‌های کمتر پرداخته شده در ایران و نزدیک کردن عرصه نظر به عمل با تلاش برای تطبیق مبانی، اصول و روش‌های پژوهش مورد نظر با عرصه واقعیت از نقاط قوت این پژوهش است. در کنار نقاط قوت، این کار دارای نقاط ضعف زیر است:

نخست، همپوشانی مبانی؛ یکی از ایرادهای وارد به مبانی استخراجی در پژوهش محمدی، همپوشانی برخی مبانی با یکدیگر است؛ چنانچه در مورد مبنای نیازمندی و ضعف دیده می‌شود. مورد دیگر همپوشانی مبانی «نیازمندی»، «حب ذاتی نسبت به جنس مخالف» و «تداوم نسل» است.

دوم، عدم توجه به عامل مهم زمان و زمانه؛ نکته دیگر در مجموعه مبانی مذکور، عدم توجه به عامل اساسی و مهم زمان و زمانه در تربیت جنسی است. امروزه افرادی در جامعه اسلامی ما، مبانی مانند حب ذاتی

انسان به جنس مخالف یا فرزندآوری را نمی پذیرند و در مسیری مخالف این مبانی گام بر می دارند. به همین دلیل باید صورت بندی و نوع نگاه ما به امر تربیت جنسی متفاوت باشد.

سوم، درک غیرواقعی از کودکان و نوجوانان؛ یکی از نمونه های درک غیرواقعی، اشاره محمدی به ایجاد آمادگی ازدواج در نوجوانان در سن بلوغ است، این در حالی است که نوجوانی به بازه سنی ۱۸-۱۲ اطلاق می گردد (نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان، ۱۳۹۱).

چهارم، ابهام مبانی؛ ارائه موارد کلی و مختصر و به عبارتی ابهام یکی از ایرادات مبانی پژوهش محمدی است. چنانچه می بینیم ذیل مبنای وجود مراحل مختلف رشد و تطور در آدمی، به ذکر مراحل سه گانه مذکور در کتاب باقری (۱۳۹۱) و زیر مرحله های آن بسنده کرده و موارد کلی در ارتباط با تربیت جنسی به آن می افزاید، علاوه بر این اشاره وی به ایجاد آمادگی در نوجوانان برای ازدواج بدون ارائه توضیح مناسب و یا ارجاع می باشد.

پنجم، ایرادهای ناظر به ارجاع؛ محمدی، روش پژوهش خود را روش تحقیق توصیفی - تحلیلی عنوان کرده و توضیح می دهد: «ضمن مراجعه به منابع و متون دینی (دست اول و دست دوم)، احادیث و روایات منسوب به پیامبر اکرم و ائمه اطهار استخراج و استنباط نموده و از طریق تجزیه و تحلیل محتوای متون فوق، به تبیین مبانی، اصول و روش های تربیت جنسی از دیدگاه اسلام مبادرت شده است». اما هنگامی که به مبانی استخراجی وی مراجعه می کنیم، در مورد برخی مبانی با چنین روشی روبرو نمی شویم. به عنوان نمونه مبنای اول یعنی تاثیر شرایط بر سلامت جنسی انسان بدون ارجاع به هیچ منبع دینی بیان شده است. ضمن این که در برخی موارد استفاده ایشان از آثار دکتر باقری، رعایت امانت در ارجاع صورت نگرفته است.

ششم، خلا برخی مبانی در پژوهش محمدی؛ با توجه به مبانی مذکور در پژوهش محمدی، نیاز جنسی و ارضای آن در حدود چهارچوب های تعیین شده در بینش اسلامی به رسمیت شناخته می شود. اما یک سوال در خصوص این مبانی پیش می آید و آن ارتباط مفهوم «لذت» با نیاز جنسی و پاسخگویی به آن است؟ آیا جهت داری و هدفدار بودن و کارکرد تداوم نسل در نیاز جنسی به معنای رد مفهوم لذت در پاسخگویی به نیاز است؟ اگر خیر، چرا در مبانی مذکور سخنی از این امر به میان نمی آید، به گونه ای که خواننده جایگاهی برای این امر نمی یابد و گمان آن می رود که توجه و تربیت این بعد از وجود انسان امری ناگزیر و اجباری است؟

به نظر می رسد ضمن توجه و اهمیت مبانی مذکور که حاصل پژوهش و استنتاج از منابع اسلامی است، هنوز برخی جوانب تربیت جنسی دیده نشده است و همین مساله ضرورت پژوهش حاضر را در جستجو و تبیین مولفه ها و ابعادی که در تربیت جنسی باید مد نظر قرار گیرد، نشان می دهد.

ابراهیمی هرستانی، مهram و لیاقت دار (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «واکاوی برنامه درسی مغفول برای تربیت جنسی دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی تحصیلی»، در پی توصیف وضع موجود، تعیین قلمروهای موضوعی مناسب برای تربیت جنسی و یافتن برنامه درسی مغفول در زمینه ی تربیت جنسی، «آموزش» را، کلیدواژه اصلی برای تربیت جنسی صحیح به شمار می آورند. از طرفی، با توجه به ناتوانی خانواده ها در تربیت

جنسی و طی نشدن سیر طبیعی تربیت جنسی در بستر خانواده، این وظیفه را از جمله وظایف نظام برنامه درسی آموزش و پرورش بر می شمارند.

این پژوهش از دو جهت قابل توجه است: اول، بیان ابعاد مختلفی که در تربیت جنسی در میان دانش آموزان پسر راهنمایی باید مورد توجه قرار گیرد و ملاحظات را برای تعیین راهبردهای مربوط به این دوره در اختیار ما قرار می دهد. دوم، از جهت نشان دادن وضعیت موجود و نقاط خالی است؛ به گونه ای که نتایج این پژوهش نشان می دهد در خصوص ۴ مورد: «آمادگی برای رویارویی با تحولات بلوغ، نحوه کنترل و قرار دادن غریزه جنسی در مسیر صحیح، آموزش راه رورسم صیانت از خود و پاسخ به سوالات و ابهامات در زمینه مسائل جنسی» هیچ اقدامی در مدارس صورت نگرفته است و «معیارهای انتخاب دوست، مسائل دوران بلوغ و دوری گزینی از منحرفین جنسی» مهم ترین اولویت های معرفی شده از سوی متخصصان مورد مصاحبه است و مواردی از قبیل «آگاهی از وظایف آینده خود به عنوان مرد، پرهیز از پیدایش و استمرار خیالات جنسی، شیوه های صحیح همسر گزینی و ...» به عنوان برنامه درسی مغفول در زمینه تربیت جنسی عنوان شده است.

محمدی و مرزوقی (۱۳۹۱) در پژوهش خود، ضمن تاکید بر «آموزش» به عنوان حلقه مفقود موجود در تربیت جنسی افراد جامعه، در درجه نخست، گزارش خوبی از نظرات صاحب نظران خارجی در حوزه تربیت جنسی در کشورهای اسلامی و صاحب نظران داخلی در حوزه تربیت جنسی ارائه می دهند. ایشان فلسفه اسلامی مربوطه به سلامت جنسی را مواردی مانند جامعه سالم، ازدواج و اصول عفت، محجوبیت و شرم و حیا، خانواده و فرزند صالح ذکر کرده و بیان می کنند اصول آموزش و پرورش در زمینه سلامت جنسی نیز باید با رجوع به فلسفه اسلامی آن و در نظر گرفتن نیازهای جامعه، دانش آموزان و ساخت دانش به روز تعیین گردد که شامل مواردی مانند دانش مربوط به سلامت جنسی، انگیزش و بینش شخصی، جنسیت، انسجام بدنی و امنیت جنسی و جهت گیری جنسی می باشد که ذیل هر کدام موارد جزئی تری ذکر می کنند.

اهمیت این پژوهش از جهت توجه به مسائل زیربنایی در امر تربیت جنسی است، به همین دلیل می توان از بخش های مختلف این پژوهش چنانچه ذکر شد در تبیین مفهوم تربیت جنسی و ابعاد آن در جامعه اسلامی ایران استفاده نمود. از سوی دیگر بازگرداندن توجه ما به نیازهای جامعه و دانش آموزان زمان و مکانی که در آن هستیم، مساله مهمی است که باید ضمن مبنای اسلامی کار در نظر گرفت.

رهنما، علیین و محمدی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تبیین مبانی، اصول و روش های تربیت جنسی با تاکید بر دیدگاه اسلام» با استفاده از روش تحلیل اسنادی بر روی کلیه متون اسلامی در این زمینه، ده مبنا، ۲۰ اصل و ۹۶ روش تربیتی در زمینه تربیت جنسی استخراج کرده اند. مبانی مستخرج از این پژوهش در تدوین مبانی ناظر به تربیت جنسی از منظر اسلامی یاری گر است.

فقیهی، شکوهی یکتا و پرنده (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روانشناختی»، ضمن غریزی شناختن انگیزه و رفتار جنسی، از تاثیر عوامل محیطی در ایجاد مشکل در این زمینه و لزوم تربیت صحیح این بعد از وجود انسان سخن می گویند و تربیت جنسی را «تشخیص حلال و حرام در مسائل جنسی، آگاهی به وظایف زناشویی و همسری، پرهیز از بی و بند و باری



و دارا بودن خوی عفت هنگام رسیدن به سن بلوغ» تعریف می کنند. هر چند تعریف ارائه شده ایشان از تربیت جنسی تعریف محدودی است اما در تحلیل مفهوم تربیت جنسی و ابعاد آن مورد استفاده قرار می گیرد.

فقیهی و همکاران وی مبتنی بر دیدگاه اسلامی و تحقیقات صورت گرفته، دوران آغاز تربیت جنسی را سنین کودکی و نه دوران بلوغ ذکر می کنند و در تدوین محتوای مناسب برای تربیت جنسی ضمن عنوان الگویی چند بعدی شامل ابعاد زیست شناختی، روانشناختی، اخلاقی و فرهنگی، آموزش ارزش های بهنجار و نابهنجار در تمایل و رفتار جنسی، آسیب های انحرافات جنسی، شیوه های پرهیز از انحرافات جنسی و احکام فقهی مربوط به روابط دو جنس و آماده سازی نوجوان برای ازدواج را مبتنی بر دیدگاه اسلامی ضروری می دانند.

رفیعی (۱۳۸۳) در مقاله ای با عنوان «تربیت جنسی در اسلام»<sup>۱</sup>، با اشاره به دو مساله ی: عدم توجه به تربیت جنسی در میان والدین و مربیان مسلمان علیرغم نظر اسلام و مشاهده ناهنجاری های رفتاری به عنوان واقعیت های جامعه اسلامی، به ضرورت فهم درست مبانی تربیت جنسی در اسلام اشاره می کند. نویسنده در این پژوهش مانند اکثر پژوهش های حوزه تربیت جنسی به بیان دستورالعمل های اسلامی مانند توجه به زمان و مکان انعقاد نطفه، ملاحظات رفتاری و کلامی در محیط خانه، جدا کردن بستر کودک و ... برای حفظ سلامت جنسی کودک اشاره می کند و ملاحظات جنسی را ناظر به دوره های مختلف (پیش از تولد، تا سن بلوغ، پس از بلوغ، بعد از ازدواج) سنی فرد، بیان می کند.

وی تربیت جنسی را «آشنا کردن فرد با هنجار های شرعی می داند»، به طوری که «راه پاکدامنی و برخورد مشروع و معقول با شهوت جنسی را» به وی نشان دهد. رفیعی در فرآیند تربیت جنسی، به دو دسته آموزش های نظری در مورد مفاهیم جنسی و هنجارهای شرعی و آموزش های عملی در مورد چگونگی طهارت و ... اشاره می کند، پس از این مرحله از آغاز کودکی دوم، ضمن جدا کردن بستر خواب کودکان، باید هم خود و هم کودک را از رفتارهایی که مخل سلامت جنسی و موجب تحریک اوست، بازداشت. تعریف مدن از تربیت جنسی و آموزش های ناظر به آن در تبیین مفهوم تربیت جنسی و ابعاد آن به پژوهش ما کمک می نماید.

والدمن (۱۳۸۳) در مقاله ای به مقایسه تنظیم رفتارها و روابط جنسی در غرب و کشورهای اسلامی می پردازد. وی مبنای اخلاق جنسی در غرب را اعتقاد نداشتن به خداوند یا عدم اهمیت اعتقاد به خدا در زمینه اخلاقی و اصالت بخشیدن به انسان ذکر می کند. بر این مبنا، فرهنگ غرب مادی و این جهانی است؛ از این رو تامین سعادت انسان هم در همین دنیا صورت می گیرد. از سوی دیگر با توجه به تحولات رنسانس و تبعیت اخلاق از رای اکثریت مردم به عنوان یک اصل فرهنگ غربی، اصول آزادی عشق و آمیزش جنسی از قید ازدواج، آزادی و نشر عکس های جنسی، آزادی تمایل به همجنس و آزادی سقط جنین از اصول حاکم بر اخلاق جنسی در غرب (ضمن وجود محدودیت های موجود در این زمینه ها در غرب) است، اما در اسلام، قانونگذار اصلی خداوند است و سعادت دنیای انسان وسیله ای برای نیل به سعادت آخرت است.

<sup>۱</sup> ترجمه و تلخیص کتاب «التربیه الجنسیه للاطفال و البالغین»، یوسف مدن، الطبعة الاولى، بیروت: دارالمحجة البيضاء، ۱۹۹۵/۱۴۱۶.

توجه والدمن به زیربنای فلسفی و فکری غرب و اسلام در باب اخلاق جنسی و بیان آن، در مبانی نظری پژوهش پیش روی ما یاری گر است.

متقی فر (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «آموزش جنسی در مدارس»، ضمن طرح سه رویکرد تفریطی، افراطی و اعتدالی در زمینه پاسخگویی به نیاز جنسی، از دو نوع رویکرد بنیادی نسبت به آموزش جنسی در جهان غرب سخن می گوید: رویکرد آموزش غیرمستقیم با شعار «خودنگهداری نه، اما...» ضمن تاکید بر خویشتن داری به عنوان تنها راه اجتناب از آیدز و بیماری های مقاربتی، در وهله بعد، استفاده از کاندوم را برای حفظ سلامتی توصیه می کند، در صورتی که در رویکرد آموزش مستقیم، هدف آموزش عفت است و خویشتن داری به عنوان تنها راه سلامت بهداشت معرفی گردیده و ازدواج به عنوان تنها گزینه مسئولانه برای حفظ سلامت جنسی به جوانان توصیه می گردد.

متقی فر با انتقاد به رویکرد اول به علت انتقال پیامی دوگانه (توصیه خویشتن داری و معرفی راه ایمن حفظ سلامتی) و رویکرد دوم به علت محدودیت آن و غفلت از جوانان فاقد توانایی خویشتن داری، رویکرد سوم را که دیدگاه اسلامی در مورد آموزش جنسی است، معرفی می کند. در این رویکرد نیز خویشتن داری به عنوان تنها راه حفظ سلامت فرد تا زمان ازدواج (به عنوان تنها راه پاسخگویی به نیاز جنسی) معرفی شده است. وی برای تضمین تحقق خویشتن داری، شیوه های مهار اجتماعی مانند امر به معروف و نهی از منکر و پالودن جامعه از محرکات جنسی و اجرای مجازات های شرعی برای سالم سازی محیط اجتماعی را عنوان می کند.

قوت کار متقی فر از جهت معرفی و تلاش برای نقد رویکردهای موجود در تربیت جنسی است اما رویکرد پیشنهادی ایشان خود ناقص و قابل انتقاد است. در این رویکرد نیز، ضمن معرفی خویشتن داری به عنوان تنها راه حفظ سلامت تا هنگام پاسخگویی صحیح به نیاز جنسی، صحبتی در خصوص جوانانی که قادر به خویشتن داری نیستند، نمی شود. از سوی دیگر، وی تنها، ضمانت اجراهای خارجی را برای تضمین اجرای دیدگاه خود بیان می کند، در صورتی که هدف اصلی، حفظ سلامت و تربیت جنسی صحیح جوانان است و این امر با صرف استفاده از چنین روش هایی محقق نمی شود و باید گام های صحیح در خصوص این امر برداشته شود؛ چرا که تربیت، امری ارادی است و باید تلاش اصلی معطوف به تفکر و تصمیم درست در زمینه تربیت جنسی از سوی جوانان باشد.

طباطبایی<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در پژوهش خود به نگرش مثبت اسلام نسبت به مساله جنسی و سازگاری قرآن و حدیث مبنی بر علم آموزی و پرسش در زمینه تربیت جنسی اشاره کرده و سکوت والدین در مورد مسائل جنسی را برخاسته از فرهنگ و سنت آنها می داند، نه تعالیم اسلام؛ به طوری که هنگام سخن گفتن از تمایلات جنسی کودکان<sup>۲</sup> و نوجوانان<sup>۳</sup> در دنیای اسلام باید میان رویکرد سنت های اسلامی و درک متاثر از هنجارها و باورهای اجتماعی مسلمانان تفاوت قائل شد.

<sup>1</sup> Tabatabaie, A

<sup>2</sup> childhood

<sup>3</sup> Adolescence

بر طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، صندوق جمعیت ملل متحد، یونسکو، دوره زندگی ۱۹-۱۰ سال را نوجوانی گویند.

طباطبایی ضمن یاد کردن از رویکرد اسلامی در آموزش موضوعات جنسی به یک رویکرد مرحله ای، تاکید می کند که این روش گام به گام در آموزش جنسی در اسلام با رویکردهای جامع سکولار ناسازگار نیست؛ چنان که در رویکرد سکولار هم مفهوم «ظرفیت<sup>۱</sup>» نادیده گرفته نشده است. هر چند این دو رویکرد در ارزش های بنیادی (سکولار<sup>۲</sup> در برابر مذهبی<sup>۳</sup>) و روش های اجرا (چه کسی باید بگوید چه، چه زمانی و چگونه<sup>۴</sup>) خصوصا در مورد آموزش های جنسی مربوط به طول مدت نوجوانی با یکدیگر متضاد هستند. نویسنده با توجه به دو مقدمه ضرورت آموزش های جنسی نوجوانان فعالی جنسی زمان حاضر و خطر تهدید سلامتی آنان و فهم شایع از سنت های اسلامی مبنی بر عدم بلوغ آنان برای دریافت این آموزش ها، یک بازنگری میان رشته ای مبتنی بر اصول اسلامی، عوامل مورد تاکید اسلام در مورد حقوق کودکان و نوجوانان در مورد آموزش و سلامت و مرتبط و مطابق با نیازهای سلامت جنسی جوانان مسلمان عصر حاضر در مورد تمایلات جنسی نوجوانان و ظرفیت آنان در دریافت آموزش های جنسی را ضروری می داند. اهمیت این پژوهش از جهت تفکیک رویکرد اسلامی از رویکرد فرهنگی و عرفی ایران در آموزش مسائل جنسی و بیان نقطه کانونی اشتراک و اختلاف آموزش های جنسی در ایران و غرب است و در تدوین مبانی نظری خصوصا رویکرد های موجود در جهان در باب آموزش جنسی و فهم آنان یاری گر است. از سوی دیگر به ما یادآوری می کند در خلال بحث های نظری نباید واقعیت موجود درباره نوجوانان معاصر را فراموش کرد.

طباطبایی (۲۰۱۵) در پژوهشی دیگر، ضمن توصیف و تحلیل مدرسه پسرانه ایرانی «پرسیا» به عنوان مدرسه ای دارای استراتژی مشخص در زمینه تربیت جنسی دانش آموزان، تلاش می کند تا آموزش جنسی مبتنی بر مدرسه را به عنوان امری توسعه نیافته و چالش برانگیز در ایران مورد بررسی قرار دهد. مدرسه پرسیا، مبتنی بر اصل «به تعویق انداختن» در تربیت جنسی، دو روش اصلی در آموزش موضوعات جنسی دارد. راهکار رسمی مدرسه در آموزش جنسی، وارد کردن مسائل جنسی در مباحث والدین و مدرسه است؛ به طوری که در پایان دوره ابتدایی و پیش از بلوغ، با تشکیل جلساتی با حضور پدران دانش آموزان، آگاهی های لازم و روش های مربوط به اصل به تعویق انداختن را به آنها آموزش داده و سپس برای هر دانش آموز، با توجه به نظر پدر وی، مربی ای در آموزش های جنسی که باید دارای ویژگی های لازم در این زمینه باشد، انتخاب شده تا در جریان بلوغ، دانش آموز را همراهی می کند. علاوه بر روش مستقیم، این مدرسه، مبتنی بر اصل به تعویق انداختن از روش های غیرمستقیم نیز استفاده می کند، مانند هدایت انرژی های جنسی که متکی بر ویژگی تغییر پذیری است؛ یعنی در نیاز جنسی بر خلاف تشنگی و گرسنگی که نمی توان دانش آموز را به سمت کار دیگری جهت به تعویق انداختن پاسخ به نیاز سوق دهیم، در نیاز جنسی می توان او را به سمت امور دیگری چون ورزش سوق داد که این خود، نوعی آموزش جنسی است.

1 capacity

2 secular

3 religious

4 who should say what, when, and how

طبباطبایی هم چنین به ما در خصوص استفاده از نتایج پژوهش های خارجی مبنی بر ارتباط آموزش های جنسی و تعویق فعالیت جنسی، با توجه به تفاوت مبنای آموزش های موجود در غرب لیبرال و ایران اسلامی، تذکر می دهد و به ضرورت پژوهش هایی در این زمینه را تاکید می کند. پژوهش مورد نظر، در وهله اول با معرفی یک نمونه مدرسه ایرانی فعال در آموزش جنسی، ایده های خوبی در زمینه تبیین مفهوم و مولفه های تربیت جنسی و در وهله بعد اطلاعاتی برای فهم بهتر رویکردهای جهانی آموزش جنسی در اختیار ما قرار می دهد.

### ۳-۸. پژوهش های معطوف به تربیت جنسی با تاکید بر اسناد تحولی

در این بخش، پژوهش هایی را که به طور خاص، به موضوع تربیت جنسی با توجه به اسناد تحولی می پردازند، می آوریم؛ به عبارتی این پژوهش ها، پیشینه خاص پژوهش می باشند.

حاجی پور (۱۳۹۵) در پایان نامه خود با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران؛ وضعیت موجود»، با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن کلاف و زاویه نگاه فوکویی به دنبال روشن کردن چگونگی سخن گفتن در موضوع جنسی، تولید و تفسیر متن ها و ترسیم تصویر ارائه شده از میل جنسی در اسناد آموزش و پرورش ایران و فهم زمینه های فرهنگی و اجتماعی موجب این نوع نگاه به میل جنسی است. با توجه به روش مورد استفاده پژوهشگر، زاویه دید پژوهشگر با توجه به مفهوم سلطه و انتقاد به نابرابری هاست

نتایج پژوهش حاجی پور نشان می دهد در متونی که توسط آموزش و پرورش تولید شده اند، هرچه این متون به ساختار قدرت در جمهوری اسلامی ایران نزدیکترند بر راهبردهای مهار میل جنسی بیشتر تأکید دارند؛ بنابراین گفتمان حاکم بر تربیت جنسی آموزش و پرورش ایران را باید «گفتمان مهار» نامید. از ویژگی های این گفتمان در تربیت جنسی، توجه بیشتر به جنبه های سلبی تربیت جنسی می باشد. جنبه های سلبی تربیت جنسی ناظر به اصول و روش های تربیتی ای است که مبتنی بر محدودسازی ارضای جنسی و جلوگیری از بروز انحرافات جنسی می باشند. بازنمایی این گفتمان از واقعیت میل جنسی به گونه ای است که بیش از آنکه میل جنسی را فرصتی برای زندگی فضیلت مندانانه تلقی نماید آن را تهدیدی برای زندگی سعادت مندانانه تصویر می کند.

هدف پژوهش حاجی پور، تحلیل گفتمان حاکم بر اسناد تحولی از زاویه نگاه تربیت جنسی بوده است. چنانچه در مرور پیشینه می بینیم تحلیل و بررسی تربیت جنسی با توجه و تاکید بر اسناد تحولی آموزش و پرورش کشور کاری است که کمتر انجام شده است. از این رو پژوهش حاجی پور حائز اهمیت است. اما نقطه تمایز پژوهش حاجی پور و پژوهش پیش رو این جاست که حاجی پور به دنبال تبیین گفتمان غالب در تربیت جنسی با توجه به اسناد موجود و توصیف وضعیت این اسناد از زاویه نگاه روش تحلیل انتقادی، با توجه به ساختارهای قدرت و ارتباط مفهوم سلطه و تربیت جنسی است، در حالی که پژوهش پیش رو تلاش می کند با تبیین مولفه های ناظر به مفهوم تربیت جنسی بر اساس اسناد آموزش و پرورش ایران و اسناد بین المللی، به مقایسه آن ها بپردازد، تا ضمن روشن شدن نقاط موجود و مغفول در اسناد آموزش و پرورش ایران با مقایسه

این دو دسته مولفه و با توجه به مبانی فلسفی مان، گامی در جهت فهم بهتر مفهوم تربیت جنسی و مولفه های آن بردارد.

#### ۴-۸. جمع بندی

همان گونه که ملاحظه می شود پیرامون موضوع پژوهش، تحقیقاتی صورت گرفته است. اما مرور پیشینه موید ضرورت پژوهش است. چنانچه ضروری است این خلا با توجه به اسناد آموزش و پرورش و اسناد بین المللی به عنوان نمونه های عملی و تجربیات موجود در حوزه تربیت جنسی است. از این رو مولفه های مفهوم تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان آن بر اساس اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران تبیین گردیده و مورد بررسی تطبیقی قرار می گیرند.

فصل دوم

## مبانی نظری پژوهش

در این فصل، مبانی نظری پژوهش تبیین می‌گردد. با توجه به عنوان پژوهش؛ «بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران»، مبانی نظری ذیل سه بخش ارائه می‌گردد؛

بخش نخست: سند مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، حیات طیبه را به عنوان وضع مطلوب زندگی بشر معرفی کرده و تحقق آن را برای نیل به هدف اساسی تربیت که قرب الی الله است، ضروری عنوان می‌نماید. بر این اساس، حیات طیبه تنها وجه اخروی نداشته، بلکه برای تحقق آن باید تمام ابعاد و استعدادهای وجود انسان از جمله بعد جنسی او بر مبنای معیارهای اسلامی و ربوبی مورد توجه و تربیت قرار گیرند. از این رو در بخش اول، تلاش می‌گردد مبانی نظری اسلامی پژوهش ارائه گردد.

بخش دوم: از آن جا که هدف پژوهش حاضر بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران است، در این بخش رویکرد های مطرح در تربیت جنسی در جهان را که زیربنای فکری اسناد بین المللی در زمینه تربیت جنسی به شمار می‌روند، مورد بررسی و کندو کاو قرار می‌دهیم.

در نهایت در بخش سوم مبانی نظری، اسناد منتخب این پژوهش یعنی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری آن، سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان و پروتکل الحاقی این سند در رفتارهای پرخطر به عنوان اسناد آموزش و پرورش ایران و سند «آینده تربیت جنسی» آمریکا و سند «راهنمای فنی بین المللی تربیت جنسی» یونسکو به عنوان اسناد بین المللی معرفی می‌گردد.

### ۱. نگاهی به مبانی اسلامی در باب تربیت(جنسی)

در فصل نخست این پژوهش ذیل پیشینه نظری، پژوهش هایی که به مبانی نظری تربیت جنسی پرداخته اند مورد بررسی قرار گرفت. بررسی این پژوهش ها نشان داد این پژوهش ها اصیل نبوده و تا حد زیادی الهام گرفته از کار دکتر باقری هستند. از سوی دیگر تمرکز این پژوهش در پرداخت به تربیت جنسی بر اسناد آموزش و پرورش ایران است اما نتیجه پژوهش سجادیه(۱۳۹۳) نشان می‌دهد پژوهش باقری تحت عنوان «سند در آمدی بر فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»(۱۳۸۷) در نسبت با سند «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت عمومی رسمی جمهوری اسلامی ایران»(۱۳۹۰) در معیارهای انسجام و اسلامی بودن از توفیق بیشتری برخوردار بوده، از این رو در این جا مبانی به دست آمده در پژوهش باقری مبنای اسلامی نظری کار قرار می‌گیرد.

مبانی در این بخش، ذیل سه مبحث، مبانی انسان شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی ارائه می‌گردد. بررسی دیدگاه دکتر باقری در این سه بخش نشان می‌دهد در زمینه انسان شناسی، حرف اساسی و تمرکز ایشان بر انسان به عنوان موجودی عامل است؛ به عبارتی انسان به عنوان موجودی برخوردار از فطرت،

توانایی عقل ورزی، محدودیت ها و هویت جمعی، از توانایی اختیار برخوردار است و سرنوشت خویش را رقم می زند.

در معرفت شناسی، ایشان از واقع گرایی سازه گرایانه سخن می گویند؛ بدین معنا که انسان به عنوان عالم در پی دست یابی به واقعیت است اما واقعیت پیچیده، چند لایه و دیرپاب است، از این رو انسان از طریق سازه ها و طرحواره ها در پی شناخت و کشف واقعیت بر می آید و به عبارتی گرچه انسان در پی شناخت واقعیت است اما نقش وی به عنوان عالم در این میان در نظر گرفته شده و این کار از طریق توانایی سازه گرایی انسان صورت می گیرد و سرانجام در ارزش شناسی، طرح ارزش ها در سه سطح؛ ارزش های مطلق، مشروط و متغیر از نقاط برجسته و ایده اساسی ایشان است.

در این بخش ضمن توضیح ایده اساسی دکتر باقری ذیل سه بخش مبانی انسان شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی، تعدادی از مبانی کار ایشان که ارتباط وثیقی با موضوع تربیت جنسی دارد و می تواند در این زمینه راهگشا باشد، ارائه می گردد.

### ۱-۱. مبانی انسان شناسی؛ انسان به منزله موجود عامل

در مبانی انسان شناسی، باقری تلاش می کند تصویر ارائه شده از انسان در قرآن و منابع اسلامی را ترسیم کند. ایده اصلی مطرح شده در مبانی انسان شناسی، نگاه به انسان به منزله موجودی عامل است؛ توضیح آنکه، انسان موجودی است که عوامل و عناصر مختلف درونی و بیرونی (چون نفس مطمئنه، نفس اماره، نفس لوامه، عقل، اراده و اختیار، نیروها و شرایط خانوادگی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و محدودیت ها و ضعف های بالفعل و بالقوه) در شخصیت وی دخیل هستند. بنابراین مشاهده می شود وجود انسان صحنه کشاکش و درگیری میان این نیروهاست و پرسش مطرح مربوط به نتیجه و حاصل این کشمکش است. باقری در این خصوص بیان می کند در تحلیل نهایی برآیند این کشمکش ها و نیروها، «عمل» آدمی است؛ عمل انسان نه تنها برآمده از صحنه رویارویی نیروهای مختلف وجود اوست، بلکه شکل دهنده هویت او نیز می باشد. و انسان به منزله عامل با عمل خود هویت خویش را رقم می زند.

باقری برای شناخت و معرفی عمل، نخست ضرورت تفکیک مفهوم «فعل» از «عمل» را یادآوری می نماید. فعل، مفهوم کلی است که از تاثیر موجودی اعم از انسان یا حیوان یا جماد نشات می گیرد و در این میان علم و قصد فاعل تاثیری ندارد، در صورتی که عمل، آن دسته افعالی است که با تکیه بر مبادی عاملیت شکل می گیرد. هر عمل بایستی حداقل از سه مبدأ معرفتی، گرایشی و ارادی نشأت گرفته باشد. منظور از مبدأ معرفتی، ابتناء عمل فرد بر انگاره، گمان یا باور است؛ مبدأ گرایشی، شامل جذب و گریز در ارتباط با عمل است که میل نامیده می شود و مبدأ ارادی ناظر به پذیرش و یا طرد میل های موجود است. هنگامی که این مبادی فراهم باشد عمل می تواند به مرحله ظهور و بروز برسد (باقری، ۱۳۸۲). در این رویکرد برای شناخت کامل و جامع عمل آدمی، علاوه بر شناخت مبادی عمل، توجه به آثار عمل نیز حائز اهمیت است. دو دسته اثر بر هر عمل مترتب است که باقری آن ها را اثر بازگشتی نوع اول و دوم می نامد. اثر اول، اثری است که از عمل بر عامل یا مبادی عمل باز می گردد و موجب تحکیم و تثبیت مبادی عمل در وی می گردد. اثر دوم،



اثر عمل بر موقعیت عامل است، به این معنا که عمل بر اشخاص و اشیاء پیرامون عامل، اثراتی را بر جای می‌گذارد. اندیشیدن پیرامون این آثار در فهم عمل و تحکیم عمل بعدی مؤثر است (باقری، ۱۳۷۵).

اکنون با در نظر گرفتن انسان به عنوان موجود عامل به بیان مبانی انسان شناختی مرتبط با این پژوهش از منظر انسان شناسی اسلامی باقری می‌پردازیم.

### ۱-۱-۱. در هم تنیدگی نفس و بدن

وجود انسان متشکل از بدن و روح اوست. با اینکه نفس، حقیقت ماندگار و جاودان وجود اوست، این بدن و جسم انسان است که امکان زندگی در دنیا و تحقق هویت خویشتن را فراهم می‌نماید. از این رو تقابل‌هایی مانند «غریزه در برابر روح»، «طبیعت در برابر فطرت» که بر قبح و بدی بدن دلالت دارد، بی‌معنا است؛ زیرا قابلیت‌های بدن نیز به معنای فرصت‌هایی برای تحقق نفس شمرده می‌شود و بر حسب چگونگی استفاده از این فرصت‌ها، ارزش‌گذاری می‌گردد. از سوی دیگر در هم تنیدگی نفس و بدن از تاثیر و تاثر عمیق این دو وجه از وجود انسان بر یکدیگر حکایت می‌کند؛ یعنی حالات درونی بر کیفیت بیرونی و کیفیت بیرونی بر حالات درونی انسان اثرگذار است (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰).

با توجه به این مبنا می‌توان گفت اعمال مربوط به وجه بدنی و جسمی انسان در ارتباط و اتصال با نفس و وجه دیگر وجود انسان است. امر جنسی یکی از امور مربوط به انسان است که در وهله نخست به نظر می‌رسد مربوط به وجه جسمانی و بدنی اوست. مبنای درهم تنیدگی نفس و بدن نشان می‌دهد این جنبه از وجود انسان از ابعاد دیگری چون ابعاد عاطفی، اجتماعی و ... برخوردار است که در تربیت و توجه به مساله جنسی در انسان باید مورد توجه قرار گیرد.

### ۱-۱-۲. عقل

یکی از توانایی‌های و استعداد‌های ویژه انسان، عقل است. عقل، قابلیت در نوع بشر است که می‌تواند حقایق فراتاریخی در مورد واقعیت‌های جهان را فهم کند. با این وجود حوزه اختیارات و توانایی‌های عقل محدود به مساله شناخت نمی‌گردد و حوزه عمل را نیز در بر گرفته و در صورت تام خود، مستلزم انسجام میان شناخت، عاطفه، انتخاب و عمل است.

قابلیت عقل ورزی در انسان از دو ویژگی مهم برخوردار است؛ نخست، محدودیت عقل در شناخت حقایق؛ بدین معنا که عقل قادر به شناخت و فهم حقایق در تمام عرصه‌های زندگی انسان نیست، اما نکته مهم در این میان این است که خود عقل می‌تواند تعیین کند در چه محدوده‌ای می‌تواند گام بردارد. ویژگی دوم ناظر به مخاطرات عقل و عقل ورزی مانند لغزش‌های فکری، انگیزه‌ها و گرایش‌های نادرست است. این دو ویژگی در عقل موجب می‌گردد، با وجود فراتاریخی بودن، عقل غیرتاریخی و دور از زمینه‌ها و خصایص فرهنگی و اجتماعی زمانه خود نباشد و از سوی دیگر نقادی در جریان عقل ورزی را ضروری می‌سازد، بدین معنا که عقل در تلاشی دائمی به دنبال روشن ساختن حدود خود و حفظ سلامت جریان عقل ورزی از مخاطرات ناظر به آن باشد (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳).

چنانچه بیان گردید در نگاه اسلامی، عقل ورزی به صورت خاصی از همبستگی نظر و عمل در وجود انسان حکایت می کند (همان، ص ۱۶۲)، از این رو؛ تربیت و حرکت در حوزه امر جنسی مستلزم شناخت و فهم واقعیت های موجود در مورد امر جنسی و عمل بر مبنای شناخت و در صورت تام خود، مستلزم انسجام میان شناخت، عاطفه، انتخاب و عمل است، بنابراین در ارتباط با امر جنسی، نه تنها اندیشه و نظرورزی باید به حل مسائل عملی انسان کمک نماید، بلکه باید عمل در این حوزه نیز مبتنی بر نظر و اندیشه باشد. این همبستگی کمک می نماید تا فرد از اندیشه های خود در موقعیت های عملی کمک گرفته و کمتر مرتکب اشتباه گردد، از سوی دیگر با ارجاع فرد به نظر و اندیشه هنگام عمل، موقعیت تامل و فرانگری به وجود خود و تصمیم گیری صحیح را فراهم می نماید.

### ۳-۱-۱. اراده و اختیار

زندگی انسان در جهانی است که تحت اراده و اختیار او نیست و قوانین آن از پیش تقدیر شده است؛ یکی از تقدیرهای این جهان ناظر به اعمال انسان است؛ بدین صورت که اعمال انسان از اراده و اختیار او نشأت می گیرد، اما اراده و اختیار انسان، آزاد و بدون محدودیت نیست و فشارهای بیرونی و درونی در موقعیت های مختلف می تواند میزان اراده و اختیار انسان را تحت تاثیر قرار دهد، با این وجود نمی تواند اراده و اختیار انسان را به طور کلی سلب نموده و در مجموع انسان موجودی صاحب اختیار به شمار می آید و بر همین اساس هویت وی شکل می گیرد (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵).

انسان در ارتباط با امر جنسی هم از جهت درونی و هم بیرونی تحت فشار و محدودیت قرار دارد؛ از جهت درونی، اقتضائات مربوط به خود میل جنسی و سن انسان به خصوص در دوران جوانی می تواند او را در برابر این میل و نیاز دچار محدودیت و ضعف نماید. از سوی دیگر امکان دسترسی سریع و آسان به محتوای جنسی و اشارات انبوه فضای واقعی و مجازی به امر جنسی می تواند محدودیت ها و فشارهایی در این خصوص ایجاد نماید. از این رو این مبنای ضمن توجه و به رسمیت شناخت این محدودیت ها، از هسته مرکزی وجود انسان یعنی عاملیت و اراده و اختیار وی سخن می گوید و بیان می کند این محدودیت ها نمی تواند انسان را از حدود اختیار خارج کرده و مجبور نماید و انتظار می رود در چنین شرایطی فرد بتواند تصمیم صحیح را اتخاذ و بدان عمل نماید.

### ۴-۱-۱. هویت جمعی

این مبنای به زندگی انسان در جامعه و رابطه فرد و جامعه و ماهیت آن ها می پردازد. دیدگاه های موجود در این زمینه در یک طیف از فردگرایانه افراطی تا جمع گرایانه افراطی قرار می گیرد. در این میان دیدگاه اسلامی، دو بعدی بودن موجودیت انسان را ذیل هویت فردی و جمعی به رسمیت می شناسد؛ هویت فردی ناظر به این معنا است که انسان با قرار گرفتن در جمع، در آن حل نشده و فردیت خود را از دست نمی دهد. هویت جمعی، ارتباط فرد و جامعه را با تمرکز بر جمع مدنظر قرار داده و بیان می کند قرار گرفتن فرد در جامعه و ارتباط با دیگران، او را در معرض دادوستد و هم هویتی با آنان و آثار ناخواسته ای قرار می دهد که در تکون و تشکیل هویت او موثر است (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶).

پذیرش هویت جمعی به عنوان یکی از ابعاد هویتی انسان مبین این معناست که برای تربیت صحیح جنسی کودکان، نوجوانان و جوانان، ناگزیر از توجه به محیط و کنترل و پردازش آن متناسب با معنا و هدفی است که برای تربیت جنسی مدنظر قرار می دهیم. کنترل و پیرایش محیط متناسب با اهداف تربیت جنسی برای هر کدام از گروه های سنی مطرح شده از جهتی دارای اهمیت ویژه است؛ کودکان به دلیل سن خود از توانایی درک و آگاهی بسیار کمی در فهم مسائل جنسی برخوردارند و هرگونه اشتباه می تواند آسیب های جبران ناپذیری به آنان وارد نماید، از سوی دیگر پایه های شخصیت فرد در کودکی شکل می گیرد و آنچه فرد در محیط می یابد، می تواند در سراسر زندگی فرد همراه وی باقی مانده و تمام شخصیت او را تحت تاثیر قرار دهد. دوره نوجوانی دوره اوج گرفتن و شکوفایی میل جنسی در انسان و کنجکاو فوق العاده نوجوانان نسبت به این امر است، بنابراین عدم توجه به محیط ضمن وجود میل و توانایی عمل در ارتباط با امر جنسی ضمن آگاهی اندک و عدم آینده نگری صحیح می تواند موجب حرکت نوجوان در مسیرهایی گردد که به وی و دیگری آسیب رساند. در دوره جوانی قدرت تفکر و عمل فرد در سطح نسبتاً خوبی است. با این وجود رها کردن محیط می تواند موجب سرعت حرکت وی در مسیرهای ناهماهنگ با اهداف تربیت جنسی گردد.

اهمیت توجه به محیط به جهت گسترش فناوری اطلاعات و سرعت و سهولت دسترسی به فضای مجازی مضاعف می گردد؛ ضمن این که باید یادآور شد توجه به محیط به معنای کنترل صددرصدی محیط نیست و تحت هر شرایطی، امکان دست یابی به محتوای ناهماهنگ با اهداف تربیت جنسی وجود دارد و تاکید بر هویت فردی و عدم سلب اراده و اختیار انسان از این جهت است.

#### ۵-۱-۱. محدودیت ها

بخش دیگر از توصیف انسان و ویژگی های او، ناظر به محدودیت های وجود انسان است. نکته مهم در خصوص این مبنا، توصیفی بودن آن است؛ بدین معنا که ذکر محدودیت ها از جهت توبیخ انسان نیست، بلکه در جهت تکمیل توصیف پازل وجودی انسان و شناخت هر چه بهتر او است.

محدودیت ها ناظر به وجود انسان در چند دسته قرار می گیرند: دسته نخست، محدودیت هایی با دامنه کوتاه که مربوط به دوران معینی از زندگی انسان است مانند ضعف جسمانی دوران کودکی، دسته دوم، محدودیت های با دامنه بلند که طول زندگی انسان را در بر می گیرد مانند ضعف نفس. از منظری دیگر، برخی محدودیت ها بالفعل و برخی دیگر بالقوه و آشکار شدن آنها وابسته به شرایط معینی است به عنوان نمونه آزمندی از محدودیت های بالفعل انسان و بخل در هنگام خیر و نعمت از محدودیت های بالقوه وجود انسان است (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۵۹).

وجه جنسی به عنوان یکی از وجوه وجود انسان، محدودیت هایی برای انسان ایجاد می نماید. چنانچه پیش از این اشاره گردید، ضعف نفس یکی از ویژگی های عمومی است. علاوه بر این به نظر می رسد انسان در ارتباط با امر جنسی در هر کدام از دوره های زندگی از محدودیت های خاصی در ارتباط با امر جنسی برخوردار است که آگاهی از آن ها می تواند موجبات حرکت صحیح را فراهم نماید. به عنوان نمونه اوج گرفتن و شکوفایی میل و تخیلات جنسی در دوران نوجوانی با توجه به فراهم نبودن زمینه های پاسخگویی به این

نیاز از محدودیت های درونی امر جنسی است. از سوی دیگر اشارات انبوه جنسی در فضای مجازی و واقعی محدودیت ها و فشارهای بیرونی در ارتباط با این نیاز برای فرد ایجاد می نماید.

## ۱-۲. مبانی معرفت شناسی؛ سازه گرایی واقع گرایانه

نظریه های مطرح در ارتباط با جریان معرفت شناسی در دو سر یک طیف از واقع گرایی تا سازه گرایی قرار می گیرند. نظریه های واقع گرا با تمرکز بر واقعیت، ذهن انسان را در جریان کسب علم منفعل دانسته و بیان می کنند افکار انسان تصویری از واقعیت عینی فراهم می آورد، بنابراین فکر یا نظریه صادق، باید از ویژگی مطابقت با واقعیت عینی برخوردار باشد. در سوی دیگر این طیف دیدگاه های سازه های گرا، با تاکید بر نقش ذهن در تجربه های انسان، بیان می کنند انسان به طور مستقیم به واقعیت دسترسی ندارد و این دسترسی از طریق سازه هایی صورت می گیرد که توسط ذهن انسان ساخته می شود و معیار علم، هماهنگی و انسجام سازه ها معرفی می گردد.

باقری با انتقاد به هر دو جریان بیان می کند: «نمی توان دانش را امری صرفاً اختراعی دانست و آن را به طور کامل مجعول خود آدمی دانست... به علاوه نمی توان دانش را به منزله کسب آسان و زودیاب در نظر گرفت»؛ به عبارت دیگر طبیعت، ساختارهای خود را به آسانی در اختیار انسان قرار نمی دهد؛ از این رو نیاز است انسان سازه های زبده تری برای دست یابی به ساختار واقعیت بیابد. بنابراین گرچه هدف دستیابی به ساختارهای واقعیت است، اما نهایتاً علم از ماهیتی اکتشافی برخوردار است (همان، ص ۱۲۶).

باقری ضمن انتقاد از هر دو دیدگاه در جریان معرفت شناسی، راهی میان این دو نظریه بر می گزیند و هر دو نظریه شواهد و نظریه صدق را در کسب علم مدنظر قرار می دهد؛ بدین صورت که شواهد ضمن فراهم آوردن نظریه های مختلف در باب واقعیت، نمی توانند از واقعیت حکایت کنند، بلکه «هنگامی که نظریه مرجح به کمک شواهد فراهم آمد، آن گاه می توان از مطابقت میان افکار و واقعیت های لحاظ شده در نظریه سخن گفت» (همان، ص ۱۷۰).

بنابراین در سازه گرایی واقع گرایانه، نقش انسان و ذهن وی به عنوان عالم به رسمیت شناخته می شود و از آن جایی که واقعیت دیریاب و به آسانی در دسترس انسان نیست، این کار از طریق سازه هایی که ذهن می سازد، صورت می گیرد؛ بدین صورت که عالم از طریق شواهد، نظریه هایی برای شناخت واقعیت فراهم آورده و مطابق این شواهد، نظریه مرجح یا به عبارت دیگر سازه های زبده تر معلوم می گردد، بر همین مبنا می توان گفت عالم به افکار و سازه هایی مطابق واقع دست یافته است.

مطابق آنچه بیان گردید جمع آوری شواهد و فرضیه پروری از ارکان اساسی سازه گرایی واقع گرایانه به شمار می آید؛ بنابراین در ارتباط با تربیت جنسی نیز این مساله از اهمیت ویژه برخوردار است و ضروری است کار تربیت مبتنی بر مشاهده و ساخت نظریه های مختلف در باب واقعیت امر جنسی در مورد متریبان و تشخیص نظریه مرجح باشد.

## ۱-۲-۱. اکتشافی بودن علم

این مبنا، علم و معرفت را با تکیه بر معلوم مورد توجه قرار می دهد و بیان می کند معلوم دارای هویتی مستقل در هستی است و قابلیت شناخت و اکتشاف آن وجود دارد، از این رو، وجود ابزار شناخت در انسان مانند حواس پنجگانه در جهت شناخت و کشف معلوم است (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۷۲).

مساله جنسی در انسان یکی از موضوعات و در واقع یکی از مجهولاتی به شمار می آید که قابلیت به علم در آمدن آن وجود دارد و در این راه می توان از ابزارهای شناخت استفاده کرد و اکتشافی بودن علم در ارتباط با امر جنسی مستلزم این است که نظام تعلیم و تربیت اطلاعاتی در ارتباط با امر جنسی در اختیار دانش آموزان قرار دهد تا قادر به شناخت و فهم واقعیت مستقلی در وجود خود با عنوان نیاز جنسی گردند. بنابراین، تعیین و تکلیف موضوعات مربوط به امر جنسی صرفاً مبتنی بر نگاه ارزشی صحیح نبوده و باید علاوه بر توجه به مجموعه علم به دست آمده در این حوزه در صدد اکتشاف و شناخت واقعیت های بیشتری در این حوزه گام برداشت.

## ۱-۲-۲. مطابقت علم با واقع

این ویژگی مکمل مبنای اول به شمار می آید؛ در مبنای اکتشافی بودن علم به این موضوع اشاره شد که از منظر قرآن، معلوم ناظر به واقعیتی مستقل در هستی است که در پی کشف آن هستیم، از این رو، زمانی می توان از حصول علم سخن گفت که یقین داشته باشیم آنچه تحت عنوان علم حاصل شده با واقعیت مطابق است. حصول یقین در مورد مطابقت نه بر حالت روانشناختی عالم که ناظر بر کیفیت معلوم است؛ بدین صورت که به گونه ای مدلل بتواند از احراز واقعیت حکایت کند. این کار موجب اعتبار بخشی به علم می گردد؛ چرا که در غیر این صورت و صرفاً با تکیه بر اکتشافی بودن علم، هر درکی از واقعیت می تواند مساوی علم قرار گیرد، به همین دلیل مطابقت با واقع به نحو مدلل می تواند ما را از حصول درک نسبت به واقعیت مطمئن سازد (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۷۲).

امروزه با فراهم آمدن امکان دسترسی سریع و آسان به فضای مجازی و اطلاعات اعم از درست و نادرست در زمینه امر جنسی نمی توان صرفاً مبتنی بر ارزش ها با متریبان برخورد نمود، بلکه نیاز است همان طور که در حصول علم به حصول یقین نسبت به مطابقت با واقع به نحو مدلل توجه می گردد، در امر تربیت جنسی متریبان نیز این مبنا مورد توجه قرار گیرد و واقعیت ها و شواهد مربوط به امر جنسی در کنار ارزش های این حوزه ارائه گردد. این امر نه تنها اطمینان متریبان به نظام تعلیم و تربیت را افزایش می دهد، بلکه موجب تشکیل ساختمانی محکم در ارتباط با اصول فکری و عملی فرد در این زمینه می گردد، از سوی دیگر هنگام قرار گرفتن در موقعیت های مختلف و متفاوت از فضای فکری موجود در نظام تعلیم و تربیت، با اتکاء بر شیوه حصول علم به ارزیابی شواهد جدید و رد و پذیرش آن ها اقدام می نماید، بنابراین می تواند به نحو صحیح تری انتخاب و عمل نماید.

### ۳-۲-۱. ابداعی بودن علم

این ویژگی مبین بخش اول ایده اساسی باقری در خصوص معرفت شناسی اسلامی یعنی «سازه گرایی» است. در مبنای اول یعنی اکتشافی بودن علم به «واقع گرایانه» بودن نظریه معرفت شناسی اسلامی اشاره گردید؛ یعنی علم ناظر به واقعیتی مستقل در هستی است و در این مبنا علم با تاکید بر عالم مورد توجه قرار گرفته و ابداعی است. به عبارت دیگر اگرچه طرحواره ها و سازه های ذهنی مختلف و متفاوتی توسط عالم از یک واقعیت می تواند موجود باشد، اما طرحواره هماهنگ و متناسب با واقعیت، علم نامیده می شود (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰).

این مبنا، تلاش انسان در جهت فهم واقعیت را به رسمیت می شناسد و یادآوری می نماید که تمام علم به صورت ساخته و پرداخته در اختیار انسان قرار ندارد و باید در جهت فهم و گسترش علوم مرتبط با حوزه تربیت جنسی تلاش کرد. از سوی دیگر اشاره به ساختنی بودن علم با توجه به سازه ها مبین توانایی انسان در فرضیه پروری برای ساخت علم است.

### ۴-۲-۱. تناظر علم با نیازهای آدمی

این مبنا ناظر به این معنا است که علم، در جهت پاسخگویی به نیازهای انسان اعم از نیازهای کنجکاوانه و نیازهای معمول و رایج است (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۸۲). در این میان، یکی از نیازهای وجود انسان که دارای ابعاد جسمانی و نفسانی است، نیاز جنسی است و ضروری است انسان در جهت کسب علم در این زمینه گام بردارد و می توان گفت علاوه بر اینکه لازم است در هر جامعه دانشمندان و عالمان برای اکتشاف و گسترش علم متناسب با نیاز جنسی و اقتضائات مطرح در دوره های مختلف زندگی تلاش نمایند. از سوی دیگر باید علم آموزی در نظام تعلیم و تربیت کشور متناظر با نیازهای آدمی از جمله نیاز جنسی و با در نظر گرفتن معیار مطابقت با واقع صورت گیرد. در این صورت زمینه رشد درک، فهم و عمل متریبان در حوزه امر جنسی فراهم می گردد.

### ۵-۲-۱. سطوح مختلف تناظر علم با نیازهای آدمی

علم با توجه به عالم و رتبه بندی نیازهای او، از سطوح مختلفی برخوردار است. در دیدگاه اسلامی می توان از سه سطح علم در تناسب با نیازهای انسان سخن گفت:

دسته نخست، نیازهای کاذب یا جانبی است که مسبب علم در این حوزه یا بی فایده یا مضر است مانند علم سحر.

دسته دوم، نیازهای حیاتی ذیل مجموعه نیازهای اساسی انسان است؛ یعنی نیازهای اساسی که در صورت عدم تأمین و پاسخگویی، بقا و وجود انسان را به خطر می اندازد. روشن است که امروزه نیازهای ذیل این دسته از وسعت و پیچیدگی بیشتری برخوردار است؛ چرا که تنها زنده ماندن انسان شرط حیات تلقی نمی گردد، بلکه کیفیت زندگی انسان نیز مهم است. از این رو مسائلی چون آلودگی هوا و آلودگی آب ها مرتبط با نیازهای حیاتی انسان به شمار می آید.

دسته سوم، نیازهای اساسی که برآوردن آن‌ها تعیین کننده «رقاء» (از جای برآمدن) انسان و به ثمر نشستن اوست (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۸۲).

با توجه به تقسیم بندی ارائه شده به نظر نمی‌رسد بتوان به این صراحت نیازهای اساسی انسان را به صورت دو دسته جدا از هم تفکیک نمود، هر چند می‌توان برای شناخت بهتر از چنین تقسیم بندی استفاده کرد. اما وجود انسان از چنان یکپارچگی برخوردار است که هر کدام از نیازهای وی عمیقاً با تعالی و برآمدن و به ثمر نشستن انسان مرتبط است. به عنوان نمونه چگونه می‌توان تعیین کرد نیاز جنسی جزء نیازهای اساسی حیاتی یا تعالی انسان است، چرا که بالندگی انسان در این وجه به طور حتم به تعالی و شکوفایی وجود انسان کمک خواهد کرد. مشکلات موجود در این حوزه می‌تواند حرکت انسان در جهت نیازهای متعالی را متوقف نماید. روشن است که سرکوب و سرپوش گذاشتن و انکار آنچه درون او می‌گذرد، تاثیری در حقیقت باطنی وجود انسان ندارد، بنابراین زمانی می‌توان حقیقتاً از تعالی اخلاقی و معنوی انسان سخن گفت که در آن دسته از نیازهای اساسی که حیاتی به شمار می‌رود به جایگاه مناسبی برسیم. به همین جهت باقری بیان می‌کند اگر چه نیازهای اساسی تعالی از اولویت رتبی برخوردارند، اما نیازهای اساسی حیاتی از اولویت زمانی برخوردار است. با این وجود به نظر می‌رسد نیازهای اساسی حیاتی انسان نیز از وجهی متعالی برخوردار بوده و باید از این منظر بدان نگریسته شود.

نکته دیگر در این خصوص، «جامع‌نگری به همه نیازها و هدایت آن‌ها» است؛ بدین معنا که ضمن مهارت‌های کاذب و پرهیز از علم آموزی در ارتباط با این نیازها در نظام تعلیم و تربیت رسمی، نیازهای اساسی اعم از حیاتی و تعالی به طور توأمان و با توجه به واقعیت نیازهای انسان مورد توجه قرار گیرد (همان، ص ۱۹۷). از این رو توجه به نیاز جنسی بدون توجه به نیاز انسان برای حرکت در جهت تکامل وجودی، ناروا و ناقص است.

## ۶-۲-۱. پویایی علم

علم به عنوان امری ابداعی توسط عالمان در زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی ساخته می‌شود، از این رو ضمن وجود ثبات علم با توجه به مسیر حصول آن، علم با توجه به شخص عالم از پویایی برخوردار است و به عبارتی ارزش معرفتی علم در زمینه‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵).

پویایی علم با توجه به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مختلف زمینه ساز فراهم آمدن امکان «نقد مداوم آموخته‌ها» است؛ چرا که علاوه بر تغییر واقعیت‌ها و علم با شرایط فرهنگی و اجتماعی هر دوره زمانی، حساسیت‌ها و مسائل مطرح در هر دوره ای می‌تواند متفاوت باشد (همان، ص ۱۹۸)، از این رو نیاز است عالمان ضمن توجه به حقایق و ثبات علم، امکان نظوروری و نقد مداوم داشته و موجبات حرکت صحیح در تعلیم و تربیت در وجه مختلف انسان از جمله تربیت جنسی را فراهم نمایند. چنان چه امروزه با توجه به گسترش فناوری اطلاعات و از میان برداشته شدن مرزهای اطلاعاتی، مسائل و چالش‌هایی در حوزه جنسی گروه‌های مختلف سنی مطرح است که نیاز است اندیشمندان با توجه به ارزش‌ها و حقایق حوزه جنسی، در پی پاسخگویی به این‌ها برآیند.

### ۳-۱. مبانی ارزش شناسی؛ سه سطحی بودن ارزش ها

ایده اساسی مطرح در حوزه ارزش شناسی، مساله سه سطحی بودن ارزش هاست که ذیل مبنای ثبات و تغییر در ارزش ها توضیح داده خواهد شد.

#### ۳-۱-۱. اعتباری بودن ارزش ها و ناظر بودن آن ها به واقعیت

مفهوم ارزش می تواند دو معنا داشته باشد؛ نخست، معنای وسیع ارزش که ناظر به جنبه های وجودی یک موجود است و معنای دوم ارزش که معنای محدودتری است ناظر به اعتبارهای ادراکی یک موجود نسبت به امور مختلف است. به این ترتیب مبتنی بر ادراک آدمی در عرصه های مختلف، باید ها و نبایدها شکل می گیرد. این مبنا مبتنی بر معنای دوم ارزش ها به این موضوع می پردازد که ارزش ها اعتباری و از وجهی ذهنی برخوردارند. اما اعتباری بودن ارزش ها، آن ها را تا حدی ذهنی نمی گرداند که مبتنی بر سلیقه صرف شخصی یا قرارداد افراد باشد، بلکه با مراجعه به معنای اول ارزش یعنی نسبت موجود با منبع خیر مطلق می توان از حقایق یا واقعیت هایی سخن گفت که پشتوانه و تکیه گاه اعتبار ارزش برای امور قرار می گیرند؛ از این رو ارزش ها در عین اتکاء بر حقایق، اعتباری هستند و همین امر ما را از نگاه های ذهن گرایانه و عین گرایانه افراطی دور می کند (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۲۰۵).

مطابق این مبنا، اگر چه ارزش ها از وجهی اعتباری و ذهنی برخوردارند اما به لحاظ وجودی متکی بر پشتوانه ای حقیقی است؛ از این رو نباید به درک امری به عنوان ارزش توسط انسان کفایت اکتفا نمود بلکه زمانی فرد به کمال و تغییرات عمیق وجودی نایل می آید که بتواند حقیقت پشتیبان آن امر را درک نماید (همان، ص ۲۲۶). توجه به این مبنا در ارتباط با امر جنسی می تواند کمک شایانی به تحقق اهداف تربیت جنسی نماید؛ چرا که عصر حاضر با ویژگی های فرهنگی، اجتماعی و اطلاعاتی و ارتباطاتی خود می تواند ارزش ها و حقایق پشتیبان آن ها را که لزوما همهانگ یا موافق ارزش های اسلامی در این زمینه نمی باشد، در اختیار متربیان قرار می دهد و حرکت نظام تعلیم و تربیت رسمی مبتنی بر درک ارزش ها بدون پشتیبان آن ها، تاثیری بر آن ها نداشته یا چنان سطحی است که به زودی ناپدید می شود.

#### ۳-۲-۱. ثبات و تغییر در ارزش ها

ارزش ها با توجه به مطلق یا نسبی بودن از ویژگی ثبات یا تغییرپذیری برخوردارند. از این جهت می توان از دو نوع ارزش سخن گفت؛

دسته نخست، ارزش های مطلق چون ایمان به خدا که به صورت مطلق و تحت هر شرایطی، ارزش هستند و تحت تاثیر هیچ چیزی قرار نمی گیرند.

دسته دوم، ارزش های غیرمطلق که خود ذیل دو دسته قرار می گیرند، یک، ارزش های مشروط، بدین معنا که برخی امور مشروط به شروط و در حدود خود همواره ارزش هستند، بنابراین این ارزش ها، نسبی محسوب می گردند یعنی نسبت به حدود تعیین شده ارزش هستند. از سوی دیگر مادامی که حدود مذکور وجود داشته باشد، از ثبات برخوردار بوده و ارزش هستند. به همین جهت در عین نسبی بودن، از ثبات



برخوردارند و محدود به زمان خاصی نمی گردد. دوم، ارزش های متغیر، یعنی ارزش هایی که در طول زمان دگرگون شده و از اعتبار تاریخی برخوردار است، یعنی امری که در زمانی ارزش محسوب شده، می تواند در زمان دیگری، ارزشمندی خود را از دست بدهد.

تمیز ارزش ها از یکدیگر از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است؛ چرا که عدم تفکیک ارزش های مطلق از غیرمطلق می تواند سبب تعمیم ارزش به تمام موقعیت ها گشته و مشکلاتی را بار آورد. از سوی دیگر عدم تفکیک ارزش های متغیر و مشروط از یکدیگر نیز می تواند موجب مغالطه گردد و هر امر محدودی، متغیر در نظر گرفته شود، در صورتی که با یکدیگر متفاوتند (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۲۰۹).

این مبنا، ایده اصلی معرفت شناسی اسلامی از منظر دکتر باقری و بسیار مرتبط با تربیت جنسی است، چرا که در باید در عین توجه و حرکت بر مبنای ارزش های مطلق در این حوزه، متوجه تفکیک ارزش های مطلق از غیرمطلق و تسری احکام این ارزش ها به محدودیت های محدود و متغیر بود، زیرا عدم رعایت این موضوع می تواند آسیب های فراوانی به گروه های سنی مختلف در جامعه و خانواده ها وارد نماید. از سوی دیگر با اتکا بر مبنای اول می توان گفت، باید تلاش مناسبی برای فهم حقایق و واقعیت های مربوط به امر جنسی صورت گیرد تا ناآگاهی و عدم اشراف بر واقعیت، باید ها و نباید ها را جابجا نکند. به عبارت دیگر یکی از نتایج توجه به این مبنا و معیار قرار دادن آن در عرصه عمل، درک سلسله مراتبی از ارزش هاست؛ بدین معنا که با چنین درکی، برخی از ارزش های مطرح در تربیت جنسی به عنوان ارزش های مطلق در راس هرم ارزشی زندگی فرد قرار می گیرد و برخی ارزش ها در محدوده شروط و حدود خود، سامان بخش اعمال و افکار فرد در ارتباط با امر جنسی می گردند. ضمن اینکه فرد قابلیت پویایی و پذیرش ذهنی برای تغییر نظر و عمل خود بر مبنای ارزش های متغیر را کسب می نماید و بدین ترتیب از به دام افتادن در تعصب مصون می ماند.

### ۳-۳-۱. کرامت انسان

انسان به سبب انسان بودن و برخورداری از هدایایی چون عقل و فطرت از جانب خداوند به ذاته از کرامت و بزرگی برخوردار است و هر امری جانبی که انسانیت وی را تحت الشعاع قرار نمی دهد، بر کرامت وی اثرگذار نیست مانند رنگ، نژاد، جنسیت، ثروت، نوع زبان و فرهنگ، زشتی و زیبایی یا نقص عضو.

از دیدگاه ارزشی اسلامی، کرامت نه ارزشی مطلق که ارزشی مشروط است یعنی مادامی که انسان در مقام انسانیت باقی بماند و با ارتکاب اعمالی، آن را نیالاید، از کرامت برخوردار است. در غیر اینصورت ضمن از دست دادن جایگاه کریمانه به خواری دچار می گردد (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۲۱۳).

درک و شناخت انسان از خود به عنوان موجودی کریم و صاحب منزلت به همراه توجه به قابلیت از دست رفتن این جایگاه فرد را نسبت به حفظ شان وجودی خود متنبه می سازد، به همین دلیل انتخاب و عمل فرد در ارتباط با امر جنسی باید به گونه ای باشد که کرامت وی تحت الشعاع قرار نگیرد. از سوی دیگر از آن جایی که تمام انسان ها در برخورداری از این جایگاه با یکدیگر مساوی هستند، لازم است برخورد افراد با یکدیگر و حرکت نظام تعلیم و تربیت رسمی در برخورد با دانش آموزان و وجوه وجودی آنان از جمله امر جنسی دایر مدار حفظ کرامت انسانی آن ها باشد.

### ۴-۳-۱. آزادی

مبنای آزادی ضمن آزاد دانستن انسان از معنای خاصی از آزادی سخن می گوید، «اعمال آدمی هنگامی تامین کننده آزادی وی است که با ملاحظه های عقلانی و اخلاقی همراه باشد و زندگی خوبی را فراهم آورد» (باقری، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸). بنابراین انسان به عنوان مجموعه ای پیچیده از نیازها و سائق های درونی، موجودی آزاد به شمار می آید.

معنای خاص آزادی در نگاه ارزش شناسی اسلامی مانع از مجاز دانستن پاسخگویی به هر کدام از نیازها و سائق های انسان است؛ چرا که برخی از این نیازها کاذب بوده و باید مهار گردد و برآوردن آن ها گرچه ممکن است به آزادی دیگران آسیبی وارد ننماید، اما می تواند فرد را در اسارت محدودیت ها و ناآگاهی های وجود خود نگاه دارد. به همین دلیل وجوهی از رهایی در حدود معنای آزادی قرار می گیرند که بتواند موانع رشد انسان را از میان برداشته و موجبات نیل تصویر مطلوب از انسان را فراهم نماید.

در نهایت می توان گفت آزادی انسان در نگاه اسلامی مستقل از مفهوم زندگی خوب و مفاهیم ارزشی نبوده و در کنار آن تعریف می گردد و برخلاف دیدگاه های لیبرال که آن را صرفاً از وجه سلبی و به معنای فقدان موانع بیرونی برای تحقق خواست فرد تعریف می کنند، از وجهی ایجابی برخوردار است (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴).

چنانچه می دانیم، تربیت نه حرکتی اجباری که مبتنی بر اختیار و اراده فرد و به عبارتی آزادی انسان است. مطابق آنچه در تعریف آزادی از منظر اسلامی بیان گردید، انتظار می رود متریبان ضمن توجه به نیازها و سائق های وجودی خود از جمله نیاز جنسی، در جهت رشد و تحقق تصویر انسان متعادل متکامل بر اساس مفاهیم ارزشی اسلامی گام بردارند. به همین جهت نظام تعلیم و تربیت با اقدامات خود، مقدمات فراهم آمدن چنین نگرش و عملی در متریبان را فراهم می سازد.

### ۵-۳-۱. عدالت

عدالت به لحاظ ارزشی امری اعتباری اما ثابت و پایدار است. مفهوم عدالت در این مبنا مرتبط با حق و حقوق افراد و برقراری عدالت به معنای تامین حقوق افراد تعریف می گردد. از این رو در خصوص معیار عدالت باید با توجه به حقوق افراد تصمیم گرفت. در مواردی که افراد از حقوق برابر و یکسان برخوردارند، برقراری عدالت متضمن برابری میان افراد است اما زمانی که افراد از حقوق متفاوت و نابرابر برخوردارند، برقراری عدالت متضمن نابرابری میان افراد است؛ چرا که هر کس متناسب با حق خود دریافت خواهد کرد. برابری افراد در برابر قانون از موارد تحقق عدالت بر مبنای برابری و برخورداری بیشتر شخص با تلاش و کوشش بیشتر از موارد تحقق عدالت بر مبنای نابرابری است (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸).

مبتنی بر مبنای عدالت و در ارتباط با امر جنسی می توان گفت اگر تحقق عدالت در مواردی مستلزم نابرابری نابرابری افراد باشد، در این صورت چنان چه علم و واقعیت ثابت می نماید زن و مرد و خود زنان و مردان در کیفیت و کمیت امر جنسی با یکدیگر متفاوت هستند، برقراری عدالت ایجاب می نماید هر کس متناسب با دارایی خود برخوردار گردد.

## ۶-۳-۱. زیبایی و ارزش زیبایی شناختی

متون اسلامی از دو معیار عینی و ذهنی در ارتباط با زیبایی سخن می گویند؛ معیار عینی، ناظر به چیز زیبا خود از ویژگی هایی برخوردار است که آن را زیبا می گرداند و به عبارتی زیبایی شی مبتنی بر حقایق و واقعیت هایی در آن است، در حالی که معیار ذهنی مبین نقش ادراک و ادراک کننده در زیبایی است. علاوه بر این دو، می توان ملاحظه هایی از توجه متون اسلامی به عنصر غایت برای زیبایی پیدا نمود. گرچه این معیار را نمی توان به صورت قاطع به عنوان معیاری برای زیبایی شناختی در نظر گرفت، اما می تواند در مسائل انسانی، میان زیبایی و خیر و اخلاق ارتباط برقرار سازد. چنانچه در قرآن، کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک بسیار زیبا در ازدواج معرفی می گردد(باقری، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۲۲۴).

هر فردی به خودی خود به عنوان ادراک کننده، از درکی نسبت به زیبایی امور برخوردار است، اما با توجه به معیار عینی زیبایی و عنصر غایت می توان ذائقه افراد نسبت به زیبایی را اعتلا بخشید(همان، ص ۲۳۱). این مساله در ارتباط با امر جنسی می تواند نقش مهم و تاثیرگذاری داشته باشد و با حرکت صحیح نظام آموزش و پرورش می تواند موجب تحول نگاه متربیان از ارضاء صرف نیاز جنسی به توجه به این نیاز با توجه به معیارهای زیبایی شناختی گردد. این معیارها می تواند شرایط روحی، آثار اجتماعی و موقعیت پاسخگویی به این نیاز را در برگیرد، به گونه ای که فرد برای احترام به خود و رغبت درونی انسان نسبت به زیبایی، شرایط مناسب را فراهم نماید.

مبانی نظری اسلامی در جدول زیر به طور خلاصه آمده است:

جدول (۱-۲): نگاهی به مبانی نظری اسلامی در تربیت(جنسی)

<ul style="list-style-type: none"> <li>- درهم تنیدگی نفس و بدن</li> <li>- عقل</li> <li>- اراده و اختیار</li> <li>- هویت جمعی</li> <li>- محدودیت ها</li> </ul>	<p style="text-align: center;"><b>مبانی انسان شناسی؛ انسان به منزله عامل</b></p>	<p><b>مبانی نظری تربیت اسلامی</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- اکتشافی بودن علم</li> <li>- مطابقت علم با واقع</li> <li>- ابداعی بودن علم</li> <li>- تناظر علم با نیازهای آدمی</li> <li>- سطوح مختلف تناظر علم با نیازهای آدمی</li> <li>- پویایی علم</li> </ul>	<p style="text-align: center;"><b>مبانی معرفت شناسی؛ سازه گرایی واقع گرایانه</b></p>	

<ul style="list-style-type: none"> <li>- اعتباری بودن ارزش ها و ناظر بودن آن ها به واقعیت</li> <li>- ثبات و تغییر در ارزش ها</li> <li>- کرامت انسان</li> <li>- آزادی</li> <li>- عدالت</li> <li>- زیبایی و ارزش زیبایی شناختی</li> </ul>	<p><b>مبانی ارزش شناسی؛</b> <b>سه سطحی بودن ارزش ها</b></p>	

بنا بر آن چه با مرور پیشینه تربیت جنسی آمد، تاکنون مبانی نظری اسلامی ویژه تربیت جنسی در کشور تدوین نگردیده و این پژوهش تلاش می نماید گام کوچکی در جهت روشن نمودن مسیر این حرکت بردارد. به همین دلیل در مبانی نظری، از پژوهشی با عنوان فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران (باقری، ج ۱، ۱۳۸۷) بهره برده ایم. چنان چه این مبانی در تمام عرصه های تربیت و از جمله تربیت جنسی انسان روشن کننده مسیر است.

مبانی ارائه شده توسط باقری، انسان را در عین درگیری و کشاکش میان نیروهای درونی و بیرونی، موجودی عامل معرفی می نماید. از سوی دیگر در جریان معرفت شناسی، ضمن به رسمیت شناختن واقعیت مستقل بیرونی، انسان به عنوان عالم با سازه های ذهنی، به ساخت علم مبادرت می ورزد. در ارزش شناسی ضمن ابتناء بر حقیقت، ارزش ها از ماهیتی اعتباری برخوردارند و می توانند مطلق، مشروط یا متغیر باشند.

## ۲. نگاهی فلسفی به رویکردهای مطرح جهانی در تربیت جنسی

راهکارها و دستورالعمل های ناظر به تربیت جنسی متأثر از نوع نگاه ما به میل جنسی است. از این رو در این بخش، ابتدا نگاه فیلسوفان به میل جنسی بررسی شده و دو نوع متافیزیک خوش بینانه و بدبینانه به میل جنسی تبیین می گردد.

امروزه دو رویکرد اصلی تربیت جنسی پرهیزمدارانه و تربیت جنسی جامع در زمینه تربیت جنسی مطرح است. از این رو برای فهم بهتر این رویکرد ها با مراجعه به گزارش تیفانی جونز به معرفی چهار گرایش موجود در زمینه تربیت جنسی می پردازیم تا زمینه های طرح این رویکردها و مبانی آن ها روشن گردد. سپس این دو رویکرد اصلی تبیین می گردد.

### ۲-۱. نگاه فیلسوفان به میل جنسی

ارزیابی اخلاقی ما در مورد فعالیت های جنسی بسته به نوع نگاه ما به میل جنسی متفاوت خواهد بود. نظر فیلسوفان در ارتباط با میل جنسی در دو سر طیف نگاه بدبینانه و خوش بینانه قرار دارد.

الف. بدبینی جنسی متافیزیکی<sup>۱</sup>: «در این دسته فیلسوفانی چون آگوستین<sup>۲</sup>، امانوئل کانت<sup>۳</sup> و گاه زیگموند فروید<sup>۴</sup> جای می گیرند. این نگاه میل و فعالیت جنسی را تقریباً همیشه چنانچه ضروری نباشد، با شان و مرتبه انسانی متناسب نمی داند. اینان ذات و نتایج عمل و تحریک جنسی را در تناسب با شان و اهداف عالیه انسان نمی بینند. از این رو میل جنسی و ارضای آن را خطری برای هارمونی زندگی متمدنانه دانسته و آن را به عنوان یک تهدید جدی نه تنها برای روابط مناسب، بلکه برای رفتار اخلاقی و انسان های دیگر و همچنین به همان اندازه تهدیدی برای بشریت می دانند.

این نگاه به میل جنسی، رابطه جنسی را امری عجیب قلمداد کرده که علاوه بر تحرک و فعالیت غیرارادی و غیرقابل کنترل شخص، هر طرف تمایل به استفاده و تسلط بر بدن شخص دیگر دارد. در ارتباط جنسی، شخصیت طرف مقابل به بدن او و استفاده از آن مانند شیء کاهش پیدا کرده و همین امر میل جنسی را بدل به امری پلید و ذاتا بد می نماید.

به عبارتی می توان گفت در ذات غریزه جنسی این نکته نهفته است که آن که به شخص دیگری از نظر جنسی علاقه مند است در واقع او را به صورت یک شیء می بیند نه یک انسان، چه قبل از عمل جنسی و چه بعد از آن ... شخص مقابل هم با هدف به دست آوردن رضایت وی، در معرض از دست دادن شخصیت خود است. به نظر می رسد گونه های مشخصی از دستکاری و اغفال (اغواگری) جزء مقدمات لازم عمل جنسی با شخص دیگر است و عموماً این مسئله قسمتی از ذات عمل جنسی است... در واقع جنسیت ما تهدیدی است علیه هویت و شخصیت سایرین. کسی که در چنگال غریزه جنسی گیر افتاده است در آستانه از دست دادن شخصیت و هویت خویش است... علاوه بر این، کسی که به خواسته جنسی شخص دیگری پاسخ می دهد خود را به ابزاری در دست او تبدیل می کند... آنها که وارد یک فعالیت جنسی می شوند خودشان را به طور رضایت مندانه ای تبدیل به اشیایی می کنند برای دیگری آن هم فقط بخاطر لذت جنسی. بنابراین هر دو خودشان را به سطح حیوانات کاهش داده اند» (سوبل<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹).

این نگاه، میل جنسی را به جهت تنزل دادن انسان به مرتبه حیوانی و تبدیل انسان به شیء، پلید می داند و لذت جنسی را پست قلمداد کرده و «فعالیت جنسی را به جهت کارکرد ویژه آن در فرزندآوری، در ارتباط با جنس مخالف و در قالب ازدواج به صورت تک همسری و برای تمام عمر، اخلاقی می داند. فعالیت جسمی موجب تولید مثل و هم باعث ایجاد لذت می شود. از این دو، تنها همین بعد تولید مثل است که پرمعنی است و به آن ارزش می دهد. به دنبال لذت بودن در امر جنسی مانعی برای رسیدن به جنسیت پاک و اخلاقی است و این همان چیزی است که نباید با آن موافقت بشود و نباید این عمل بخاطر لذت جنسی انجام گیرد. لذت جنسی حداکثر ارزش ابزاری دارد زیرا ما را به انجام کاری که تولید مثل نتیجه اصلی آن است، تهییج می کند» (همان).

<sup>1</sup> Metaphysical sexual pessimists

<sup>2</sup> St. Augustine

<sup>3</sup> Immanuel Kant

<sup>4</sup> Sigmund Freud

<sup>5</sup> Sobel, Alan

ب. خوش بینی جنسی متافیزیکی<sup>۱</sup>: «در این دسته فیلسوفانی چون افلاطون<sup>۲</sup> (در برخی کارهایش)، گاه فروید، برتراند راسل<sup>۳</sup> و بسیاری از فیلسوفان معاصر قرار می گیرند. نگاه این گروه به میل جنسی متضمن هیچ نوع نگرش پلید یا مضر و نفرت انگیزی به تمایلات جنسی نیست. این نگاه تمایلات جنسی را به عنوان یکی از ابعاد بی ضرر وجود انسان که می تواند بدون کاستن از توانایی عقلانی او منجر به خوشبختی انسان گردد، به رسمیت می شناسند و به جای ترس از توانایی جنسی آن را به جهت نقشی که می تواند در رساندن انسان به درجات عالی خوشبختی و شادی داشته باشد، می ستایند.

این نگاه فعالیت جنسی را موجب لذت همزمان خود و دیگری می داند و معتقد است تبادل لذت با ایجاد حس سپاسگزاری و علاقه طرفین نسبت به هم باعث تحکیم روابط انسانی و ایجاد احساس عاطفی بیشتر می شود. به علاوه مهم ترین نکته در باب میل جنسی در این نگاه به رسمیت شناختن لذت جنسی به عنوان امری ارزشمند و از جمله حقوق انسان است. در این نگاه لذت جنسی، صرفاً ارزش ابزاری نداشته بلکه ذاتاً ارزشمند تلقی گشته و محدود به قلمرو ازدواج و هدف فرزندآوری نمی گردد، بلکه زندگی شایسته و پاک می تواند طیف وسیعی از انواع روابط جنسی را در بر گیرد» (همان).

نگاه بدبینانه میل جنسی را به دلیل کاهش شخصیت انسان به مرتبه حیوانی و تبدیل او به شیء، ذاتا پلید می داند و معتقد است میل جنسی باید توسط هنجارهای اجتماعی که درونی شده اند، به شدت محدود شود اما نگاه خوش بینانه معتقد است میل جنسی به خودی خود منجر به ابتذال و پستی نمی گردد و طبیعت و ذات آن به آسانی می تواند روحانی باشد و اغلب نیز این چنین است. از این رو نگاه بدبینانه ارتباط جنسی را تنها با جنس مخالف و در قالب ازدواج و به صورت تک همسری می پذیرد، در صورتی که نگاه خوش بینانه با اصالت بخشیدن به لذت جنسی، طیف وسیعی از انواع روابط جنسی را بدون محدود کردن به قلمرو، ازدواج مجاز اعلام می کند.

رویکردهای ناظر به تربیت جنسی صرفاً در یکی از این دو دسته قرار نمی گیرد، بلکه این دو نگاه دو سر طیف رویکرد های ناظر به تربیت جنسی اند و در میان این دو، رویکردهای دیگری متصور است که می تواند به یکی از دو سر طیف نزدیک باشد. به عنوان نمونه می توان نگاه خوش بینانه به میل جنسی داشت اما قائل به رعایت هنجارهای اجتماعی در ارتباط با میل جنسی بود و برای آن محدودیت قائل بود.

## ۲-۲. رویکردهای موجود در زمینه تربیت جنسی

برای فهم بهتر دو سند تربیت جنسی آمریکا و یونسکو، شناخت رویکرد های موجود در زمینه تربیت جنسی یاری کننده است. تیفانی جونز<sup>۴</sup> در پژوهشی (۲۰۱۱) از چهار رویکرد در زمینه تربیت جنسی و گفتمان های ذیل این رویکردها یاد می کند:

<sup>1</sup> Metaphysical sexual optimists

<sup>2</sup> Plato

<sup>3</sup> Bertrand Russell

<sup>4</sup> Tiffany Jones

## ۱-۲-۲. رویکرد محافظه کار<sup>۱</sup>

رویکرد محافظه کار بر انتقال ارزش های جنسی حاکم (مسلط) به دانش آموزان تاکید و تمرکز دارد. این ارزش ها به صورت پیشینی توسط یک مرجع قدرت خارجی مانند خداوند، قدرت سیاسی یا فرهنگی، تعیین شده اند و می توانند برآمده از مذهب یا عقاید سکولار باشد. در این گرایش هر آنچه ارزش های جنسی مسلط را تهدید کند، یک مسئله جنسی محسوب می گردد. اشکال چنین اقتداری در نهادها و شخصیت های برآمده از وضع موجود از جمله سازمان های مذهبی، مدارس و دانشگاه ها، متخصصین پزشکی، نهادهای علمی و روانپزشکان و والدین، انعکاس می یابد.

در این رویکرد، جنس، جنسیت و امر جنسی در یک دو قطبی متضاد که یک طرف آن زن و طرف دیگر آن را مرد تشکیل می دهد، تعریف شده و تنوع و گوناگونی های فراتر از این مدل با عناوینی چون بیماری، خواسته های شیطانی، سفسطه یا انتخاب اشتباه، توصیف و رد می شود. بنابراین با اینکه الگوهای جنسی، گوناگون هستند اما تنها شکلی از آن که به تولید مثل منجر می شود، مشروع انگاشته می شود (جونز، ۲۰۱۱).

مطابق گزارش جونز، یکی از گفتمان های مطرح ذیل این رویکرد، گفتمان «پرهیز پیش از ازدواج» است. بر اساس این گفتمان، روابط جنسی خارج و پیش از ازدواج موجب احساس گناه، افسردگی، بیماری های مقاربتی و از دست دادن روابط خوب پس از ازدواج خواهد شد. تاکید بر نقش های زنانه و مردانه و پرورش آن ها، زهد اخلاقی و دستورات مذهبی از اجزای اساسی این رویکرد تربیتی می باشد.

## ۲-۲-۲. رویکرد لیبرال<sup>۲</sup>

مفهوم محوری این رویکرد، طرفداری از آزادی فردی در ارتباط با امر جنسی، حقوق جنسی فردی و تصمیمات افراد است، به همین دلیل بر آزادی انتخاب فرد و لذت به همراه سرگرمی در کنار مهارت های انتخاب و مذاکره تاکید می گردد. در این رویکرد، مساله جنسی هنگامی بروز می کند که فردیت شخص در مجموعه ی آموزش ها و دانش های جنسی که به وی منتقل می شود، لحاظ نگردد، به عبارت دیگر منبع اقتدار به اراده و خواست فرد انتقال می یابد.

جنس، جنسیت و امر جنسی در این رویکرد، در درجه اول مبتنی بر همان الگوی دو قطبی زنانه - مردانه است اما گوناگونی فراتر از این الگو نیز وجود دارد. وجود چنین الگوهای متفاوتی، الگوی اولیه را از بین نمی برد، بلکه نشان می دهد این دیدگاه فهم منعطف تری نسبت به میل و روابط جنسی و نقش های جنسیتی دارد. علت این امر در نظر گرفتن امور جنسی به عنوان بخشی از فرآیند خودشکوفایی<sup>۳</sup> است؛ بر این اساس هدف، برقراری توازن میان ارزش ها، نتایج احتمالی و مسئولیت پذیری است به طوری که منجر به توسعه برنامه ای پایدار برای امور جنسی شخصی باشد. همچنین در این رویکرد، موضوعاتی مانند ازدواج، سقط جنین و یا ارتباط میان هم جنس خواهان، ملاحظاتی ناظر به فرآیند فردی است نه اجتماعی» (همان، ص ۱۴۴).

<sup>1</sup> Conservative

<sup>2</sup> Liberal

در گزارش جونز گفتمان «تربیت جنسی جامع» ذیل این گرایش قرار گرفته است. در گفتمان جامع موضوعاتی چون آناتومی جنسی، تولید مثل، روش های پیشگیری از بارداری، روش های خویشن داری جنسی، بیماری های مقاربتی، گسترش و حفظ ارتباطات جنسی، هم جنس گرایی مورد توجه قرار می گیرد. در این گفتمان صحبتی از گناه یا محدودیت های اخلاقی و دینی در زمینه موضوعات جنسی وجود ندارد.

### ۳-۲-۲. رویکرد انتقادی<sup>۱</sup>

رویکرد انتقادی به دنبال ایجاد عدالت و برابری در جامعه است و می کوشد شرایطی فراهم آورد تا گروه های در حاشیه قرار گرفته، شنیده شوند. یکی از این گروه ها اقلیت های جنسی از جمله هم جنس گرایان هستند. این دیدگاه برای دانش آموزان این امکان را فراهم می نماید تا به طور فعالانه در مقابل ارزش های مسلط جامعه در امور جنسی، احساس مسئولیت کنند. در دیدگاه مذکور مساله جنسی معطوف به نابرابری اجتماعی و گروه های در حاشیه قرار گرفته و غیر مسلط جامعه است. همچنین توجیحات سنتی درباره امر جنسی پذیرفته نشده و در عوض دلایل و توجیحات مربوط به گروه های به حاشیه رانده شده، نقد می شود.

در نگاه اول در این رویکرد، جنس، جنسیت و امر جنسی در همان الگوی زن و مرد وجود دارد اما شکل های خاص تنوع ورای این مدل نیز مورد پشتیبانی قرار می گیرد. این الگوها دارای ارزشی برابر با الگوهای سنتی بوده و نیاز به سرمایه گذاری آموزشی مضاعف دارند تا از رفتار منصفانه با اینان اطمینان حاصل گردد. همچنین الگوهای جنسی جدید در مورد بدن بازاندیشی می شود و دیگر بدن تنها منبعی برای تولید مثل یا رابطه جنسی سنتی یا دارای جنبه های روحی یا معنوی نیست، بلکه بدن موجودیتی سیاسی داشته و خواسته ها، لذت ها و نسبت هایش همه در روابط قدرت وجود دارد. داشتن رابطه جنسی به دلایل متفاوت و اشکال گوناگونی می تواند شرایط اجتماعی و روابط قدرت را متاثر کند» (جونز، ۲۰۱۱، ص ۱۵۱).

این رویکرد همانند رویکرد لیبرال، تنوع الگوهای مربوط به روابط جنسی را می پذیرد، اما مبنای پذیرش در رویکرد مذکور، توجه به ساختار قدرت و بر هم زدن آن به نفع گروه های در حاشیه و غیرمسلط مانند هم جنس خواهان، جهت برقراری عدالت و برابری در جامعه است، از این رو از تفاوت ها و فعالیت دانش آموزان در جامعه در زمینه مزایای اجتماعی خاص مربوط به امور جنسی و هویت جنسی، حمایت می کند.

برخی از گفتمان های مطرح ذیل این گرایش، «فرویدیسم رادیکال»، «فمینیسم رادیکال» و «فمینیسم فرهنگی» است. فمینیست های رادیکال، این رویکرد را در ارتباط با مسائل زنان بازتعریف می کنند و تولید مثل انسان را که توسط نهادهایی چون ازدواج، دگرخواهی جنسی اجباری و مفهوم مادری کنترل و جامعه پذیر شده اند، به شدت مورد نقد قرار می دهند. اینان به دنبال بازتعریف ساختارهای اجتماعی هستند به گونه ای که در آن لذت جنسی مستقل از مردان، ارتباط جنسی زنان با یکدیگر و ارتباط زن با مرد به نحوی که شخصیت زنانه او حفظ گردد، مورد حمایت قرار گیرد.

<sup>1</sup> Critical



این رویکرد جدیدترین گرایش موجود در زمینه تربیت جنسی است. در این دیدگاه وجود هرگونه حقیقتی فراتر از فرهنگ، نقد شده و هر حقیقتی در چهارچوب یک نظم فرهنگی- تاریخی خاص قابل فهم است. در رویکرد مذکور مفاهیم حقیقت، اقتدار<sup>۲</sup> و واقعیت، تحلیل می شود. چهارچوب ها و موقعیت های متفاوتی برای جنس، جنسیت و امر جنسی بررسی می شوند و چشم اندازهای چندگانه در مورد یک موضوع یا دانش تدریس می شود، سپس یک رویکرد انتقادی ساختارزداپانه اتخاذ می گردد تا حقایق یا پیش فرض های هژمونیک یا گفتمانی هر زمان یا فرهنگی روشن گردد. در نتیجه مساله جنسی، دام حقایق فرهنگی هژمونیک است.

در این رویکرد معلم به عنوان یک ساختار شکن عمل می کند و با ایجاد سوال هایی سعی می کند وضعیت تناقض آمیز یا سوال برانگیزی برای دانش آموزان در ارتباط با نظم حاکم ایجاد کند تا آنان آگاه شوند که چگونه توسط مجموعه ای از ذهنیت های متناقضی که به وسیله گفتمان های فرهنگی غالب حمایت می شوند، احاطه شده اند و غیرعقلانی بودن یا غیرانتخابی بودن همه معانی ظاهرا طبیعی انگاشته شده، را درک نمایند. به این ترتیب علیرغم اینکه هویت ایمنی بخش و بینش های اساسی دانش آموزان دگرگون می شوند، اما فضای فرهنگ برای دوباره سازماندهی کردن و تغییر خلاقانه گشوده می شود (جونز، ۲۰۱۱، ص ۱۵۹).

طبق این گزارش، از گفتمان های مطرح ذیل این رویکرد، می توان به «پساساختارگرایی» و «تربیت چندفرهنگی» اشاره کرد. از نظر پاساساختارگرایان، مفاهیم جنس و جنسیت میراثی تاریخی- فرهنگی بوده و سرشار از پیش فرض های پدرسالارانه و ضد هم جنس خواهانه است. بنابراین نمی توان از یک الگوی فرا تاریخی- فرازبانی در امر جنسی دفاع نمود و آن را مطابق حقیقت دانست. به این ترتیب تمام الگوهای جنسی هم عرض بوده و قابل نقد هستند. در تربیت چندفرهنگی نیز اعتقاد بر این است که فرهنگ های مختلف می توانند در کنار هم زندگی مسالمت آمیز داشته باشند. بنابراین سنت های جنسی گوناگون، سبک های زندگی جنسی متفاوت، فهم های گوناگون از جنس و جنسیت همه معتبرند و نژاد و اعتقادات فرهنگی، عوامل اساسی شکل گیری دهنده انتخاب های جنسی فرد به شمار می روند.

در جمع بندی دو نگاه بدبینانه و خوش بینانه به میل جنسی و رویکردهای مطرح در گزارش تیفانی جونز، می توان گفت از میان چهار رویکرد مذکور، رویکرد محافظه کارانه، میل جنسی را امری پلید تلقی کرده، از این رو در بیان مضرات رابطه جنسی پیش از ازدواج به مواردی از قبیل افسردگی، شرم و احساس گناه اشاره می کند. هم چنین در این رویکرد نه تنها بحثی از لذت جنسی نمی شود، بلکه تلاش برای وضع هنجارهای اجتماعی شدید در ارتباط با امر جنسی است و رابطه جنسی به جهت کارکرد ویژه اش در تدوام نسل به رسمیت شناخته می شود. به همین دلیل می توان گفت این رویکرد مبتنی بر نگاه بدبینانه به میل جنسی است.

<sup>1</sup> Postmodern

سه رویکرد دیگر، لذت جنسی را بخش از جریان طبیعی رشد و زندگی فرد در نظر می گیرند و تنوع در امر جنسی و اشکال رابطه جنسی را به رسمیت می شناسند. از این رو می توان گفت این سه رویکرد، از نگاه خوش بینانه به میل جنسی حمایت می کنند، با این وجود به نظر می رسد، رویکرد انتقادی به دلیل تمرکز بر گروهی خاص در جامعه و رویکرد پست مدرن به دلیل تاکید جدی بر پرورش روحیه ساختارشکنی در دانش آموزان در ارتباط با امر جنسی، نمی توانند به عنوان رویکردهای مبنای کار تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش کشورها قرار گیرند؛ زیرا اهداف نظام آموزش و پرورش، متوجه تمام دانش آموزان است، از سوی دیگر امر تربیت بدون ارائه و پرورش هنجارهای اجتماعی، اخلاقی و ارزشی در دانش آموزان غیرممکن است.

خلاصه آنچه در مورد رویکرد های تربیت جنسی مطرح گردید، در جدول زیر (۲-۳) قابل مشاهده است:

جدول (۲-۲): رویکردهای تربیت جنسی بر اساس گزارش جونز (۲۰۱۱)

گفتمان های مطرح ذیل رویکرد	ویژگی های اصلی	رویکرد
گفتمان پرهیز پیش از ازدواج	-تمرکز بر انتقال ارزش های جنسی حاکم -پذیرش امر جنسی صرفا در الگوی دو قطبی زنانه-مردانه در قالب ازدواج	رویکرد محافظه کار
گفتمان تربیت جنسی جامع	-طرفداری از آزادی فردی در ارتباط با امر جنسی -انعطاف نسبت به الگوهای متفاوت روابط جنسی	رویکرد لیبرال
فمینیسم رادیکال فرویدیسم رادیکال فمینیسم فرهنگی	-تمرکز بر عدالت و برابری در جامعه در ارتباط با امر جنسی از طریق توجه به گروه های حاشیه ای -پذیرش الگوهای خاص روابط جنسی فراتر از الگوی زنانه-مردانه	رویکرد انتقادی
پساساختارگرایی تربیت چندفرهنگی	-توجه به امر جنسی به عنوان حقیقت فرهنگی هژمونیک -تلاش برای پرورش «ساختارشکنی» در ارتباط با نظم حاکم در دانش آموزان -پذیرش الگوهای متفاوت روابط جنسی	رویکرد پست مدرن

در ادامه دو رویکرد تربیت جنسی خویشتن دارانه و تربیت جنسی جامع به عنوان دو رویکرد اصلی مطرح در زمینه تربیت جنسی (متقی فر، ۱۳۸۳) مورد بررسی قرار می گیرد. ضرورت امر ناشی از توجه پژوهش حاضر به اسناد بین المللی و اشاره مستقیم این اسناد به تربیت جنسی جامع در متن آن هاست. از سوی دیگر به نظر می رسد رویکرد مواجهه اسناد ما با امر جنسی نقاط اشتراک قابل توجهی با رویکرد خویشتن داری دارد، از جمله به رسمیت خویشتن داری جنسی به عنوان تنها راه پیش روی تا زمان ازدواج، به رسمیت شناختن ازدواج به عنوان تنها محمل پاسخگویی به نیاز جنسی، به رسمیت شناختن ارتباط جنسی در الگوی متضاد مردانه- زنانه و رد الگوهای دیگر.

### ۳-۲. رویکرد تربیت جنسی مبتنی بر پرهیز<sup>۱</sup>

ترویج این رویکرد به تاریخ مدرن باز می گردد. این بحث در استرالیا به ویژه در دهه ۱۹۵۰ میلادی، در خلال جنگ جهانی دوم و پس از آن، با کتاب های راهنمای آموزش جنسی رواج گرفت. در آمریکا رواج این بحث به تصویب قانون زندگی خانوادگی بزرگسالان<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۱ ارتباط پیدا می کند که به عنوان قانون عفاف<sup>۳</sup> شناخته شده است. این قانون سرمایه گذاری بیشتر برنامه ها و پروژه های مربوط به سقط جنین را رد کرده و برنامه های پرهیز و واحدهای ترویج خودانضباطی و مسئولیت پذیری در زمینه مسائل جنسی انسان را در تعلیم و تربیت مجاز اعلام می کند.

رویکرد پرهیزمدارانه می خواهد به طور رسمی پرهیز تا زمان ازدواج و مضرات برقراری رابطه جنسی پیش از ازدواج را آموزش دهد. این آسیب ها می تواند شامل افسردگی، شرم، احساس گناه یا بیماری های مقاربتی جنسی باشد (جونز، ۲۰۱۱). بنابراین رویکرد پرهیز یا رویکرد آموزش مستقیم، تنها به آموزش پرهیز پرداخته و آموزش روش های پیشگیری از بارداری یا رابطه جنسی ایمن یا سقط جنین را رد می کند (وب سایت و مجله آمریکایی «سکس و غیره»)، اما ممکن است برخی اصول اولیه در مورد فیزیولوژی مقاربت جنسی میان دو جنس مخالف در بستر ازدواج و فرزندآوری در این رویکرد بیان گردد. با این وجود چارچوب امور جنسی به گونه ای است که شامل تحریک هایی می شود که در بیشتر زمینه ها در سطوح متعدد مضرند و باید کنترل شوند (جونز، ۲۰۱۱).

ارزش های اخلاقی بنیادینی<sup>۴</sup> چون احترام به خود و دیگران، مسئولیت پذیری، خود انضباطی، خودکنترلی، درستی و راستی، صداقت، انصاف، مهربانی و ... بر امر جنسی در این رویکرد حاکم است که به اعتقاد آن، کم و بیش عمومی اند و باید رعایت شوند (الجیری<sup>۵</sup>، کالینز<sup>۶</sup>، مورین<sup>۷</sup> و سامرز<sup>۸</sup>، ۲۰۰۲).

<sup>۱</sup> AOE : Abstinence Only Education

<sup>۲</sup> Adolescent Family Life Act (AFLA)

<sup>۳</sup> Chastity Act

<sup>۴</sup> core ethical values

<sup>۵</sup> Alagiri, P

<sup>۶</sup> Collins, C

<sup>۷</sup> Morin, S

<sup>۸</sup> Summers, T Summers, T

نیاز جنسی در رویکرد مبتنی بر پرهیز به عنوان یکی از نیازهای انسان به رسمیت شناخته می شود، اما نوع نگاه این رویکرد به میل جنسی متضمن پلید دانستن میل جنسی در وجود انسان است. از این رو مواجهه با این بعد از وجود انسان حداقلی، و به جهت کارکرد ویژه آن در تداوم نسل است. ضمن اینکه ارتباط جنسی صرفاً در الگویی زنانه - مردانه و در قالب ازدواج به رسمیت شناخته می شود و به طور خاص به نوجوانان می آموزد هم جنس خواهی، انحراف و غیر اخلاقی است (کیف، ۲۰۰۷).

رویکرد پرهیزمدارانه، زندگی انسان را در ارتباط با بعد جنسی با توجه به دو دوره مورد توجه قرار می دهد. اول مربوط به دوران پیش از ازدواج و نیاز جنسی آن؛ اصل مورد پذیرش رویکرد خویشتن داری برای این دوران، تنها خویشتن داری است و رابطه جنسی در این دوران را غیرمناسب و غیراخلاقی می داند و ارائه اطلاعات در زمینه رابطه جنسی، پیشگیری و ایدز به دلیل تشویق جوانان به رابطه جنسی زود هنگام نادرست شمرده می شود. دوم مربوط به دوران پس از ازدواج و زمان مجاز پاسخگویی به نیاز جنسی؛ در این دوران نیز فرد باید از ارزش های اخلاقی پیروی کند.

برنامه آموزش جنسی مطلوب از نظر این رویکرد تربیت جنسی شامل این موارد است. (هشت مورد اول عناصر تعریف فدرال رویکرد پرهیز در آمریکا است):

- ۱- هدف منحصر به فرد آن، آموزش دستاوردهای اجتماعی، روحی و سلامتی است که در پی نداشتن رابطه جنسی تحقق می یابد.
- ۲- پرهیز از رابطه جنسی خارج از ازدواج به عنوان استاندارد مورد انتظار برای تمام کودکان مدرسه ای آموزش داده می شود.
- ۳- این رویکرد آموزش می دهد که پرهیز از فعالیت جنسی تنها راه مطمئن برای جلوگیری از بارداری های خارج از چارچوب ازدواج، بیماری های مقاربتی و سایر مشکلات مربوط به سلامت است.
- ۴- می آموزد که یک رابطه متقابل وفادارانه به شریک منحصر به فرد آن در بستر ازدواج، استاندارد مورد انتظار برای فعالیت جنسی انسان است.
- ۵- می آموزد که رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج به احتمال زیاد اثرات جسمی و روحی مضر دارد.
- ۶- می آموزد که فرزندآوری در خارج از چارچوب ازدواج به احتمال زیاد نتایج زیان آوری برای کودک، والدین کودک و جامعه دارد.
- ۷- کنترل جنسی و آسیب های استفاده از الکل و مواد مخدر در رشد جنسی آموزش داده می شود.
- ۸- اهمیت دست یابی به کف نفس<sup>۲</sup>، قبل از مشارکت و مشغولیت در فعالیت جنسی آموزش می دهد (کیف، ۲۰۰۷).

<sup>1</sup> Keefe, Marilyn

<sup>2</sup> self-sufficiency

۹- رویکرد مبتنی بر پرهیز، بزرگسالان را مسئول هدایت نوجوانان و دور کردن آنها از سبک های زندگی ناامن و مضر می داند؛ از این رو مرجع تعیین محتوای مربوط به مسائل جنسی هنگام اختلاف نظر میان پدر و مادر و فرزندان، در این رویکرد والدین است (الجیری، کالینز، مورین و سامرز، ۲۰۰۲).

تلاش این رویکرد برای ترویج اخلاق و پرهیز در بعد جنسی و به رسمیت شناختن بد و خوب در حوزه نیاز جنسی بسیار ارزشمند است اما این رویکرد از چند جهت قابل انتقاد است:

نخست. انتقاد اصلی وارد بر این دیدگاه، تلقی منفی است که نسبت به نیاز و امر جنسی دارد (جونز، ۲۰۱۱).

دوم. ذکر پرهیز به عنوان راهی برای حفظ سلامت جنسی تا زمانی که بتوان به آن پاسخ گفت، اساسی است. اما زمانی که از آن به عنوان تنها راه ممکن یاد می کنیم بدین معناست که تفاوت های افراد را در ظرفیت جنسی به رسمیت نشناخته ایم. چرا که ممکن است فردی توانایی کنترل خود در زمینه نیاز جنسی را نداشته باشد؛ از این رو باید آموزش ها و راهی برای حفظ سلامت او داشته باشیم. در صورتی که این رویکرد این مساله را پیش بینی نکرده و پاسخی برای آن ندارد.

سوم. انتقاد دیگر وارد بر این رویکرد، محدودیت آن در آموزش هایی است که ارائه می کند. آموزش های جنسی در این رویکرد، صرفاً پیرامون مضرات روحی و جسمی رابطه جنسی خارج از ازدواج و به رسمیت شناختن ازدواج به عنوان استاندارد مود انتظار برای تمام کودکان مدرسه است و هرگونه بحث از وسایل پیشگیری از بارداری را ممنوع می داند (کیف، ۲۰۰۷).

چهارم. تلاش این رویکرد در ارزش گذاری به نظر والدین و مشارکت دادن آنان در فرآیند تربیت جنسی امری مهم و صحیح است اما بیان قاعده مطلق در اطاعت از دانش آموزان یا والدین امری نادرست است. یعنی به همان میزان که اطاعت مطلق از دانش آموزان می تواند به سلامت جنسی دانش آموزان آسیب بزند، اطاعت مطلق از والدین هم می تواند. چرا که ممکن است نظر والدین مبنای علمی و روانشناسی و مذهبی نداشته باشد، بلکه صرفاً برآمده از شنیده ها، خرافات و یا تجارب اشتباه آنان باشد که می تواند سرنوشت افراد را عوض کند. چنانچه پژوهشی که در سال ۲۰۰۴ در آمریکا روی ۱۳ برنامه درسی مبتنی بر رویکرد خویشتن داری که در ۲۵ ایالت در حال اجرا بوده، انجام شده است نشان می دهد ۱۱ برنامه درسی مبتنی بر رویکرد پرهیز، دین و علم را در آموزش های خود محو کرده و شامل ادعاهای غلط اثبات نشده و یا نتایج ذهنی یا نادرست در حوزه مسائل جنسی هستند (همان).

#### ۴-۲. رویکرد تربیت جنسی جامع<sup>۱</sup>

تربیت جنسی جامع در دهه ۱۹۶۰ میلادی برای آموزگاران و والدینی که آرزوی «باز کردن مفاهیم مبهم<sup>۲</sup>» را داشتند، ترسیم گردید. این رویکرد تا دهه ۱۹۸۰ به طور گسترده در ایالات متحده ظاهر شد و در

<sup>۱</sup> CSE: Comprehensive Sexuality Education

<sup>۲</sup> "get troubling concepts into the open"

سوئد، کانادا، فرانسه، انگلستان و برخی از کشورهای آفریقایی نفوذ قوی داشت. شورای آموزش اطلاعات جنسی ایالات متحد<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۶۴ تأسیس شد، صدای اصلی نهادی این رویکرد است (جونز، ۲۰۱۱).

این شورا برنامه تربیت جنسی جامع را این گونه تعریف می کند: «احترام به تفاوت و تنوع ارزش ها و باورهای مطرح در جامعه و تکمیل و تقویت آموزش های جنسی که بچه ها از خانواده ها دریافت می کنند» (الجیری، کالینز، مورین و سامرز، ۲۰۰۲، ص ۱۴). تربیت جنسی جامع یک دیدگاه کل گرایانه نسبت به جنسیت و رفتارهای جنسی است. لغت «جامع» در اینجا به معنای، راهکارهای مختلف برای افراد مختلف است (سایت صندوق جمعیت ملل متحد<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). مفهوم «متناسب با سن<sup>۳</sup>» نیز بخشی از فرهنگ لغت این رویکرد است، یعنی در یک مدل ماریچ، موضوعات اصلی ممکن است به شیوه ای ابتدایی برای دانش آموزان در سطح پایین تر معرفی شوند و سپس با افزایش جزئیات در سطوح بالاتر بسط یابند.

رویکرد تربیت جنسی جامع یا غیرمستقیم، ضمن ترویج نگاهی مثبت به تمایلات جنسی به عنوان بخش طبیعی از رشد انسان، اطلاعات گسترده ای درباره روابط جنسی شامل: آناتومی جنسی و فیزیولوژی، تولید مثل، جلوگیری از بارداری و خویشتن داری، عفونت های منتقله از راه جنسی، ارتباط جنسی، توسعه و نگهداری رابطه، خودارضائی و همجنس خواهی ارائه می دهد (جونز، ۲۰۱۱). هم چنین نوجوانان را به مهارت هایی تجهیز می کند تا اطمینان پیدا کنند که می توانند با تصمیمات درست و مسئولانه از سلامت جنسی خود مراقبت کنند<sup>۴</sup>. بیشتر طرفداران تربیت جنسی جامع استدلال می کنند که آموزش جنسی باید خویشتن داری را تشویق کند اما باید جوانان را به اطلاعاتی در باب پیشگیری از بیماری های مقاربتی و ایدز مجهز کند. از این رو عنوان «خویشتن داری به اضافه ی آموزش جنسی<sup>۵</sup>» مطرح گردید (الجیری، کالینز، مورین و سامرز، ۲۰۰۲).

هلمیک ما<sup>۶</sup> (۲۰۰۹)، در پژوهش خود، با گسترش معنای تربیت جنسی جامع، نه اصل را به عنوان اصول اساسی تربیت جنسی جامع عنوان می کند:

۱- **مخاطب محوری<sup>۷</sup>**: به معنای دانستن اطلاعات عمومی و کلی درباره جوانان و در نظر گرفتن واقعیت های مربوط به جوانان اعم از اینکه آنها واقعا چه هستند و چه اطلاعات و تجربیاتی دارند، اینکه چه می کنند و چه باید با آنان کرد، است.

مهم تر از آن، گوش فرا دادن به یادگیرندگان در تمام جنبه های مربوط به آموزش جنسی از در نظر گرفتن خواسته ها و مسائل گروه های خاص تا مشارکت دادن جوانان در سیاست گذاری، طراحی درسی، برنامه ریزی درسی، تدریس برنامه های آموزش جنسی و ارزشیابی است.

<sup>1</sup> Sexuality Information and Education Council of the United States: SIECUS

<sup>2</sup> United Nations Population Fund: UNFPA

<sup>3</sup> age-appropriate

<sup>4</sup> <https://sexetc.org/sex-ed/sex-terms>

<sup>5</sup> Abstinence – Based (Abstinence – Plus Sexuality Education)

<sup>6</sup> Helmich Ma, J

<sup>7</sup> Client-Centered

۲- **گسترده‌گی**<sup>۱</sup>: بدین معنا که تربیت جنسی جامع، چیزی فراتر از پیشگیری است و باید موضوعات زیادی را که در چهار دسته زیر قرار می‌گیرند، آموزش دهد:

- آناتومی، بیولوژی و رفتار جنسی. محتوای این بخش، سیستم تولید مثل، رشد و توسعه، بارداری، پاسخ جنسی و غیره را شامل می‌شود.
- سلامت اجتماعی و عاطفی شامل برنامه ریزی زندگی، تصمیم‌گیری، عزت نفس، ارتباطات، دوستی، روابط، روابط خانوادگی و غیره می‌باشد.
- سلامت و ایمنی که مفاد آن شامل پیشگیری، تشخیص و درمان سوء استفاده جنسی، بیماری‌های مقاربتی، اچ‌آی‌وی، بارداری غیر برنامه‌ریزی شده، اختلال عملکرد جنسی، سرطان دهانه رحم، سرطان بیضه، سرطان پستان و غیره است.
- دسته جامعه و فرهنگ که بیان جنسی و ارزش‌های اجتماعی را که در قانون، دین، هنر، رسانه‌ها، هنجارهای اجتماعی و غیره مطرح شده است، پوشش می‌دهد.

هلمیک ما بیان می‌کند آموزش جنسی جامع باید در محتوا از ویژگی گسترده‌گی برخوردار باشد، چرا که امر جنسی<sup>۲</sup> امری فراتر از "انجام آن"<sup>۳</sup> است. وی رابطه جنسی را آن چیزی عنوان می‌کند که انجام می‌دهیم اما امر جنسی را چیزی می‌داند که هستیم. از این رو وی عمده‌مانه به جای عبارت Sex Education از Sexuality Education استفاده می‌کند.

۳- **ابتنای بر مهارت**<sup>۴</sup>: وی تحقق اهداف مربوط به تربیت جنسی را بدون تدریس و مشغولیت با مهارت‌های که بیان می‌کند، غیر ممکن می‌داند. این مهارت‌ها عبارتند از:

- مهارت تفکر انتقادی<sup>۵</sup> به معنای یادگیری نحوه تحلیل و ارزیابی موقعیت‌ها و اطلاعات است.
- مهارت تصمیم‌گیری<sup>۶</sup>، یادگیری نحوه تصمیم‌گیری در مورد مسائل زندگی واقعی است.
- مهارت‌های درون فردی<sup>۷</sup>، یادگیری چگونگی درون‌بینی و بیان ارزش‌های خود، ارزیابی محیط و گروه اجتماعی خود و بیان و تمرین رفتارهای مثبت است.
- مهارت‌های بین فردی<sup>۸</sup>، یادگیری چگونگی سخن گفتن با دیگران، گوش فرا دادن به دیگران و اظهار کردن است.
- تکنولوژی و مکانیک به معنای یافتن و تمرین کردن فرآیند یک رفتار است، به عنوان نمونه چگونگی استفاده از کاندوم.

<sup>1</sup> broad

<sup>2</sup> sexuality

<sup>3</sup> "doing it"

<sup>4</sup> skills-based

<sup>5</sup> Critical thinking

<sup>6</sup> Decision making

<sup>7</sup> Intrapersonal

<sup>8</sup> Interpersonal

- یافتن و استفاده از منابع مشتمل بر یادگیری چگونگی کمک گرفتن هنگام نیاز، از جمله نحوه دریافت خدمات برنامه ریزی خانواده است.

۴- **ابتناء بر ارزش ها:** وی از ضرورت ارزش گذاری در آموزش جنسی جامع سخن گفته و در این زمینه سه دسته ارزش را بیان می کند:

- ارزش های مورد پذیرش اکثریت: احترام و مسئولیت از این نوع ارزش ها هستند.
- استانداردهای مورد پذیرش مربوط به حقوق بشر و شان انسانی: وی با ارجاع خواننده به اعلامیه جهانی حقوق بشر، بیان می کند هر انسانی حق آموزش دارد. هم چنین آموزش و هدایت تحصیلی باید به سمت توسعه شخصیت انسانی و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی باشد و فهم، تحمل و دوستی را ارتقا دهد.
- در نظر گرفتن ارزش های مورد پذیرش و احترام اجتماعات خاص، به این معنا که باید در آموزش های جنسی، ارزش های گروه های مذهبی خاص و یا خانواده هایی که در مناطق خاص زندگی می کنند در نظر گرفته شود.

ارزش گذاری در این رویکرد مطابق آن چه هلمیک ما بیان می کند، باید متناسب با در نظر گرفتن افراد مختلف و نظرات آنان باشد. به همین دلیل در سه دسته ارزش هایی که بیان می کند، احترام جایگاه اساسی دارد. مفهوم احترام در این رویکرد ناظر به احترام به افراد مختلف و نظرات متفاوت آنان است. به همین جهت وی در کنار احترام، از ارتقا تحمل سخن می گوید.

۵- **ابتناء بر پژوهش و نظریه:** وی ذیل این مورد، پنج ویژگی را ذکر می کند:

- جنبه های اطلاعاتی باید دقیق، صادق و کامل در محتوا و قصد باشد. ما همه ذاتا در جستجوی معنا هستیم. این معنا باید با واقعیت مرتبط باشد یا چیزی باشد که یاد گرفته نشده است.
- ضروری است که روش های تدریس مورد استفاده متناسب با تنوع سبک های یادگیری و توانایی ها باشد.
- برنامه درسی و دروس باید مورد آزمون و محک قرار گیرند. وی هم چنین از ضرورت استفاده از برنامه های اثبات شده و اجزای اثبات شده برنامه های مبتنی بر علم، که متناسب با مخاطبان آن است، سخن می گوید.
- برنامه های درسی و دروس باید بر اساس آنچه ما در مورد جوانان می دانیم، از جمله رفتارها، خطرات، نیازها، خواسته ها، فرهنگ و تجربه های زندگی آنها باشد.
- برنامه درسی و دروس باید به طور محلی مورد ارزیابی و بهبود مستمر قرار گیرد.

در رویکرد تربیت جنسی جامع منبع اقتدار در درجه اول متخصصان امور جنسی و کلینیک های برنامه ریزی خانواده هستند، ضمن اینکه فرد با اطلاعاتی که کسب می کند، دارای اقتدار است، در صورتی که منبع اقتدار در رویکرد تربیت جنسی خویشتن دارانه مذهب و مقامات دولتی است (جونز، ۲۰۱۱)؛ از این رو

<sup>1</sup> Values Based

<sup>2</sup> research and theory based



هلمیک ما، یکی از ویژگی‌های تربیت جنسی جامع را ابتدای آن بر پژوهش و نظریه که اساس کار علمی متخصصان است، می‌داند.

۶- **آموزش بلند مدت**<sup>۱</sup>: آموزش جنسی جامع هم در اهداف و هم از نظر قلمرو بلند مدت است. برنامه آموزش جنسی پیش دبستانی تا پایه دوازدهم به تدریج توسعه پیدا کرده و متناسب با سن و در الگویی منطقی ارائه می‌شود. از آن جایی که تمایلات جنسی بخشی از زندگی انسان در تمام طول اویند؛ بازه زمانی آموزش‌های جنسی نیز باید ناظر به طول زندگی فرد باشد، بنابراین آموزش بلند مدت، به معنای ترویج یادگیری مهارت‌هایی است که در طول زندگی فرد مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۷- **یکپارچگی**<sup>۲</sup>: آموزش‌های جنسی باید در اتحاد و یکپارچگی با برنامه‌های مختلف نه صرفاً آموزش سلامت نگریسته شود؛ زیرا مسائل جنسی یک فاکتور و یک موضوع در تمام زمینه‌های زندگی ما به شمار می‌رود و در مرکزیت زندگی ما قرار دارد<sup>۳</sup>. بنابراین باید درباره مسائل جنسی در سراسر رشته‌ها، یعنی در دوره‌های مربوط به فرهنگ، مذهب، قانون، عدالت، علم، سیاست، بهداشت، ادبیات و هنرهای زبان، نه فقط آموزش بهداشت، مسائل مربوط به امر جنسی را در آن حوزه‌ها یاد بگیریم.

۸- **آموزش همکارانه**<sup>۴</sup>: بدین معنا که آموزش جنسی باید توسط والدین، خانواده، همسالان، سازمان‌های مذهبی، کلینیک‌ها، سازمان‌های خدمت‌رسانی جوانان و رسانه‌ها، و همچنین در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی، از جمله مدارس و کلیساها، حمایت و تقویت شود.

۹- **تاکید بر نگاه مثبت به تمایلات و آموزش جنسی**<sup>۵</sup>: به معنای تاکید بر نقاط مثبت تمایلات جنسی و نگاه مثبت در آموزش جنسی و تجلیل تمایلات جنسی، زندگی و حتی لذت است، نه فقط در سکس بلکه مهم‌تر از آن در روابط مان. ممکن است در این روابط رابطه جنسی باشد یا خیر، بنابراین هدف لذت در رابطه جنسی نیست، بلکه مطلوب صمیمیت متقابل است. از سوی دیگر امر جنسی بخش از وجود ماست، بدین معنا که وجود آن در انسان به خواست و اراده وی نیست، از این رو دلیلی برای نگاه منفی به امر جنسی وجود نداشته و باید نگاه ما به تمایلات جنسی و آموزش آن مثبت باشد.

رویکرد تربیت جنسی غیرمستقیم یا جامع، مبتنی بر نگاه مثبت به نیاز و بعد جنسی انسان است و آن را بخشی از زندگی انسان و فراتر از آن، مرکز زندگی انسان معرفی کند؛ از این رو آموزش‌های مربوط به بعد جنسی را در یک بازه بلند مدت و با رعایت اقتضائات سنی و منطقی در آموزش مسائل جنسی، در نظر می‌گیرد و ذیل عنوان جامعیت دو موضوع را در آموزش‌های جنسی لحاظ می‌کند. نخست، در نظر گرفتن

<sup>1</sup> long term

<sup>2</sup> integrated

<sup>3</sup> "sexuality is central to life"

<sup>4</sup> collaborative

<sup>5</sup> positive

اقتضائات سنی و به عبارتی در نظر گرفتن سیر تطور و مراحل مختلف رشد فرد در ارتباط با امر جنسی، دوم، در نظر گرفتن تفاوت های افراد مختلف و احترام به تفاوت ها و تنوع ها.

رویکرد تربیت جنسی جامع از دو ارزش، به طور خاص سخن می گوید: نخست، احترام، در نگاه نخست ممکن است این ارزش چنانچه در رویکرد تربیت جنسی مبتنی بر پرهیز مطرح شد، نگرینسته شود، اما باید توجه کرد مفهوم احترام در این رویکرد در کنار احترام به تفاوت ها و تنوع ها، احترام به حقوق انسان ها و آزادی های اساسی و ترویج تحمل قرار می گیرد. از این رو به نظر می رسد احترام در این رویکرد بیش از هر چیز ناظر به احترام به افراد و انتخاب های آنان باشد؛ از این رو اقلیت های جنسی<sup>۱</sup> و روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج مورد حمایت این رویکرد قرار می گیرند.

ارزش دوم مسئولیت پذیری است. چنانچه بیان شد یکی از اصول ناظر به تربیت جنسی جامع، ابتنای آن بر مهارت هایی مانند تفکر انتقادی، تصمیم گیری برای توانا ساختن دانش آموزان در جهت مراقبت، حمایت از سلامت خود و برقراری رابطه جنسی غیراجباری صمیمانه و لذت بخش است. بنابراین فرد در این رویکرد در مقابل سلامت خود و ارتباطات خود و همچنین سلامت طرف مقابل مسئول است. این رویکرد تلاش می کند با آموزش ها و مهارت هایی که ارائه می کند وی را در این امر توانا سازد. باید توجه کرد میان ارزش مسئولیت نیز در رویکرد تربیت جنسی جامع و خویشتن دارانه تفاوت وجود دارد.

در کنار ویژگی های مثبت این رویکرد از جمله؛ نگاه مثبت به امر جنسی، تلاش برای حفظ سلامت نوجوانان و جوانان، تلاش برای مشارکت دادن خانواده ها و سایر نهادهای جامعه در تربیت جنسی، ایراداتی بر این رویکرد وارد است: اول، نگاه واقعی به انسان و نیازهای او از جمله نیاز جنسی، مثبت و از نقاط قوت این رویکرد است اما مساله آن جاست که حد در نظر گرفتن مخاطب در بحث تربیت جنسی کجاست؟

ارزش گذاری در بحث تربیت جنسی یکی از نقاط عطف مخالفت با این رویکرد است. رویکرد مبتنی بر پرهیز یکی از مخالفان رویکرد تربیت جنسی جامع است. علت اصلی مخالفت اینان با طرفداران رویکرد تربیت جنسی جامع؛ ماهیت ارزشی خنثی آموزش های جنسی جامع است؛ در حالی که آموزش های این رویکرد توانایی های اخلاقی از جمله تشخیص خوب از بد را ترویج می کند، رویکرد تربیت جنسی جامع، بر انتخاب های فردی دانش آموزان به جای اخلاق مطلق تاکید می کند(الجیری، کالینز، مورین و سامرز، ۲۰۰۲). چنانچه دیدیم، مواردی که هلمیک ما در بحث ارزش های ناظر به آموزش جنسی از جمله ارزش های مورد پذیرش اکثریت و استانداردهای حقوق بشر اشاره می کند همه مبتنی بر انتخاب های فردی و یا توافق انسان ها بر ارزشی است.

دوم، رویکرد تربیت جنسی غیر مستقیم یک پیام مختلط و درهم ارسال می کند. از سویی با ارائه پیام ضعیفی مبنی بر معرفی پرهیز به عنوان اولین و بهترین راه حفظ سلامت جنسی، پیشگیری از بارداری و بیماری های مقاربتی، جوانان را به پرهیز از فعالیت جنسی تا زمان ازدواج تشویق می کند. از سوی دیگر با ارائه آموزش های مربوط به حفظ سلامت جنسی مانند استفاده از وسایل پیشگیری، پیام مبتنی بر پرهیز را

<sup>1</sup> LesbianGayBisexualTransgender

ضعیف تر ساخته و راه ایمنی برای حفظ سلامت جنسی ضمن رابطه جنسی معرفی کرده و از این طریق جوانان را به فعالیت جنسی تشویق می کند (پیتمن<sup>۱</sup> و گاهنگو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶).

در واقع به نظر می رسد این رویکرد ضمن به رسمیت شناختن رابطه جنسی در هر چارچوبی که انتخاب طرفین آن است، تلاش می کند آسیب های پیرامون مسائل جنسی مانند بارداری های ناخواسته، بیماری های مقاربتی و ایدز را کاهش دهد. خلاصه آنچه در مورد رویکرد های تربیت جنسی مبتنی بر پرهیز و جامع بیان گردید در جدول زیر (۲-۴) قابل مشاهده است:

جدول (۲-۳): برنامه های تربیت جنسی مطرح در جهان

آموزش دستاوردهای اجتماعی، روحی و سلامتی خویشتن داری جنسی	تربیت جنسی مبتنی بر پرهیز	برنامه های تربیت جنسی مطرح در جهان
آموزش خویشتن داری جنسی به عنوان استاندارد مورد انتظار برای تمام کودکان		
استاندارد مورد انتظار برای فعالیت جنسی: «رابطه جنسی متقابل وفادانه با شریک منحصر به فرد در بستر ازدواج»		
آموزش نتایج زیان آور رابطه جنسی و فرزندآوری در چارچوب خارج از ازدواج		
آموزش رد پیش روی جنسی و آسیب های الکل و مواد مخدر در ارتباط با امر جنسی		
نقش کلیدی بزرگسالان در تعیین محتوای مربوط به مسائل جنسی		
مخاطب محوری	تربیت جنسی جامع	
گسترده‌گی محتوایی برنامه تربیت جنسی جامع		
ابتنای بر مهارت		
ضرورت ارزش گذاری برای برنامه تربیت جنسی		
ابتنای بر پژوهش و نظریه		
آموزش بلندمدت برای طول زندگی جنسی فرد		
ضرورت یکپارچگی و اتحاد آموزش جنسی با برنامه های مختلف		
همکاری نهادهای مختلف در برنامه تربیت جنسی جامع		

<sup>1</sup> Pittman, Vicki

<sup>2</sup> Gahungu, Athanase

### ۳. معرفی اسناد مورد بررسی در پژوهش

تمرکز پژوهش حاضر در تبیین مولفه‌ها و مبانی انسان‌شناختی تربیت جنسی بر دو دسته اسناد داخلی و بین‌المللی است، به همین دلیل در این بخش به معرفی کلیات این اسناد می‌پردازیم. در فصل نخست به سه سند در مورد اسناد ایران اشاره گردید، اما با توجه به اینکه سند «مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران» به عنوان مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبنای تمام سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تولید اسناد تحولی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران است و «پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان در رفتارهای پرخطر» نیز به طور اختصاصی به موضوع پژوهش حاضر می‌پردازد؛ مبنای کار قرار می‌گیرند. از این رو در این بخش، در بخش اسناد ایران، کلیات پنج سند شامل «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، «مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران»، «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، «نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان» و «پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان در رفتارهای پرخطر» و در بخش اسناد بین‌المللی، کلیات دو سند «آینده تربیت جنسی» آمریکا و «راهنمای فنی بین‌المللی تربیت جنسی» یونسکو معرفی خواهند شد.

#### ۳-۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

آخرین گام در مسیر تحول جریان تعلیم و تربیت کشور به عنوان یکی «از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه جانبه کشور و ابزاری جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف» (سند تحول، ص ۵) با تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در آذرماه ۱۳۹۰ صورت گرفته است. در این سند تلاش شده «با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی» (سند تحول، ص ۵) نقشه راهی برای «تحقق حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی» (همان، ص ۵) بر اساس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی - ایرانی ترسیم گردد.

این سند متشکل از هشت فصل با عنوان‌های: ۱- کلیات، ۲- بیانیه ارزش‌ها، ۳- بیانیه مأموریت، ۴- چشم‌انداز، ۵- هدف‌های کلان، ۶- راهبردهای کلان، ۷- هدف‌های عملیاتی و راهکارها و ۸- چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش است. در این سند، بخش یا اشاره مستقیمی به تربیت جنسی وجود ندارد، اما می‌توان اشارات غیرمستقیمی مانند ذکر صفات «پاکدامن و باحیا» و «سالم و بانشاط» در مورد ۱ هدف‌های کلان و ارائه آموزش‌های اخلاقی و دینی و رعایت اقتضائات جنسیتی در دوران بلوغ ذیل راهکار ۱۶ به این موضوع یافت.

## ۲-۳. سند «مبانی نظری تحول بنیادین»

سند «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» با پشتیبانی دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش تهیه شده و سال ۱۳۹۰ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، به عنوان مبانی نظری «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «مبنای تمام سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها و تولید اسناد تحولی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» تصویب شده است (سند مبانی نظری تحول بنیادین، ص ۱۰ و ۱۳). این سند از سه بخش «فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران»، «فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» و «رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» تشکیل شده است. به جهت اهمیت این سند و معرفی آن به عنوان مبانی نظری سند تحول، این سند نیز در پژوهش حاضر مبنای کار قرار می گیرد.

سند «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران»، ذیل مبنای ۱۱ انسان شناسی، امر جنسی را ذیل مفهوم «شهوته» به رسمیت شناخته و تربیت جنسی را ذیل تربیت زیستی و بدنی قرار می دهد. این سند تامین متعادل نیازهای زیستی و طبیعی افراد جامعه را در جهت تحقق مراتب مقدماتی حیات طیبه به رسمیت شناخته (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۳۰) و در هدایت بعد جنسی از خویشتن داری، مهار غرائز طبیعی، بهره مندی متعادل و به دور از افراط و تفریط تمایلات طبیعی و به طور هماهنگ با فطرت سخن می گوید.

## ۳-۳. سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

«سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، به عنوان یکی از زیرنظام های اصلی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و به منزله نقشه جامع یادگیری کشور (مقدمه برنامه درسی ملی)، به عنوان سند تحولی کشور در بخش مفاهیم و محتوای آموزشی به شمار می آید (مقدمه سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱).

کار تحقیق، پژوهش و تدوین این سند از اسفند ماه ۱۳۸۴ با تشکیل دبیرخانه طرح در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی آغاز گردید. پس از تهیه اولین نگاشت آن در سال ۱۳۸۷، به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه شده و پس از نقد و بررسی های فراوان در سال ۱۳۹۱ به تصویب این شورا رسید (سند برنامه درسی ملی، صص ۴-۵ و ۷). این سند متشکل از بخش های: ۱- مبانی فلسفی و علمی برنامه درسی ملی، ۲- چشم انداز، ۳- اصول ناظر بر برنامه های درسی و تربیتی، ۴- رویکرد و جهت گیری کلی، ۵- الگوی هدف گذاری، ۶- هدف کلی برنامه های درسی و تربیتی، ۷- شایستگی های پایه، ۸- حوزه های تربیت و یادگیری، ۹- اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی-یادگیری، ۱۰- اصول حاکم بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی، ۱۱- فرآیند تولید و اجرای برنامه های درسی و تربیتی، ۱۲- سیاست های تولید مواد و رسانه های یادگیری، ۱۳- ساختار و زمان آموزش، ۱۴- سیاست ها و الزامات اجرایی و ۱۵- ارزشیابی برنامه درسی ملی است.

سند برنامه درسی ملی نیز در بخش مجزایی به تربیت جنسی نمی پردازد، اما ذیل حوزه تربیت و یادگیری سلامت و تربیت بدنی و ارزش های مرتبط با خود اشاراتی به این حوزه دارد.

موارد؛ ایمنی و پیشگیری از آسیب های فردی و جمعی در ابعاد و شرایط مختلف، مهارت های زیستی و بهداشت فردی و عمومی، نظام مراقبت از سلامت جسمانی و روانی با تاکید بر سلامت فرد، خانواده و اجتماع و بهداشت بلوغ و سلامت نوجوانی ذیل دو زیر حوزه اصلی «سلامت و بهداشت»، «تربیت بدنی، ورزش و تفریحات سالم» (ص ۲۹) و دو ارزش حیا و عفت در بخش ارزش های مرتبط با خود (جسمی، روانی و روحی) (ص ۵۹) اشارت سند برنامه درسی ملی در تربیت جنسی است.

#### ۴-۳. نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان

علاوه بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی، در سال های اخیر، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور با همکاری دیگر نهاد های مربوط از جمله آموزش و پرورش اقداماتی در زمینه سلامت جنسی نوجوانان و جوانان انجام داده است. بسیج سلامت دانش آموزی از سال ۱۳۸۵ به عنوان الگویی موفق در استان اصفهان با مشارکت ۱۴ دستگاه با هدف سلامت نوجوانان و جوانان شروع گردید. بر مبنای این الگو، «نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان با تحلیل دقیق و منطقی معنای سلامت و خطرهای ویژه سلامتی که در طول این دوره از زندگی افزایش می یابند، تهیه شده و بر اساس آن، سیاست ها، اقدامات، الزامات و نقش کلیه دستگاه های مرتبط با چهار بعد سلامت شامل سلامت جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی مشخص گردید. در نهایت مقرر گردید نقشه فوق، در سال ۱۳۹۰ در استان اصفهان طراحی و پس از تایید نهایی در سال ۱۳۹۱ در کل کشور به اجرا در آید» (نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان، ص ۱۱).

نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان متشکل از ۵ فصل است؛ فصل اول، نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان (سیاست ها، راهبردها، اقدامات و الزامات) است. فصل دوم به «پیاده سازی، پایش، ارزشیابی، شاخص ها و عملکرد» اختصاص دارد. در فصل سوم نقش دانشگاه علوم پزشکی و سایر بخش های توسعه (سازمان ها و ارگان های مرتبط) مشخص گردیده و در فصل چهارم جداول راهنمای نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان به تفکیک ابعاد سلامت آمده است و در نهایت فصل پنجم در برگیرنده ضوابط است.

این سند به ضرورت و فوریت درک سلامت نوجوانان و جوانان با توجه به کمیت قابل توجه جوانان در جمعیت کشور و اهمیت و ارزش این دوره از زندگی در سلامت و شیوه زندگی فرد و خطرهای سلامتی جدید اشاره کرده و بیماری های قابل انتقال جنسی را یکی از خطرات ناظر به سلامت نوجوانان و جوانان امروز عنوان می کند. بر اساس تعاریف این سند دوره نوجوانی از ۱۲-۱۸ سالگی و دوره جوانی از ۲۹-۱۴ سالگی را در بر می گیرد.

تمرکز اصلی این سند بر رفتارهای پرخطر جنسی است، به طوری که رفتارهای جنسی غیرایمن را به عنوان یکی از هفت رفتار مخاطره آمیز برای نوجوانان و جوانان یاد کرده و یکی از پروتکل های ضمیمه این سند به پیشگیری از رفتارهای پرخطر جنسی در نوجوانان و جوانان اختصاص می یابد، گرچه عنوان این پروتکل پس از تدوین به «پیشگیری از رفتارهای مخاطره آمیز؛ سنین بلوغ» تغییر پیدا می کند. اشارات این سند به پیشگیری از رفتارهای پرخطر جنسی به عنوان هدف نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان در بعد جنسی به سه مورد خلاصه می گردد:

نخست، در تعریف این سند از دوره نوجوانی، رشد سریع اعضاء همراه با شروع بلوغ موجب موجب بیداری هوس ها، احساسات و رویاهای گوناگون عنوان می گردد.

دوم، پیشگیری از رفتارهای پرخطر، ذیل راهبردهای سیاست توسعه مدیریت و سیاست گذاری در حیطه سلامت جسمی نوجوانان و جوانان مطرح می گردد.

سوم، پیشگیری از رفتارهای پرخطر جنسی به عنوان یکی از آسیب های اجتماعی ذیل راهبرد پیشگیری از بروز بیماری های روانی در نوجوانان و جوانان در سیاست توسعه مدیریت و سیاست گذاری در حیطه سلامت روانی نوجوانان و جوانان عنوان می گردد.

پروتکل «پیشگیری از رفتار مخاطره آمیز؛ سنین بلوغ» در میان اسناد ایران در حوزه تربیت جنسی، سندی پیش رو به شمار می آید. این سند نیاز جنسی را در انسان به رسمیت شناخته و رویکرد مواجهه با آن را کنترل و مهار عنوان می نماید. هر چند این سند به طور ویژه به ارائه دانش جنسی نمی پردازد، اما موضوعات مربوط به بلوغ پسران و دختران و بهداشت آن، ارتباط نوجوان و والدین و مریمان، ارتباط دختر و پسر، انحرافات جنسی، رسانه و امر جنسی و ایدز را مورد توجه قرار داده است و از این نظر سند مهمی در تربیت جنسی به شمار می آید. یکی از ایرادات این سند، دوری آن از شکل مرسوم نگارش اسناد رسمی مربوط به آموزش و پرورش است، این مساله موجب گردیده این پروتکل بیش از یک سند رسمی، شکل و قالبی پژوهش گونه داشته باشد.<sup>۱</sup>

### ۵-۳. سند «آینده تربیت جنسی»<sup>۲</sup> آمریکا

کشور آمریکا در دسامبر ۲۰۰۸ با برگزاری یک همایش دو روزه با حضور چهل نفر از متخصصان حوزه های سلامت، تربیت جنسی، سلامت عمومی، سیاست گذاری عمومی و ... اقدام به تدوین سندی به نام «آینده تربیت جنسی» نمود که حاصل آن استانداردهای ملی تربیت جنسی<sup>۳</sup> برای دوازده سال آموزشی است.

استانداردهای ملی تربیت جنسی بسیار متأثر از استانداردهای ملی آموزش سلامت<sup>۴</sup> آمریکا می باشد که نخستین بار در سال ۱۹۹۵ تدوین شد و سپس در سال ۲۰۰۷ به روز گردید. استانداردهای ملی آموزش سلامت بر توانایی دانش آموزان در فهم مفاهیم کلیدی و یادگیری مهارت های خاص برای استفاده از این مفاهیم تمرکز می کند. این استانداردها به عنوان شالوده ای برای دانش و مهارت های آموزش سلامت دانش آموزان که باید در پایه های ۲، ۵، ۸ و ۱۲ به آنها برسند، ارائه شده اند (سند آینده تربیت جنسی، ۲۰۰۸، ص ۶). به عبارتی این استانداردها به بیان جزئیات محتوا نمی پردازد، بلکه همانطور که از نام آن پیداست، استانداردها و اهداف نهایی را معرفی می کند. رویکرد این سند به تصریح آن در ص ۶ سند، رویکرد تربیت جنسی جامع می باشد.

<sup>۱</sup> مطابق صحبت پژوهشگر با یکی از نویسندگان این پروتکل، حالت کنونی پروتکل مربوط به مخالفت های بسیار مربوط به کار بردن واژه «جنسی» در عنوان این پروتکل و ارائه آموزش در این حوزه است؛ به گونه ای که حتی بررسی وضعیت موجود چنان چه در مورد سایر پروتکل ها صورت گرفته، در مورد این پروتکل انجام نشده و پس از تدوین، به مدارس داده شده و امکان پیگیری از روند اجرای آن وجود ندارد.

<sup>۲</sup> FoSE: Future of Sexuality Education

<sup>۳</sup> National Sexuality Education Standards

<sup>۴</sup> NHES: National Health Education Standards

منطق تدوین این سند، تلاش برای کاهش آمار بالای آسیب‌های مربوط به حوزه سلامت جنسی مانند بارداری‌های ناخواسته، مبتلایان به ایدز و سایر بیماری‌های آمیزشی، سوء استفاده جنسی، احساس ناامنی در گروه‌های اقلیت جنسی و ... در کشور آمریکا و حفظ سلامت دانش‌آموزان و ارائه اطلاعات و مهارت‌های لازم به دانش‌آموزان برای پیشرفت تحصیلی است، بنابراین هدف اصلی تربیت جنسی در این سند، ارتقای سلامت، با توجه به هر دو مورد: پرهیز جنسی و کاهش خطر مربوط به رفتارهای جنسی پرخطر با آموزش دانش و مهارت‌ها است. (همان، ص ۷).

نگاه این سند به میل جنسی، نگاهی خوش‌بینانه و مثبت است و بعد جنسی را به عنوان یک بخش معمولی، طبیعی و سالم رشد انسانی که باید بخشی از هر برنامه درسی آموزش سلامت باشد، معرفی کرده و تربیت جنسی جامع را این‌گونه تعریف می‌نماید:

«تربیت جنسی جامع، برنامه‌هایی است که پایه‌ای از دانش و مهارت‌های مربوط به رشد انسان، روابط، تصمیم‌گیری، خویشتن‌داری، جلوگیری از بارداری و پیشگیری از بیماری‌ها را ارائه می‌کند. در حالت ایده‌آل، تربیت جنسی جامع باید از مهد کودک شروع شود و در طی ۱۲ سطح ادامه یابد. در هر مرحله در حال توسعه، این برنامه‌ها اطلاعات دقیق پزشکی را بر مبنای دانش و مهارت‌هایی که در مرحله قبل آموزش داده شده است، ارائه می‌دهند» (همان، ص ۳۹).

یکی از ویژگی‌های اساسی رویکرد جامع، تکیه بر شواهد تجربی و نظریه‌های علمی است؛ از این رو، استانداردهای ملی تربیت جنسی ضمن تلاش برای ارائه دانش کاربردی مرتبط با موضوعات جنسی و هم‌مهارت‌های خاص مورد نیاز برای اتخاذ رفتارهای سالم، بر مدار اصول نظریه یادگیری اجتماعی<sup>۱</sup>، نظریه شناختی اجتماعی<sup>۲</sup> و مدل بوم‌شناسی اجتماعی پیشگیری<sup>۳</sup> حرکت می‌کند.

این سند، هفت مبحث آناتومی و فیزیولوژی<sup>۴</sup>، رشد بلوغ و نوجوانی<sup>۵</sup>، هویت<sup>۶</sup>، بارداری و تولید مثل<sup>۷</sup>، بیماری‌های مقاربتی و ایدز<sup>۸</sup>، روابط سالم<sup>۹</sup> و امنیت یا سلامت شخصی<sup>۱۰</sup> را ذیل هشت استاندارد ملی آموزش سلامت آمریکا سازمان داده است؛ بدین صورت که استانداردهای آموزش سلامت با توجه به پایه‌ها و موضوع مشخص و با در نظر گرفتن تناسب سنی و سطح دانش‌آموزان ارائه شده و تعدیل می‌گردد.

---

<sup>1</sup> social learning theory

<sup>2</sup> SCT :social cognitive theory

<sup>3</sup> social ecological model of prevention

<sup>4</sup> AP: Anatomy and Physiology

<sup>5</sup> PD: Puberty and Adolescent Development

<sup>6</sup> ID: Identity

<sup>7</sup> PR: Pregnancy and Reproduction

<sup>8</sup> SH: Sexually Transmitted Diseases and HIV

<sup>9</sup> HR :Healthy Relationships

<sup>10</sup> PS :Personal Safety



## ۳-۶. سند «راهنمای فنی بین المللی تربیت جنسی»<sup>۱</sup> یونسکو

سند یونسکو با توجه به ۸۷ پژوهش از سراسر جهان و یک همکاری فنی جهانی با حضور متخصصانی از ۱۳ کشور در سال ۲۰۰۹ با همکاری برنامه ایدز سازمان ملل<sup>۲</sup>، صندوق جمعیت ملل متحد<sup>۳</sup>، یونیسف<sup>۴</sup> و سازمان جهانی بهداشت<sup>۵</sup> به عنوان اولین راهنمای جهانی تربیت جنسی و در دو جلد منتشر شد. جلد اول این سند بر منطق آموزش جنسی و ارائه آگاهی های صحیح فنی در مورد ویژگی های برنامه های موثر و جلد دوم بر ارائه یک بسته آموزشی پایه شامل مفاهیم و موضوعات کلیدی، همراه با اهداف یادگیری و ایده های کلیدی برای چهار گروه سنی متمایز متمرکز شده است (پیشگفتار راهنمای فنی بین المللی تربیت جنسی، ج ۱، ۲۰۰۹).

چرایی تدوین این سند به آماده سازی کودکان و نوجوانان برای گذار به مرحله بزرگسالی به عنوان یکی از چالش های بزرگ بشریت و شیوع ایدز باز می گردد؛ به عبارتی، چگونگی مواجهه با این چالش می تواند در تناسب با پیشگیری از شیوع ایدز باشد و معتقد است تربیت جنسی جامع<sup>۶</sup> می تواند مسیر این شیوع را به طور اساسی و بنیادی تغییر دهد.

سند تربیت جنسی یونسکو، در پیش فرض های ناظر به امر جنسی، به مواردی مانند ذکر امر جنسی به عنوان یک جنبه اساسی از زندگی انسان و بیان تنوع (تفاوت)، به عنوان یک ویژگی اساسی در مورد مسائل جنسی اشاره کرده و تربیت جنسی را این گونه تعریف می نماید:

«یک رویکرد متناسب با سن و فرهنگ برای آموزش در مورد رابطه جنسی و روابط است که اطلاعات علمی دقیق، واقع بینانه و بدون قضاوت ارائه می کند. تربیت جنسی فرصت هایی را برای بررسی ارزش ها و نگرش ها و ایجاد مهارت های تصمیم گیری، ارتباط و کاهش خطر در مورد بسیاری از جنبه های امور جنسی برای شخص فراهم می کند» (ج ۱، پاورقی ص ۲).

مطابق این سند، تربیت جنسی سه حوزه نگرش<sup>۷</sup>، ارزش ها<sup>۸</sup> و عمل<sup>۹</sup> (تمرین مهارت های زندگی مانند تصمیم گیری) دانش آموزان را در بر می گیرد و هدف تربیت جنسی موثر، از بین بردن خطر ابتلا به ایدز و سایر بیماری های آمیزشی، بارداری ناخواسته<sup>۱۰</sup>، رابطه جنسی با تجاوز<sup>۱۱</sup>، رابطه جنسی به اجبار<sup>۱۲</sup> و سوء استفاده جنسی<sup>۱۳</sup> است.

موضوعات و اهداف یادگیری در این سند، برای چهار گروه سنی و چهار سطح ارائه می شوند:

<sup>1</sup> International Technical Guidance on Sexuality Education

<sup>2</sup> UNAIDS: United Nations Programme on HIV/AIDS

<sup>3</sup> UNFPA: United Nations Population Fund

<sup>4</sup> UNICEF: United Nations International Children's Emergency Fund

<sup>5</sup> WHO: World Health Organization

<sup>6</sup> Comprehensive Sexuality Education

<sup>7</sup> attitudes

<sup>8</sup> values

<sup>9</sup> practise

<sup>10</sup> unintended pregnancy

<sup>11</sup> abusive sexual activity

<sup>12</sup> coercive sexual activity

<sup>13</sup> exploitation

- ۱- سطح اول: ۵-۸ سال
- ۲- سطح دوم: ۹-۱۲ سال
- ۳- سطح سوم: ۱۲-۱۵ سال
- ۴- سطح چهارم: ۱۵-۱۸+ سال (ج ۲، ص ۴)

ساختار راهنمای فنی که سازمان یونسکو برای تربیت جنسی ارائه می کند، بدین صورت است که موضوعات کلیدی که طبق آن اهداف یادگیری تعریف شده اند، بر اساس شش مفهوم کلیدی؛ روابط<sup>۱</sup>، ارزش ها، نگرش ها و مهارت ها<sup>۲</sup>، فرهنگ، جامعه و حقوق بشر<sup>۳</sup>، توسعه انسانی<sup>۴</sup>، رفتار جنسی<sup>۵</sup>، سلامت جنسی و باروری<sup>۶</sup> سازماندهی می شوند. سپس ذیل هر مفهوم، موضوعات مرتبط با آن آمده و ایده های کلیدی برای هر موضوع با توجه به هر کدام از سطوح چهارگانه بیان می شود.

---

<sup>1</sup> Relationships

<sup>2</sup> Values, attitudes and skills

<sup>3</sup> Culture, society and human rights

<sup>4</sup> Human development

<sup>5</sup> Sexual behaviour

<sup>6</sup> Sexual and reproductive health

## فصل سوم

**تبیین و بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی بر  
اساس اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران**

در این فصل به دنبال پاسخ گویی به قسمت نخست سوال اول و دوم پژوهش یعنی تبیین مولفه های تربیت جنسی بر اساس اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران هستیم. در ادامه، قسمت اول سوال سوم پژوهش یعنی بررسی تطبیقی مولفه ها می آید. پیش از تبیین مولفه ها بر اساس هر دسته از اسناد، به منظور روشن شدن فضای حاکم بر اسناد به معرفی محتوایی اسناد می پردازیم.

## ۱. تربیت جنسی در اسناد بین المللی

بعد جنسی به عنوان یکی از ابعاد وجود انسان، صرف نظر از نوع نگاهی که به آن می توان داشت، باید مورد تربیت صحیح قرار گیرد. به عبارتی اصل تربیت بعد جنسی انسان مورد اختلاف نیست، بلکه اختلاف در چگونگی آن است. به عنوان نمونه ملاحظات تربیت جنسی در نگاهی که میل جنسی را ذاتا بد و پلید می داند، ناظر به تعیین محدودیت های شدید اجتماعی، پاسخ به نیاز جنسی در الگوی دو قطبی متضاد زنانه - مردانه و صرفا در چهارچوب ازدواج است. در حالی که این ملاحظات در نگاه مثبت به میل جنسی می تواند بسیار متفاوت باشد؛ به گونه ای که منبع اقتدار و تعیین چهارچوب ها و الزامات این حوزه به متخصصان علمی و فردی که مورد آموزش و آگاهی قرار می گیرد، انتقال می یابد. علاوه بر این، لذت جنسی به عنوان امری مثبت به رسمیت شناخته شده که می تواند به تحکیم روابط عاطفی میان انسان ها کمک نماید. از این جهت محدودیت های ناظر به آن، مربوط به آسیب ها و مضرات رابطه جنسی غیرایمن و پرخطر است و روابط جنسی در چهارچوب خارج از ازدواج و پیش از ازدواج و با هم جنس و یا سایر اشکال ارتباط جنسی که مورد رضایت و لذت طرفین است، مورد حمایت قرار می گیرد.

چنانچه در فصل پیش بیان گردید، حد فاصل دو متافیزیک بدیبینانه و خوش بینانه به امر جنسی به عنوان دو سر طیف، نگاه ها و نظرات دیگری وجود دارد. از این رو رویکردهای مختلفی ناظر به تربیت جنسی متصور است. یکی از رویکردهای موجود در این حوزه، رویکردی موسوم به «تربیت جنسی جامع» است. در برنامه های جامع آموزش موضوعات جنسی، علاوه بر توجه به مباحث خویشتن داری، کاهش خطر رفتارهای جنسی غیر ایمن با ارائه اطلاعات مورد نیاز در مورد پیشگیری از بارداری، استفاده از کاندوم برای پیشگیری از بیماری های آمیزشی و ایدز و شیوه های پیشگیری از مزاحمت های جنسی و خشونت جنسی مورد توجه قرار می گیرد. از ویژگی های مهم این رویکرد که آن را از سایر رویکردهای موجود در تربیت جنسی متمایز می گرداند، تکیه بر شواهد تجربی و نظریه های علوم رفتاری است (رزاقی، ۱۳۹۳).

کشورهای زیادی در جهان بر اساس این رویکرد اقدام به عمل در عرصه تربیت جنسی نموده اند. یکی از این کشورها، آمریکا است که در سال ۲۰۰۷ اقدام به تدوین سندی بر اساس این رویکرد نموده است. علاوه بر آن، یونسکو هم در سال ۲۰۰۹، سندی موسوم به «راهنمای فنی بین المللی در مورد تربیت جنسی» تدوین نموده است. در این بخش به معرفی این اسناد می پردازیم.

## ۱-۱. سند «آینده تربیت جنسی»<sup>۱</sup> آمریکا

سند تربیت جنسی آمریکا در سال ۲۰۰۷ مبتنی بر رویکرد تربیت جنسی جامع تدوین گردید. در این بخش به معرفی این سند و ارائه نمایی کلی از بخش های مختلف سند می پردازیم:

### ۱-۱-۱. نظریه های روان شناسی پشتیبان سند آمریکا

یکی از ویژگی های اساسی رویکرد جامع، تکیه بر شواهد تجربی و نظریه های علوم رفتاری است. سند آمریکا ضمن برخورداری از این ویژگی بر حرکت بر مدار اصول نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه شناختی اجتماعی و مدل بوم شناسی اجتماعی پیشگیری تصریح می کند.

یکی از تاثیر گذار ترین نظریه های یادگیری، نظریه یادگیری اجتماعی است. پایگاه این نظریه به رفتارگرایی اولیه باز می گردد، اما تفاوت بنیادی با آن دارند. این نظریه نشان می دهد انواع یادگیری وجود دارد که در آن تقویت مستقیم، علت تغییر رفتار و یادگیری نیست؛ بلکه، عنصر اجتماعی نیز می تواند منجر به ایجاد یادگیری جدید در میان افراد شود (سنسیرو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). به عبارت روشن تر، تمایز دو مفهوم «اکتساب» و «عملکرد» یکی از زمینه های اساسی شکل گیری رویکرد یادگیری اجتماعی است؛ بدین معنا که انسان می تواند رفتار را صرف نظر از تقویت کننده ها، بیاموزد و تاثیر تقویت کننده ها مربوط به تبدیل رفتار به عملکرد است؛ در واقع نقش تنبیه و تشویق تعیین نه در یادگیری رفتار، که در تبدیل رفتار به عملکرد است (اشعری و حسنی، ۱۳۹۳).

مطابق نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار تحت تاثیر فرآیندهای شناختی درونی، مشاهده رفتار دیگران و محیطی است که رفتار در آن واقع می شود (اتکینسون<sup>۳</sup> و هیلگارد<sup>۴</sup>، ج ۲، ۱۳۸۶) و اصل اساسی یادگیری در این نظریه این است که «یادگیری صرفا درون یادگیرنده اتفاق نمی افتد بلکه در یک بستر اجتماعی خاص رخ می دهد» (سند آمریکا، ص ۹).

علاوه بر نظریه ی یادگیری اجتماعی، نظریه ی شناختی اجتماعی نیز در سراسر استانداردهای ملی آموزش جنسی انعکاس دارد. بندورا<sup>۵</sup> در ابتدا یکی از پژوهشگران رویکرد یادگیری اجتماعی بود. وی با تحول در این نظریه از طریق افزودن وجوه شناختی و عاملی انسان، نام این نظریه را به نظریه شناختی-اجتماعی تغییر داد. یکی از مفاهیم اساسی این نظریه «علیت سه گانه<sup>۶</sup>» است. بر اساس این مفهوم نه فرد و نه محیط عامل مستقل و صد در صدی تعیین کننده رفتار فرد نیستند، بلکه عملکرد انسان برآیند رابطه علی تعیین کننده های درونی و بیرونی است و شناخت، انتظارات، اهداف و باورهای فرد به عنوان حلقه واسط میان فرد و محیط عمل می کند (اشعری و حسنی، ۱۳۹۳)؛ بنابراین در این نظریه رفتار انسان در تعامل عوامل فردی (مانند دانش، فهم، انتظارات، نگرش ها و اعتماد، خودکارآمدی)، عوامل رفتاری (مانند مهارت ها، تمرین) و عوامل

<sup>1</sup> FoSE: Future of Sexuality Education

<sup>2</sup> Sincero .S. M

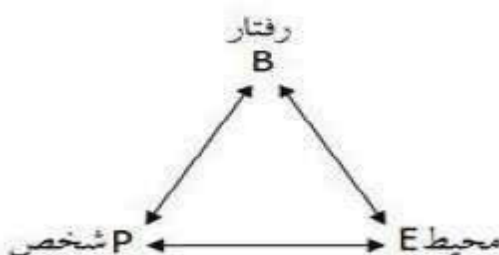
<sup>3</sup> Atkinson, Rita L

<sup>4</sup> Hilgard, E. R

<sup>5</sup> Bandura, Albert

<sup>6</sup> Triadically reciprocal

محیطی (مانند هنجارهای اجتماعی، دسترسی به اجتماع و نفوذ دیگران) مطالعه می شود (جلیلی، براتی و بشیریان، ۱۳۹۳).



شکل (۱-۳): مدل علیت سه گانه (اشعری و حسنی، ۱۳۹۳)

با وجود تاکید نظریه شناختی اجتماعی بر عامل شناختی، با توجه به اهمیتی که کماکان عامل محیط در این نظریه دارد، می توان آن را ادامه نظریه یادگیری اجتماعی دانست (اشعری و حسنی، ۱۳۹۳). از این رو در این نظریه نیز مانند نظریه یادگیری اجتماعی به علت تاثیر نیرومند خودکارآمدی بر رفتار، بر مفهوم خودکارآمدی تاکید می گردد (بیابانگرد، ۱۳۸۴)، ضمن این که، انگیزش<sup>۱</sup> یادگیرندگان و حوزه عاطفی یا احساسی آنان به عنوان جزء ارزشمند یادگیری، ذیل فرآیندهای شناختی اضافه شده و بر آن تاکید می گردد (سند آمریکا، ص ۱۰)؛ به طوری که در غیاب آن، یادگیری تکمیل نشده و منجر به عملکرد فرد نمی گردد.

نظریه شناختی اجتماعی با تاکید بر عوامل شناختی در بستر اجتماع، مسیر خود را از رفتار گرایی جدا می نماید. در واقع بندورا با قرار گرفتن در پارادایم شناختی از رفتار گرایی استفاده کرده و نظریه شناختی اجتماعی را ارائه نمود. به همین دلیل در این نظریه، استفاده از تقویت در امر یادگیری رد نمی گردد، اما استفاده از آن مانند رفتار گرایی نیست؛ در نظریه شناختی اجتماعی به جای استفاده مستقیم از تقویت، از توانایی نمادسازی و آینده نگری انسان برای یادگیری و به عبارت دیگر تقویت جانمایی<sup>۲</sup> استفاده می گردد، یعنی مشاهده تقویت یک رفتار در دیگران می تواند باعث یادگیری فرد شود (اتکینسون و هیلگارد، ج ۲، ۱۳۸۶). این همان چیزی است که از آن به «یادگیری مشاهده ای»<sup>۳</sup> یاد می شود.

نظریه شناختی اجتماعی با توجه به پیامدهای مثبت یادگیری مشاهده ای در انسان از طریق کوتاه شدن فرآیند یادگیری و عدم نیاز به آزمایش و خطای تمام راه ها برای یادگیری رفتار درست و شکل گیری الگوهای رفتاری با مشاهده پیامدهای رفتارهای دیگران (ساعتچی، ۱۳۸۸) بر نقش تغییر محیط در احتمال بروز رفتارهای مثبت تاکید می کند. این سند نیز با استفاده از همین مساله توجه ویژه ای به محیط و مناسب ساختن آن با توجه به اهداف تربیت جنسی دارد.

مدل بوم شناسی اجتماعی پیشگیری نیز در توسعه ی این استانداردها استفاده شده است. تمرکز این مدل بر فرد، (رابطه) میان اشخاص، اجتماع، تأثیرات جامعه و نقش این تأثیرات بر روی مردم در طول زمان

<sup>1</sup> motivation

<sup>2</sup> Vicarious reinforcement

<sup>3</sup> Observational learning

است. ارائه محتوای اصلی و مهارت‌ها در طول زمان و با تغییر کیفیت ارتباط فرد و جامعه، تغییر می‌کند، به عنوان نمونه محتوای اصلی و مهارت‌ها در دوره مهد کودک و اوایل ابتدایی بر فرد دانش آموز و محیط بلاواسطه او تمرکز دارد (به عنوان مثال، خانواده خود)، در حالی که در راهنمایی و دبیرستان، تمرکز محتوای اصلی و مهارت‌ها بر جهان در حال گسترش دانش آموز شامل دوستان و همسالان دیگر، رسانه، جامعه و تأثیرات فرهنگی است (سند آمریکا، ص ۱۰).

## ۱-۱-۲. مفاهیم کلیدی تربیت جنسی در سند آمریکا

بررسی سند آمریکا با توجه به پشتیبانی نظریه‌های یاد شده از آن، نشان دهنده مفاهیم کلیدی زیر است:

۱- **سلامت:** امر جنسی در سند آمریکا به عنوان یک بخش معمولی، طبیعی و سالم رشد انسانی که باید بخشی از هر برنامه درسی آموزش سلامت باشد، معرفی شده است. مطابق تعریف این سند از تربیت جنسی که در فصل پیش بیان گردید، هدف نهایی تربیت جنسی در این سند، ایجاد مبنایی در دانش آموزان برای رفتار جنسی سالم در تمام طول زندگی آنان است. از این رو می‌توان مفهوم سلامت یکی از کلیدواژه این سند در تربیت جنسی است.

۲- **شخصی سازی:** چنان چه بیان گردید بندورا در نظریه خود با تاکید بر عوامل شناختی و شخصی انسان از رفتارگرایی استفاده می‌نماید. مفهوم شخصی سازی از مفاهیمی است که به این بعد توجه کرده و آن را تقویت می‌نماید. در این سند نیز یکی از مفاهیم اساسی است که در استانداردهای تربیت جنسی دیده می‌شود. منظور از شخصی سازی، «آراستن، تزیین و تغییر دادن عمدی در یک محیط به وسیله ساکنان آن است تا بدین وسیله هویت یا شخصیت خود را در محیط اطراف خود منعکس کنند» (صلیبی، ۱۳۸۲). در این مفهوم به محیط از آن جهت که «محیط من دانش آموز» است، توجه می‌شود و باید فرد بتواند با محیط از چنین جایگاهی تعامل نماید. تحقق این مفهوم در حالتی است که اطمینان یابیم دانش آموزان می‌توانند خودشان را در مواد و فعالیت‌های یادگیری نشان داده و عرضه کنند و «از طریق ارائه محتوای اصلی و مهارت‌های مرتبط با زندگی دانش آموزان که احتمال یادگیری و حفظ دانش و مهارت‌ها را افزایش می‌دهد، صورت می‌گیرد» (سند آمریکا، ص ۹).

۳- **حساسیت:** مفهوم حساسیت یکی دیگر از مفاهیم کلیدی مطرح در این سند است. این مفهوم نیز ناظر به وجه شناختی فرد و ناظر به این مساله است که بسیاری از جوانان درک نمی‌کنند در برابر خطر رفتارهای خاص از جمله فعالیت جنسی حساس اند. به عبارت دیگر دانش آموزان باید امر جنسی را به عنوان یکی از جنبه‌های ارتباط و صحبت با دیگران ببینند و بفهمند؛ چرا که این جنبه از ارتباط با دیگران گاهی می‌تواند موجب آسیب رسیدن به شخص گردد. البته این امر به معنای نگاه جنسی داشتن به طرف مقابل ارتباط به عنوان یک ابژه جنسی نیست، بلکه به عنوان نمونه همان طور که ما در ارتباط با دیگری به فحوای کلام و منطقی بودن کلام او توجه می‌نماییم، باید متوجه باشیم امر جنسی یک بخش طبیعی از وجود او است که ضروری است آن را هم ببینیم و درک نماییم.

<sup>1</sup> Personalization

<sup>2</sup> Susceptibility

با روشن شدن اهمیت مفهوم حساسیت باید این امر برای دانش آموزان نیز روشن شده و رشد یابد. سند آمریکا در پرورش این توانایی در دانش آموزان بیان می کند: «فعالیت های یادگیری باید مبتنی بر تشویق دانش آموزان به ارزیابی بدون اغراق خطر رفتارهای مختلف باشد تا حساسیت شان را در مورد پیامدهای منفی بالقوه آن رفتارها روشن سازد» (همان، ص ۱۰)؛ به عبارتی دانش آموزان با مشاهده و فهم پیامدهای رفتارهای خاص، برای دریافت دانش و مهارت هایی برای کاهش این خطرات انگیزه پیدا می کنند.

۴- **خودکارآمدی**<sup>۱</sup>: یکی دیگر از مفاهیم کلیدی مرتبط با ضلع شناختی و شخصی در نظریه شناختی اجتماعی و بالتبع سند آمریکا، مفهوم خودکارآمدی است. این اصطلاح به «ارزیابی فرد از توانایی یا صلاحیت خویش برای انجام وظیفه یا رسیدن به هدف یا غلبه به مانع معین (صلیبی، ۱۳۸۲) اشاره دارد. مفهوم خودکارآمدی توجه ما را به این مساله جلب می نماید که باور دانش آموزان به حساسیت در برابر رفتارهای خاص مساوی باور آنان به توانایی خود در انجام عمل در جهت کاهش سطح خطر نیست؛ بنابراین در این مفهوم تلاش می گردد تا باور فرد نسبت به توانایی خود رشد یابد. این کار در سند آمریکا با کمک به دانش آموزان برای غلبه بر اطلاعات نادرست و رشد اعتماد به نفس به وسیله تمرین مهارت های لازم جهت مدیریت خطرات صورت گرفته و امر ضروری و کلیدی برای یک برنامه درسی آموزش جنسی موفق تلقی می گردد.

۵- **هنجارهای اجتماعی**<sup>۲</sup>: مفهوم «هنجارهای اجتماعی» با توجه به نظریه شناختی - اجتماعی به نقش محیط در تربیت و یادگیری انسان توجه می نماید؛ چرا که همواره و نزد همگان تاثیرگذاری محیط بر فرد امری مسلم است. ضمن این که دانش آموزان در سنین نوجوانی و جوانی به شدت تحت تاثیر همسالان خود دارند و در ارتباط با امر جنسی، درک آنچه که سایر دانش آموزان هستند یا آنچه که نیستند، بر رفتارهای آنها تاثیر می گذارد.

سند آمریکا با توجه به نظریه شناختی - اجتماعی و تاکید این نظریه بر یادگیری مشاهده ای و نقش الگوهای رفتاری در امر یادگیری شخص بیان می کند، آگاهی از ادراکات نوجوانان و برجسته کردن رفتارهای مثبت در میان نوجوانان می تواند اتخاذ رفتارهای بهداشتی مثبت را بیشتر کند (به عنوان مثال، اکثر نوجوانان در مدرسه و اوایل دبیرستان از فعالیت جنسی پرهیز می کنند و بسیاری از آن ها زمانی که برای اولین بار درگیر فعالیت جنسی می شوند از کاندوم استفاده می کنند). مطابق این سند، یادگیری در بستر اجتماع رخ می دهد؛ بنابراین کنترل اجتماع و تغییر آن در جهت اهداف یادگیری مدنظر، نقش کلیدی در تحقق اهداف خواهد داشت. در این میان برجسته کردن و معرفی هنجارهای اجتماعی مثبت مرتبط با بحث تربیت جنسی می تواند منجر به رفتارهای مثبت بیشتر از جانب نوجوانان گردد.

۶- **مهارت ها**<sup>۳</sup>: در فضای کشور آمریکا، نظریه یادگیری غالب، نظریه شناختی - اجتماعی است؛ چون تربیت جنسی از جنس رفتار است و این نظریه بر رفتار فرد متمرکز شده است. یکی از اضلاع مثبت سه گانه ای که در این نظریه برای رفتار انسان در نظر گرفته می شود، بعد رفتاری است که مهارت ها

<sup>1</sup> Self-Efficacy

<sup>2</sup> Social Norms

<sup>3</sup> Skills



ذیل آن قرار داده می شود و در ارتباط با تربیت جنسی، اهمیت آن به این مساله باز می گردد که گرچه تسلط بر دانش کاربردی برای تاثیر گذاری بر رفتارها لازم است اما کافی نیست. از این رو، پرورش مهارت ها به جهت توانا ساختن دانش آموز در به کار بردن محتوای اصلی در زندگی مهم است (سند آمریکا، ص ۱۰).

### ۳-۱-۱. مضامین سند آمریکا

سند آمریکا، هفت سرفصل را به عنوان محتوای ضروری و مهارت های لازم برای آموزش جنسی از پیش دبستانی تا پایه دوازدهم عنوان می کند:

- ۱- **آناتومی و فیزیولوژی**<sup>۱</sup>: این سرفصل چنانچه از عنوان آن پیداست بر بعد جسمانی امر جنسی تمرکز می کند و از به کار بردن نام های درست برای اعضای بدن با تمرکز بر اندام زنانه و مردانه آغاز شده و در مراحل بعد توصیف سیستم های تولید مثل مردانه و زنانه و اعضا و عملکرد بخش های مختلف آن از دانش آموزان انتظار می رود. پس از ارائه اطلاعات مناسبی از واقعیت بدن زنانه و مردانه، توصیف چرخه رفتار جنسی در زنان و مردان مورد توجه قرار گرفته و به دانش آموز ارائه می شود.
- ۲- **رشد بلوغ و نوجوانی**<sup>۲</sup>: تربیت هر کدام از ابعاد وجود انسان از نقطه عطفی برخوردار است، به عنوان نمونه رسیدن کودک به تفکر انتزاعی، یک نقطه عطف در تربیت اخلاقی به شمار می آید. دوران بلوغ نیز به دلیل به حداکثر رسیدن میل جنسی و ظهور آن در انسان، نقطه عطف تربیت جنسی محسوب می گردد. به همین دلیل نوجوان در این دوران به مراقبت های ویژه ای نیاز دارد. علاوه بر این، به دلیل «تاثیرگذاری دوران بلوغ بر رشد جسمی، اجتماعی و عاطفی» (سند آمریکا، ص ۱۰) به سلامت گذشتن از این مرحله نقش مهمی در پیشگیری از اتفاق های بعدی مرتبط با بعد جنسی در زندگی فرد دارد.

در این سرفصل ضمن آشنایی دانش آموزان با تغییرات جسمی، اجتماعی و عاطفی دوران بلوغ، تفاوت افراد مختلف در ارتباط با زمان بلوغ و ویژگی های رشدی افراد توضیح داده می شود. ارتباط بلوغ با تولید مثل یکی دیگر از مسائل مطرح در این سرفصل است. تصویر بدن یکی دیگر از مفاهیمی است که در این سند مطرح می گردد، گرچه این سند توضیح مفصلی در مورد تصویر بدن ندارد، اما به عواملی مانند رسانه و همسالان که می توانند این تصویر را خدشه دار نماید، اشاره می کند.

- ۳- **هویت**<sup>۳</sup>: توجه به امر جنسی با در نظر گرفتن ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و عاطفی در سند آمریکا، موید نگاه کل گرایانه به انسان و نیاز جنسی اوست. بنابراین نیاز جنسی در ارتباط با سایر ابعاد وجود انسان و به عنوان بخشی از نیازهای او تلقی می گردد. ضمن اینکه امر جنسی، مستلزم ارتباط با دیگری است؛ در این ارتباط باید فرد بداند کیست و چه نیازی دارد. همین مساله، کیفیت رفتار فرد را به هویت او گره می زند.

<sup>1</sup> AP: Anatomy and Physiology

<sup>2</sup> PD: Puberty and Adolescent Development

<sup>3</sup> ID: Identity

سند آمریکا در این سرفصل تلاش می نماید جنبه های اساسی فهم فرد از چپستی خود را در ارتباط با امر جنسی نشان دهد. در این سرفصل ابتدا تفاوت ها و شباهت های دختران و پسران توضیح داده شده، سپس انتظار می رود دانش آموزان بتوانند مفاهیم «جنس بیولوژیکی» و «جنسیت» را تفکیک نمایند. در نهایت موضوع مورد توجه، شناخت محدوده نقش های جنسیتی است.

۴- **بارداری و تولید مثل**<sup>۱</sup>: مساله بارداری و تولید مثل ارتباط وثیقی با امر جنسی دارد، به طوری که می توان گفت به آن چسبیده است؛ از این رو رضایت یا عدم رضایت طرفین مهم است و باید دید می توان این پیامد را از امر جنسی تفکیک نمود یا خیر و اگر می توان به چه وسیله ای. ضمن اینکه حیطه تاثیر بارداری به دلیل پیامدهای اجتماعی آن، از رابطه دو شخص فراتر رفته و اثرات ماندگاری برای طرفین، کودک و اجتماع دارد.

سند آمریکا در این سرفصل ابتدا ارتباط میان رابطه جنسی و مساله تولید مثل و نشانه های بارداری را تشریح می نماید. سپس با توجه به اهمیت رضایت طرفین در بارداری، روش های پیشگیری از بارداری مانند خویشتن داری و کاندوم را بیان می نماید.

۵- **بیماری های آمیزشی و ایدز**<sup>۲</sup>: این سرفصل ارتباط تنگاتنگی با مفهوم «سلامت» دارد؛ سلامت در انسان از ابعاد مختلف جسمی، روانی، اجتماعی و عاطفی برخوردار است. فرد مبتلا به یکی از عفونت های منتقله جنسی یا ایدز ضمن اینکه سلامتی اش به خطر افتاده است، از نظر روانی، اجتماعی و عاطفی نیز در معرض آسیب است. با این وجود باید با آشنا ساختن دانش آموزان با این بیماری ها، ضمن تلاش برای پیشگیری، اطلاعات لازم در صورت ابتلا را به وی بدهیم.

سند آمریکا در این سرفصل، هم محتوا و هم مهارت برای درک بیماری های مقاربتی و ایدز و پیشگیری از آن ارائه می دهد، از جمله اینکه اطلاعات مربوط به شیوه انتقال این بیماری ها، علائم و نشانه ها، آزمایش و درمان به دانش آموز داده می شود.

۶- **روابط سالم**<sup>۳</sup>: رابطه جنسی در امتداد روابط اجتماعی و عاطفی شکل می گیرد؛ به عبارتی پیش از برقراری رابطه جنسی، فرد با دیگری وارد ارتباط اجتماعی و عاطفی می شود و این رابطه بستر شکل گیری رابطه جنسی قرار می گیرد و ضروری است دانش آموزان به این بستر توجه نموده و شرایط سالم سازی مقدمات ورود به رابطه جنسی را فراهم نمایند.

سند آمریکا مبتنی بر اهمیت موضوع ارتباط، راهنمایی هایی را در مورد چگونگی موفقیت در روابط در حال تغییر دانش آموز میان خانواده، همسالان و همکاران عرضه می کند. این راهنمایی ها با آشنا ساختن دانش آموزان با مفهوم «دوست» و مساله «ارتباط» آغاز شده و سپس تلاش می گردد تا دانش آموز تفاوت ارتباط سالم و ناسالم را درک نماید. پس از این باید دانش آموز تفاوت رابطه انسانی با دیگری

<sup>1</sup> PR: Pregnancy and Reproduction

<sup>2</sup> SH: Sexually Transmitted Diseases and HIV

<sup>3</sup> HR :Healthy Relationships

و رابطه عاشقانه منتج به رابطه جنسی را درک نموده و شیوه‌های مختلف اظهار عشق به دیگری را بیاموزد. در مرحله آخر تفکیک روابط جنسی سالم و ناسالم برای دانش آموزان ضروری تلقی می‌گردد.

۷- **امنیت یا سلامت شخصی**<sup>۱</sup>: این سرفصل با توجه به سطح فردی و اجتماعی تبیین می‌گردد. در سطح فردی می‌خواهیم افراد توانایی برقراری امنیت شخصی برای خود را فراهم نمایند و در سطح اجتماعی ناظر به اهمیت محیط در تربیت جنسی افراد می‌خواهیم با سالم و ایمن ساختن محیط مدرسه و اجتماع شرایط مناسبی برای تربیت جنسی فراهم نماییم. سند آمریکا در حوزه امنیت محیط، دانش آموزان را دارای مسئولیت تلقی می‌کند و مانند سایر سرفصل‌ها ضمن توجه به مساله پیشگیری یعنی امن نگه داشتن محیط برای آسیب ندیدن افراد، آموزش‌های مرتبط برای زمان وقوع حادثه نیز به دانش آموزان می‌دهد تا در صورت وقوع آسیب ناظر به بعد جنسی برای خود یا دیگری، فرد توانایی عمل داشته باشد.

#### ۴-۱-۱. معیارهای سند آمریکا

هفت سرفصل بیان شده در قسمت پیش، ذیل هشت استاندارد ملی آموزش سلامت آمریکا سازمان داده شده است:

۱- **معیار مفاهیم اصلی**<sup>۲</sup>: این معیار در راستای ارائه مفاهیم پایه در ارتباط با سرفصل‌های اصلی معرفی شده در قسمت پیش است، به عنوان نمونه توصیف اندام‌های مختلف بدن از جمله ارگان جنسی، توصیف سیستم تولید مثل زنانه و مردانه و چرخه رفتار جنسی در زنان و مردان از مفاهیم اصلی سرفصل آناتومی و فیزیولوژی به شمار می‌آیند که در پایه‌های مختلف با توجه به سطح رشدی دانش آموزان ارائه می‌گردد.

۲- **معیار تحلیل تاثیرات**<sup>۳</sup>: با تمرکز بر شخص و کیفیت ارتباط وی با محیط، تلاش می‌نماید تا دانش آموز در وهله نخست متوجه گردد تا چه میزان از محیط در جهت مثبت و منفی متاثر است و سپس بتواند کیفیت تاثیرپذیری خود از تمام عوامل محیطی موثر بر خود مانند خانواده، مدرسه، همسالان، رسانه و تکنولوژی را تحلیل نماید. به عنوان نمونه در ارتباط این معیار با سرفصل هویت، دانش آموز باید بتواند نقش عوامل یاد شده را در ترسیم مفهوم جنسیت و نقش‌های جنسیتی درک و تحلیل نماید.

۳- **معیار دسترسی به اطلاعات**<sup>۴</sup>: استاندارد سوم با عنوان دسترسی به اطلاعات تلاش می‌نماید تا دسترسی دانش آموز به منابع معتبر اطلاعاتی مانند منابع معتبر پزشکی و افراد بزرگسال مورد اطمینان برای در میان گذاشتن پرسش‌ها و مشکلات ناظر به امر جنسی را ارتقا دهد. در هر کدام از سرفصل‌های ذکر شده، دانش آموز با توجه به این استاندارد باید توانایی دسترسی به منابع و افراد معتبر برای پرسش در مورد آن سرفصل مانند هویت، روابط سالم را نشان دهد.

<sup>1</sup> PS :Personal Safety

<sup>2</sup> Core Concepts

<sup>3</sup> Analyzing Influences

<sup>4</sup> Accessing Information

۴- **معيار ارتباطات بين فردی<sup>۱</sup>**: استاندارد چهارم با عنوان «ارتباطات بين فردی» با تمرکز بر سرفصل روابط سالم به پرورش مهارت های ارتباطی در دانش آموزان می پردازد؛ زیرا ارتباط با دیگری می تواند مقدمه رابطه جنسی قرار گیرد و دانش آموز باید بتواند با دیگران به نحوی ارتباط برقرار نماید که از خود در برابر آسیب های ناظر به امر جنسی محافظت نماید و در مواقع ضروری با استفاده از مهارت های ارتباطی مانند مذاکره و رد این امر را محقق نماید.

۵- **معيار تصميم گيري<sup>۲</sup>**: معيار پنجم با توجه به اهميت تصميم گيري در زندگي انسان و در ارتباط با امر جنسی به ارتقا این مهارت در دانش آموزان توجه می نماید. ارائه اطلاعات مناسب به دانش آموز بدون توانا ساختن وی در تصمیم گیری ممکن است در عمل نتیجه ای نداشته باشد. به همین دلیل باید کاربردی کردن و استفاده از اطلاعات در موقعیت های مختلف و هنگام تصمیم گیری برای دانش آموزان روشن گردد. سند آمریکا ذیل این استاندارد در جداول مربوط به پایه بر کار بستن یک مدل تصمیم گیری توسط دانش آموز تاکید می نماید تا بتواند سلامت خود را در بعد جنسی حفظ نمایند.

۶- **معيار هدف گذاري<sup>۳</sup>**: به اهميت توانايي هدف گذاري در ارتباط با سلامت جنسی اشاره می نماید و با ارتقا این مهارت ها در دانش آموزان در پی تحقق این هدف است؛ به طوری که دانش آموزان بتوانند برنامه هایی برای پیشگیری از ابتلا به ویروس اچ.آی.وی و مقاومت در برابر تاثیرات رسانه های اجتماعی پیشنهاد داده یا به گسترش آن کمک نمایند.

۷- **معيار مدیریت خود<sup>۴</sup>**: شاید بتوان گفت این معیار، ماحصل و نتیجه ای است که از محقق شدن تمام استانداردهای ارائه شده انتظار داریم؛ اینکه دانش آموزان بتوانند نشان بدهند که می توانند به رفتارهای سالم در ارتباط با امر جنسی عمل نموده و از رفتارهایی که به سلامت جنسی آنان آسیب وارد می نماید، پیشگیری نمایند. این مهارت با توجه به سرفصل های مختلف و سنین مختلف ظهور متفاوتی دارد، به عنوان نمونه در سرفصل بلوغ از دانش آموزان در پایان پایه پنجم انتظار می رود بتوانند تغییرات جسمی، اجتماعی و عاطفی دوران بلوغ را در خود مدیریت نمایند.

۸- **معيار حمايت و دفاع<sup>۵</sup>**: در نهایت معیار هشتم به مسئولیت افراد در برابر خود، خانواده و اجتماع در جهت سلامت جنسی اشاره می کند. در این استاندارد از دانش آموزان انتظار می رود از برنامه ها و محیط های امن مروج ارزش گذاری و احترام به دیگران حمایت کند تا از این طریق امنیت در جامعه افزایش یافته و افراد از سلامت جنسی با کیفیت بهتری برخوردار گردند.

خلاصه آن چه در معرفی تربیت جنسی در سند آمریکا بیان گردید در جدول صفحه بعد (۱-۲) قابل مشاهده است:

1 Interpersonal Communication  
2 Decision-Making  
3 Goal-Setting  
4 Self Management  
5 Advocacy

جدول (۱-۳): سند تربیت جنسی آمریکا در یک نگاه

<ul style="list-style-type: none"> <li>- نظریه یادگیری اجتماعی</li> <li>- نظریه شناختی اجتماعی</li> <li>- مدل بوم شناسی اجتماعی پیشگیری</li> </ul>	<b>نظریه های روان شناسی پشتیبان سند آمریکا</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- سلامت</li> <li>- شخصی سازی</li> <li>- حساسیت</li> <li>- خودکارآمدی</li> <li>- هنجارهای اجتماعی</li> <li>- مهارت ها</li> </ul>	<b>مفاهیم کلیدی تربیت جنسی در سند آمریکا</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- آناتومی و فیزیولوژی</li> <li>- رشد بلوغ و نوجوانی</li> <li>- هویت</li> <li>- بارداری و تولید مثل</li> <li>- بیماری های آمیزشی و ایدز</li> <li>- روابط سالم</li> <li>- امنیت</li> </ul>	<b>مضامین تربیت جنسی در سند آمریکا</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- مفاهیم اصلی</li> <li>- تحلیل تاثیرات</li> <li>- دسترسی به اطلاعات</li> <li>- ارتباطات بین فردی</li> <li>- تصمیم گیری</li> <li>- هدف گذاری</li> <li>- مدیریت خود</li> <li>- حمایت و دفاع</li> </ul>	<b>معیارهای تربیت جنسی در سند آمریکا</b>

بررسی ارتباط هشت معیار ارائه شده و سه گانه ارائه شده در نظریه شناختی- اجتماعی، توجه این استانداردها به هر سه ضلع مثلث بندورا را نشان می دهد؛ در سه استاندارد اول یعنی مفاهیم اصلی، تحلیل تاثیرات و دسترسی به اطلاعات حوزه شناختی غالب است و استانداردهای تصمیم گیری، هدف گذاری و مدیریت خود بر عمل و اراده فردی یعنی حوزه رفتار متمرکز شده است و در نهایت در استانداردهای ناظر به ارتباطات بین فردی و حمایت و دفاع، عمل اجتماعی غالب است؛ یعنی رفتار انسان در ارتباط با عامل محیط دیده شده است.

ارتباط معیارهای آموزش سلامت آمریکا و سرفصل های ارائه شده در بخش پیش بدین صورت است که: معیارهای آموزش سلامت با توجه به پایه ها و موضوع مشخص و با در نظر گرفتن تناسب سنی و سطح دانش آموزان ارائه شده و تعدیل می گردد. به عنوان نمونه استاندارد اول یعنی ارائه مفاهیم اصلی در موضوع آناتومی و فیزیولوژی برای کودکان پیش دبستانی تا پایه دوم به این شکل خواهد بود که «کودکان بتوانند نام های درست بخش های بدن از جمله ساختمان بدن مرد و زن را به کار ببرند». در حالی که دانش آموزان در پایان پایه پنجم باید بتوانند «سیستم های تولید زانه و مردانه از جمله اعضا و عملکرد قسمت های مختلف آن» را توصیف نمایند.

## ۲-۱. «راهنمای فنی بین المللی تربیت جنسی»<sup>۱</sup> یونسکو

«راهنمای فنی بین المللی تربیت جنسی» یونسکو در دیباچه ی خود، به آماده سازی کودکان و نوجوانان برای گذار به مرحله ی بزرگسالی به عنوان یکی از چالش های بزرگ بشریت اشاره می کند، به طوری که می توان گفت مرکزیت آن به موضوعات جنسی و روابط انسانی اختصاص دارد. چرایی تدوین این سند نیز به این چالش و شیوع ایدز باز می گردد؛ این سند، مسیر پیش روی ما را در گرو انتخاب بر سر یک دو راهی می داند؛ دور کردن کودکان از انتخاب راه شان از میان اطلاعات انبوه و نادرست و استثمار کامل توسط رسانه، اینترنت، همسالان و اطلاعات مستهجن یا رو به رو شدن با این چالش و ارائه آموزش های جنسی مبتنی بر اطلاعات صحیح، درست، بر پایه علم و بر اساس ارزش های جهانی احترام و حقوق بشر. مطابق این سند، تربیت جنسی جامع<sup>۲</sup> می تواند مسیر این شیوع را به طور اساسی و بنیادی تغییر دهد. ضمن اینکه جوانان به صراحت درخواست آموزش جنسی بیشتر یا با کیفیت بهتر، خدمات یا منابع بیشتر برای رفع نیازهای مربوط به پیشگیری دارند.

هر چند سند یونسکو به صراحت از انعکاس نظریه شناختی اجتماعی یاد نمی کند اما نمود این نظریه در سند دیده می شود. تکرار و تاکید بر مفاهیمی چون «خودکارآمدی برای استفاده از مهارت ها» (ج ۱، ص ۲۱)، «حساسیت دانش آموزان» (ج ۱، ص ۱۶، ۲۱)، «مهارت ها» (ج ۱، ص ۲، ۱۸، ۲۱)، «هنجارهای اجتماعی، عوامل شناختی یا روانی-اجتماعی» (ج ۱، ص ۱۸)، «انگیزش» (ج ۱، ص ۱۹، ۲۱)، «تقویت» (ج ۱، ص ۲۱)، «تغییر رفتار» (ج ۱، ص ۱۸) از این موارد است. به همین دلیل می توان گفت یکی از نظریات پشتیبان این سند، نظریه شناختی-اجتماعی است.

### ۲-۱-۱. پیش فرض های مرتبط با امر جنسی در سند یونسکو

این سند در جلد ۱، پیش فرض های ناظر به امر جنسی را بیان می کند<sup>۳</sup>:

۱- «امر جنسی<sup>۴</sup> یک جنبه اساسی از زندگی انسان است. این بعد از جنبه های جسمی، روانی، معنوی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برخوردار است». مبتنی بر این پیش فرض، سند نگاهی کل گرایانه به امر جنسی دارد. به همین دلیل توجه به امر جنسی و تربیت آن به معنای

<sup>1</sup> International Technical Guidance on Sexuality Education

<sup>2</sup> Comprehensive Sexuality Education

<sup>۳</sup> در سند تنها عناوین پیش فرض ها ذکر شده و توضیحات آمده از مولف است.

<sup>4</sup> Sexuality

تبدیل امر جنسی به ابزار جنسی نیست. هم چنین در نظر گرفتن ارتباط امر جنسی به عنوان امری ذو ابعاد موجب می گردد ابعاد دیگر وجود انسان نادیده گرفته نشود.

با توجه به این پیش فرض، سند نه تنها به ارائه اطلاعات در زمینه رابطه جنسی سالم و ایمن می پردازد، بلکه به دلیل چندبعدی بودن امر جنسی به ارتباط آن با سایر ابعاد وجود انسان توجه کرده و به تقویت پیش نیازهای یک رابطه جنسی سالم مانند روابط سالم، کیفیت روابط خانواده و تلاش برای آموزش خانواده ها، پرورش مهارت های ارتباطی و گفتگو، آشنایی با قوانین و غیره می پردازد.

۲- «امر جنسی بدون اشاره و ارجاع به جنسیت<sup>۱</sup> قابل فهم نیست». امر جنسی به عنوان یک نیاز طبیعی و واقعی انسان به رسمیت شناخته می شود. یکی از واقعیت های مهم موجود در ارتباط با امر جنسی، وجود دو جنس زن و مرد و تفاوت های واقعی میان این دو است؛ از این رو پرداختن به امر جنسی و تربیت صحیح آن بدون ارجاع به جنسیت ممکن نیست. مهم تر از آن، سند یونسکو با اتکا بر حقوق بشر ارزش، احترام و آزادی همه انسان ها تاکید می کند. با توجه به این مساله توجه به امر جنسی در انسان بدون توجه به جنسیت و حقوق زنان به عنوان گروه در حاشیه ای که قابلیت تضییع حقوق آنان در برابر مردان در این حوزه زیاد است، ممکن نبوده و باید رضایت زنان در ارتباط جنسی و بارداری به عنوان پیامد امر جنسی با انعکاسی اجتماعی لحاظ گردد.

۳- «تنوع (تفاوت) یک ویژگی اساسی در ارتباط با امر جنسی است»؛ مطابق این سند، همه انسان ها منحصر به فرد و ارزشمندند؛ از این رو همه انسان ها صرف نظر از وضعیت سلامت، رنگ، نژاد، گرایش جنسی یا سایر تفاوت ها قابل احترامند و دلیلی برای پذیرش یکی و رد دیگری وجود ندارد.

۴- «قواعدی که رفتار جنسی را تحت کنترل قرار می دهند، با توجه به فرهنگ های مختلف، بسیار متفاوتند. غیرقابل قبول بودن یک رفتار در فرهنگی، بدان معنا نیست که این رفتارها رخ ندهد یا از بحث های حوزه تربیت جنسی حذف شوند»؛ این پیش فرض به ارتباط فرهنگ و امر جنسی اشاره می کند و ضمن به رسمیت شناختن فرهنگ های مختلف به این مساله اشاره می کند که نوع نگاه به یک رفتار می تواند در فرهنگ های مختلف متفاوت باشد، از این رو غیرقابل قبول بودن رفتاری در یک فرهنگ امری نسبی و با توجه به آن فرهنگ خاص است. از سوی دیگر مبتنی بر پیش فرض سوم یعنی به رسمیت شناختن تفاوت در ارتباط با امر جنسی، غیرقابل قبول بودن نوعی رفتار جنسی در یک فرهنگ به معنای لزوم حذف آن از بحث های حوزه تربیت جنسی نیست.

## ۲-۲-۱. مفاهیم کلیدی تربیت جنسی در سند یونسکو

سند یونسکو حول ۶ مفهوم کلیدی به تربیت جنسی دانش آموزان می پردازد:

۱- روابط<sup>۲</sup>: رابطه جنسی موضوع خاص تربیت جنسی است، با این وجود رفتار جنسی امری دفعی و بی مقدمه نیست و به عبارتی اکثر اوقات انسان ها پس از طی مراحل در ارتباط با دیگری و حصول شناخت، اقدام به برقراری رابطه جنسی می کنند. از این رو توجه به مجموعه روابط انسان تاثیر مهمی

<sup>1</sup> gender

<sup>2</sup> Relationships

در تربیت جنسی دارد؛ منظور از مجموعه روابط، روابط خاص منجر به رابطه جنسی یا روابطی است که بر نگرش، ارزش ها و رفتارهای فرد در بعد جنسی اثر می گذارد، به عنوان نمونه ارتباط فرد با خانواده، همسالان یا جامعه بر این امر اثرگذار است و باید اطلاعات، ارزش ها، نگرش ها و مهارت های ضروری برای رفتار مناسب و مسئولانه به افراد ارائه گردد.

۲- **ارزش ها، نگرش ها و مهارت ها**<sup>۱</sup>: ارزش ها و نگرش ها دو مجموعه اصلی شکل دهنده رفتار انسان در همه ابعاد وجودی اوست و منتهای تلاش مربیان، شکل گیری و تعمیق ارزش ها و نگرش های صحیح در افراد است تا بتوانند بر اساس آن درست بیندیشند و تصمیم بگیرند. با این وجود نقطه پایان جریان تربیت به این امر خلاصه نمی گردد، برای این که فرد بتواند درست زندگی کند، نیاز به اعمال ارزش ها و نگرش ها در عرصه های مختلف زندگی خود دارد، به همین دلیل، پرورش مهارت های لازم مانند مهارت تصمیم گیری و مهارت های ارتباطی، مذاکره و رد ضروری است، چرا که فرد در جزیره ای تنها ساکن نیست و به دلیل مواجهه مداوم با افراد نیاز به برقراری ارتباط و مهم تر از آن ارتباط صحیح با افراد دارد. همین امر موجب می گردد تمام تصمیمات او صرفا پیامدهای شخصی نداشته باشد و به نوعی زندگی انسان ها در تعامل آن ها با یکدیگر شکل گرفته و اهمیت مهارت ها در زندگی انسان مضاعف می گردد.

۳- **فرهنگ، جامعه و حقوق بشر**<sup>۲</sup>: ارزش ها و نگرش های انسان به عنوان دو مجموعه اصلی شکل دهنده رفتار انسان به تدریج در فرد شکل گرفته و تثبیت می گردد. سوال این جاست که منبع ارزش ها و نگرش ها چیست. در پاسخ به این سوال می توان منابع متعددی چون خانواده، مدرسه، همسالان، دین، قوانین اشاره کرد. نگاه دقیق به موارد یاد شده با توجه به سند یونسکو نشان می دهد آن ها ذیل سه عنوان کلی قرار می گیرند که گاه با یکدیگر همپوشانی دارند.

فرهنگ جامعه، تاثیر مهمی در شکل گیری ارزش ها و نگرش های شخص در جهت مثبت یا منفی دارد. از سوی دیگر فرهنگ همان طور که آن را کنار جامعه می آوریم و در کنار آن معنا پیدا می کند، فضای جامعه را شکل داده و ایفای نقش می کند. به دلیل نقش دو گانه ای که عناصر فرهنگ و جامعه می توانند در جریان تربیت جنسی انسان ایفا کنند، سند یونسکو بر تشخیص و تحلیل تاثیر کلیشه ها تاکید می کند و رجوع به حقوق بشر را به عنوان مجموعه تضمین کننده حقوق انسان ها در جهت احترام و ارزش به انسان ها ضروری عنوان می نماید.

۴- **رشد انسانی**<sup>۳</sup>: رشد جنسی به عنوان یکی از ابعاد رشد انسان به شمار می آید که بلوغ، نقطه عطف آن است و این امر موجب می گردد با ظهور توانایی جنسی در انسان، بارداری از پیامدها و قابلیت های این میل در انسان به شمار آید. نکته مهم در خصوص امر جنسی به عنوان یکی از ابعاد رشدی انسان این است که پایگاه این نیاز بدن انسان و ارزش و احترامی است که باید برای بدن و حفظ آن قائل بود، از سوی دیگر با توجه به نگاه کل گرایانه این سند، امر جنسی با ابعاد دیگر وجود انسان

<sup>1</sup> Values, attitudes and skills

<sup>2</sup> Culture, society and human rights

<sup>3</sup> Human development



ارتباط دارد، بنابراین داشتن یک تصویر مناسب و واقعی از بدن خود به عنوان زن یا مرد نقش مهمی در اعتماد به نفس فرد، کیفیت زندگی، تصمیم گیری، رفتار و روابط انسان و بالتبع ارتباط جنسی دارد.

۵- **رفتار جنسی**<sup>۱</sup>: شاید بتوان گفت یکی از کلیدواژه های تربیت جنسی و موضوع آن، رفتار جنسی است. ضرورت پرداختن به این نوع رفتار انسان، باور به تفاوت و تمایز انسان از دیگر موجودات است، چرا که هیچ گاه بحثی در مورد قواعد و قوانین رفتار جنسی در سایر موجودات وجود ندارد و این نوع رفتار در آنان یک رفتار صرفاً غریزی تلقی می شود، در حالی که انسان توانایی اندیشه و اختیار دارد و می توان گفت مفاهیمی مانند انسانیت و اخلاق حد مشترک مورد قبول میان انسان ها در زیست اجتماعی است؛ بنابراین این گونه از رفتار انسان فاقد جنبه های انسانی و اخلاقی نبوده و قواعدی ناظر به آن وجود دارد و طبیعی بودن نیاز جنسی در انسان نباید موجب این تلقی گردد که انسان در این حوزه تفاوتی با سایر موجودات ندارد.

۶- **سلامت جنسی و باروری**<sup>۲</sup>: کلیدواژه سند یونسکو ناظر به رفتار جنسی انسان، موضوع «سلامت» است. چنان چه بیان گردید طبیعی شمردن نیاز جنسی در انسان به معنای فراغت آن از قیود و قواعد نیست، ضمن این که به دلیل ذوابعاد بودن نیاز جنسی در انسان می تواند زمینه آسیب های جسمی و روانی را فراهم نماید. به همین دلیل رعایت قواعد برای تامین سلامت جنسی و باروری به عنوان پیامد طبیعی آن ضروری است. علاوه بر این باروری مقدمه ی ورود یک انسان به دنیا است و سلامت جنسی و باروری می تواند تاثیر مهمی در سلامت نسل آینده جامعه داشته باشد.

### ۳-۲-۱. مضامین تربیت جنسی در سند یونسکو

مضامین ارائه شده در سند یونسکو با توجه به مفاهیم شش گانه ای که پیش از این بیان گردید، می آید. برای توضیح مضامین ارائه شده در سند یونسکو، بهتر است ابتدا اجزای فرآیند یادگیری در این سند روشن گردد، چرا که سند، موضوعات ذیل هر کدام از مفاهیم کلیدی را با توجه به این چهار جزء ارائه نموده است. این اجزا عبارتند از:

- **اطلاعات:** جزء نخست فرایند یادگیری در این سند به ارائه اطلاعات اختصاص دارد، به طوری که می توان گفتن تربیت جنسی اطلاعات دقیقی در مورد مسائل جنسی انسان ارائه می کند: شامل: رشد و توسعه؛ آناتومی جنسی و فیزیولوژی؛ تولید مثل؛ پیشگیری از بارداری؛ بارداری و زایمان؛ اچ آی وی و ایدز؛ بیماری های مقاربتی؛ زندگی خانوادگی و روابط بین فردی؛ فرهنگ و موضوعات جنسی؛ توانمندسازی حقوق بشر؛ عدم تبعیض، برابری و نقش های جنسیتی؛ رفتار جنسی؛ تفاوت جنسی؛ سوء استفاده جنسی؛ خشونت مبتنی بر جنسیت؛ و رفتار های مضر.
- **ارزشها، نگرشها و هنجارهای اجتماعی:** جزء دوم فرآیند یادگیری در تربیت جنسی به دانش آموزان فرصت می دهد تا ارزش ها، نگرش ها و هنجارها (شخصی، خانوادگی، همسالان و جامعه) را

<sup>1</sup> Sexual behaviour

<sup>2</sup> Sexual and reproductive health

در رابطه با رفتار جنسی، سلامت، خطرپذیری و تصمیم‌گیری و با در نظر گرفتن اصول تحمل، احترام، برابری جنسیتی، حقوق بشر و برابری مورد کاوش قرار دهند.

- **مهارت‌های بین فردی و ارتباطی:** جزء سوم فرآیند یادگیری با توجه به اهمیت ویژه نقش ارتباط در تربیت جنسی به پرورش مهارت‌های مربوط به: تصمیم‌گیری؛ اذعان؛ ارتباطات؛ مذاکره؛ و امتناع در دانش‌آموزان می‌پردازد، زیرا چنین مهارت‌هایی می‌توانند به روابط بهتر و مولد تر با اعضای خانواده، همسالان، دوستان و شریک جنسی کمک کنند.
- **مسئولیت:** این جزء از فرآیند یادگیری در تربیت جنسی دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا مسئولیت خود در ارتباط با دیگران را به عهده گرفته و با دیگران صرف نظر از وضعیت سلامت آنها و یا گرایش جنسی‌شان با رعایت احترام، پذیرش، تحمل و همدلی رفتار نمایند. تربیت جنسی همچنین بر برابری جنسیتی تأکید دارد و ضمن مقاومت در برابر رابطه جنسی زودرس، ناخواسته یا تحت اجبار، خشونت در روابط را رد کرده و رابطه جنسی ایمن را از طریق استفاده صحیح از کاندوم و وسایل پیشگیری از بارداری آموزش می‌دهد.

در این جا به تفکیک، توضیح مختصری در مورد موضوعات ذیل هر مفهوم ارائه می‌گردد:

۱- **موضوعات ذیل مفهوم روابط:** ذیل این مفهوم کلی، سند به تبیین مفاهیم خانواده، دوستی، عشق، تعهد، احترام، ازدواج و والد شدن در ارتباط با امر جنسی می‌پردازد و در هر کدام از آن‌ها ضمن توضیح مفهوم و ارزش‌های حاکم بر آن، به مهارت‌های لازم و مسئولیت‌هایی که هر شخص در برابر خود، دیگران و جامعه دارد، اشاره می‌نماید. به عنوان نمونه در مورد مفهوم دوستی و عشق، ابتدا دوست تعریف می‌شود، سپس دانش‌آموز یاد می‌گیرد انواع مختلف دوستی از جمله دوست خوب در برابر دوست بد وجود دارد و دوستی‌های خوب بر پایه ارزش‌های اعتماد، اشتراک، همدلی و همبستگی شکل می‌گیرد. پس از این در توضیح روش‌های مختلف اظهار عشق و دوستی به دیگری، یکی از اشکال آن، رفتار جنسی است که در آن، باید ارزش‌های بیان شده رعایت گردد. رابطه‌ی متجاوزانه مصداق رابطه ناسالم معرفی شده و در ارتباط با جزء چهارم یادگیری یعنی مسئولیت، این سند به تأثیر نقش‌های جنسیتی و کلیشه‌ها در روابط مبتنی بر سوء استفاده و تجاوز اشاره کرده و مسئولیت افراد را در برابر گزارش روابط متجاوزانه و کسب مهارت‌های مقاومت در برابر این گونه رفتارها به رسمیت می‌شناسد.

۲- **موضوعات ذیل مفهوم ارزش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌ها:** در این مفهوم، تمرکز سند بر معرفی ارزش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های لازم مرتبط با امر جنسی است. از این رو تمام انسان‌ها منحصر به فرد و ارزشمند معرفی شده و بر ارزش‌های برابری، احترام، تحمل و پذیرش تأکید می‌گردد و به این مطلب اشاره می‌کند که ارزش‌ها و نگرش‌ها، زندگی و روابط انسان را هدایت می‌کند. به همین دلیل با توجه به اهمیت این موضوع، به بررسی نقش خانواده، همسالان و هنجارهای اجتماعی به عنوان منابع یادگیری جنسی پرداخته می‌شود تا دانش‌آموزان ضمن فهم تأثیرات مثبت و منفی این عوامل، توانایی مقاومت در برابر تأثیر منفی را کسب نمایند.

پرورش مهارت های تصمیم گیری، ارتباطات، مذاکره و رد ناظر به امر جنسی نیز ذیل این مفهوم طرح می گردد تا اهداف این سند در ارتباط با امر جنسی تحقق یابد. علاوه بر توجه به ارزش ها و نگرش ها و پرورش مهارت ها، توجه سند در انتهای این مفهوم به جزء چهارم یادگیری یعنی مسئولیت معطوف می گردد؛ یعنی دانش آموز ضمن برخورداری از حق حمایت و دسترسی به خدمات سلامت جنسی و شناسایی بزرگسالان مورد اعتماد برای در میان گذاشتن مسائل خود، این موضوع را یاد می گیرد که اعضای یک جامعه از دوستان تا خانواده، روحانیان و معلمان می توانند به هم کمک نمایند و در برابر یکدیگر مسئولند.

**۳- موضوعات ذیل مفهوم فرهنگ، جامعه و حقوق بشر:** در این مفهوم به طور ویژه بر فرهنگ، جامعه و حقوق بشر در ارتباط با امر جنسی و تاثیرگذاری فرهنگ، قانون، رسانه و فهم موجود از جنسیت بر امر جنسی و مسائل آن تمرکز شده است. به همین دلیل تلاش می کند دانش آموزان متوجه این امر باشند و تا حد امکان توانایی مقاومت در برابر تاثیرات منفی هر کدام از این عوامل را کسب نمایند.

در موضوع فرهنگ، تاکید بر مفهوم تفاوت در ارتباط با مقوله فرهنگ و وجود هنجارها و تابوها است. در مورد قانون، سند مبتنی بر حقوق بشر تاکید می کند دانش آموزان باید قوانین و آیین نامه های محلی مرتبط با امر جنسی را دریافت نمایند. در موضوع رسانه سند بر معرفی اشکال مختلف رسانه و تصاویر غیرواقعی موجود در رسانه ها در مورد زن، مرد، رابطه جنسی این دو متمرکز است. در موضوع جنسیت ضمن تاکید بر برابری جنسیتی، به ارتباط نابرابری جنسیتی و خشونت و آزار و اذیت جنسی اشاره شده است. به همین دلیل باید دانش آموزان با کسب مهارت های لازم، پیشگیری از این موارد را آموخته و از مسئولیت خود در برابر دیگران آگاه باشند.

**۴- موضوعات ذیل مفهوم رشد انسان:** رشد جنسی به عنوان یکی از جنبه های طبیعی رشد انسان از مراحل مختلفی برخوردار است. انسان به دلیل مواجهه دائمی با بدن خود باید تصویر مناسبی از بدن خود داشته باشد، این امر در تمام طول زندگی انسان از اهمیت برخوردار است. در توضیح مراحل زندگی جنسی انسان می توان گفت، بلوغ نقطه عطف آن محسوب می گردد و ذو ابعاد بودن امر جنسی و به طور کلی انسان موجب می گردد تاثیراتی در ابعاد مختلف انسان داشته باشد و باید در چهار جزء فرآیند یادگیری برنامه ریزی گردد. یکی از تاثیرات مهم بلوغ در زندگی انسان، توانا شدن انسان در تولید مثل است که این امر نیز از وجوه جسمی فردی و وجوه اجتماعی برخوردار است. به همین دلیل نیاز است هر دو طرف ارتباط رفتار صحیح در این دوران را بیاموزند.

**۵- موضوعات ذیل مفهوم رفتار جنسی:** برای تحقق اهداف تربیت جنسی، شناخت موضوع این نوع از تربیت برای دانش آموزان ضروری است، یعنی فرد باید پس از شناخت اندام های خود و به ویژه اندام جنسی، از کیفیت امر جنسی در طول زندگی خود آگاهی یابد؛ زیرا این نیاز محدود به دوره خاصی از زندگی انسان نیست و فراز و نشیب های خاص خود را دارد. مرحله پس از آگاهی از این موارد و ارائه واقعیت به افراد، شناخت رفتار جنسی است؛ چرا که امر جنسی هم در ارتباط فرد با خود و هم با دیگری امری دو سویه است. یعنی در فرد از دو طرف تحریک و پاسخ برخوردار است که شناخت آن و رفتار مناسب در هر کدام از این حالت ها ضروری است. از سوی دیگر رفتار جنسی در

ارتباط با دیگری شکل می گیرد، بنابراین فهم و درک دیگری نیز ضروری است. در هر کدام از موضوعات مطرح شده، اطلاعات پایه، ارزش ها و نگرش های حاکم بر آن مرحله و مهارت های لازم برای رفتار صحیح و مسئولانه در موقعیت ارائه می گردد. رفتار فرد باید مبتنی بر ارزش و احترام به دیگری و مسئولیت پذیری در برابر سلامت جنسی خود و دیگری است.

۶- **موضوعات ذیل مفهوم سلامت جنسی و باروری:** سلامت جنسی به معنای توانایی پیشگیری از بارداری هنگام عدم رضایت طرفین، پیشگیری از ابتلا به عفونت های منتقله جنسی و ویروس اچ.آی.وی است؛ به همین موضوعات مطرح در این مفهوم، شامل ارائه اجزای چهارگانه یادگیری برای پیشگیری از بارداری و داشتن رابطه جنسی ایمن قبل و بعد از ابتلا است. در صورت ابتلا فرد به یکی از بیماری های بیان شده، فرد باید بتواند از خود مراقبت نماید و به سلامت دیگری احترام بگذارد، بنابراین باید به افراد آموزش داد تا فرد بیمار را پذیرفته و مورد حمایت قرار دهند و فرد بیمار یا مشکوک به بیماری باید با اطلاع دادن به طرف مقابل مسئولیت پذیر باشد.

خلاصه آن چه در مورد مفاهیم و موضوعات تربیت جنسی در سند یونسکو بیان گردید، در جدول زیر (۲-۳) قابل مشاهده است:

جدول (۲-۳): سند یونسکو در یک نگاه

<ul style="list-style-type: none"> <li>- نگاه کل گرایانه به امر جنسی به عنوان یک جنبه اساسی زندگی انسان</li> <li>- امر جنسی بدون ارجاع به جنسیت قابل فهم نیست.</li> <li>- تفاوت یک ویژگی اساسی در ارتباط با امر جنسی است.</li> <li>- تفاوت قواعد ناظر به امر جنسی در فرهنگ های مختلف</li> </ul>	<p><b>پیش فرض های امر جنسی در سند یونسکو</b></p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- خانواده ها</li> <li>- دوستی، عشق و روابط رمانتیک</li> <li>- پذیرش، تحمل و احترام</li> <li>- تعهد دراز مدت، ازدواج و والد بودن</li> </ul>	<p><b>روابط</b></p>	<p><b>مفاهیم کلیدی و مضامین [ذیل این مفاهیم] ناظر به تربیت جنسی در سند یونسکو</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- ارزش ها، نگرش ها و منابع یادگیری درباره موضوعات جنسی</li> <li>- تصمیم گیری</li> <li>- مهارت های ارتباط، رد و مذاکره</li> <li>- پیدا کردن راهنما و پشتیبانی</li> </ul>	<p><b>ارزش ها، نگرش ها و مهارت ها</b></p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- موضوعات جنسی، فرهنگ و حقوق بشر</li> <li>- موضوعات جنسی و رسانه</li> <li>- ساختار اجتماعی جنسیت</li> <li>- خشونت جنسیتی شامل آزار جنسی، استثمار و اعمال آسیب زا</li> </ul>	<p><b>فرهنگ، جامعه و حقوق بشر</b></p>	

<ul style="list-style-type: none"> <li>- آناتومی و فیزیولوژی جنسی و تناسلی</li> <li>- تولید مثل</li> <li>- بلوغ</li> <li>- تصویر بدن</li> <li>- حریم شخصی و تمامیت جسمی</li> </ul>	<b>رشد انسان</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- سکس، تمایلات جنسی و چرخه ی حیات جنسی</li> <li>- رفتار جنسی و پاسخ جنسی</li> </ul>	<b>رفتار جنسی</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- پیشگیری از بارداری</li> <li>- فهم، شناخت و کاهش خطر بیماری های آمیزشی</li> <li>- از جمله اچ.آی.وی</li> <li>- علائم، مراقبت و درمان اچ آی وی و ایدز</li> </ul>	<b>سلامت جنسی و باروری</b>

### های تربیت جنسی در اسناد بین المللی

ت، «آنچه شاخص و نمایان گر امری باشد» (انوری، ۱۳۸۱) معنا شده است. ی تربیت جنسی سخن می گوئیم، منظور آن مفاهیمی است که هنگام تعریف ت برای آن، شاخص و نمایانگر آند و نمی شود آن ها را کنار گذاشت. در این ی بر اساس شواهد موجود در اسناد آمریکا و یونسکو استخراج می گردد و یاد برای آن ها انتخاب می گردد<sup>۲</sup>.

مولفه های مفهومی تربیت جنسی بر اساس اسناد تربیت جنسی یونسکو و آمریکا عبارتند از:

#### ۱-۳-۱. چند بعدی بودن امر جنسی

نخستین مولفه بر اساس این اسناد، چند بعدی بودن امر جنسی است؛ بدین معنا که امر جنسی به عنوان یکی از تمایلات انسان از «ابعاد جسمی، عاطفی، اجتماعی و عقلانی» در سند آمریکا (ص ۸) و «ابعاد جسمی، روانی، معنوی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی» مطابق سند یونسکو (ج ۱، ص ۲) برخوردار است. بنابراین امر جنسی گرچه ریشه در جسم انسان دارد اما منحصر به آن نمی گردد و ابعاد مختلفی در تربیت جنسی نقش سازنده دارند و توجه به امر جنسی در هر کدام از حوزه های تحت شمول آن باید با توجه به تمام این ابعاد صورت گیرد.

<sup>1</sup> Component

<sup>۲</sup> انتخاب عنوان مولفه ها با توجه به محتوای اسناد توسط پژوهشگر صورت گرفته است، هر چند در برخی موارد مانند «تصمیم گیری»، «مسئولیت پذیری»، اسناد از همین واژه ها استفاده نموده اند، اما تبدیل آن ها به عنوان مولفه های موجود به وسیله پژوهشگر بوده است. ضمن این که معادل انگلیسی واژه ها در پاورقی این بخش از اسناد آمریکا و یونسکو است.

نخستین بعد امر جنسی، بعد جسمانی آن است، آگاه بودن از دستگاه جنسی به عنوان بخش اصلی جسمانی مربوط به امر جنسی و رعایت بهداشت آن ناظر به تمام زندگی فرد نقش مهمی در تربیت جنسی ایفا می کند، به همین دلیل در هر دو سند شناخت فیزیولوژی جنسی و کارکرد آن، به عنوان نخستین موضوع در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، امر جنسی در زمین جسم انسان قرار گرفته است و نخستین و حداقل توجه به آن ناظر به جسم انسان است.

بعد عاطفی، یکی دیگر از ابعاد مهم امر جنسی است. بدین معنا که رفتار جنسی تنها از وجهی جسمانی و صرفاً به منزله پاسخ به یک نیاز جسمی نباید دیده شود، بلکه یکی از کارکرد های مهم این نیاز پاسخگویی به نیازهای عاطفی فرد است. از این رو رفتار جنسی در این اسناد در یک پیوستار دیده می شود که می تواند نگاه، کلام و رفتار عملی فرد را شامل شود؛ به عبارت دیگر عشق و عاطفه میان دو نفر تنها به صورت رابطه جنسی خود را نمی نمایند و «رفتار جنسی یکی از اشکال اظهار عشق به دیگری است» (سند یونسکو، ج ۲، صص ۹، ۲۷). نگاه پیوستاری دانش آموز به امر جنسی می تواند کمک شایانی به سلامت افراد نماید. موکول کردن تمام امور و آموزش ها به لحظه ی برانگیختگی جنسی فرد هیچ ضمانتی مبنی بر اتخاذ تصمیم صحیح ندارد، زیرا در این لحظه تصمیم گیری بسیار دشوار و چه بسا غیرممکن باشد. تلاش در نشان دادن پیوستار و تنوع و تعدد در ارتباط با امر جنسی برای درگیر نشدن افراد در سنین پایین در رفتار جنسی و به خطر افتادن ایمنی آن هاست، به عبارت دیگر ابراز محبت و دوست داشتن دیگری مساوی برقراری رابطه جنسی تلقی نمی گردد و می تواند با کلمات ابراز گردد و گسترش دایره لغات و رفتارهای نشان دهنده عشق به دیگری به منظور ارائه راهکاری متناسب با سطح فهم و نیاز دانش آموز و دور کردن او از نقطه نهایی یعنی رابطه جنسی تا زمان مناسب آن است.

توضیح ارائه شده در ارتباط با وجه عاطفی، ارتباط تنگاتنگی با وجه اجتماعی امر جنسی دارد، چرا که برقراری ارتباط مبتنی بر کلام و رفتارهای درست و مناسب با دیگری نیازمند توجه به بعد اجتماعی فرد است. بنابراین بخشی از جریان تربیت صحیح جنسی مستلزم توجه به مهارت های گفتگو و ارتباطی در فرد است. ضمن این که با پرورش این مهارت ها، مفهوم دوستی و عشق تفکیک شده و کلام و رفتارهای مناسب هر کدام مشخص می گردد.

وجه فرهنگی امر جنسی در اشاره به شناخت هنجارها و رفتارهای مناسب یک فرهنگ است. بنابراین فرد می تواند ضمن فهم رفتارهای مناسب یک فرهنگ به آن عمل نماید. از سوی دیگر ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ارتباط تنگاتنگی با مفهوم «جنسیت» دارد و از طریق ساختن انتظارات و محدوده نقش های جنسیتی در حوزه امر جنسی ایفای نقش می نماید.

در نهایت وجه عقلانی امر جنسی به معنای تاکید بر اهمیت توانایی کل نگر فرد در ارتباط با امر جنسی است، به طوری که می توان گفت در تربیت جنسی فرد نیاز به بلوغ عقلانی نیز دارد؛ چرا که موارد مختلفی مانند به رسمیت شناختن دیگری، در نظر گرفتن مخاطرات امر جنسی و راه حل های مربوط به آن و به عبارتی توانایی فرد در ارزیابی گام های قبل از رسیدن به رفتار جنسی و خروج از مسیر نادرست به توانایی کل نگر شخص وابسته است.

یکی از نکات مورد توجه در این اسناد، جایگزینی واژه «جنسینگی»<sup>۱</sup> به جای «جنسی»<sup>۲</sup> است؛ به گونه ای که به نظر می رسد جایگزینی این واژه به منظور نشان دادن امر جنسی به عنوان امری ذو ابعاد و فراتر رفتن از بعد جسمانی و توجه به جنبه های روان شناختی، عاطفی، عقلانی و اجتماعی این بعد از وجود انسان است، بنابراین اگر بخواهیم این واژه را درست استفاده نماییم، باید از «امر جنسینگی» به جای «امر جنسی» استفاده نماییم، اما با توجه به عدم تمایز و روشن نبودن این واژه در فارسی، در این پایان نامه به طور تسامحی از ترجمه «امر جنسی» استفاده می نماییم.

ذو ابعاد بودن امر جنسی، مبین دو موضوع است؛ نخست، ذکر ابعاد عاطفی، عقلانی، اجتماعی برای امر جنسی نشان دهنده ارتباط دو سویه تربیت انسان در ابعاد مختلف وجود اوست؛ به عبارت دیگر همان گونه که تربیت بعد جنسی انسان بدون توجه به این ابعاد ممکن نیست، تربیت ابعاد دیگر انسان نیز بدون توجه به امر جنسی ممکن و موفق نیست. به عنوان نمونه فردی که دچار مسائل و مشکلاتی در حوزه امر جنسی است، چگونه می تواند در ارتباط عاطفی با همسر خود موفق باشد، یا فردی که در زمینه هویت جنسی دچار مشکل و مساله است، چگونه می تواند با سایر افراد جامعه ارتباط سالمی برقرار نماید؟ در واقع ذو ابعاد بودن امر جنسی، نشان دهنده پیچیدگی انسان و ضرورت اتخاذ نگاهی کل نگرانه در امر تربیت انسان است؛ چرا که اضافه نمودن واژه های «اجتماعی»، «عاطفی» به مفهوم «تربیت» به معنای تفکیک وجود انسان در زمینه های مختلف نیست، بلکه به دلیل پیچیدگی انسان و تلاش برای بررسی دقیق ابعاد مختلف وجود اوست.

موضوع دوم به کیفیت تربیت امر جنسی در انسان باز می گردد؛ چنانچه در اسناد آمریکا و یونسکو، تاکید بر چند بعدی بودن نیاز جنسی به معنای تاکید بر نقش سازنده ابعاد مختلف بیان شده در ارتباط با امر جنسی است. نمود این امر در تعیین سن دانش آموزان برای ارائه دانش و مهارت ها مشاهده می گردد؛ به طوری که علاوه بر سن بیولوژیکی، سطح شناختی، اجتماعی، عاطفی و تجربیات دانش آموزان برای ارائه دانش جنسی در نظر گرفته می شود. به همین دلیل می توان گفت صدور رفتار صحیح جنسی زمانی است که فرد در سایر ابعاد امر جنسی نیز به بلوغ و شرایط مناسب برسد و تنها بلوغ جنسی کافی نیست، به عنوان نمونه تربیت صحیح جنسی بدون بلوغ اجتماعی و عقلانی در ارتباط با امر جنسی ممکن نیست؛ زیرا رابطه جنسی به عنوان نوعی از ارتباط میان طرفین آن، مستلزم برقراری ارتباط سالم است و این امر محتاج توانایی فرد در برخورد با افراد در اجتماع و توانایی ارزیابی طرف مقابل و کیفیت ارتباط برای حفظ سلامت خود و پیشگیری از آسیب های احتمالی است. چنان چه توجه اسناد آمریکا و یونسکو به مهارت هایی مانند تفکر انتقادی و مهارت های ارتباطی ناظر به ایجاد آمادگی در این ابعاد است.

### ۱-۳-۲. دانش جنسی

یکی از مولفه های تربیت جنسی بر اساس اسناد آمریکا و یونسکو، ارائه دانش جنسی است. سند آمریکا ضمن تاکید بر «ارائه دانش در ابعاد مختلف امر جنسی و فراهم کردن پایه ای برای تمام زندگی فرد» (صص ۶، ۹، ۱۰)، به «ارائه دانش عملکردی» (صص ۸، ۹، ۱۰) اشاره می نماید.

<sup>1</sup> sexuality

<sup>2</sup> sexual

«دانش عملکردی» در سند آمریکا، «دانش پایه، دقیق و در ارتباط مستقیم با تصمیمات و رفتارهای ارتقاء بخش سلامتی»؛ یعنی حوزه عمل تعریف شده (ص ۹) و ذیل هفت موضوع آناتومی و فیزیولوژی جنسی، بلوغ، بارداری و تولید مثل، پیشگیری از بارداری، پیشگیری از عفونت های منتقله جنسی و اچ آی وی، ارتباط سالم، امنیت جنسی در تربیت جنسی ارائه می گردد.

سند یونسکو در این خصوص از دو واژه استفاده می کند. این سند در تعریف تربیت جنسی و فرآیند های یادگیری بر «ارائه اطلاعات دقیق علمی» (ج ۱، صص ۲، ۳) تاکید نموده و ارائه اطلاعات در موضوعات «رشد و توسعه؛ آناتومی جنسی و فیزیولوژی؛ تولید مثل؛ پیشگیری از بارداری؛ بارداری و زایمان؛ اچ آی وی و ایدز؛ عفونت های منتقله جنسی؛ زندگی خانوادگی و روابط بین فردی؛ فرهنگ و موضوعات جنسی؛ توانمندسازی حقوق بشر؛ عدم تبعیض، برابری و نقش های جنسیتی؛ رفتار جنسی؛ تفاوت جنسی؛ سوء استفاده جنسی؛ خشونت مبتنی بر جنسیت؛ و رفتار های مضر» (ج ۲، ص ۵) را ضروری عنوان می کند، در حالی که در بیان هدف برنامه تربیت جنسی، «افزایش درک و دانش آموزان» را عنوان می نماید. به همین دلیل فهم تفاوت این دو مفهوم ضروری می نماید.

مفهوم «دانش» با مفاهیم مشابهی مانند اطلاعات متفاوت است، اما دو مقوله جداگانه نیستند (زیباکلام، ۱۳۹۰)، در واقع چنانکه در تعریف مفهوم اطلاعات و دانش آمده است، دانش سطح فراتر و برتری از اطلاعات است. در تعریف دانش می توان گفت؛ دانش، مجموعه ای هدفمند از اطلاعات با ماهیت سودمند است که عاملی تعیین کننده و موثر تلقی می گردد. در تعریفی دیگر، «دانش»، اطلاعاتی است که دارای زمینه، متضمن ارتباط و حاوی استدلال است؛ در واقع دانش با برخورداری از پشتوانه تجربی و بستری اندیشمندانه، داننده آن را قادر به حل مسائل می کند، در حالی که اطلاعات قادر به این امر نیست و با گذشت زمان و از دست دادن زمینه خود می تواند ارزش خود را از دست دهد، اما دانش همواره ارزشمند است (مختاری و یمین فیروز، ۱۳۸۳). بنابراین در سند یونسکو نیز ضمن ارائه اطلاعات، هدف اصلی متوجه ایجاد مجموعه ای هدفمند از اطلاعات برای حل مسائل مربوط به امر جنسی یعنی ایجاد دانش جنسی است.

نکته دیگر، آگاهی از عرصه های مختلف دانش یعنی «دانش چپستی»، «دانش چرایی»، «دانش چگونگی» و «دانش کیستی» است. «دانش چپستی»، به دانش و گزاره های حاکی از واقعیت ها، «دانش چرایی»، به دانش علمی ناظر به روابط علی، «دانش چگونگی»، به دانش یا گزاره های مرتبط با مهارت های عملی و نشان دادن چگونگی انجام امور و «دانش کیستی»، به دانش مربوط به مقوله روابط اجتماعی و تأثیری که این روابط در زمینه های گوناگون دارد، اطلاق می گردد (باقری، ۱۳۸۳).

تاکید بر ارائه دانش به دانش آموزان در این اسناد با توجه به تعریف ارائه شده از مفهوم دانش و عرصه های دانش است. ارائه دانش مبتنی بر مهارت تفکر انتقادی و استفاده از روش های تدریس فعال، نشانه توجه به عناصر زمینه، ارتباط و استدلال در ارائه دانش به دانش آموزان است. هر چهار عرصه دانش چپستی، چرایی، چگونگی و کیستی در این اسناد به چشم می خورد. ارائه گزاره های حاکی از واقعیت مربوط به امر جنسی ناظر به عرصه دانش چپستی، پرورش توانایی در تحلیل تاثیر عوامل مختلف بر ارزش ها و نگرش های مرتبط با امر جنسی ناظر به دانش چرایی، حل مسائل حوزه سلامت جنسی به عنوان اصلی ترین مساله مطرح در این



اسناد و تاکید بر پرورش مهارت‌ها به معنای توجه به نشان دادن چگونگی انجام امور و عرصه دانش چگونگی است. توجه به روابط اجتماعی و عرصه دانش کیستی نیز در بخش‌های مختلف دیده می‌شود و تلاش می‌گردد دانش آموزان بتوانند تاثیر عوامل محیطی را درک و توانایی مقاومت در برابر آثار منفی آن را کسب نمایند.

دانش ارائه شده در این اسناد باید از دو ویژگی برخوردار باشد: **نخست، علمی باشد؛ یعنی مبتنی بر شواهد<sup>۱</sup> و نظریات<sup>۲</sup> باشد. دوم، با لحاظ تناسب سنی<sup>۳</sup> دانش آموزان ارائه گردد.**

یکی از ویژگی‌های کلیدی ذکر شده برای دانش ارائه شده در این اسناد، «ابتناء آن بر علم و به عبارتی نظریات و پژوهش‌های روز است» (ص ۹)؛ در واقع منبع اصلی مراجعه در حوزه امر جنسی، دانش و اطلاعات برآمده از علم است؛ یعنی دانشی که برآمده از شواهد و پژوهش‌ها و نظریات علمی باشد. چنانچه در سند آمریکا ضمن تاکید بر این ویژگی، از بازتاب اصول سه نظریه یادگیری اجتماعی، شناخت اجتماعی و مدل پیشگیری بوم‌شناسی اجتماعی در استانداردهای ملی تربیت جنسی این کشور یاد می‌شود.

در تعریف سند یونسکو نیز مرجعیت علم در تربیت جنسی دیده می‌شود. ضمن این که سند در فرآیند تدوین برنامه تربیت جنسی از «لزوم اشتغال متخصصان در پژوهش‌های حوزه امر جنسی و تغییر رفتار و نظریه‌های آموزشی مرتبط» (ج ۱، ص ۱۸) سخن می‌گوید. علاوه بر این در موارد متعددی بر ارائه اطلاعات علمی دقیق در آموزش جنسی تاکید می‌نماید.

رعایت «تناسب سن» دیگر ویژگی مهم مطرح در رویکرد تربیت جنسی جامع و در این اسناد می‌باشد؛ به طوری که در تعریف هر دو سند از تربیت جنسی به رعایت تناسب آموزش‌ها با سن دانش آموزان تاکید می‌گردد و ارائه آموزش‌ها در موضوعات مشخص شده در هر کدام از اسناد ذیل چهار سطح گواه این امر است. رعایت این اصل در این اسناد تنها ناظر به در نظر گرفتن سن بیولوژیکی دانش آموزان نمی‌باشد بلکه با توجه به ذو ابعاد بودن امر جنسی و توانایی‌های شناختی، انگیزشی و اجتماعی آنان است.

«تناسب سنی» در سند آمریکا به صورت «طراحی و برنامه ریزی آموزش مفاهیم، اطلاعات و مهارت‌ها بر اساس سطح اجتماعی، شناختی، عاطفی و تجربه اکثر دانش آموزان در یک سطح سنی خاص» (ص ۳۹) تعریف می‌شود و در تمام موارد اشاره به ارائه دانش و مهارت‌ها به دانش آموزان، به رعایت تناسب سنی در آموزش تاکید می‌گردد.

سند یونسکو نیز ضمن تاکید بر رعایت تناسب سنی به عنوان یکی از ویژگی‌های برنامه تربیت جنسی موثر، توضیح می‌دهد اجرای تناسب سنی در این سند با مرحله‌گذاری اهداف به طور منطقی صورت گرفته است؛ بدین صورت که آموزش برای دانش آموزان کوچکتر با ارائه مفاهیم آغاز می‌گردد و بیشتر اطلاعات پایه‌ای، ارائه شده و کمتر به وظایف شناختی پیشرفته و فعالیت‌های پیچیده تر پرداخته می‌شود. علاوه بر این،

<sup>1</sup> evidence-informed

<sup>2</sup> theory-driven

<sup>3</sup> Age-Appropriate

تمام اطلاعات ارائه شده برای گروه های سنی بیان شده در این سند، «باید متناسب با توانایی های شناختی فراگیران<sup>۱</sup> و با توجه به ناتوانی های فکری/ یادگیری<sup>۲</sup> کودکان و جوانان باشد» (ج ۲، ص ۴).

### ۱-۳-۳ حساسیت جنسی

یکی دیگر از مولفه های مهم و پایه ای تربیت جنسی مطابق این اسناد، مولفه «حساسیت جنسی<sup>۳</sup>» است. هر دو سند آمریکا و یونسکو، مفهوم حساسیت را با تمرکز بر امر جنسی مورد توجه قرار می دهند. منظور از مولفه حساسیت جنسی وجود دغدغه در فرد دانش آموز برای نگاه به امور با توجه به امر جنسی است، البته این مساله به معنای نگاه جنسی صرف به مسائل و خارج شدن از زاویه دید انسانی نیست، بلکه لحاظ وجه جنسی به عنوان یکی از جنبه های وجود انسان در ارتباط با دیگران است.

یکی از رویکرد های موجود در تربیت اخلاقی، رویکرد «سواد اخلاقی» است. مفهوم «حساسیت اخلاقی» به عنوان یکی از مفاهیم مهم این رویکرد می تواند به روشن شدن مفهوم حساسیت جنسی کمک نماید. مفهوم «حساسیت اخلاقی» به معنای فهم اخلاقی و داشتن علائق و دغدغه های اخلاقی در امور» است؛ به عبارت دیگر، فرد علاوه بر تشخیص و تمیز درست و غلط، دغدغه چنین تشخیصی را درون خود دارد و به مسائل مختلف از این زاویه فکر کرده و با دیگران به بحث و گفتگو می پردازد (سجادیه، ۱۳۹۴، ص ۹۷).

برای کمک به بحث ما، می توان از تحلیل سجادیه (۱۳۹۴) در خصوص مفهوم «حساسیت اخلاقی» استفاده نمود. سجادیه به نقل از واکر<sup>۴</sup>، حساسیت اخلاقی را شامل سه عامل مهم می داند: نخست، *اکتشاف اخلاقی*<sup>۵</sup>؛ منظور از این عامل، توانایی فهم و تشخیص اخلاقی بودن یا نبودن موقعیتی است که فرد در آن قرار دارد و اگر فرد بتواند موقعیت اخلاقی را تشخیص دهد، می تواند رفتاری اخلاق مدارانه از خود بروز دهد. دوم، *پتانسیل اخلاقی*<sup>۶</sup>؛ منظور از این عامل، توانایی تشخیص میزان اخلاقی بودن یک موقعیت در نسبت با سایر موقعیت های اخلاقی موجود در یک زمان و عمل بر طبق قاعده اخلاقی متناسب با پتانسیل اخلاقی بیشتر است و عامل سوم، *تعیین ارزش ها*<sup>۷</sup>؛ ناظر به بازتعریف ارزش ها در تناسب با موقعیت موجود است، به همین دلیل ارزش های متفاوت، نتایج متفاوتی را رقم می زند که فرد باید متوجه آن باشد.

با توجه به تحلیل ارائه شده از مفهوم حساسیت اخلاقی، می توان گفت مفهوم حساسیت جنسی، نخست، ناظر به هشیاری فرد در تشخیص موقعیت های مختلف نسبت به امر جنسی است، این که فرد اساسا امر جنسی را به عنوان یکی از ابعاد وجود انسان در خود و دیگری یا دیگران به رسمیت شناخته و متوجه تاثیر این بعد بر رفتارهای انسان و آسیب هایی که می تواند از سوی دیگران به وی وارد گردد، باشد، دوم، فرد باید بتواند میزان حساسیت موقعیت پیش آمده را در ارتباط با امر جنسی تشخیص دهد. در این صورت ضمن حفظ نگاه انسانی در روابط با دیگران، نشانه های غیرطبیعی مرتبط با امر جنسی را دریافت و می تواند میزان

<sup>1</sup> learners' cognitive abilities

<sup>2</sup> intellectual/learning disabilities

<sup>3</sup> Sexual sensivity

<sup>4</sup> Walker

<sup>5</sup> ethics spotting

<sup>6</sup> moral intensity

<sup>7</sup> determining values

حساسیت موقعیت را در آسیب‌هایی که می‌تواند به فرد وارد کند، بشناسد، سوم، فرد باید بتواند مجموعه ارزش‌های ناظر به امر جنسی را در موقعیت پیش‌آمده بازتعریف کرده و رفتاری مناسب موقعیت بروز دهد. این رفتار می‌تواند مواردی از قبیل رد کردن یا ترک موقعیت باشد.

به نظر می‌رسد می‌توان معیارهایی برای موقعیت‌ها یا افرادی که می‌توانند به فرد آسیب برسانند، به دانش‌آموزان ارائه داد تا بتوانند با ارزیابی موقعیت، میزان خطر و ارزش‌های حاکم بر امر جنسی، چگونگی مواجهه با آن موقعیت را تعیین نمایند. به عنوان نمونه در ارتباط دو نفر از جنس مخالف، هر کدام از دختر و پسر اگر بتوانند نشانه‌های مرتبط با امر جنسی را در گفتار و رفتار طرف مقابل درک نموده و نسبت به تشخیص این امر هشیار باشند، می‌توانند با توجه به موقعیت، احتمال و میزان آسیب را ارزیابی کرده و رفتار مناسبی بروز دهند.

حذف امر جنسی به عنوان یکی از ابعاد امور انسانی موجب می‌گردد یکی از پنجره‌های وجود انسان نسبت به جهان و انسان‌ها بسته باشد؛ از این رو نه تنها فرد در موقعیت‌ها از نوعی گنگی برخوردار است، در صورت آسیب، شوک شدیدتری به وی وارد شده و میزان صدمات به وی بیشتر خواهد بود. از سوی دیگر حذف ظاهری امر جنسی، سکوت در مورد آن و هشیار نکردن افراد نسبت به این بعد از وجود انسان به معنای فراموش شدن و حذف آن از وجود انسان‌ها نیست، بلکه به معنای اراده ما در غفلت ورزیدن نسبت به این مساله و پیامدهای آن است.

#### ۴-۳-۱. تقویت تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی

تفکر انتقادی<sup>۱</sup> ناظر به امر جنسی یکی از مولفه‌های مهم تربیت جنسی مطابق اسناد آمریکا و یونسکو است. تکرار فراوان «تحلیل»<sup>۲</sup> (صص ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۶)، «بررسی و ارزیابی»<sup>۳</sup> (صص ۲۷، ۳۱، ۳۳)، «تشخیص»<sup>۴</sup> (ص ۲۹)، «تمایز قائل شدن»<sup>۵</sup> میان مفاهیم مشابه» (ص ۲۶)، «مقایسه»<sup>۶</sup> (صص ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۵)، «توضیح تاثیرگذاری امری بر دیگری» (ص ۲۵) ناظر به امر جنسی و مسائل مربوط به آن در سند آمریکا نشان از توجه این سند به پرورش تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی در دانش‌آموزان دارد.

سند یونسکو نیز، «اعمال تفکر انتقادی را در دوست‌یابی و روابط جنسی یک ضرورت» عنوان می‌کند (ص ۲۷). علاوه بر این، «ارزیابی انتقادی رسانه‌ها هنگام استفاده از آن به عنوان منبع کمکی (ج ۲، صص ۱۶، ۱۸) و تصاویر غیر واقعی که در مسائل و روابط جنسی» (ج ۲، صص ۱۸) ارائه می‌دهند و «تمایز قائل شدن میان امور و مفاهیم مشابه» (صص ۲۱، ۲۴) و «بررسی و ارزیابی منافع و خطرات روش‌های مختلف پیشگیری از بارداری» (ص ۳۰) بیانگر توجه به پرورش تفکر انتقادی در دانش‌آموزان است.

<sup>1</sup> Critical thinking

<sup>2</sup> Analyze

<sup>3</sup> Evaluate

<sup>4</sup> Assess

<sup>5</sup> Distinguish

<sup>6</sup> Compare

تفکر انتقادی یکی از مهم ترین فرایندهای عالی ذهنی و از اهداف محوری آموزش و پرورش جدید است (عسگری و ملکی، ۱۳۸۹). تاریخچه تفکر انتقادی به دوران سقراط<sup>۱</sup> بر می گردد. وی پرسش های عمیق و بررسی استدلال ها و تحلیل مفاهیم را اساسی می دانست. پس از سقراط این روش در آکادمی افلاطون<sup>۲</sup> دنبال شد. پس از آن، در قرون وسطی، تفکر انتقادی در آثار اندیشمندانی مانند آکوئیناس<sup>۳</sup> مشاهده می شود. در دوره رنسانس، تفکر انتقادی در مضامینی همچون هنر انسان و آزادی رواج پیدا کرد (ابراهیمی دینانی و همکاران، ۱۳۸۶). در قرن نوزدهم تفکر انتقادی به وسیله آگوست کنت<sup>۴</sup> و هربرت اسپنسر<sup>۵</sup> در حوزه زندگی اجتماعی مطرح شد و در قرن بیستم و بیست و یکم، صاحب نظرانی همچون جان دیوئی<sup>۶</sup>، پیاز<sup>۷</sup>، فسیونه<sup>۸</sup> و ریچارد پل<sup>۹</sup>، موضوع تفکر به ویژه تفکر انتقادی را مورد توجه قرار دادند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲).

ریشه واژه نقادی به معنای داوری و قضاوت کردن است. لازم به ذکر است، واژه نقادی یا انتقاد در این مفهوم به معنای عیب جویی یا نادیده گرفتن نکات مثبت نیست، بلکه به معنی پرسش، تحلیل و بررسی برای سنجش و تمیز است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). از این رو هدف تفکر انتقادی تلاش برای واقع نگری و ارزیابی نکات مثبت و منفی در کنار هم است.

تفکر انتقادی مفهومی رایج و مورد تاکید است، با این وجود یک تعریف مورد پذیرش از آن وجود ندارد، اما حد مشترک میان تقریباً تمام صاحب نظران این حوزه به رسمیت شناختن تفکر انتقادی به عنوان یک موضوع خاص و امکان آموزش این نوع تفکر است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). یک رویکرد اساسی به تفکر انتقادی آن است که تفکر انتقادی شامل مجموعه گسترده ای از مهارت های مجزای تفکر یا عملیات فکری شامل استدلال، نگرش ها، دانش استانداردهای منطقی و مهارت های خاص تفکر است به نحوی که در هنگام ضرورت با فراخواندن این مهارت ها تحلیل و ارزشیابی اتفاق می افتد؛ چنانچه فسیونه در گزارش دلفی (۱۹۹۸)، مهارت های شش گانه تفکر انتقادی شامل تعبیر و تفسیر، تحلیل، ارزش یابی، استنتاج، توضیح و خودتنظیم گری را همراه با خرده مهارت هایی برای هر کدام بیان می کند (حسام پور، سینایی نوبندگانی، ۱۳۹۴).

مهارت های فکری ذیل تفکر انتقادی به صورت منفرد و یا در ترکیب با دیگر مهارت ها به کار گرفته می شوند و ما از آنها برای رسیدن به سطحی از اطلاعات زمانی که نیاز به تحلیل کردن، تصمیم گرفتن، حل مسائل، خلق راه حل ها، تأمل و تفکر خلاقانه داریم، استفاده می کنیم. بر این اساس، مهارت های تفکر انتقادی به هر نوع توانایی فکری یا رفتاری که بتوان یاد گرفت یا اعمال ذهنی مثل پرسشگری، طبقه بندی، ترکیب، مقایسه، تشخیص سوگیری ها، استقرا، قیاس و استنتاج گفته می شود (عسگری و ملکی، ۱۳۸۹ به نقل از جانسون<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۸). بنابراین تفکر انتقادی پیچیده و چند بعدی است و بسیاری از مهارت های زندگی مانند

<sup>1</sup> Socrates

<sup>2</sup> Plato

<sup>3</sup> Thomas Aquinas

<sup>4</sup> Auguste Comte

<sup>5</sup> Herbert Spencer

<sup>6</sup> John Dewey

<sup>7</sup> Jean Piaget

<sup>8</sup> Facione, P

<sup>9</sup> Paul, R

<sup>10</sup> Johnson

حل مسئله، تصمیم‌گیری و تفکر خلاق با آن در ارتباط نزدیک اند(عسگری و ملکی، ۱۳۸۹ به نقل از سیمپسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲).

هدف از مهارت تفکر انتقادی، افزایش بازده مطلوب رفتارهای انسان با استفاده از راهبردها و مهارت‌های شناختی است. اگر بخواهیم کیفیت فرآیند تفکر انتقادی را بهتر درک نماییم، باید گفت تفکر انتقادی اندیشیدن درباره شیوه تفکر و اندیشیدن خود است؛ به عبارتی تفکر انتقادی، کسب توانایی تحلیل عینی اطلاعات و تجارب است(خنیفر و پورحسینی، ۱۳۹۱)، به عبارت دیگر مستلزم آن است که فرد بتواند خارج از متن تفکر کند. از این رو می‌توان گفت این توانایی تفکر از ویژگی‌های جوامعی است که در آن‌ها امکان زندگی کردن به روش‌های مختلف وجود دارد و به حل مشکلات منطقی توجه می‌شود(وینچ<sup>۲</sup>، ترجمه افشار امیری، ۱۳۸۹).

تفکر انتقادی بر خلاف نام آن بیش از آن که یک دانش باشد، یک فن و مهارت است؛ چرا که تقریباً تمام صاحب‌نظران، تفکر انتقادی را متشکل از دو بخش؛ ۱- دانش و ۲- عادت می‌دانند، یعنی شرط لازم برای تاثیر تفکر انتقادی بر کیفیت زندگی انسان، تبدیل آن به یکی از عادت‌های انسان است که خود مستلزم تمرین است. این مهارت چنان‌چه در تعریف آن بیان گردید، علاوه بر منطق، از روان‌شناسی و معرفت‌شناسی تغذیه کرده و از دو بخش سلبی و ایجابی برخوردار است؛ بخش سلبی این مهارت از منطق گسترده‌تر بوده و علاوه بر تشخیص مغالطه‌های صوری که بخشی از مهارت تفکر انتقادی است، به مفاهیمی چون «آرزو اندیشی»، «دلیل‌تراشی»، «ژرف‌نمایی» می‌پردازد که از حوزه منطق صوری خارج است و در واقع بهره‌تفکر انتقادی از روان‌شناسی است. منظور از وجه ایجابی ارائه راهکارهایی برای سوق فعالیت فرد یعنی اندیشیدن از مسیر کوتاه‌تر و مطمئن‌تری به هدف اندیشیدن در مورد خاص است، چرا که اندیشیدن مانند هر فعالیت دیگری امری هدفمند است(واربرتون<sup>۳</sup>، ترجمه خسروانی، ۱۳۸۸).

در خصوص ارتباط مهارت تفکر انتقادی و سلامت باید گفت، مهارت تفکر انتقادی صرفاً به ارتقای توانایی فرد در ارزیابی استدلال‌ها محدود نمی‌گردد، بلکه به توسعه جهان‌بینی منسجم و سنجیده، توانایی ساخت استدلال منطقی و بهبود مدیریت اطلاعات نیز کمک می‌نماید(کروز<sup>۴</sup> و تیموتی<sup>۵</sup>، ترجمه مسعود فرهمند فر، ۱۳۹۳). از این رو افراد واجد تفکر انتقادی ضمن برخورداری از شفافیت مواضع به تصحیح نگرش‌های خود می‌پردازند. ضمن این که وجود مهارت تفکر انتقادی موجب می‌گردد فشار ناشی از تعارضات و باورهای تحمیلی بر این افراد کاهش یابد؛ چرا که فرد بدون بررسی دقیق آنچه را که به وی ارائه یا تحمیل می‌گردد، نمی‌پذیرد. در نتیجه با پرورش این مهارت، فشار ناشی از این تحمیل کاهش یافته و سلامت روان وی نیز کمتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد(خنیفر و پورحسینی، ۱۳۹۱). بنابراین واژه تفکر در مهارت تفکر انتقادی نباید موجب این تصور گردد که این مهارت صرفاً از جنبه شناختی برخوردار است، چنان‌چه هافمن<sup>۶</sup>، ورنوی<sup>۷</sup>،

<sup>1</sup> Simpson

<sup>2</sup> Winch, Christopher

<sup>3</sup> Warberton, Nigel

<sup>4</sup> Crews, Anderson

<sup>5</sup> Timothy A

<sup>6</sup> Huffman

<sup>7</sup> Vernoy

ویلیامز<sup>۱</sup> و ورنوی (۱۹۹۱) رویکردی سه بعدی پیشنهاد می کنند که تفکر انتقادی در آن مولفه های عاطفی (ویژگی های هیجانی)، مولفه های شناختی (فرآیندهای تفکر دخیل در تفکر انتقادی) و مولفه های رفتاری (فعالیت ضروری تفکر انتقادی) (عسگری و ملکی، ۱۳۸۹) برخوردار است. این مولفه ها در جدول زیر آمده است:

جدول (۳-۳): مولفه های تفکر انتقادی

<ul style="list-style-type: none"> <li>- ارزیابی درست از منفعت شخصی</li> <li>- پذیرش تغییر</li> <li>- هم حسی کردن</li> <li>- برخورد درست با دیدگاه های واگرا</li> <li>- تحمل ابهام ها</li> <li>- شناخت سو گیری های شخصی</li> </ul>	<b>مولفه های عاطفی</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- تفکر مستقل</li> <li>- تعریف دقیق مسائل</li> <li>- تحلیل داده ها برای ارزش و محتوا</li> <li>- به کار گیری فزاینده فکری متفاوت در حل مسئله</li> <li>- ترکیب کردن</li> <li>- خودداری از تعمیم بیش از حد</li> <li>- به کار گیری فراشناخت (تفکر تاملی)</li> </ul>	<b>مولفه های شناختی</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- تأخیر قضاوت تا دسترسی به اطلاعات کافی</li> <li>- استفاده از اصطلاحات دقیق</li> <li>- جمع آوری کردن داده ها</li> <li>- تمایز بین واقعیت و عقیده</li> <li>- تشویق گفتگوی انتقادی</li> <li>- گوش دادن فعال</li> <li>- تغییر داوری ها در نتیجه اطلاعات تازه</li> <li>- به کار گیری دانش برای اطلاعات جدید</li> </ul>	<b>مولفه های رفتاری</b>

از مجموع آنچه در تفکر انتقادی بیان گردید، می توان گفت این مهارت بر خلاف عنوان آن، گسترده تر از مهارت های مختص تفکر است و ضمن برخورداری از وجوه عاطفی و رفتاری، به عنوان یک مهارت از طریق تمرین قابل اکتساب است. ارتباط این مهارت ها با امر جنسی با توجه به ابعاد مختلف امر جنسی و تاثیرگذاری عوامل مختلف بر ارزش ها، نگرش ها و اعمال فرد در ارتباط با امر جنسی است، به همین جهت تلاش می نماییم ضمن ارائه دانش، ارزش ها و رفتار صحیح، با پرورش تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی، آن ها را قادر به مقاومت و تاثیرگذاری بر شرایط نماییم.

<sup>1</sup> Williams

### ۵-۳-۱. تقویت قابلیت گفتگو

برقراری ارتباط با دیگران و دوست یابی به عنوان مقدمه ارتباط جنسی از اهمیت برخوردار است. یکی از ملزومات این امر توانایی گفتگو با دیگران است. از آن جایی که در دوستی، دو انسان متفاوت با خواسته های متفاوت که گاه مشترک و گاه متضادند در کنار یکدیگر قرار می گیرند، ضروری است بتوانند با یکدیگر مذاکره و گفتگو نموده و به هم احترام بگذارند، به همین دلیل تقویت مهارت گفتگو به طور کلی و تمرین آن ناظر به امر جنسی یکی از مولفه های تربیت جنسی به شمار می آید.

اسناد آمریکا و یونسکو به قابلیت گفتگو در ارتباط با امر جنسی و تقویت آن توجه نموده اند. نمود این امر در سند آمریکا، «نشان دادن مهارت های ارتباطی ایجاد کننده روابط سالم به دانش آموز است» (ص ۳۲). در این سند، اهمیت مهارت ارتباطی و مذاکره از جهت توانایی برقراری ارتباط با دیگری است؛ مخاطب این ارتباط گاهی طرف دوم ارتباط است که دانش آموز باید بتواند ارتباط سالمی با او برقرار نماید، به همین دلیل «توضیح و معرفی ویژگی های دوست»، «روابط سالم و ناسالم» (ص ۳۲) در این سند از اهمیت برخوردار است. کارآیی دیگر این قابلیت از جهت اثری است که می تواند در «پیشگیری از بارداری ناخواسته و کاهش خطر ابتلا به عفونت های منتقله جنسی و اچ.آی.وی» داشته باشد (صص ۲۷ و ۳۰). هم چنین مخاطب این ارتباط می تواند والدین و بزرگسال مورد اعتمادی باشد که دانش آموز برای در میان گذاشتن سوالات و مشکلات حوزه جنسی به او مراجعه می نماید (صص ۲۵، ۲۶، ۳۲، ۳۴).

در سند یونسکو، «صحبت کردن و سوال پرسیدن در امور جنسی به عنوان یک ایده کلیدی» (ج ۲، ص ۲۶) عنوان می گردد. روشن است که صحبت کردن و سوال پرسیدن مستلزم برقراری ارتباط با دیگری است. از سوی دیگر در این سند، «ارتباطات خوب، به عنوان یکی از عواملی که رابطه جنسی را بهبود می بخشد»، معرفی می گردد (ج ۲، ص ۲۸). علاوه بر این، «ارتباط موثر با والدین و بزرگسال مورد اعتماد» نیز هم چون سند آمریکا مورد توجه و تاکید قرار گرفته است (ص ۱۵).

مذاکره به معنای بیان خواسته خود در عین احترام به خواسته های دیگری است و هنگامی شکل می گیرد که طرفین در عین اشتراک در منافع، منافع متضادی دارند. مهارت مذاکره شامل گوش دادن، توانایی شناسایی منافع هر دو طرف، متقاعد سازی، دیپلماسی و ایجاد و حفظ روابط است (میلونا<sup>۱</sup>). در هنگام مذاکره لازم است شخص بداند چه منافعی دارد و چرا این منافع مهم است، نقاط ضعف و قوت خود را بنا به موقعیتی که در آن قرار گرفته است، بشناسد، بتواند مسائل را از دیدگاه طرف مقابل ببیند، از پیامدهای ناخوشایند پذیرفته نشدن پیشنهاد مطرح شده برای طرفین، آگاه باشد، درباره ی تمام جایگزین هایی که می تواند خواسته ها و نیازهایش را برآورده کند، حضور ذهن داشته باشد، فعالانه گوش کند و واکنش نشان دهد، از آنچه طرف مقابل می گوید، بیاموزد و از آنها در استدلال های خویش استفاده کند، از درگیری اجتناب کند و تا رسیدن به اتفاق نظر، راه حل های ممکن را اظهار نماید. چنان چه می بینیم مهارت تفکر انتقادی نقش اساسی در پرورش توانایی گفتگو دارد؛ چرا که پرورش مهارت تفکر انتقادی با تعریف به «اندیشیدن در باره اندیشیدن

<sup>1</sup> Mylona, Elza

خود» موجب می گردد شخص بتواند در عین در نظر گرفتن خواسته ها و منافع خود، آن را ارزیابی کند. همین امر موجب می گردد بتواند به خواسته طرف مقابل احترام بگذارد.

گوش کردن، کلید مهارت مذاکره است و شامل اصول زیر است:

- نگاه کردن به فردی که در حال حرف زدن است.
- تمرکز بر آنچه گفته می شود.
- پاسخ دادن از طریق تکان دادن سر یا جواب دادن به سوالات.
- پرسیدن سوال در صورت عدم فهم یا نیاز به اطلاعات بیشتر.
- کنار گذاشتن تمام فعالیت های دیگر و عوامل حواس پرتی (سایت سازمان حمایت از جوانان آمریکا<sup>۱</sup>).
- از سویی برای داشتن یک مذاکره ی موثر رعایت اصول زیر ضروری ست:
- در نظر گرفتن چندین گزینه انتخاب کردن و سپس تصمیم گرفتن.
- پرهیز از قضاوت زودهنگام.
- پرهیز از جستجوی پاسخ واحد.
- پرهیز از خود رأیی در اصرار بر نظرات.
- پرهیز از این تفکر که " حل مشکل، خود مشکل است" (میلونا).

تقویت قابلیت گفتگو ناظر به امر جنسی بیش از هر چیز به دانش آموزان جرئت سخن گفتن در مورد مسائل آنان را می دهد. روشن است که پیامدهای پرورش این قابلیت در دانش آموزان به شیوه پرورش آن و ارزش ها و ادبیات ارائه شده به آنان برای گفتگوهای ناظر به این مساله بستگی دارد. تقویت قابلیت گفتگو ناظر به امر جنسی در دانش آموزان می تواند با توجه به دو نوع موقعیت باشد؛ موقعیت نوع نخست، موقعیت هایی که فرد با شخصی همتراز خود در ارتباط است و این موقعیت مربوط به امر جنسی است. در این صورت تقویت قابلیت گفتگو می تواند فرد را توانا سازد به وسیله گفتگو با دیگری سلامت خود را در ارتباط با دیگری حفظ نماید. موقعیت نوع دوم، موقعیت های متضمن نوعی رابطه ناهمتراز میان دانش آموز و طرف مقابل (والدین، معلم یا بزرگسال مورد اعتماد)؛ در این روابط نیز با تقویت قابلیت گفتگو می خواهیم دانش آموز توانایی سخن گفتن از مشکلات و در صورت احتمال آسیب های وارده را داشته باشد.

### ۱-۳-۶. تقویت قدرت تصمیم گیری

سند آمریکا ضمن تاکید بر مهارت تصمیم گیری به عنوان یکی از مهارت های اساسی، «با نشان دادن اثر و نتیجه تصمیم های مختلف» (ص ۲۵) آن را تقویت می دهد. علاوه بر این سند، بر «توانایی دانش آموز در به کار بستن یک مدل تصمیم گیری برای تصمیم گیری های مختلف سلامت جنسی، انتخاب روش های پیشگیری از بارداری، عفونت های منتقله جنسی و اچ.آی.وی (رابطه جنسی ایمن)» (صص ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۳۰) تاکید می کند.

<sup>1</sup> <http://www.advocatesforyouth.org>



در سند یونسکو، این مهارت به عنوان یکی از موضوعات ذیل مفهوم کلیدی ارزش ها، نگرش ها و مهارت ها عنوان می گردد و تقویت آن در یک روند منطقی صورت می گیرد؛ بدین صورت که ابتدا به دانش آموز نمونه ای از تصمیمات خوب و بد و پیامدهای آن ها معرفی می گردد، سپس اعمال فرآیند تصمیم گیری در رسیدگی به مشکلات آموزش داده می شود. پس از آن، اعمال فرآیند تصمیم گیری در ارتباط با رفتار و مشکلات جنسی آموزش داده شده و در مرحله آخر، تلاش می گردد فرد پیامدهای مختلف رفتار جنسی را در ارتباط با خود و دیگری بشناسد (ج ۲، ص ۱۴).

در مهارت تفکر انتقادی، فرد در ارزیابی و بررسی اطلاعات و منابع توانا می گردد. به عنوان نمونه می تواند روش های مختلف پیشگیری را ارزیابی نماید، اما انتخاب و عمل بر اساس یکی از این روش ها متناسب با شرایط برای حفظ سلامت، نیاز به مهارت دیگری به نام مهارت تصمیم گیری دارد. مراحل منطقی برای تصمیم گیری شامل تعریف موقعیت، تدوین و تعیین معیارهای مناسب، ایجاد راه حل ها، سنجش و ارزشیابی پیشنهادها و در نهایت انتخاب یک برنامه ی عمل، است. عاقبت اندیشی و بهره گیری از تجربه ها به عنوان یکی از مسائل مهم در مراحل تصمیم گیری به معنای در نظر گرفتن نتیجه و سرانجام تصمیم است. بهره گیری از تجربه ها نیز موجب کاهش احتمال خطا در تصمیم گیری می شود (سلطانی نژاد، ۱۳۸۶).

بررسی اسناد آمریکا و یونسکو نشان دهنده انطباق کار این اسناد با تعریف ارائه شده از «تصمیم گیری» است و «عاقبت اندیشی و بهره گیری از تجربه ها» عامل اساسی مورد توجه این اسناد در ارتباط با پرورش قدرت تصمیم گیری در دانش آموزان است. در واقع می توان گفت این اسناد با طراحی سیستمی مبتنی بر مفاهیم شخصی سازی، حساسیت، خودکارآمدی به تربیت جنسی دانش آموزان پرداخته اند؛ از این رو می توان ردپای این مفاهیم را در تمام مولفه های تربیت جنسی بر اساس این اسناد مانند قدرت تصمیم گیری مشاهده نمود. مفهوم شخصی سازی به رشد توانایی دانش آموز در انعکاس خود در محیط اطراف که نمود تصمیم گیری فرد است، ارتباط دارد. مفهوم حساسیت ارتباط تنگاتنگی با عامل عاقبت اندیشی و بهره گیری از تجربه ها دارد؛ به طوری که در هر دو سند مفهوم حساسیت هم نقش انگیزشی در تربیت جنسی و هم نقش فرآیندی در پرورش قدرت تصمیم گیری دانش آموزان دارد؛ زیرا با مشاهده پیامدهای مثبت و منفی تصمیمات دیگران، فرد می تواند از الگوهای رفتاری پیروی کند. مفهوم مهم دیگر، «خودکارآمدی» است؛ و در هر دو سند بر ارتباط این مفهوم توانایی تصمیم گیری فرد تاکید می گردد؛ به طوری که در سند یونسکو به عنوان «یکی از عوامل مهم موثر بر توانایی تصمیم گیری فرد» (ج ۲، ص ۳۲) معرفی می گردد.

با پرورش حساسیت، فرد متوجه می شود و انگیزه می یابد تا در حوزه امر جنسی آموزش هایی را دریافت کرده و متوجه خطرات پیرامون خود باشد. با توجه به مفهوم شخصی سازی نیز فرد تلاش می کند تا خود را مغلوب و بر ساخت محیط تصور نکند، بلکه محیط را خود انگاشته و برای ساخت آن تلاش نماید. از سوی دیگر وجود این عوامل بدون توجه به مفهوم خودکارآمدی و باور شخص به توانایی خود در تاثیرگذاری بر محیط می تواند بی نتیجه باشد و توجه به این عوامل موجب می گردد فرد آماده ورود به عرصه تصمیم گیری را پیدا کرده و قدرت تصمیم گیری در وی افزایش یابد.

### ۱-۳-۷. تقویت استقلال از دیگران (مهارت نه گفتن)

فشار جنسی ناخواسته یکی از آسیب‌هایی است که سلامت دانش‌آموزان را تهدید می‌نماید، از این رو توانایی انکار و رد کردن در اسناد آمریکا و یونسکو با اهمیت شمرده شده و روی دیگر برقراری ارتباط سالم تلقی می‌گردد. سند آمریکا بر آموزش این مهارت برای «بیان صریح نه و ترک موقعیت ناخوشایند» (صص ۳۴ و ۳۵) تاکید می‌کند.

سند یونسکو، توانایی انسان برای مقاومت در برابر شرایط منفی را به رسمیت می‌شناسد (ص ۲۰) و «توانایی بیان صریح «بله» و «نه» را موجب حفظ حریم شخصی و تمامیت جسمانی فرد» بیان می‌کند. علاوه بر این مهارت رد<sup>۱</sup> را به عنوان یکی از مهارت‌های اصلی ذیل مفهوم کلیدی دوم آورده و پرورش این مهارت را در جوانان برای «مقاومت در برابر فشار جنسی ناخواسته یا تقویت قصد برقراری رابطه جنسی ایمن تر» (سند یونسکو، ج ۲، صص ۳۱ و ۳۲) ضروری عنوان می‌نماید.

اراده و تلاش برای برقراری ارتباط سالم با دیگری به معنای وجود دائمی چنین امکان و موقعیتی نیست، بلکه نوجوانان و جوانان در موقعیت ارتباط و برخورد با دیگری، گاهی در معرض تحمیل امری ناخواسته و آسیب‌زا قرار می‌گیرند. ترس از طرد شدن توسط سایرین، دوست داشتن دیگری و عدم تمایل به از دست دادن یک دوست، عدم تمایل به از دست دادن یک سرگرمی، عدم تمایل به آسیب عاطفی به دیگری، عدم اطمینان از خواست واقعی دیگران و عدم آگاهی از چگونگی دور شدن از یک موقعیت از مواردی است که مقاومت در برابر فشار دیگران را دشوار می‌سازد (سایت آمریکایی برای اطلاع‌رسانی نوجوانان درباره الکل و مقاومت در برابر همسالان<sup>۲</sup>). بنابراین گفتن «نه»، کار دشواری در تمام مراحل زندگی انسان و البته دشوارتر برای نوجوانان است (سایت اطلاع‌رسانی در موضوعات تربیتی برای دانش‌آموزان، والدین و ...<sup>۳</sup>) و داشتن برنامه‌ای برای مدیریت این موقعیت‌ها، نقش مهمی در کمک به اجتناب از درگیری در موقعیت‌های ناخواسته و پیشمانی ناشی از تصمیمات نادرست دارد. فشار وارده از ناحیه دیگری می‌تواند کلامی و غیرکلامی باشد و باید نوجوانان و جوانان مقاومت در برابر این فشار را با تقویت مهارت‌های انکار بیاموزند.

توجه به عوامل دشوار ساز مقاومت در برابر فشار دیگران این مطلب را می‌رساند که مساله اصلی که موجب آسیب رسیدن به شخص در این موارد می‌گردد، دشوار بودن استقلال رای و عمل از دیگران است؛ چرا که انسان به دلیل برخورداری از هویت اجتماعی و زندگی با دیگران به دنبال تایید و حمایت دیگران است، اما باید متوجه باشد دریافت حمایت و تایید از دیگران با آسیب رسیدن به انسان همراه است و شخص باید بتواند با هشیاری مانع این جریان گردد. ضمن این که همواره خواست به معنای توانایی عمل نیست؛ به عبارتی ممکن است فرد بخواهد در این موارد استقلال خود را حفظ نماید، اما روش مناسب ابراز آن را نداند یا به علت عدم تمرین این امر در مسائل کوچک، نتواند آن را در بزنگاه‌های زندگی خود به کار گیرد. از این رو هدف اصلی

<sup>۱</sup> refusal skills

<sup>۲</sup> یک سایت اطلاع‌رسانی برای نوجوانان درباره الکل و مقاومت در برابر فشار همسالان / آمریکا [www.thecoolspot.gov](http://www.thecoolspot.gov)

<sup>۳</sup> [study.com](http://study.com)

در پرورش قدرت استقلال در فرد، تمرین و آماده ساختن او برای موقعیت های واقعی زندگی است و می توان با استفاده از روش های مختلف آن را محقق نمود.

یک روش از مهارت های انکار، متد "STOP" است. در این متد، گام اول، گفتن صریح و محکم «نه»<sup>۱</sup>، گام دوم، بیان چرایی نه گفتن<sup>۲</sup>، گام سوم، پیشنهاد ایده یا نظری دیگر به جای پیشنهاد رد شده<sup>۳</sup> و در نهایت گام آخر ناظر به ترک فوری موقعیت<sup>۴</sup> است (سایت مدرسه نارس الگینی<sup>۵</sup>).

در نهایت باید گفت، مهارت رد را می توان مانند شرط دوم یک تعریف مناسب یعنی مانعیت دانست. شرط اول یک ارتباط سالم، برخورداری از جامعیت و توانایی ارتباط و گفتگو با دیگری است. علاوه بر این در برخی موقعیت ها فرد باید بتواند از ورود آن چه ناخوشایند او یا موجب آسیب رسیدن به اوست، جلوگیری نماید. این امر با پرورش مهارت رد محقق می گردد و فرد را قادر می سازد در برابر گفتار یا رفتار ناخوشایند یا آسیب زا با نوعی استقلال عمل نسبت به گفتار و رفتار دیگران عمل نماید و همواره به دنبال همانند سازی کلام و عمل خود با معیارهای گاه نادرست دیگران نباشد.

### ۸-۳-۱. تقویت مدیریت خود

یک رکن اساسی برای تحقق اهداف تربیت جنسی در اسناد آمریکا و یونسکو، تلاش برای پرورش مدیریت خود<sup>۶</sup> است. چنانچه در سند آمریکا (ص ۱۱)، نتیجه مدیریت خود، «توانا ساختن فرد برای عمل به رفتارهای سالم و اجتناب/کاهش خطرات سلامتی» عنوان می گردد. سند یونسکو به صراحت سند آمریکا از مفهوم خود مدیریتی نام نمی برد، اما تاکید بر تحقق هدف مدنظر این سند؛ یعنی ارتقا سلامت و پیشگیری از آسیب های ناظر به امر جنسی با تمرکز بر توانا ساختن دانش آموز و مهارت های ضروری نشان دهنده توجه این سند به پرورش مدیریت خود است. نکته مهم در خصوص مدیریت خود در این اسناد، تحقق آن با استفاده از روش های مختلف است؛ به عبارت دیگر، تحقق هدف تربیت جنسی در این اسناد، گاه با پرهیز از رابطه جنسی است و گاه با روش های دیگری مانند استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری ناخواسته و عفونت های منتقله جنسی و آیدز.

یکی از نمودهای مدیریت خود در این اسناد، اشاره به خویشتن داری است؛ وجه مشترک دو مفهوم «خویشتن داری» و «مدیریت خود»، هدف گذاری و مواجهه با خود برای دست یابی به اهداف است. هر دو سند در موارد مختلفی به پرهیز جنسی اشاره و تاکید می کنند. پرهیز جنسی در این اسناد به عنوان «یک روش» (سند آمریکا) و یا «ایمن ترین روش» (سند یونسکو) برای «پیشگیری از بارداری و عفونت های منتقله جنسی از جمله اچ.آی.وی» بیان می گردد.

<sup>1</sup> Say "no" in a firm voice

<sup>2</sup> Tell why

<sup>3</sup> Offer another idea

<sup>4</sup> Promptly leave

<sup>5</sup> [www.northalleggheny.org/cms/lib](http://www.northalleggheny.org/cms/lib) یکی از مدارس دولتی در ایالت پنسیلوانیا آمریکا

<sup>6</sup> Self-management

سند «آینده تربیت جنسی» ذیل دو موضوع «بارداری و تولید مثل» (صص ۲۷، ۲۸) و «پیشگیری از عفونت های منتقله جنسی و اچ.آی.وی» (صص ۳۰، ۳۱)، به معرفی «پرهیز جنسی در کنار سایر روش های پیشگیری» و «ارزیابی آن در مقایسه با سایر روش ها» اقدام می کند و آن را مقدم بر سایر موارد می دارد. این امر می تواند ناظر به اولویت پرهیز جنسی در امر پیشگیری باشد، اما با توجه به آزادی در برقراری ارتباط جنسی با رضایت و معرفی روش های ایمن برای پیشگیری از بارداری و عفونت های منتقله جنسی و اچ.آی.وی، به نظر می رسد اولویت پرهیز جنسی بر سایر روش ها، اولویت منطقی است، نه ارزشی.

سند «تربیت جنسی یونسکو»، پرهیز را «انتخاب عدم درگیر شدن در رفتار جنسی با دیگران» تعریف کرده و بدان به عنوان «روشی برای پیشگیری از بارداری در کنار سایر روش های پیشگیری از بارداری ناخواسته» (ج ۲ سند، ص ۲۲) اشاره می کند و در چهار مورد، پرهیز جنسی را به عنوان ایمن ترین روش پیشگیری از بارداری و عفونت های منتقله جنسی از جمله اچ.آی.وی معرفی می نماید (ج ۲، صص ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲)، با این وجود به ارزش گذاری پرهیز جنسی به عنوان «بهترین» روش نمی پردازد، بلکه آن را ایمن ترین روش برای حفظ سلامت جنسی برای پیشگیری از بارداری و ابتلا به عفونت های منتقله جنسی معرفی می نماید.

از این جهت به نظر می رسد رویکرد این سند در نگاه به پرهیز در امر تربیت جنسی تفاوتی با رویکرد سند آمریکا ندارد، مگر اینکه به صراحت، آن را ایمن ترین روش و نه در کنار سایر روش های پیشگیری عنوان می نماید. در هر دو سند، هدف اصلی حفظ سلامت جنسی با استفاده از مدیریت خود است. مدیریت خود در امر جنسی برای پیشگیری از بارداری ناخواسته و عفونت های منتقله جنسی به عنوان تهدید سلامت جنسی، گاه با روش پرهیز جنسی است و گاه با سایر روش های ایمنی که در این اسناد معرفی می گردد.

علاوه بر پرهیز، تاکید سند یونسکو بر «کاهش شرکای جنسی، اجتناب از داشتن شرکای جنسی هم زمان» (ج ۱، ص ۱۹)، «اصرار بر استفاده از کاندوم و سایر وسایل پیشگیری» (ج ۱، ص ۲۱) هنگام داشتن رابطه جنسی برای داشتن رابطه جنسی ایمن و پیشگیری از بیماری های منتقله جنسی و ایدز از دیگر نموده های مدیریت خود است. سند آمریکا نیز در کنار خویشتن داری از کاندوم و سایر وسایل پیشگیری برای مدیریت خود در جهت تحقق «سلامت جنسی و برقراری رابطه جنسی ایمن و پیشگیری از بارداری ناخواسته و عفونت های منتقله جنسی» نام می برد (صص ۲۷، ۲۸، ۳۰). بنابراین یکی از مولفه های کلیدی در تربیت جنسی مدنظر این اسناد پرورش توانایی مدیریت خود در دانش آموزان و یکی از مفاهیم رایج در روانشناسی و مدیریت است و با توجه به این علوم باید مفهوم آن روشن گردد.

مفهوم خود مدیریتی در پاسخ به نیازهای روانشناسی و مدیریتی ظهور کرده و مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی است (عطافر و همکاران، ۱۳۹۰). مک گوون (۲۰۰۵) در پژوهشی با تمرکز بر حوزه سلامت و خودمدیریتی برای بیماران بیان می کند؛ تا امروز هیچ استاندارد طلایی مبنی بر یک تعریف جهانی قابل پذیرش از این مفهوم وجود ندارد. وی چند مفهوم مانند: آماده سازی/آموزش خودمدیریتی<sup>۱</sup>، توانمندسازی

<sup>1</sup> McGowan, Patrick

<sup>2</sup> self-management preparation/training

بیمار<sup>۱</sup> و خودمراقبتی<sup>۲</sup> را در ارتباط با این موضوع عنوان کرده و متذکر می‌گردد گرچه این مفاهیم توصیف کننده یک پدیده مشابه اند، اما دلالت های متفاوتی در خصوص ویژگی ها، نقش ها و مسئولیت های افراد مبتلا به بیماری های مزمن و تامین کنندگان مراقبت های بهداشتی دارند. مک گوون توجه به زمینه و مورد استفاده از مفهوم خودمدیریتی را در تعریف آن اساسی می‌داند.

در تعریف این مفهوم می‌توان گفت، مدیریت خود مجموعه ای از راهبردهایی است که یک شخص در جهت نفوذ و بهبود رفتارش به کار می‌گیرد و به عنوان «فرایند جهت دهی شخصی تمایلات، رفتار و شناخت افراد به سمت انجام وظایف یا نیل به اهداف، تعریف می‌شود» (مانز<sup>۳</sup> و سیمز<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰ به نقل از عطاfer و همکاران، ۱۳۹۰).

در یک دیدگاه، مدیریت خود، شامل سه دسته راهبردهای مبتنی بر رفتار، راهبرد پاداش طبیعی و راهبرد الگوی فکری سازنده است (یوکی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴ به نقل از عطاfer و همکاران، ۱۳۹۰). راهبرد رفتاری بر افزایش خودآگاهی و مدیریت رفتارهای اصلی تاکید دارد و شامل خود بازبینی، تنظیم اهداف شخصی، خود انگیزی، پاسخ خواهی از خود، پاسخ دهی به خود و خود آموزشی است.

«خود بازبینی»، به توانایی فرد برای انطباق رفتار با عوامل خارجی و موقعیت برای ارزیابی رفتارهای خود و مشخص کردن رفتارهای نیازمند تغییر، اصلاح یا حذف اطلاق می‌گردد. «هدف گذاری» ناظر به انتخاب هدف و تنظیم و تشریح آن توسط فرد است. چهار مرحله هدف گذاری، پاسخ خواهی و پاسخ دهی و خود انگیزی با یکدیگر ارتباط دارند؛ بدین صورت که انتخاب هدف های چالش برانگیز و پاسخ دهی صحیح و پاداش به خود می‌تواند بر انگیزش فرد تاثیر مثبتی بگذارد. «خود آموزشی» نیز به آموزش گام هایی به افراد برای ایجاد استقلال در حل مسئله یا رسیدن به نتایج اشاره دارد (عطاfer و همکاران، ۱۳۹۰).

راهبرد پاداش طبیعی به تجربیات مثبت انجام یک کار و فرایند رسیدن به آن مربوط است. انجام موفقیت آمیز یک کار به خودی خود برانگیزاننده است و نوعی پاداش محسوب می‌شود. راهبرد الگوی فکری سازنده نیز به الگوهای فکری اشاره می‌کند که به طور ذاتی، نقشی سازنده دارند و می‌توانند بر عملکرد افراد اثر مثبت داشته باشند. افراد به واسطه ی الگوهای فکری خود می‌توانند فرصت هایی را ایجاد کنند که از طریق آن بهتر بتوانند با مشکلات مقابله نمایند (عطاfer و همکاران، ۱۳۹۰).

یکی از مفاهیمی که اثر تعیین کننده ای بر مدیریت خود دارد، مفهوم کانون کنترل است. کانون کنترل به باور فرد درباره ی اینکه نتایج، حاصل اعمال و کوشش های خود اوست یا به شانس، تصادف و عوامل پیش بینی نشده بستگی دارد، بر می‌گردد. بر این اساس افراد از نظر کانون کنترل دو دسته اند: افراد با کانون کنترل درونی و افراد با کانون کنترل بیرونی. مهارت های خود مدیریتی در افرادی که باور دارند نتایج از تلاش آنها ناشی می‌شود، قوی تر است (عطاfer و همکاران، ۱۳۹۰). کانون کنترل درونی ارتباط نزدیکی با مفهوم

<sup>1</sup> patient empowerment

<sup>2</sup> self care

<sup>3</sup> Manz CC

<sup>4</sup> Sims HP

<sup>5</sup> Yuki

خودکارآمدی دارد، چرا که هر دو مفهوم به باور فرد مبنی بر تاثیر گذاری کنش خود اشاره دارند؛ به عبارتی درجه بالای هر دو می تواند کنش فرد و تلاش او برای تحقق اهداف خود را افزایش دهد.

تعاریف ارائه شده از مفهوم خودمدیریتی در ارتباط با تربیت جنسی نشان می دهد با تقویت خودمدیریتی در افراد و به طور خاص در دانش آموزان می خواهیم فرد را در جهت تربیت و سلامت بعد جنسی توانمند سازیم؛ از این روکانون کنترل درونی نقش اساسی در تحقق این مهارت دارد، چرا که انتظار و هدف نهایی این است که فرد در یک فرآیند درونی و با توجه به اطلاعاتی که به وی ارائه می گردد، ضمن هدف گذاری و تصمیم گیری در مورد رفتار خود، در فرآیندی دائمی به ارزیابی رفتار خود بپردازد. این مواجهه دائمی با خود، تجربه ها و نتایج مثبت آن ها می تواند انگیزش قوی در شخص ایجاد کند. در این میان نهاد تربیتی می تواند با ایجاد الگوهای فکری سازنده، نقش اساسی در انگیزش دانش آموز در روند مدیریت خود داشته باشد. بنابراین به نظر می رسد مجموعه مهارت های تقویت یافته در فرد به او کمک می نماید خود را در ارتباط با امر جنسی، مدیریت نماید.

### ۹-۳-۱. ارائه و ارزیابی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی ناظر به امر جنسی

یکی دیگر از مولفه های تربیت جنسی بر اساس این اسناد، ارائه و ارزیابی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی ناظر به امر جنسی است. در این مولفه، ضمن ارائه هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، فرد باید با ارزیابی هنجارها، آثار منفی آن ها را شناخته و با استفاده از مهارت های مرتبط در مقابل آن ها مقاومت نماید. یکی از مفاهیم مرتبط با امر جنسی و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، مفهوم «جنسیت» است.

سند امریکا مفهوم «هویت جنسیتی» را در کنار مفهوم «جنس بیولوژیکی» برای دانش آموزان تعریف کرده و تفاوت های آن ها «ص ۲۶» را روشن می سازد. علاوه بر این، «تفاوت نقش های جنسیتی دختران و پسران و محدوده نقش های جنسیتی آن ها مشخص» و انتظار می رود «دانش آموزان بتوانند این تفاوت ها را در کنار شباهت های نقش های دختران و پسران بیان نمایند» (ص ۲۶). این سند به «تاثیر فرهنگ، هنجارهای اجتماعی، باورهای دینی، خانواده و رسانه ها بر نقش های جنسیتی» اشاره کرده و به همین دلیل، اهدافی ناظر به «توضیح و تحلیل چگونگی تاثیر این عوامل بر خودپنداره و تصویر بدن» (ص ۲۵)، «شیوه های تفکر و عمل در دختران و پسران» (ص ۲۶)، «هویت جنسیتی» (ص ۲۶) و «روابط» (ص ۳۲) در این سند در نظر گرفته می شود تا دانش آموزان بتوانند هنجارهای اجتماعی و فرهنگی موثر بر امر جنسی را ارزیابی نمایند.

سند یونسکو نیز بر ارتباط جنسیت و تربیت جنسی تاکید کرده و در پیش فرض های ناظر به امر جنسی، تربیت جنسی را بدون توجه به جنسیت غیرممکن می داند. یکی از موضوعات ذیل مفهوم کلیدی «فرهنگ، جامعه و حقوق بشر» نیز در این سند به «ساختمان اجتماعی جنسیت» اختصاص دارد. بر این اساس، توجه به جنسیت در سایه فرهنگ، جامعه و حقوق بشر صورت می گیرد. در این سند مفهوم جنسیت، نقش ها و کلیشه های جنسیتی ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و جامعه دارد (ج ۲، ص ۱۷) و هر گونه تغییر در این موارد بدون توجه به فرهنگ و هنجارهای اجتماعی غیرممکن تلقی می گردد. از سوی دیگر، سند یونسکو با توجه به حقوق بشر، «نابرابری های جنسیتی را موجب افزایش آزار و اذیت و خشونت های مبتنی بر جنسیت» (ج ۲، ص ۱۹) شمرده و تلاش می کند با رفع آن، به کاهش این آسیب ها کمک نماید.

تاکید سند یونسکو در ارتباط جنسیت و تربیت جنسی، ناظر به برابری جنسیتی (ج ۲، صص ۹ و ۱۹) است؛ به طوری که «آن را بخشی از روابط سالم عنوان کرده که به ترویج تصمیم‌گیری مساوی در مورد رفتار جنسی و برنامه‌ریزی برای خانواده می‌پردازد» (ج ۲، ص ۹). با این وجود تفاوت‌های معطوف به واقعیت یعنی تفاوت‌های واقعی میان دختران و پسران مانند تفاوت ویژگی‌های بلوغ را پذیرفته و «تفاوت‌های برآمده از کلیشه‌های جنسیتی» (ج ۲، ص ۱۸) را رد می‌کند.

«تفاوت‌های بدن مردان و زنان و دختران و پسران» (ج ۲، ص ۲۱) و «تفاوت‌های هورمون‌های مردانه و زنانه» از تفاوت‌های واقعی مطرح در این سند است. با توجه به «تاثیر مهم این هورمون‌ها بر ویژگی‌های بلوغ، دختران و پسران در ارتباط با تغییرات جسمی، احساسی و اجتماعی بلوغ ضمن وجود شباهت، تفاوت‌هایی دارند». به همین دلیل، «بهداشت خوب و شستشوی اندام‌های تناسلی» از ملاحظات مشترک دختران و پسران هنگام بلوغ شمرده می‌شود، اما با توجه به تفاوت ویژگی‌های بلوغ میان دختران و پسران ملاحظات ویژه‌ای ناظر به دختران ذکر می‌گردد، از جمله: «دسترسی و دانش زنان جوان در استفاده مناسب از پدهای بهداشتی و سایر وسایل قاعدگی» (ج ۲، ص ۲۳) را در دوران بلوغ یک ضرورت عنوان می‌کند و «فضای خصوصی یعنی دسترسی به توالت و آب را بعد از بلوغ برای دختران» (ج ۲، ص ۲۵) دارای اهمیت بیشتری می‌داند و ضمن «رد توجه جنسی ناخواسته به دختران و پسران در تمام مواقع، دوره قاعدگی» (ج ۲، ص ۲۵) را به طور ویژه ذکر می‌کند.

سند یونسکو نیز به تاثیر «فرهنگ» (ج ۲، ص ۱۷)، «هنجارهای اجتماعی، باورهای دینی، خانواده» (ج ۲، ص ۱۹) و «رسانه‌ها» (ج ۲، ص ۱۸) بر نقش‌های جنسیتی اشاره کرده و در بررسی تاثیر عوامل، باز هم توجه ما را به تفاوت‌های واقعی و دوری از کلیشه‌های جنسیتی باز می‌گرداند و به «هنجارها و تابوهایی در مورد جنسیت اشاره می‌کند که در طول زمان تغییر یافته‌اند» (ج ۲، ص ۱۷)؛ از این رو برخی تفاوت‌های جنسیتی موجود در فرهنگ‌ها واقعی نبوده و تلاش می‌کند دانش‌آموزان توانایی «شناسایی تصاویر غیرواقعی» را کسب نمایند (ص ۱۸).

این مولفه در صدد بیان ارتباط و تاثیر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بر امر جنسی است؛ از این رو شناخت و فهم کیفیت ارتباط مهم است، چرا که تاثیر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی امری همواره مثبت نیست، بلکه یک هنجار فرهنگی می‌تواند ناشی از تعصب و ترس مردم در مقابله با امر نادرستی باشد که در طی زمان شکل گرفته است و نیاز است با فراهم کردن شرایط استقلال از دیگران در جهت درست گام برداشت. از سوی دیگر در جهان امروز با گسترش فوق‌العاده فناوری اطلاعات بر ارتباطات انسان‌ها با یکدیگر، ارزش‌ها و نگرش‌های نامتناسب به سرعت رواج پیدا کرده و می‌تواند کاملاً نادرست و آسیب‌زننده باشد. در ارتباط با امر جنسی، شکل‌گیری هنجارها و تصورات نادرست در مورد تصویر بدن و زن و مرد زیبا و پذیرفته شده، کیفیت ارتباط جنسی و اشکال آن از نمونه‌های بارز تاثیر رسانه به عنوان یک ابزار هنجارساز است. به همین دلیل نیاز است ضمن ارائه هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، دانش‌آموزان توانایی ارزیابی کسب نمایند تا در مواجهه با موارد نادرست، آن‌ها را تشخیص داده و رای و عمل درست داشته باشند.

فرهنگ و جامعه، عناصر ناظر به عامل محیط در مثلث سه گانه بندورا است؛ بدین معنا که فرد ضمن برخورداری از توانایی شناختی برای رفتار، از محیط تاثیر می پذیرد. محیط زندگی و رفتار انسان فارغ از هنجاهای اجتماعی و فرهنگی معنا پیدا نمی کند؛ از این رو نیاز است برای تضمین رفتار صحیح فرد در ارتباط با امر جنسی، این هنجارها مورد توجه قرار گیرند و فرد ضمن شناخت آن ها، قادر به ارزیابی آن ها باشد.

### ۱۰-۳-۱. احترام به خود و دیگران

احترام به خود و دیگران یکی دیگر از مولفه های کلیدی تربیت جنسی در اسناد بین المللی است. سند آمریکا بر ارزش انسان ها و احترام<sup>۱</sup> تاکید می کند؛ بدین معنا که «احترام به همه انسان ها صرفنظر از هویت جنسیتی<sup>۲</sup>، اظهارات جنسیتی<sup>۳</sup> و گرایش جنسی<sup>۴</sup> شان» ضروری است (صص ۲۶، ۳۲، ۳۵). هم چنین در جهت تحقق احترام به همه انسان ها، «پذیرش<sup>۵</sup>» (ص ۲۶) و «تحمل<sup>۶</sup>» (ص ۳۲) را در رفتار با دیگران ترویج می کند. ضمن اینکه یکی از اهداف آموزشی در این سند، «ترویج و حمایت دانش آموزان از برنامه ها و سیاست های مدرسه ای مروج شان و احترام به همه» (ص ۲۶، ۳۵) است.

سند یونسکو نیز هر انسانی را «منحصر به فرد<sup>۷</sup>، ارزشمند<sup>۸</sup> و شایسته احترام<sup>۹</sup>» (ج ۲، ص ۱۰) می داند. این سند «احترام، پذیرش و تحمل را به عنوان ارزش های مهم» (ج ۲، ص ۱۲) و «کلید روابط سالم» (ج ۲، ص ۱۰) مطرح کرده (ج ۲، ص ۱۲) و «تعرض یا تحکم به دیگری به خاطر وضعیت سلامت، رنگ، نژاد، گرایش جنسی یا سایر تفاوت ها را غیر محترمانه، آسیب زا و نقض حقوق بشر» (ج ۲، ص ۱۰) می داند.

با توجه به آنچه بیان گردید، در دلالت محتوای این اسناد بر احترام به دیگران تردیدی وجود ندارد، با این وجود مواردی از قبیل مسئول دانستن فرد در وهله نخست در برابر خود، ارزشمند دانستن انسان به ذاته، اهمیت تصویر بدن «در اعتماد به نفس، تصمیم گیری و رفتار انسان» (ج ۲، ص ۲۴) نشان دهنده توجه این اسناد خصوصا سند یونسکو به لزوم احترام به خود است، به طوری که «هر کسی می تواند به بدن خود افتخار نماید» (ج ۲، ص ۲۴)، اما این به معنای توقف این اسناد در جسم انسان نیست، بلکه در عین تاکید بر اهمیت ظاهر و بدن، سند یونسکو، استانداردهای غیرواقعی از تصویر بدن را قابل چالش دانسته و بیان می کند: «ارزش یک شخص بر اساس ظاهر او تعیین نمی گردد» (ج ۲، ص ۲۴). از این رو می توان گفت فرد باید علاوه بر توجه به ظاهر و بدن خود با توجه به تاثیرات آن، برای ارزشمند بودن به ویژگی هایی دیگری نیاز دارد که باید برای آن تلاش نماید.

نکته قابل توجه در مورد توجه این اسناد به خصوص سند یونسکو به جسم انسان در ارتباط با امر جنسی، در هم تنیدگی جسم و روح انسان در ارتباط با امر جنسی است؛ به طوری که در بیشتر موارد، آسیب به جسم

<sup>1</sup> respect

<sup>2</sup> Gender Identity

<sup>3</sup> Gender Expression

<sup>4</sup> Sexual Orientation

<sup>5</sup> acceptance

<sup>6</sup> tolerance

<sup>7</sup> unique

<sup>8</sup> valuable

<sup>9</sup> being deserves respect



انسان زمینه آسیب های روحی می شود؛ از این رو باور به ارزش بدن و وجود انسان موجب می گردد فرد در وهله نخست به بدن خود و دیگران احترام بگذارد؛ مبتنی بر این امر، این اسناد برای افراد، حق مقاومت و رد تماس جنسی ناخواسته را به رسمیت می شناسند (ج ۲، ص ۲۵). از سوی دیگر در مواجهه با دیگران نیز فرد سعی می نماید به تمامیت جسمی وی احترام بگذارد.

«احترام گذاشتن به کسی، به معنی هیبت داشتن از اوست. احترام و بزرگداشت، آگاهی مخصوصی است که متضمن اعتراف به چیزی در مورد بعضی اشخاص است و در ضمن، اعتراف به عظمت و ارزش اخلاقی او را نیز به دنبال دارد» (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۴، ص ۳۳۷). با توجه به تعریف، احترام نمی تواند بدون دلیل باشد و انسان هنگامی به دیگری احترام می گذارد که به دلیلی او را ارزشمند بداند. چنان چه در اسناد بین المللی ضمن اعتراف به ارزش ذاتی انسان، انسان شایسته احترام دانسته می شود؛ یعنی ارزش ذاتی انسان، دلیلی است برای احترام گذاشتن به خود و سپس دیگران است. از سوی دیگر به دلیل برخورداری همه انسان ها از ارزش، همه انسان ها نیز شایسته احترامند و همین امر موجب می گردد، این اسناد ضمن تاکید بر احترام به دیگری، برای تحقق آن، تحمل، پذیرش و همدلی را در انسان ها پرورش دهند.

اسناد بین المللی، عوامل متفاوتی که می تواند بر احترام به انسان در ارتباط با امر جنسی تاثیر بگذارد، بی اثر دانسته و انسان را همان گونه که هست، شایسته احترام می داند؛ از این رو رنگ، نژاد، دین، جنسیت، گرایش جنسی، وضعیت سلامت چون تاثیری در ارزش انسان ندارند، در احترام به انسان نیز بی تاثیرند.

در خصوص ارتباط ارزش و برابری باید گفت، ارزش و حیثیت ذاتی انسان از برابری آن ها نشات نمی گیرد، اما ارزش و حیثیت ذاتی انسان بر برابری<sup>۱</sup> انسان ها دلالت دارد (گوچمان، ۲۰۰۶)؛ یعنی حیثیت ذاتی همه انسان ها و عدم وجود هیچ وجهی برای برتری یکی بر دیگری مبین برابری انسان هاست. چنان چه سند یونسکو «یکی از ارزش های شخصی مهم را برابری» (ج ۲، ص ۱۲) عنوان کرده و با تاکید بر برابری جنسیتی، آموزش این مفهوم را «از سطح خانواده و ترویج برابری جنسیتی در زمینه نقش ها و مسئولیت ها در سطح خانواده» (ج ۲، ص ۸) آغاز می کند. پس از آن در سطح اجتماع، «برابری بخشی از روابط سالم» (ج ۲، ص ۹) عنوان کرده و ضمن محکوم کردن تبعیض، آن را «دارای اثر منفی برای فردیت، روابط و اجتماعات» (ج ۲، ص ۱۰) می داند. به طور خاص این سند در ارتباط با امر جنسی بیان می کند: «نابرابری جنسیتی بر رفتار جنسی تاثیرگذار است و ممکن است احتمال اجبار، سوءاستفاده و خشونت جنسی را افزایش دهد» (ج ۲، ص ۱۹)؛ از این رو ترویج برابری جنسیتی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و به دلیل «اثرگذاری فرهنگ» (ج ۲، صص ۱۲، ۱۷)، «حقوق بشر و رسوم جامعه» (ج ۲، ص ۱۷) و «رسانه ها» (ج ۲، ص ۱۸) بر «برابری و نقش های جنسیتی»، آموزش این مطلب را به دانش آموزان ضروری عنوان می کند.

در طول تاریخ، سופسطائیان نخستین گروهی بودند که از برابری انسان ها با یکدیگر سخن گفته اند. پس از این گروه افلاطون در قرن ۴ قبل از میلاد از برابری زن و مرد در طبقه حاکم یا فرزانه دفاع می کند. پس از افلاطون، رواقیان برابری انسان ها را به طور مطلق در سراسر جهان اعلام کردند. بعد از این سه مورد در هیچ کدام از سنت های فکری از برابری سخن گفته نمی شود. در عصر جدید، دکارت با بیان تقسیم مساوی عقل

<sup>1</sup> Equality

بین همه انسان ها و جان لاک با بیان آزاد و برابر متولد شدن همه انسان ها، ندای برابری سر می دهند. مخالفت افلاطون با نظر سوفسطائیان، محدود شدن نظر افلاطون در خصوص برابری زن و مرد در طبقه اشراف به جامعه یونان و مخالفت کلیسا با نظر رواقیان موجب شده است مفهوم برابری و تاکید بر آن از اکتشافات عصر جدید شمرده شود (صانعی دره بیدی، ۱۳۸۲).

مفهوم برابری به دلیل ارجاع سند یونسکو به حقوق بشر، با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تحلیل قرار می گیرد. ماده ۱ و ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، به صراحت از برابری سخن می گوید و متعلق برابری را حیثیت و حقوق افراد عنوان می کند. برابری مبتنی بر حیثیت ذاتی انسان موجب می گردد همه انسان ها از حقوق برابری برخوردار باشند و عواملی چون نژاد، رنگ، دین، ملیت، وضعیت سلامت، جنسیت و گرایش جنسی تاثیری در این خصوص نداشته باشند؛ به همین دلیل در هر دو سند آمریکا و یونسکو علاوه بر به رسمیت شناختن تفاوت و احترام به تفاوت ها در ارتباط با امر جنسی، بر برابری جنسیتی و عدم تاثیر جنسیت به عنوان عاملی که همواره در جهت نابرابری حقوق انسان ها به کار گرفته شده، تاکید می کنند و پرورش مهارت های تفکر انتقادی را برای فهم و شناخت کلیشه های جنسیتی و مقابله با اثرات منفی این عوامل ضروری شناخته شده اند.

### ۱۱-۳-۱. تقویت مسئولیت پذیری

مولفه کلیدی دیگر در تربیت جنسی، مسئولیت پذیری<sup>۱</sup> است. مولفه های ارائه دانش و پرورش مهارت ها به نوعی مبین حق فرد در دسترسی به دانش پایه و مورد نیاز و مهارت های ضروری برای به کار بستن دانش در زندگی جنسی است. مولفه مسئولیت پذیری نشان دهنده روی دیگر سکه حق، یعنی تکلیف و مسئولیت فرد در حفظ سلامت جنسی مطابق با تعریف این اسناد و به عبارتی تکلیف فرد در برابر حق او در دسترسی به دانش، مهارت ها و منابع مرتبط با رفتار جنسی است.

مسئولیت به مفهوم تصمیم گیری مناسب و موثر است. منظور از تصمیم گیری مناسب، این است که فرد در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که از او می رود، دست به انتخاب بزند تا سبب برقراری روابط انسانی مثبت، موفقیت و افزایش ایمنی و آسایش خاطر گردد. نتایج تحقیقات مبنی بر تاثیر افزایش حس مسئولیت افراد در توجه به مسائل و پیامدهای اعمال خود، جدی گرفتن آن و تلاش بیشتر برای حل مسائل (خواجه نوری، مساوات و ریاحی، ۱۳۹۳) نشان دهنده اهمیت این مولفه است.

اهمیت مسئولیت پذیری تا آن جاست که در مطالعه ای جوانان، مسئولیت پذیری را ویژگی لازم و اصلی برای بالغ دانستن افراد عنوان کردند. در میان دوره های زندگی انسان، زمان ارزشمند و طلایی برای پرورش مسئولیت پذیری در انسان، دوره نوجوانی است. علت این امر تمایل شدید نوجوان به استقلال بیشتر است؛ از این رو باید در این زمان برخی ارزش ها و روش های رفتاری را فرا گیرد (خواجه نوری، مساوات و ریاحی، ۱۳۹۳).

<sup>1</sup> Responsibility

در تعریف مسئولیت پذیری علی‌رغم اشتراک میان تعاریف مختلف، یک تعریف مورد پذیرش وجود ندارد. بدلی (۱۹۸۵) مسئولیت پذیری فردی و شخصی را به معنای پاسخگویی انسان در برابر رفتار خود شامل افکار، تصمیمات، انتخاب‌ها، گفته‌ها و اعمال و به عبارت دیگر اینکه فرد خود را مسبب رفتارهایش بداند، تعریف می‌کند. سرتو (۱۹۸۹) مسئولیت‌پذیری را تعهد و الزام درونی فرد برای انجام کلیه فعالیت‌های محوله می‌داند. کانت بیان می‌کند مسئولیت‌پذیر بودن حسی شگفت‌انگیز است که وعده، امید، تهدید و بیم نمی‌تواند آن را به کار اندازد، بلکه عامل محرک آن انس و آشنایی روح با قانون وظیفه و تکلیف است. مکتب آگزیستانسیالیسم نیز مسئولیت‌پذیری را امری وجودی می‌داند که از طریق تعلیم و تربیت شکوفا می‌گردد؛ ازین رو افزایش آگاهی موجب افزایش حس مسئولیت می‌گردد. گلن (۱۹۸۸) نیز مسئولیت‌پذیری را توانایی محاسبه دقیق محدودیت‌ها و عواقب موقعیت‌های خاص، امتیازات، آزادی‌ها، تحلیل علل و عوامل موثر در موقعیت و سازگاری متناسب رفتارهای شخص می‌داند (حاج ملک، ۱۳۹۵). مرگلر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۷)، مسئولیت‌پذیری را «توانایی نظم دادن به تفکرات، احساسات و رفتار همراه با اراده برای در نظر گرفتن خود به عنوان مسئول انتخاب‌هایی که انجام می‌دهند و پیامدهای فردی و اجتماعی آن‌ها» تعریف کرده‌اند (سبحانی نژاد و آب نیکی، ۱۳۹۱).

شورای آموزش پرورش ایالت ایلینوینر (۱۹۹۲) انسان مسئولیت‌پذیر را این‌گونه تعریف می‌نماید: شخصی که بر اساس عزت نفس خویش و با احترام به حقوق و نظرات سایرین، به ارزیابی انتخاب‌ها و دیدگاه‌های خود پرداخته و در نهایت پیامدهای اعمال و تصمیماتش را می‌پذیرد (حاج ملک، ۱۳۹۵).

تعاریف ارائه شده از مسئولیت و مسئولیت‌پذیری ضمن شفاف ساختن تعریف این مفهوم در ذهن، ارتباط این مفهوم با برخی مهارت‌های ارائه شده را نشان می‌دهد. در مسئولیت‌پذیری انسان به عنوان موجود عاملی نگریده می‌شود که توانایی ارزیابی رفتارهای گذشته و تصمیم‌گیری برای آینده با توجه به تجارب گذشته و اطلاع از نتایج احتمالی تصمیم حاضر را دارد. در این جا با مفاهیمی چون شخصی‌سازی، حساسیت، خودکارآمدی، مهارت تفکر انتقادی سر و کار داریم. شناخت و درک خود به عنوان سبب امور و تصمیمات مربوط به خود ارتباط تنگاتنگی با مفهوم شخصی‌سازی دارد؛ چرا که فرد با درک محیط به عنوان «محیط من» متوجه می‌گردد تغییرات ایجاد شده در محیط تا حد قابل توجهی وابسته به انتخاب‌های اوست. از سوی دیگر مفهوم حساسیت، توجه فرد را به پیامدهای اعمال و تصمیمات مختلف جلب می‌نماید. همین امر موجب می‌گردد شخص به منشا این پیامدها و بالتبع نقش خود در ایجاد نتایج نیز فکر کند. خودکارآمدی نیز کمک می‌نماید شخص باور نماید رفتارهای او منشا اثر است و با کمک مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی شخص می‌تواند تصمیمات گذشته و راه‌های پیش رو را ارزیابی نماید. در صورتی که اگر فرد خود را به عنوان مسئول انتخاب‌ها و تصمیمات خود درک نکنند، ضمن آزار رساندن به خود، به دیگران نیز آزار می‌رساند ممکن است زمانی متوجه گردد که بسیاری از فرصت‌ها را از خود و دیگری گرفته باشد.

مسئولیت‌پذیری مانند دیگر مهارت‌ها امکان آموزش و اکتساب دارد. نکته مهم در خصوص این مهارت، وجود ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی است؛ بعد شناختی این مهارت، آگاهی‌ها، ادراکات، شناخت‌ها و

<sup>1</sup> Mergler

اطلاعات متفاوتی را در بر می گیرد که افراد نسبت به پدیده ها و محیط خود دریافت می نمایند. بعد دوم یعنی بعد عاطفی مهم ترین عنصر مسئولیت پذیری است. منظور از بعد عاطفی، شکل گیری عواطف و احساسات گوناگون در افراد با توجه به اعتقادات، باورها و طرز تلقی آن ها نسبت به امور است. بعد سوم یا بعد عملکردی یا رفتاری ناظر به پاسخ ها و عکس العملی است که در برابر محیط و پدیده های آن ابراز می گردد (سبحانی نژاد و آب نیکی، ۱۳۹۱). بنابراین برای پرورش تصمیم گیری باید سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری مورد توجه قرار گیرد.

در یک تقسیم بندی کلی، مسئولیت پذیری به دو بخش مسئولیت پذیری فردی و مسئولیت پذیری اجتماعی تقسیم می شود. «مسئولیت پذیری فردی به این معناست که فرد خود را در برابر خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته و همچنین نیازها و بهروزی دیگران مسئول بداند»، در حالی که ایده ی اصلی در تعریف مسئولیت پذیری اجتماعی درباره ی جوانان، «به رسمیت شناختن این نکته است که جوانان بخشی از جامعه اند و باید در آرمان ها و اهداف اجتماعی شرکت کنند»، با وجود این تقسیم بندی باید گفت مسئولیت پذیری فردی زمینه ساز مسئولیت پذیری اجتماعی است (خواجه نوری، مساوات و ریاحی، ۱۳۹۳، ص ۲۰)؛ چرا که افراد با تمرین مسئولیت پذیری در سطح خرد یعنی مسئولیت در برابر خود و دنیای کوچک اطراف خود یاد می گیرند باید در برابر جامعه نیز مسئولیت پذیر باشد.

مبتهی بر اهمیت مسئولیت پذیری و نقشی که می تواند در تامین سلامت افراد و جامعه ایفا نماید، هر دو سند بر مسئولیت پذیری و پرورش آن با توجه به سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری تاکید کرده و آن را در هر دو بخش مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی به رسمیت می شناسند. در وهله نخست دانش آموزان در برابر سلامت خود مسئولند؛ یعنی باید در دوستی با افراد مختلف و در رفتار جنسی مطابق با معیارهای سلامت رفتار نمایند (سند آمریکا، صص ۳۲، ۳۳). نمونه توجه به مسئولیت پذیری در سند یونسکو، به رسمیت شناختن توانایی افراد در مقاومت در برابر فشارهای منفی همسالان در ارتباط با رفتارهای جنسی است (ج ۲، ص ۱۳).

مرتباً دوم مسئولیت پذیری فردی، مسئولیت افراد در برقراری ارتباط با دیگری است؛ بدین معنا که افراد علاوه بر تلاش و توجه برای حفظ سلامت جنسی خود باید به سلامت دیگران نیز اهمیت بدهند. نمود مسئولیت فرد در برابر دیگران را می توان در «آشنا ساختن دانش آموزان با قوانین مربوط به خدمات مراقبت های بهداشتی باروری و جنسی» (سند آمریکا، صص ۲۸ و ۳۱) مشاهده نمود. مفهوم قانون بیانگر حق و تکلیف اشخاص در برابر یکدیگر است. بنابراین شناسایی قوانین نه تنها فرد را به حقوق خود آشنا می سازد، او را از تکالیف خود در برابر دیگران نیز آگاه می سازد. علاوه بر این، سند آمریکا شخص را در مورد «آزمایش و اطلاع رسانی به شریک جنسی درباره وضعیت عفونت های منتقله جنسی و اچ آی وی» (ص ۳۰)، «متقاعد کردن شخص مورد آزار و اذیت و مزاحمت جنسی برای اقدام کردن» (ص ۳۴) دارای مسئولیت می داند. در سند یونسکو نیز، «تصمیم گیری در مورد انتخاب کاندوم یا سایر روش های پیشگیری از بارداری مسئولیت مردان و زنان» (ج ۲، ص ۲۹) شمرده می شود.

یکی دیگر از مسئولیت های افراد، مسئولیت آنان به عنوان «والد» است. مطابق سند یونسکو، «افراد حق انتخاب در مورد داشتن فرزند دارند، اما باید آگاه باشند پس از تصمیم به والد بودن، در برابر فرزند خود

مسئولیت دارند» (ج ۲، ص ۱۱). در سند آمریکا، مسئولیت افراد، با توانا ساختن دانش آموزان در «تشخیص مهارت ها و منابع لازم برای والد شدن» (ص ۲۹) عنوان می گردد.

در نهایت فرد، در برابر جامعه و ترویج سلامت آن در ارتباط با امر جنسی مسئول است. در سند آمریکا، «دانش آموزان باید بتوانند از سیاست ها و برنامه های مدرسه ای و محیط های امن مروج ارزش و احترام به همه حمایت نمایند» (صص ۲۶ و ۳۵). سند یونسکو افراد جامعه را در برابر «گزارش روابط متجاوزانه، خشونت مبتنی بر جنسیت» (ج ۲، صص ۹ و ۲۰)، «تعرض یا تحکم به افراد» (ج ۲، ص ۱۱)، «نابرابری جنسیتی و حمایت از برابری جنسیتی» (ج ۲، صص ۱۹، ۲۰) و «اعتراض در برابر تبعیض و نابردباری» (ج ۲، ص ۱۰) مسئول می داند.

## ۲. تربیت جنسی در اسناد آموزش و پرورش ایران

در اسناد داخلی با توجه به محوریت نداشتن تربیت جنسی، بیش از آن که با مولفه های تربیت جنسی رو به رو باشیم با مبانی انسان شناختی سر و کار داریم؛ از این رو می توان با توجه به کلیات موجود در اسناد به مولفه های حداقلی در ارتباط با تربیت جنسی دست یافت. پیش از استخراج مولفه های اسناد ایران، همچون روند کار در مورد اسناد بین المللی، نمایی کلی از محتوای اسناد منتخب در پژوهش در ارتباط با امر جنسی ارائه می کنیم تا حدود محتوای این اسناد در زمینه تربیت جنسی روشن گردد.

پس از ارائه گزارشی از اسناد ایران، با توجه به اهمیت واژه شناسی نیاز جنسی در اسناد ایران و استفاده این اسناد از چندواژه در خصوص امر جنسی، پیش از تبیین مولفه های مفهومی ناظر به تربیت جنسی بر اساس این اسناد، تبیین می گردد، به واژه شناسی امر جنسی در اسناد آموزش و پرورش ایران می پردازیم. در انتهای این بخش نیز با توجه به محوریت بحث ازدواج در تربیت جنسی بر اساس اسناد ایران، این موضوع مورد بررسی قرار می گیرد.

### ۲-۱. معرفی اسناد آموزش و پرورش ایران با توجه به تربیت جنسی

اسناد مبنای کار در استخراج مولفه های ناظر به تربیت جنسی، پنج سند «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران»، «تحول بنیادین آموزش و پرورش»، «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، «نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان» و «پروتکل الحاقی پیشگیری از رفتارهای پرخطر - سن بلوغ» است. نقشه جامع سلامت و پروتکل الحاقی آن به عنوان یک سند مورد بررسی قرار می گیرد. با توجه به اینکه این اسناد در شبکه ای کامل به تربیت جنسی نپرداخته اند، مضامین موجود در این اسناد به عنوان نقاط ورود هر یک به تربیت جنسی مورد بررسی قرار می گیرد.

#### ۲-۱-۱. پرداخت سند «مبانی نظری تحول بنیادین» به تربیت جنسی

سند «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» را می توان صریح ترین سند در میان اسناد کلان آموزش و پرورش در ارتباط با امر جنسی دانست. مضامین یا به عبارتی نقاط ورود این سند به بحث تربیت جنسی عبارتند از:

## ۱- به رسمیت شناختن نیاز جنسی

این سند، «فعلیت داشتن عواطف و تمایلات متنوعی (هم چون حب و بغض، شادی و غم و شهوت و غضب) را در وجود انسان واقعیتی غیرقابل انکار» (ص ۶۶) عنوان می نماید که «با توجه به حرکت اختیاری و آگاهانه نفس آدمی، هر شخص می تواند در جهت وصول به کمال شایسته انسان، آن ها را فعلیت بخشد و یا تاثیر بالفعل آن ها را تنظیم و مهار نماید» (ص ۶۶)؛ چراکه «...تمایلات مهارنشده، مانعی مهم در مسیر کمال وجودی انسان خواهد بود» (ص ۶۷-۶۶) و اساسا یکی از دلایل هدایت ویژه آدمی توسط خداوند (بعثت انبیا و ارسال کتاب برای هدایت بشر)، «برای کشف و رشد متعادل استعدادهای طبیعی آدمی و پیش گیری از انحراف عواطف و تمایلات بشری از مسیر درست بوده و ضرورت این راهنمایی خاص برای کشف و شکوفایی این استعدادها و وجودی و تنظیم عواطف و تمایلات آدمی نیز با فرض پویایی و بالندگی مداوم او، قابل درک است» (ص ۶۷).

معنای مصطلحی که ما از واژه «شهوت» می شناسیم و آن چه در کتب مختلف خصوصا کتب اخلاق آمده است، امر جنسی را ذیل مفهوم شهوت به رسمیت شناخته و قواعد آن را بیان می نماید. علاوه بر این واژه، سند از واژه دیگری یاد می کند که در کتاب های بسیاری امر جنسی را با آن عنوان می شناسیم و آن واژه ی «غریزه» است. مساله مهم در این خصوص مواجهه دوگانه این سند با امر جنسی ذیل شهوت و به عنوان یکی از تمایلات انسان و امر جنسی به عنوان غریزه است. به طوری که این سند به «خویشتن داری و مهار غرائز طبیعی و تعدیل عواطف و تمایلات طبیعی» (صص ۹۵ و ۱۵۴) اشاره می نماید و ضروری است روشن گردد امر جنسی ذیل کدام قرار می گیرد؛ زیرا ملاحظات ناظر به مهار و تنظیم و تعدیل با یکدیگر متفاوتند. این سوال در بخش استخراج مولفه های اسناد ایران به طور مشروح مورد بررسی قرار می گیرد.

## ۲- تربیت جنسی؛ یکی از مراتب مقدماتی تحقق حیات طیبه

تحقق حیات طیبه به عنوان مقدمه دست یابی به هدف غایی زندگی یعنی قرب الی الله و «مصدق قابل تحقق همه مفاهیم ناظر به غایت زندگی (مواردی نظیر کمال، رستگاری، سعادت و فوز)» (ص ۹۷)، هدف اصلی ذکر شده در این سند و اسناد حوزه آموزش و پرورش است؛ از این رو یکی از مفاهیم کلیدی در اسناد ایران در ارتباط با شئون مختلف تربیت از جمله تربیت جنسی به شمار می آید. نکته مهم در خصوص مفهوم حیات طیبه با توجه به امر جنسی، به رسمیت شناختن سلسله مراتبی از ارزش ها در نظام معیار حیات طیبه در سند مبانی نظری تحول بنیادین است که «نه تنها همه آن ها به لحاظ اهمیت و اولویت تحقق در یک سطح و مرتبه نیستند، بلکه پذیرش و التزام نسبت به برخی از ارزش های اساسی این نظام معیار، متوقف به شناخت و انتخاب دین حق نیز نیست؛ لذا شکل گیری این نوع زندگی در ابعاد مختلف، دارای مراتب متعدد است. از این رو دست یابی به مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، نه تنها مقصود اعمال فردی و اجتماعی هر انسان دیندار است، بلکه وصول به برخی مراتب مقدماتی و پیش نیاز حیات طیبه نظیر رفع متعادل نیازهای زیستی و طبیعی افراد جامعه یا رعایت بعضی ارزش های اخلاقی مقبول همگان (نظیر انصاف، آزادگی، عدالت ورزی، صداقت، وفای به عهد و امانت داری) مورد درخواست هر شخص خردمند و دارای عقل سلیمی است که هنوز جلوه های التزام عملی به فطرت پاک الهی، عقل سلیم و وجدان سالم انسانی،

در وجود او باقی باشد. بنابراین، تحقق این مراتب مقدماتی حیات طیبه، مشروط به انتخاب آگاهانه و آزادانه دین حق نیست» (ص ۹۸-۹۷).

به رسمیت شناختن امر جنسی به عنوان میل یا غریزه و به عبارتی وجهی طبیعی از وجود انسان ضرورت آن را می‌رساند، اما ذکر آن به عنوان یکی از مراتب مقدماتی حیات طیبه، ضرورت آن را در راستای اهداف نظام آموزش و پرورش ایران بر مبنای معیارهای اسلامی روشن می‌سازد.

### ۳- تربیت جنسی؛ زیرمجموعه تربیت زیستی و بدنی

تربیت جنسی به عنوان یکی از موارد ساحت تربیت زیستی و بدنی ذکر می‌گردد (ص ۳۰۵). تربیت جنسی در این سند تعریف نمی‌گردد، اما روشن است که تربیت بعد جنسی به عنوان یکی از مراتب مقدماتی تحقق حیات طیبه باید بر اساس ارزش‌های همگانی مقبول و نظام معیار دینی صورت گیرد.

سند، رویکرد خود در تربیت زیستی و بدنی را مبتنی بر «نگاهی کل نگر و تلفیقی» (ص ۳۰۶) و با رعایت اصل «توجه هماهنگ و متعادل به ابعاد جسمانی، روانی، زیستی، اجتماعی، محیطی و معنوی رشد متریبان در تربیت زیستی و بدنی آن‌ها» (ص ۳۰۶) عنوان می‌نماید. بنابراین باید روشن گردد نگاه سند به تربیت جسمی و به تبع به امر جنسی مبتنی بر ذو ابعاد دانستن آن است یا خیر. بیان ابعاد مختلف برای تربیت جسمی می‌تواند به دو معنا باشد؛ گاه بیان ابعاد مختلف ناظر به پیامدها و نتایج تربیت بعد جسمی در ابعاد دیگر است و گاه بیان ابعاد مختلف به معنای این است که ابعادی مانند روانی، اجتماعی، عقلانی، اجتماعی نقش کلیدی و سازنده در تربیت بعد جسمی دارند که توجه به آن‌ها را ضروری می‌سازد. با توجه به سند به نظر می‌رسد، نگاه سند به امر جنسی مبتنی بر حالت اول باشد.

قرار گرفتن تربیت جنسی در قلمرو تربیت زیستی و بدنی، بیشتر نشان دهنده توجه به امر جنسی در محدوده ساحت زیستی و بدنی جسمی انسان است. ضمن اینکه در صفحه ۳۰۵ این سند هنگام شرح قلمرو ساحت تربیت زیستی و بدنی، این ساحت از تربیت، مترادف «پرورش قوای بدنی و تامین سلامت جسمی» (ص ۳۰۵) قرار داده می‌شود. با چنین تعریفی، نمی‌توان مفهوم سلامت را در این ساحت ناظر بر معنای گسترده تر دانست. از سوی دیگر، تاکید سند بر «تعامل مستمر روح و بدن» (سند مبانی نظری تحول بنیادین، ص ۳۰۶) نشان دهنده توجه این سند به ارتباط و تاثیر و دو سویه روح و بدن بر یکدیگر و نه نقش سازنده ابعاد مختلف در امر جنسی است. هم چنین اصل بیان شده ذیل اصول تربیت ساحت زیستی و بدنی نیز مبتنی بر اصل همه جانبه‌نگری (از اصول کلی حاکم بر تعلیم و تربیت رسمی و عمومی) است و می‌خواهد بر توجه هماهنگ و متعادل به هر کدام از ساحت‌های تربیت تاکید نماید، به گونه‌ای که در پایان شاهد توجه افراطی یا تفریطی به یکی از ساحت‌های تربیت نباشیم.

### ۴- توجه به تفاوت‌های جنسیتی در تربیت جنسی

سند مبانی نظری تحول بنیادین به هویت جنسی/جنسیتی به عنوان یکی از لایه‌های هویت جمعی انسان با محوریت هویت انسانی و هویت دینی/مذهبی اشاره می‌نماید. از این رو می‌توان گفت تربیت جنسی بر اساس این سند در کنار توجه به مفهوم جنسیت و ملاحظات جنسیتی صورت می‌گیرد؛ چنانچه یکی از

اصول ساحت تربیت زیستی و بدنی، «توجه به تربیت جنسی با توجه به تفاوت های جنسی متریبان» (ص ۳۰۷) عنوان شده است. با توجه به تعریف مفهوم هویت جنسی در کنار هویت جنسیتی می توان گفت در این جا رویکرد سند به تربیت جنسی با توجه به موضوع جنسیت و در نظر گرفتن ملاحظات آن است.

## ۵- طرح رفتارهای پرخطر

یکی از موضوعات مورد اشاره سند مبانی نظری تحول بنیادین، رفتارهای پرخطر است. رفتارهای پرخطر طیف وسیعی را مانند اعتیاد و انتقال ویروس اچ.آی.وی از طریق سرنگ مشترک در بر می گیرد که یکی از اقسام آن مرتبط با رابطه جنسی و رفتار پرخطر جنسی (مانند انتقال ویروس اچ.آی.وی از طریق رابطه جنسی غیرایمن) تلقی می گردد. سند در این خصوص بیان می کند: «امروزه بحث رفتارهای پرخطر در جوامع جهانی به شدت مطرح است لذا از تربیت رسمی و عمومی این انتظار می رود که متریبان را در مواجهه با فرصت های خطرساز زندگی آنان مراقبت کنند و با ارزیابی آگاهی و خویشتن داری با آن ها مواجه شوند. این موضوع در اخلاق اسلامی مورد تاکید است و ارزش تقوا مورد توجه جدی جامعه صالح است» (ص ۳۰۶).

مخاطب هشدار این سند، نظام تعلیم و تربیت رسمی است و از آن می خواهد دو اصل را در ارتباط با رفتارهای پرخطر رعایت کند: نخست، مراقبت از متریبان در مواجهه آنان با فرصت های خطرساز زندگی، دوم، از نظام تعلیم و تربیت انتظار دارد تا با ارزیابی آگاهی و خویشتن داری با این مخاطرات مواجه شود. بنابراین به نظر می رسد توجه به رفتارهای پرخطر در این سند با هدف فراهم کردن شرایط خویشتن داری و مهار غریزه جنسی در ارتباط با رفتارهای پرخطر از جمله رفتارهای پرخطر جنسی مانند ایدز به وسیله نظام تعلیم و تربیت رسمی است نه تقویت دانش آموزان برای مواجهه با این خطرات مبتنی بر ارزیابی آگاهی و خویشتن داری.

## ۲-۱-۲. پرداخت سند «تحول بنیادین آموزش و پرورش» به تربیت جنسی

سایر اسناد منتخب این پژوهش وضعیتی مشابه سند مبانی نظری تحول بنیادین دارند، حتی می توان گفت سند مبانی نظری تحول بنیادین، در مقایسه با سایر اسناد صراحت بیشتری دارد و تنها سندی است که جایگاه تربیت جنسی را در میان ساحت های تربیت مشخص کرده است. سند تحول بنیادین اشاره مستقیمی به بعد جنسی انسان ندارد، اما دو مضمون و نقطه ورود مرتبط با امر جنسی دارد:

## ۱- حیا و پاکدامنی متریبان

یکی از ویژگی های انسان تربیت یافته در اهداف کلانی که سند تحول بنیادین بیان می کند، پرورش پاکدامنی و حیا در متریبان است (ص ۱۵). «حیا» و «عفت یا پاکدامنی»<sup>۱</sup> دو مفهوم ارزشی متفاوت اند که در اخلاق اسلامی در زمینه های مختلفی مطرح و مهم اند. نظرات مختلفی در مورد حیطه عمل و استفاده از این مفاهیم وجود دارد. حاجی پور (۱۳۹۵) در پژوهشی، با بررسی تاریخچه این مفاهیم در کلام اندیشمندان اسلامی، مفهوم پاکدامنی، حیا و حجاب را از مفاهیم ارزشی می داند که در طول زمان با امر جنسی گره خورده است؛ به طوری که هر گاه از این مفاهیم سخن می گوئیم ناظر به خویشتن داری جنسی است. پژوهش های

<sup>۱</sup> مفاهیم موجود در این قسمت، در ارائه مولفه ها تحلیل می گردد.



دیگری نیز مفهوم حیا و عفت را در انسان اساساً امری فطری می‌داند که با جاذبه جنسی و پوشاندن آن یعنی مفهوم حجاب در هم تنیده می‌داند (رجبی، ۱۳۸۳). در این صورت این مفاهیم، اختصاص به تربیت جنسی دارد، اما در برخی منابع کارکرد مفاهیم عفت و حیا به عرصه جنسی خلاصه نشده است (میرخانی، ۱۳۸۰؛ تاجیک، ۱۳۹۰؛ خادم پیر، ۱۳۹۴) و در برخی پژوهش‌ها، مفهوم عفت مختص عرصه جنسی و حیا عامل عام و فراگیری تلقی می‌گردد که در عرصه‌های مختلف از جمله عرصه جنسی به کار می‌رود (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۸۸؛ آشتیانی، ۱۳۸۳؛ پسندیده، ۱۳۹۳).

با توجه به آن چه بیان گردید، عرصه جنسی یکی از موضوعات ذیل مفاهیم حیا و عفت است، حتی اگر در طی زمان به امر جنسی اختصاص نیافته باشد، اما در صورت چنین تلقی از مفهوم حیا، عفت و حجاب، این سوال مطرح می‌گردد که رعایت حجاب صرفاً وجه جنسی دارد. در این صورت چگونه امکان ارتباط انسانی میان زن و مرد وجود دارد، در حالی که این پیش فرض به افراد ارائه می‌گردد که «بدن زن دارای جاذبه جنسی است» (رجبی، ۱۳۹۳، ص ۵۴) و به این دلیل باید پوشانده گردد. چنین تبیینی موجب توجه هر دو جنس به یکدیگر از دریچه جاذبه‌های جنسی و آغستن فضای ذهنی افراد و فضای جامعه به مفاهیم جنسی و غفلت آنان از سایر جنبه‌های یکدیگر می‌شود. تبیین مفهوم حجاب با توجه به وجه انسانی و اجتماعی زن و مرد همراه با ارائه آموزه‌های اسلامی می‌تواند ضمن بالابردن ارزش انسان به خصوص زنان، به آنان کمک نماید جنبه‌های فراتر از جاذبه جنسی خود مانند توانایی‌های عقلی، هنری، اجتماعی را درک کرده و مبنای زندگی خود قرار دهند.

## ۲- ملاحظات دوران بلوغ

دوران بلوغ یکی از نقاط عطف زندگی انسان و نقطه عطف جریان تربیت جنسی است؛ چرا که این دوره همراه با ظهور و به حداکثر رسیدن میل جنسی در انسان به عنوان موضوع تربیت جنسی است. سند تحول بنیادین، «رعایت ویژگی‌های دوران بلوغ دانش آموزان در برنامه‌های درسی و روش‌ها و برنامه‌های تربیتی» (ص ۳۰) را ضروری می‌داند، به طوری که باید علاوه بر «توجه کافی به شرایط روحی دانش آموزان در سنین بلوغ»، «مشاوره و آموزش‌های دینی و اخلاقی متناسب با آن‌ها» (ص ۳۰) ارائه گردد.

سند تحول از میان سال‌های مختلف زندگی دانش آموزان در فضای نظام آموزش و پرورش و مدارس، تنها دوران بلوغ را مورد توجه قرار داده و برای سال‌های دیگر قاعده اصلی ناظر به امر جنسی، پاکدامنی و حیا است؛ به عبارتی تنها آموزه نظام آموزش و پرورش ناظر به امر جنسی، در وهله نخست، حیا و پاکدامنی و ارائه آموزش‌های دینی و اخلاقی متناسب در سنین بلوغ است.

### ۳-۱-۲. پرداخت سند «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» به تربیت جنسی

سند برنامه درسی ملی نیز اشاره مستقیم به تربیت جنسی ندارد و تنها در مواردی اشارات غیرمستقیمی به تربیت جنسی دارد؛

## ۱- ترویج بهداشت و اصول سالم زیستن

یکی از موضوعات مطرح در سند برنامه درسی ملی، توجه به مساله مهم بهداشت در زندگی دانش آموزان است. به طوری که یکی از اهداف حوزه تربیت و یادگیری سلامت و تربیت بدنی، «ترویج بهداشت و اصول سالم زیستن و پیشگیری از ایجاد بیماری» (ص ۲۸) است. بهداشت و اصول ناظر به امر برای سالم زیستن فرد در این سند شامل مواردی مانند «تفریحات سالم، اصول تغذیه سالم و متوازن، ایمنی و پیشگیری از آسیب های فردی و جمعی در ابعاد و شرایط مختلف، مهارت های زیستی و بهداشت فردی و عمومی» (ص ۲۹) است. در میان دوره های مختلف زندگی انسان، این سند نیز بر دوره بلوغ و بهداشت مربوط به این دوران تاکید می کند (ص ۲۹).

سند برنامه درسی ملی، «سازماندهی محتوای این حوزه را به صورت تلفیقی و با توجه به ابعاد جسمانی، عقلانی، اجتماعی، روانی و معنوی» (ص ۲۹) عنوان می نماید. با این وجود به دلیل عدم به رسمیت شناختن امر جنسی در این سند، نمی توان گفت رویکرد تلفیقی ناظر به تربیت جنسی مدنظر این سند هست یا خیر. نکته جالب توجه در خصوص این سوال، انتهای بیان سند در خصوص جهت گیری کلی در سازماندهی محتوا و آموزش این حوزه است: «... در دوره متوسطه، سازماندهی محتوا در شاخه فنی و حرفه ای موضوع محور و بر اساس رشته های ورزشی خواهد بود» (ص ۲۹). این مطلب به روشنی دور بودن سند از اشاره به تربیت جنسی را نشان می دهد.

## ۲- حیا و عفت

حیا و عفت از دیگر مضامین مورد تاکید سند برنامه درسی ملی است. چنان چه بیان گردید، یکی از حوزه های اجرای این دو مفهوم حیا و عفت، مربوط به امر جنسی است. سند برنامه درسی ملی نیز، «حیا و عفت» را به عنوان یکی از ارزش های مرتبط با خود (جسمی، روانی و روحی) (ص ۵۹) عنوان می نماید.

مفهوم کلیدی سند برنامه درسی ملی ناظر به تربیت جنسی مانند دیگر اسناد ایران، مفهوم حیا و عفت است؛ این که دانش آموزان بتوانند در ارتباط با امر جنسی با خویشتن داری مواجهه کردند و در برابر تکانه ها و تحریک های جنسی قابلیت کنترل و تسلط خود را بالا ببرند. علاوه بر این، در این سند مانند اسناد دیگر توجه ویژه به دوران بلوغ اختصاص و بهداشت این دوران اختصاص دارد و نمی توان به قطع گفت آیا سند برنامه درسی ملی به امر جنسی در این دوران توجه داشته است یا خیر و بیان موارد پیش گفته از این سند مبتنی بر نوعی خوش بینی و نگاه موسع به این سند است.

## ۴-۱-۲. پرداخت «نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان» به تربیت جنسی

نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان به عنوان یکی دیگر از اسناد منتخب پژوهش است که با توجه به عنوان آن به طور ویژه به سلامت نوجوانان و جوانان می پردازد و در پی تدوین نقشه ای برای تحقق سلامت در این دو گروه ارزشمند جامعه است. این سند ذیل تعریف سلامت در ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره ای به بعد جنسی یا معیاری برای سلامت در این بعد ندارد، اما اشاراتی ناظر به حوزه تربیت جنسی دارد:

## ۱- بیداری هوس همراه با دوران بلوغ

تنها جایی که این سند با استفاده از واژه ای نیاز جنسی را در وجود انسان به رسمیت می شناسد، بخشی از تعریف این سند از دوره نوجوانی است که بیان می کند: «رشد سریع اعضاء سبب بیداری هوس ها و احساسات و رویاهای گوناگون گشته و با شروع بلوغ همراه می باشد» (ص ۱۴). واژه هوس در این سند به نوعی رساننده به رسمیت شناختن امر جنسی در انسان است، اما چنان چه در عرف و اصطلاح رایج است، این واژه متضمن نوعی نگاه منفی به متعلق آن است.

## ۲- پیشگیری از رفتارهای پرخطر جنسی

تمرکز نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان در حوزه تربیت جنسی، بر «پیشگیری از رفتارهای پرخطر» (ص ۱۸) است. نکته قابل توجه در این سند، ذکر روابط پرخطر جنسی به عنوان یکی از آسیب های اجتماعی لازم به پیشگیری در اقدام (ب) ذیل توسعه مدیریت و سیاست گذاری در حیطه سلامت روان در نوجوانان و جوانان با عنوان «پیشگیری از بروز بیماری های روانی در نوجوانان و جوانان» (ص ۲۴) است. مطابق این مطلب، آیا افراد دارای رفتار پرخطر جنسی جزء بیماران روانی به شمار می آیند؟ اگر این امر به دلیل تاکید بر اهمیت بعد روانی در مورد این افراد باشد، می توانیم این مساله را ذیل اقدام مناسب تری همچون «اصلاح شیوه زندگی در جهت ارتقای سلامت روانی نوجوانان و جوانان» قرار داد.

یکی دیگر از تعارضات درونی این سند در ارتباط با امر جنسی، تاکید بر مفاهیمی با تعریف و معنای خاص، مانند تاکید بر «ایجاد و ارتقا الگوهای تساوی حقوقی دو جنس و شیوه زندگی» و «پافشاری و اصرار بر برنامه های ارتقاء و برابری جنسیتی و ممانعت از خشونت های جنسی» ذیل اقدام «توسعه عدالت در سلامت روانی نوجوانان و جوانان» در توسعه مدیریت و سیاست گذاری در حیطه سلامت روان در نوجوانان و جوانان است (ص ۲۶). در مجموع می توان تاثیر اسناد و مفاهیم بین المللی را بر این سند دید.

## ۵-۱-۲. پرداخت پروتکل «پیشگیری از رفتار مخاطره آمیز در نوجوانان و جوانان؛ سنین

### بلوغ دختران و پسران» به تربیت جنسی

یکی از هفت پروتکل الحاقی «نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان» اختصاص به پیشگیری از رفتارهای پرخطر جنسی در نوجوانان و جوانان دارد. نکته لازم به ذکر در خصوص این پروتکل اینست که هر چند عنوان آن در فهرست نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان، «پیشگیری از رفتارهای پرخطر جنسی» است، اما پس از تدوین این پروتکل، به دلیل مخالفت در به کار بردن واژه «جنسی»، عنوان آن به «پیشگیری از رفتار مخاطره آمیز در نوجوانان و جوانان؛ سنین بلوغ دختران و پسران» (صابری و دیگران، ۱۳۹۲) تغییر کرده است و به جای «پیشگیری از رفتارهای پرخطر جنسی»، عنوان «سن بلوغ» به عنوان یکی از رفتارهای پرخطر موضوع این پروتکل ذکر شده است (ص ۸). جایگزینی عنوان به این صورت، نوع نگاه و عمل ما را در ارتباط با دوران بلوغ به عنوان نقطه عطف زندگی دانش آموزان در تربیت جنسی تحت تاثیر قرار می دهد؛ از این رو باید عنوان مناسب تری انتخاب گردد.

پروتکل متضمن اطلاعات خوبی در حوزه های مربوط به تربیت جنسی است، اما به دلیل مخالفت فعالیت در این حوزه، پس از تدوین بیش از آن که ساختار و نگارشی اجرایی داشته باشد، شبیه به یک پژوهش در آمده و به همین صورت در اختیار مدارس قرار گرفته است و سرنوشت آن به دلیل عدم امکان پیگیری این امر در مدارس مشخص نبوده و عمل به آن به اختیار مدارس واگذار شده است. این پروتکل، نگاهی پیش رو در زمینه تربیت جنسی داشته است و شاهد تاثیر اسناد بین المللی بر نگارش آن هستیم. به عنوان نمونه این پروتکل در صفحه ۱۴، به طراحی برنامه تربیت جنسی مطابق محتوای آموزش جنسی جامع اشاره می کند. هم چنین در موارد زیادی تلاش می کند برخی ارکان برنامه تربیت جنسی اسناد بین المللی را بر اساس رویکرد دینی بازآفرینی نماید تا بتوان در جامعه ایران مورد استفاده قرار داد. با بیان نقاط ورود این سند به تربیت جنسی، این شواهد روشن و توضیح داده خواهد شد:

### ۱- به رسمیت شناختن نیاز جنسی

پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان، برای بلوغ سه مرحله بیان می کند. مرحله اول و سوم ناظر به قبل و بعد بلوغ و مرحله میانی، بلوغ جنسی یا پیدایش سلول های جنسی (ص ۵۲) است. تکامل صفات ثانویه جنسی که در دوره قبل بلوغ به ظهور رسیده است، در مرحله سوم یعنی مرحله بعد بلوغ اتفاق می افتد؛ بدین معنا که در مرحله بعد بلوغ «عمل اعضاء تناسلی و تولید کامل» (ص ۵۲) می گردد. منظور از بلوغ جنسی به عنوان یکی از انواع بلوغ در این سند، «رسیدن به سن تولید مثل است که با ازدیاد هورمون ها آغاز می شود. در این شرایط، غدد جنسی از خواب بیدار می شود و تمایل جنسی را به وجود می آورد» (ص ۵۳).

نیاز جنسی در این پروتکل با دو واژه «غریزه جنسی» (ص ۲۱) و «میل جنسی» (ص ۱۷۳) به رسمیت شناخته شده و بدین صورت تعریف می شود: «غریزه جنسی جاذبه قوی و کشش نیرومندی دارد که زن و مرد را به سوی ارضا سوق می دهد؛ از این رو، از آن به آتش شهوت تعبیر شده است» (ص ۲۱).

### ۲- لزوم کنترل و مهار غریزه/میل جنسی

مواجهه دو گانه و تعارض موجود در سند مبانی نظری تحول بنیادین در این پروتکل نیز به چشم می خورد. پروتکل در ابتدا ضمن به رسمیت شناختن نیاز جنسی در وجود انسان به لزوم کنترل و مهار این غریزه در وجود انسان اشاره کرده و بیان می کند: «مهار آن ها نقش مهمی در سعادت بشر دارد» (ص ۲۱) و سپس با بیان نظریات سه گانه افراط، تفریط و اعتدال در زمینه روابط جنسی، رویکرد اسلام را اعتدال معرفی کرده و بیان می کند: «اسلام غریزه جنسی را نه خودسرانه و آزاد گذاشته و نه آن را سرکوب کرده است، بلکه برای آن حدودی را در نظر گرفته است» و با تشویق مردم به ازدواج هم «غریزه جنسی به صورت سالم ارضا گردد و هم انسان را از هر گونه لاپالایی گری و انحراف جنسی منع می کند» (ص ۲۱). بنابراین باز هم با رویکردی دو گانه با نیاز جنسی مواجهیم که از سویی از کنترل و مهار غریزه جنسی و از سویی اعتدال در مواجهه با این نیاز سخن می گوید. با این وجود در فصول بعد این پروتکل به صراحت کنترل غریزه جنسی را مطرح و شرح می کند.

پروتکل در توضیح کنترل غریزه جنسی، به دو نوع کنترل مثبت و منفی اشاره می کند (ص ۲۰۵). کنترل منفی ناظر به مبارزه و مقابله با میل تحریک شده و کنترل مثبت ناظر به دوری از صحنه ها و کارهایی است که به تحریک غریزه منجر می گردد، به همین دلیل روش مطلوب، کنترل مثبت است. روش هایی مانند «روزه داری، ورزش های بدنی، رعایت حدود شرعی برای کنترل و تسلط بر نیاز جنسی» (ص ۱۷۳) مطرح می گردد.

### ۳- موضوعات ویژه بلوغ دختران و بهداشت آن

رویکرد این پروتکل برای بیان موضوعات مربوط به بلوغ، رویکردی جنسیتی است؛ یعنی ضمن وجود مسائل مشترک میان دو جنس، برخی مسائل ویژه یک جنس طرح می گردد. «بهداشت ناحیه تناسلی» (ص ۱۲۸، ۱۴۴) و «رعایت تغذیه» (ص ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۴۴) و «اختلالات تغذیه ای و چاقی نوجوانان» (ص ۱۳۸)، «حمام کردن» (ص ۱۲۷)، «ورزش» (ص ۱۲۷، ۱۴۴)، «آکنه» (ص ۱۲۸، ۱۴۵) میان دو جنس مشترک است اما در دختران به دلیل حساس تر بودن و وجود عادات ماهیانه، نکات اختصاصی در مورد بهداشت این دوران (ص ۱۲۴-۱۱۹) بیان می گردد. یکی دیگر از موارد مشترک میان دختران و پسران، مساله «بلوغ شرعی» و «تکلیف» (ص ۱۵۵) است؛ گرچه سن دختران و پسران در رسیدن به بلوغ شرعی و برخی تکالیف آنان متفاوت است.

پردازش اختصاصی مطالب برای بلوغ دختران با بیان «علائم و خصوصیات بلوغ جنسی در دختران مانند رشد موهای زیربغل، تمایل به جنسی مخالف و غیره» (ص ۶۱) و توضیح هر کدام آغاز می گردد. این پروتکل تلاش می نماید تا ابعاد مختلف بلوغ مانند بلوغ اجتماعی، ذهنی-عقلی، روحی-روانی را در کنار بلوغ جنسی مورد بررسی قرار دهد. پس از روشن شدن این مسائل، پروتکل به مشکلات شایع دوران بلوغ دختران مانند «به تاخیر افتادن قاعدگی» و «عادات ماهیانه نامنظم» (ص ۸۵) و عفونت های شایع در دختران (ص ۸۷) می پردازد. هم چنین «بلوغ زودرس، علل و درمان آن» (ص ۹۷) و «بلوغ دیررس، علل و درمان آن» (ص ۱۰۰) بررسی شده و به طور ویژه مساله قاعدگی در دختران و «خونریزی های طبیعی» (ص ۸۹) و «خونریزی غیرطبیعی» (ص ۸۸) و حالت هایی که پیش از قاعدگی برای دختران پیش می آید، بیان می گردد.

### ۴- موضوعات ویژه بلوغ پسران و بهداشت آن

پردازش مطالب در خصوص بلوغ پسران مانند دختران با بررسی «تغییرشناسی در اقسام مختلف بلوغ پسران مانند بلوغ شرعی پسران، تغییرات جسمی دوران بلوغ، تغییرات ذهنی و عقلی، تغییرات و رشد اجتماعی» (ص ۶۸) و غیره آغاز می گردد. در پسران، چهار موضوع «بلوغ زودرس» (ص ۱۱۱)، «بلوغ زودرس جنسی» (ص ۱۱۲)، «بلوغ زودرس چندجنسی» (ص ۱۱۴) و «بلوغ دیررس، دلایل و راه های کنار آمدن با آن» (ص ۱۱۴) بیان می گردد.

### ۵- نوجوانی؛ ارتباط با همسالان و دوستان

«ارتباط با همسالان» (ص ۷۶) یکی از موضوعات مشترک قابل توجه در دوران بلوغ دختران و پسران است. تاثیر همسالان و دوستان نوجوان در حیات او تا اندازه ای است که «در غالب موارد والدین برای القای

نظر خود از دوستان نوجوان استمداد می جویند» (ص ۷۶). به همین دلیل این سند بیان می کند: «پدر و مادر باید با دقت و حساسیت خاص، روابط فرزند خود را با دوستانش تحت کنترل و نظارت قرار دهند؛ به گونه ای که به حساسیت منفی فرزندان نینجامد و آن ها را به لجاجت و اندارد» (ص ۷۸). با توجه به این ویژگی در نوجوان مانند آنچه در اسناد بین المللی بیان گردید، می توان با ترویج الگوهای مثبت میان نوجوانان، رفتارهای مثبت و مورد پذیرش را در آنان افزایش داد. با توجه به اهمیت این موضوع، فصل یازدهم این پروتکل (صص ۲۴۹-۲۶۲) نیز به موضوع «انتخاب دوستان در دوران بلوغ» اختصاص دارد.

## ۶- رابطه دختر و پسر

یکی از موضوعات مشترک میان دو جنس است. این پروتکل تلاش می کند تا معیاری در این زمینه به دست دهد و رابطه دختر و پسر یا رابطه غیرمجاز از نظر این سند: «رابطه یی است صمیمانه و گرم و اغلب پنهانی که احساسات و عواطف طرفین در این ارتباط، دخالت جدی دارد و نگاه آن دو به هم، نگاه جنسیتی باشد؛ نه نگاه پاک انسانی و اغلب از طریق دیدارهای مخفیانه، ردو بدل کردن نامه، تلفن و ... ایجاد می گردد» (ص ۲۱۸). بنابراین رابطه دختر و پسر در صورت وجود نگاه انسانی و شرایط موجود در این تعریف، مجاز تلقی می گردد. پس از ارائه این تعریف، پروتکل به بیان معیارهای معاشرت در نگاه، پوشش، اندیشه و قلب، گفتار و رفتار اشاره می نماید و در نهایت به بیان برخی سوالات در خصوص پوشش دختران و آسیب شناسی رابطه پسر و دختر و عوامل آن می پردازد.

## ۷- انحرافات جنسی

یکی از موضوعاتی که در این سند بیان می گردد، مساله انحرافات جنسی است که این پروتکل ضمن بیان انحرافات از متون دینی و اسلامی به توضیح برخی از آنان شامل زنا، همجنس خواهی، استمناء، مبدل پوشی، عریان گرایی، چشم چرانی (صص ۱۸۲-۱۷۶) و «علل انحرافات جنسی به ویژه خود ارضایی» (صص ۲۰۳-۱۸۲) اشاره می کند. پس از بیان علل انحرافات، پروتکل به بیان راه های پیشگیری و درمان مشکل خودارضایی می پردازد (ص ۲۰۹).

## ۸- رسانه و امر جنسی

فصل دوازدهم پروتکل با عنوان «تاثیر رسانه های جدید و کنترل نشده بر بلوغ» (صص ۲۴۴-۲۰۴) به موضوع رسانه و نقش آن در ارتباط با امر جنسی اشاره می نماید. در این بخش به برخی از چالش هایی که اینترنت در دوران بلوغ ایجاد می کند، مانند «گرایش به پورنوگرافی و مسائل جنسی» (ص ۲۶۶)، «کاهش تاثیرپذیری اطفال از والدین» (ص ۲۶۷)، «ترویج فرهنگ غربی و ایجاد بحران هویت» (ص ۲۶۸)، «تشویق به هنجارشکنی اجتماعی» (ص ۲۶۹)، «اعتیاد به اینترنت و بازماندن از رشد علمی و جسمی» (ص ۲۶۹) و «چت، مهم ترین انگیزه جوانان در پر کردن اوقات فراغت» (ص ۲۷۰) اشاره می گردد و سپس راهکارهای کلی برای کاستن از خطرات مذکور بیان می گردد. نکته قابل توجه مثبت در این بخش، تلاش پروتکل برای مستدل ساختن مخالفت با مساله پورن است (ص ۲۷۳)، این مساله می تواند با توجیه دانش آموزان به دوری آنان از پورنوگرافی منجر گردد.

پروتکل به نقش رسانه های مختلف چون تلویزیون، ماهواره، بلوتوث در ارتباط با امر جنسی اشاره می کند، اما اشکال کار در اینجاست که در تمام این ها تنها بر وجه منفی این رسانه ها تاکید می گردد، بدون اینکه معیاری برای شناختن رسانه مطمئن و سالم ارائه گردد. پذیرش نقش منفی رسانه ها در بلوغ زودرس یا تمایل کمتر به مطالعه یا دریافت اطلاعات نادرست و مستهجن مورد پذیرش است، اما چگونه می توان آموزش به دانش آموزان را در همین حد نگاه داشت، در حالی که یکی از اهداف نظام آموزش و پرورش کشور، هوشمندسازی مدارس است، بنابراین ضروری است کم و کیف مناسب و صحیح مساله برای دانش آموزان روشن گردد.

## ۹- نقش مربیان و والدین در بهداشت بلوغ نوجوانان

ارتباط نوجوان و والدین به دلیل «آزادی خواهی و استقلال طلبی و نوگرایی نوجوان مبتنی بر ناسازگاری» (ص ۷۹) است و انتظار می رود والدین «بتوانند ضمن ولی بودنشان همانند یک دوست مهربان و صمیمی، دوستانه و مشاورانه با نوجوان رفتار کنند و در رفتارشان استمرار داشته باشند و هرگز از حریم دوستی اعتماد متقابل و روابط سینه به سینه خارج نشوند» (ص ۸۰) تا نوجوان به سلامت از این دوران عبور نماید. برخورداری والدین از ویژگی های بیان شده در این پروتکل، آن ها را به مفهوم مشابهی در اسناد بین المللی با عنوان «بزرگسال مورد اعتماد» تبدیل می نماید که در رابطه دوستانه ناهمترازی بتوانند در برون رفت سالم نوجوان از دوران بلوغ نقش ایفا نمایند.

به طور کلی می توان گفت، شناخت ویژگی های جسمی و روحی نوجوان در دوران بلوغ از سوی والدین و مربیان و عمل متناسب با شناخت، اصلی است که این پروتکل بر آن تاکید کرده است و موارد آن را به طور مجزا بیان می نماید. با توجه به اهمیت این موضوع، فصل سیزدهم پروتکل با این عنوان به این موضوع اختصاص یافته است.

## ۱۰- ایدز

آخرین موضوعی که در این سند بیان می گردد، ایدز، پیشگیری و درمان آن است. در این موضوع، پروتکل بر چند مساله تاکید می کند؛ نخست، «لزوم تقوا و دوری و پرهیز از گناهان و ناهنجاری ها برای پیشگیری از ایدز» (ص ۳۲۶)، دوم، «مسئولیت فرد در برابر سلامت خود و دیگری در ارتباط با ایدز» (ص ۳۲۶)، سوم، «آموزش مهارت تصمیم گیری برای کاهش خطر سلامتی» (ص ۳۲۷).

**در مجموع در مورد این پروتکل باید گفت:** تمرکز این پروتکل بر دوران بلوغ است، اما می توان گفت نسبت به سایر اسناد موجود در حوزه تربیت جنسی از صراحت و تمرکز بیشتری در ارتباط با این دوران برخوردار است. این سند ضمن به رسمیت شناختن امر جنسی در انسان، با تمرکز بر دوران بلوغ، در مورد بسیاری از موضوعات مرتبط با تربیت جنسی مانند نقش همسالان، والدین، مربیان، رسانه ها و دین سخن گفته است. هم چنین تلاش کرده است در مورد برخی موضوعات مانند انحرافات جنسی، ارتباط دختر و پسر که تاکنون هیچی صحبتی از آنان در اسناد رسمی کشور نبوده، متناسب با نظام معیار اسلامی، آموزش هایی

را ارائه نماید(گرچه موارد بیان شده در این سند بیشتر کلی است و اجرای آن در مدارس نیاز به عملیاتی کردن آن ها دارد).

یکی دیگر از انتقادات وارد به این سند، پردازش موضوعی به مسائل است، در صورتی که می توانست به جای این کار مهارت های مرتبط را بیان کرده و با توجه به موضوعات مختلف و تقویت این مهارت ها در دانش آموزان، سلامت رفتاری نوجوانان در ارتباط با امر جنسی و مواجهه با رسانه افزایش دهد.

مفاهیمی مانند آموزش جامع جنسی، مهارت های زندگی(البته بدون تفصیل و ارائه این مهارت ها)، تعریف تقوا به نه گفتن در برابر ناهنجاری ها، مسئولیت پذیری در برابر خود و دیگری، مهارت تصمیم گیری شواهد الهام گیری این سند از اسناد بین المللی موجود در تربیت جنسی است.

خلاصه آنچه در مورد اسناد ایران بیان گردید، در جدول زیر(۳-۴) قابل مشاهده است:

جدول(۳-۴): نقاط ورود اسناد آموزش و پرورش ایران در حوزه تربیت جنسی

<ul style="list-style-type: none"> <li>- به رسمیت شناختن نیاز جنسی</li> <li>- تربیت جنسی یکی از مراتب مقدماتی تحقق حیات طیبه</li> <li>- تربیت جنسی؛ زیرمجموعه ساحت تربیت زیستی و بدنی</li> <li>- توجه به تفاوت های جنسیتی در تربیت جنسی</li> <li>- رفتارهای پرخطر</li> </ul>	<p><b>سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی ج.ا.ا</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- حیا و پاکدامنی متربیان</li> <li>- ملاحظات دوران بلوغ</li> </ul>	<p><b>سند تحول بنیادین آموزش و پرورش</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- ترویج بهداشت و اصول سالم زیستن</li> <li>- حیا و عفت</li> </ul>	<p><b>برنامه درسی ملی ج.ا.ا</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>- بیداری هوس ها همراه با دوران بلوغ</li> <li>- پیشگیری از رفتارهای پرخطر جنسی</li> </ul>	<p><b>نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان</b></p>



## پروتکل «پیشگیری از رفتار مخاطره آمیز در نوجوانان و جوانان؛ سنین بلوغ دختران و پسران»

- به رسمیت شناختن نیاز جنسی
- لزوم کنترل و مهار غریزه/ میل جنسی
- موضوعات ویژه بلوغ دختران و بهداشت آن
- موضوعات ویژه بلوغ پسران و بهداشت آن
- نوجوانی؛ ارتباط با همسالان و دوستان
- ارتباط دختر و پسر
- انحرافات جنسی
- رسانه و امر جنسی
- نقش والدین و مربیان در بهداشت بلوغ نوجوانان
- آیدز

### ۲-۲. واژه شناسی «نیاز جنسی» در اسناد آموزش و پرورش ایران

سند مبانی نظری تحول بنیادین، «شهوت» را به عنوان یکی از تمایلات انسان به رسمیت می شناسد (ص ۶۶). واژه شهوت به میل و کشش انسان به خواسته خود (هاشمی رفسنجانی و همکاران، ج ۱۸، ۱۳۸۶) اشاره دارد، و یکی از معانی آن، میل جنسی (انوری، ج ۵، ۱۳۸۲، ص ۴۶۲۵) و میل به جماع است (عمید، ج ۲، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶۲؛ معین، ج ۲، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹۹).

نکته مهم در خصوص معنای شهوت، اتصاف آن به صفت «شدت» است چنانچه دکتر معین بیان می کند: «میلی است که شدتش از حد معمولی تجاوز کرده، امیال دیگر را تحت الشعاع قرار دهد و تمام توجه شخص را منحصر به موضوع خود جلب نماید»؛ بنابراین به نظر می رسد مفهوم «شدت» در معنای شهوت و به عبارتی کیفیت میل جنسی انسان وجود دارد؛ پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان، تعبیر «آتش شهوت» در مورد غریزه جنسی را با توجه به قوت و نیرومندی این کشش و جاذبه می داند (ص ۲۱). در اخلاق اسلامی واژه شهوت و قهوه شهویه تنها به میل جنسی انسان اختصاص ندارد بلکه تمایل انسان به هر چیزی چون خوردن، جماع، مال، جاه و ... را در بر می گیرد (نراقی، ۱۳۸۴؛ نراقی، ۱۳۸۹).

واژه دیگر ناظر به نیاز جنسی در اسناد ایران، واژه «هوس» در نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان است، بدین صورت که «بیداری هوس ها، احساسات و رویاهای گوناگون یکی از اتفاقاتی است که با رشد اعضای بدن به همراه بلوغ» اتفاق می افتد. واژه هوس، خواهش نفس (انوری، ج ۸، ۱۳۸۲، ص ۸۴۵۰؛ عمید، ج ۲، ۱۳۹۰؛ معین، ج ۴، ۱۳۸۸) و نوعی جنون و سبک عقلی معنا شده است (عمید، ج ۲، ۱۳۹۰، ص ۱۹۱۱؛ معین، ج ۴، ۱۳۸۸، ص ۵۲۲۲).

در کتب اخلاق اسلامی برای سخن گفتن از میل جنسی انسان از واژه شهوت استفاده می گردد، با این وجود می توان با توجه به معنای لغوی این کلمه، میل جنسی را ذیل معنای کلی خواهش نفس قرار داد، اما نکته مهم، به کار بردن چنین واژه ای برای تغییرات و تمایلاتی است که در سن بلوغ در نوجوان ایجاد می گردد؛ چرا که در ادبیات دینی، عقل در مقابل هوی و هوس و دشمن آن معرفی گردیده است، شاید به همین

دلیل است که یکی از معانی واژه هوس، سبک عقلی عنوان گردیده است. این امر می تواند بیانگر نگاه منفی این سند به غریزه جنسی و ظهور آن، در دوران بلوغ باشد، در صورتی که همواره بیان می گردد نیاز جنسی به عنوان یک نیاز طبیعی، پاک و سالم از نظر اسلام شناخته و پاسخ داده می شود.

سند مبانی نظری تحول بنیادین، شهوت را به عنوان یکی از تمایلات انسان به رسمیت می شناسد(ص ۶۷)، اما علاوه بر تمایلات طبیعی از غرایز طبیعی یاد کرده و مواجهه متفاوتی با این دو دارد؛ بدین صورت که در مورد غرایز از مهار(ص ۹۵) و در مورد تمایلات و عواطف از تنظیم و تعدیل(ص ۶۷) سخن می گوید، بنابراین تعیین ماهیت نیاز جنسی انسان امری مهم و اساسی است و این سوال پیش می آید که نیاز جنسی انسان یک میل است یا غریزه؟ اگر شهوت یکی از تمایلات طبیعی انسان است، غرائز طبیعی کدامند؟

در فرهنگ لغات، واژه «غریزه»، «ویژگی، توانایی، طبیعت و سرشت» معنا شده است. «غریزه جنسی» نیز ذیل واژه غریزه آمده و «تمایل فطری به رفتار همسرخواهی و آمیزش جنسی»(انوری، ج ۶، ۱۳۸۱، ص ۵۱۷۳) و «غریزه اطفای شهوت که سبب تولید نسل و بقای نوع است»(معین، ج ۲، ۱۳۸۸، ص ۲۴۱۰) تعریف شده است. در فرهنگ لغت عمید، میل جنسی و غریزه جنسی به عنوان دو مفهوم مترادف در فرهنگ عامیانه معرفی گردیده است(عمید، ج ۲، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹۰).

در مجموع می توان گفت در اسناد ایران، نیاز جنسی بیش از آن که به عنوان یکی از تمایلات انسان شناخته شود، یک غریزه است. ضمن اینکه در اکثر کتاب های حوزه تربیت جنسی، از نیاز جنسی به عنوان یک غریزه یاد می شود(فقیهی، ۱۳۹۱؛ محمدی و موسوی، ۱۳۹۱؛ ثابت، ۱۳۹۶؛ متقی فر، ۱۳۸۸؛ مطهری، ۱۳۸۸). بنابراین در مجموع می توان گفت نیاز جنسی یکی از غرایز طبیعی انسان به شمار می آید<sup>۱</sup> و از راهکار مهار که ویژه غرایز طبیعی انسان است، پیروی می کند، به نظر می رسد وجه کاربرد واژه «میل جنسی» برای نیاز جنسی انسان چنانچه در سند مبانی نظری تحول بنیادین(ص ۶۶) و پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان(صص ۱۷۳، ۲۱۰ و ۲۱۸) آمده، تبعیت از ترادف عرفی این دو واژه است.

### ۲-۳. تبیین مولفه های تربیت جنسی بر اساس اسناد آموزش و پرورش ایران

پس از واژه شناسی نیاز جنسی در اسناد ایران، مولفه های برآمده از اسناد آموزش و پرورش ایران بیان می گردد. این مولفه ها عبارتند از:

#### ۱-۲-۳. حفظ کرامت نفس

در تربیت جنسی مطابق اسناد ایران، ارزش های اخلاقی متعددی به چشم می خورد. به نظر می رسد نقطه اتکا تمام آن ها، ارزشمندی نفس انسان است؛ از این رو ارزش محوری تربیت ناظر به امر جنسی در این اسناد، حفظ کرامت نفس است. مفاهیم «آزادگی»(ص ۹۷)، «حفظ کرامت نفس و عزت نفس»(ص ۱۵۴) در

<sup>۱</sup> تعداد موارد کاربرد واژه غریزه جنسی(صص ۲۱، ۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۳) در برابر میل جنسی(صص ۱۷۳، ۲۱۰، ۲۱۸) در پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان نشان از شناخت نیاز جنسی به عنوان یکی از غرایز انسان دارد. ضمن اینکه تقریباً در تمام موارد در اسناد، از راهکار مهار، تسلط، کنترل در مورد نیاز جنسی سخن گفته می شود که مبین نگاه سند مبانی نظری تحول بنیادین در مورد غرایز است.

سند مبانی نظری تحول بنیادین، «حیا و پاکدامنی» (ص ۱۵) در سند تحول بنیادین و دو ارزش «حیا و عفت» (ص ۵۹) در سند برنامه درسی ملی مبین این مسئله اند.

سند مبانی نظری تحول بنیادین یکی از راه های خودسازی را بر اساس نظام معیار اسلامی حفظ کرامت نفس و عزت نفس عنوان می نماید. هر دو مفهوم کرامت و عزت مبین با ارزش بودن نفس و مورد احترام بودن خود آدمی است، اما حفظ کرامت نفس مبتنی بر ارزش ذاتی انسان است که خود در وجود یا عدم آن نقشی ندارد، اما عزت مبتنی بر تلاش و اراده انسان (عسکری و دیگران، ۱۳۹۵) برای حصول عنصر اصلی عزت یعنی ایستادگی در مقابل تحقیر به منظور حفظ حرمت و ارزش انسانی خود است. از این رو عزت همواره با کرامت همراه است، اما کرامت همواره با عزت همراه نیست، به عبارت دیگر عزت، حرمت و کرامت حداکثری نفس انسان است (بابایی، ۱۳۹۱). بنابراین حفظ کرامت نفس و کسب عزت منوط به این است که انسان خود را دارای ارزش بداند

مفهوم دیگر در اسناد ایران ناظر به حفظ کرامت نفس، حیا است. بانکی پورفرد (۱۳۸۹) در تحلیل مفهوم حیا یکی از ارکان سه گانه حیا را فاعل آن عنوان می کند؛ توضیح آن که «فاعل در حیا شخصی است برخوردار از کرامت و بزرگواری نفسانی؛ یعنی برای خود ارزش قائل است و حاضر نیست خود را به کارهای زشت آلوده نماید». بنابراین خمیرمایه اولیه رعایت حیا توسط شخص، ارزشی است که شخص برای خود قائل است و به وسیله حیا می خواهد آن را حفظ نماید.

«عفاف» مفهوم مترادف «پاکدامنی» و در لغت به معنای خودداری از سخن یا عمل قبیح است (طاهرپور، ۱۳۸۹). «عفت» فضیلت اخلاقی است که ثمره آن دوری از افراط و تفریط در لذت ها از جمله لذت جنسی است. در گذر زمان بار جنسی این واژه بیشتر خود را به نمایش گذاشته، به طوری که می توان گفت معنای آن به خویشتن داری جنسی محدود شده است (حاجی پور، ۱۳۹۵). پدید آمدن ملکه عفت در انسان موجب تعدیل عمل انسان در ارتباط با امر جنسی و مصونیت وی از پلیدی های غریزه جنسی می گردد (آشتیانی، ۱۳۸۰)<sup>۱</sup>. بنابراین روشن است که مقتضای ذات مفهوم عفت، «حفظ نفس و خویشتن» است. تاجیک (۱۳۹۰) رابطه میان مفهوم حیا و عفت را رابطه ای دو جانبه می داند؛ بدین صورت که «حیا زمینه عفاف و عفاف از ثمرات حیا» است، از این رو می توان گفت حفظ کرامت نفس به عنوان ویژگی فاعل حیا که یکی از ارکان حیا به شمار می آید، در مفهوم عفاف نیز موجود است و تلاش شخص عقیف برای دوری از فعل قبیح مبتنی بر حفظ کرامت نفس است.

مفهوم «آزادگی» نیز بر حفظ کرامت نفس دلالت دارد. سند مبانی نظری تحول بنیادین، آزادگی را کسب آزادی حقیقی معنا کرده و «نخستین مرحله این نوع آزادی را در آزادی روح انسان از شهوات و تمایلات نفسانی دانسته است...» در واقع، آزادی حقیقی آدمی یعنی نفی اطاعت هر آن چه غیر خداست و بندگی و خضوع فقط در برابر خالق هستی و نظام آفرینش» (ص ۶۶-۶۵)؛ در واقع نمی شود بدون حفظ کرامت نفس

<sup>۱</sup> چنان چه پیش از این بیان گردید، در برخی پژوهش ها با توجه به روایات اسلامی معنای گسترده تری از مفهوم عفاف ارائه شده است، اما در دلالت این مفهوم بر عرصه جنسی تردیدی وجود ندارد.

به آزادی دست یافت، زیرا آزادی انسان از شهوات و تمایلات نفسانی صورت دیگری از حفظ کرامت نفس است.

وجه مشترک مفاهیم «آزادگی»، «حیا»، «عفت» و «پاکدامنی» چنان که بیان گردید، ارزشمند دانستن وجود خود است؛ زمانی که فرد وجود خود را دارای ارزش بداند، به حفظ و چگونگی حفظ ارزش وجود خود فکر و برای حفظ آن تلاش می کند و اگر فرد وجود خود را ارزشمند نداند، ضرورتی برای رعایت قواعد و اصولی نمی بیند که متضمن حفظ کرامت نفس او باشد. هنگامی که به توانایی ها و امکان های وجودی انسان از بالا نگاه می کنیم، متوجه می شویم در عین پاسخگویی به نیاز جنسی، نباید آسیبی به مراتب برتر نفس انسان وارد آید. به عبارت دیگر توجه به هر کدام از ابعاد وجود انسان با توجه به هدف نهایی که در نظام معیار اسلامی برای انسان در نظر گرفته شده است، مستلزم تلاش برای حفظ گوهر ارزشمند وجود انسان است، البته تلاش در جهت تحقق این هدف نباید تبدیل به تلاش برای امری موهوم گردد؛ به عبارتی نباید هدف گم گردد و صرفاً تبدیل به لفاظی هایی گردد که واقعیت های وجود انسان در ارتباط با امر جنسی در کشاکش این لفاظی فراموش گردد.

## ۲-۳-۲. مهار و کنترل خویشتن<sup>۱</sup>

دومین مولفه اسناد ایران در تربیت جنسی، مهار و کنترل خویشتن است. در اسناد ایران چند واژه در ارتباط با راهبرد تربیت در بعد جنسی ملاحظه می شود؛ «خویشتن داری»، «تقوا»، «حیا»، «پاکدامنی»، «تنظیم» و «مهار». چنان چه می بینیم این مفاهیم در عین همپوشانی، مسیرهای متفاوتی را در خصوص امر جنسی به ما می نمایاند. پیش از این با واژه شناسی نیاز جنسی در اسناد آموزش و پرورش ایران روشن گردید واژه کلیدی اسناد آموزش و پرورش ایران در خصوص نیاز جنسی، «غریزه جنسی» است، اما در کنار آن از واژه میل جنسی نیز استفاده شده است. در این جا تلاش می نماییم با تحلیل مفاهیم ارائه شده در اسناد، مفهوم نزدیک به محتوای اسناد در مورد امر جنسی روشن گردد.

«مهار»، «کنترل و تسلط» اصلی ترین واژه ای است که در اسناد ایران ناظر به غریزه جنسی به کار می رود. سند مبانی نظری تحول بنیادین بر «مهار غرایز طبیعی» (ص ۱۵۴) تاکید می کند. پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان نیز ضمن به رسمیت شناختن غریزه جنسی، راهبرد اصلی در خصوص امر جنسی را مهار آن عنوان کرده و بیان می کند: «مهار آن ها نقش مهمی در سعادت بشر دارد» (ص ۲۱). «مهار» در لغت به معنای «تحت اختیار در آوردن، کنترل کردن، تسلط داشتن بر چیزی» (انوری، ج ۷، ۱۳۸۱) است.

علاوه بر واژه مهار، واژه های «کنترل» و «تسلط» در این اسناد به کار می رود که با توجه به تعریف لغوی از واژه مهار، مترادف و هم معنی آن است. پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت با وجود نامیدن امر جنسی به «میل» از «کنترل و تسلط بر میل جنسی» (ص ۱۷۳) سخن می گوید؛ این مساله نشان دهنده دو موضوع

<sup>۱</sup> عنوان این مولفه ممکن است به مفهوم شناخته شده «خودکنترلی» (self control) نزدیک باشد، اما با توجه به عدم استفاده صریح این مفهوم در اسناد ایران و تفاوت آن با سایر مفاهیم موجود در اسناد ایران مانند «حیا» و «خویشتن داری»، عنوانی مناسب با ادبیات اسناد ایران با توجه به نظام معیار اسلامی انتخاب گردیده است.

است؛ نخست، نیاز جنسی چه «غریزه» و چه «میل» شناخته شود، رویکرد مواجهه با آن، مهار، کنترل و تسلط است. دوم، روشن شدن رویکرد مواجهه با امر جنسی نشان دهنده درستی نتیجه گیری ما در مورد ماهیت امر جنسی به «غریزه» است. معنای لغوی واژه «تسلط» به «غلبه داشتن و چیرگی» (انوری، ج ۳، ۱۳۸۱) نیز موید این نتیجه گیری است.

پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان از دو روش کنترل منفی و مثبت در ارتباط با غریزه جنسی سخن می گوید و مطلوب ترین راه تسلط بر غریزه جنسی را روش کنترل مثبت عنوان می نماید. کنترل منفی این است که «کسی با وجود تحریکات مختلف و مواجهه با عوامل انگیزش این غریزه، بخواهد با میل تحریک شده اش مبارزه و مقابله کند و به سوی ارتکاب جرم نرود» و کنترل مثبت، «پرهیز از صحنه ها و کارهایی است که به تحریک این غریزه می انجامد» (ص ۲۰۵). در دلالت کنترل منفی بر مهار شکی نیست، زیرا انتظار می رود شخص در اوج هیجان و تحریک غریزه جنسی، آن را مهار کرده و از ارتکاب عمل غیرمجاز خودداری نماید. در کنترل مثبت یک گام به عقب رفته ایم و می خواهیم پیش از مواجهه و مبارزه با تحریک، عامل تحریک را حذف نموده و به نوعی پیش از پرداختن به درمان، از تحریک پیشگیری نماییم، با این وجود کنترل مثبت نیز متضمن توانایی فرد در مهار نفس برای دیدن صحنه ها یا انجام کارهایی است که به تحریک غریزه جنسی منجر می گردد. از این رو هر دو نوع کنترل دلالت بر مهار دارد، البته روش کنترل مثبت به دلیل توجه به مساله پیشگیری نسبت به کنترل منفی اولویت و برتری داشته و در این پروتکل نیز مطلوب ترین راه تسلط بر غریزه جنسی به شمار می آید.

«خویشتن داری» از دیگر مفاهیم مورد استفاده در اسناد ایران است که مرتبط با تربیت جنسی در سند مبانی نظری تحول بنیادین (ص ۹۵) به کار رفته است. نکته مهم در خصوص این مفهوم، ترادف معنایی «خویشتن داری» و «مهار» در سند مبانی نظری تحول بنیادین (ص ۹۵) است. ترادف این دو واژه از معنای لغوی آنان و دلالت بر در اختیار گرفتن و نگه داری خود نیز بر می آید، زیرا انتظار داریم فرد در مواجهه با تحریک جنسی خود را نگه داشته و غریزه تحریک شده را مهار نماید تا مرتکب فعل قبیح نگردد.

«تقوا» یکی دیگر از مفاهیم ناظر به تربیت جنسی در پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان است. این سند «نه گفتن به زشتی ها و ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی و مقاومت در مقابل آن ها» (ص ۳۲۶) را همان تقوا یا نگاهداری خود می داند که اسلام بر آن تاکید کرده است. «نه گفتن به زشتی ها و مقاومت در برابر آن ها مستلزم توانایی کنترل و مهار خود در برابر آن چیزی است که در ارتباط با امر جنسی ناهنجاری و زشتی تلقی می گردد. هم چنین پسندیده (۱۳۹۳) در پژوهشی با تحلیل مفهوم حیا بیان می کند تقوا عنوانی انتزاعی از تمام بازدارنده هاست که از ماهیتی مهارکننده برخوردار است. به عنوان نمونه تقوا ورزیدن در مورد پورنوگرافی به عنوان یکی از ناهنجاری های مرتبط با امر جنسی به این معناست که شخص هنگام وسوسه شدن برای دیدن فیلم یا حتی در حین دیدن فیلم بتواند نفس خود را مهار کرده و به این ناهنجاری نه بگوید و آن را ترک نماید.

«حیا» یکی دیگر از مفاهیم و راهبردهای کلیدی است که در سند تحول بنیادین و سند برنامه درسی ملی در ارتباط با تربیت جنسی بر آن تاکید می گردد؛ به طوری که یکی از ویژگی های انسان تربیت یافته در

سند تحول، حیا عنوان می‌گردد. در تعریف لغت‌شناسان از این مفهوم، با سه محور مواجهیم؛ نخست، حیا، «تغییر و انکسار (اثرپذیری) نفس» است، دوم، حیا، «انقباض یا گرفتگی نفس» است و سوم، حیا، «عامل بازدارنده» است. با این وجود تمام لغت‌شناسان علت به وجود آمدن چنین حالتی را ترس انسان از سرزنش دیگران می‌دانند. در تعاریف علمای اخلاق نیز، وجه مشترک، ترس از سرزنش دیگران در پیشگیری از عمل قبیح و ناپسند است (پسندیده، ۱۳۹۳)؛ بنابراین عامل بیرونی در بازدارندگی نفس انسان از متعلق حیا نقش اساسی دارد و آن چیزی است که حیا را از دیگر بازدارنده‌ها متمایز می‌کند.

پسندیده (۱۳۹۳) در تحلیل مفهوم حیا بر اساس متون دینی به پنج مولفه اساسی «فعل قبیح»، «حضور و نظارت»، «کرامت نفس»، «احساس شرم» و «خویشتن‌داری و مهار نفس» اشاره می‌کند. مولفه «فعل قبیح» مبتنی بر مواجهه با فعل قبیح برای معنا پیدا کردن موقعیت حیا ورزیدن است. مولفه «حضور و نظارت»، به نقش اساسی درک وجود ناظر به عنوان عامل بیرونی و تمیز مفهوم حیا از سایر بازدارنده‌ها مانند تقوا اشاره دارد. مولفه «کرامت نفس» نیز به احساس درونی فرد نسبت به خود به عنوان یکی از مولفه‌های حیا اشاره می‌کند، به طوری که اگر فرد خود را موجود باارزشی نداند، حیا معنا پیدا نمی‌کند. «احساس شرم» نیز عنصر روانی مفهوم حیا است. در نهایت مولفه «خویشتن‌داری و مهار نفس» به ماهیت حیا اشاره می‌کند. مهار نفس گاه موجب بازداشتن انسان از انجام فعلی قبیح می‌گردد و گاه می‌تواند موجب واداشتن نفس انسان به انجام فعلی پسندیده گردد.

حیا یکی از شیوه‌های کنترل خود و مفهومی مرتبط با مفهوم تقوا است. «تقوا عنوانی انتزاعی از تمام بازدارنده‌ها و کنترل‌کننده است» و حیا یکی از مفاهیمی است که ذیل آن قرار می‌گیرد با این تفاوت که اگر شخص هنگام مواجهه با فعل قبیح به علت درک وجود ناظر محترمی، احساس شرم نموده و از آن فعل دوری نماید، حیا نامیده می‌شود. به همین دلیل می‌توان گفت تقوا و حیا از ماهیتی مهارکننده برخوردارند (پسندیده، ۱۳۹۳، ص ۱۷).

بانکی پورفرد (۱۳۸۹) نیز در تحلیل مفهوم حیا به سه رکن اشاره می‌نماید که پیش از این ذیل مولفه‌های پنج‌گانه مفهوم حیا در پژوهش پسندیده بیان گردید. وی به سه رکن «فاعل»، «ناظر» و «فعل» در حیا اشاره می‌نماید. منظور از «فاعل»، شخص برخوردار از کرامت و بزرگواری نفسانی است که به دلیل ارزشی که برای خود قائل است از انجام فعل قبیح دوری می‌نماید. «ناظر» در حیا، «شخصی است که مقام و منزلت او در چشم فاعل عظیم و شایسته احترام باشد و حضور او را درک کند». رکن سوم حیا یا «فعل»، «عمل ناپسند و زشت یا حتی بعضی اعمال مباح یا مثبت است که به دلایلی نابهنجار است و فاعل زشتی یا نابهنجاری آن را درک نماید یا برعکس؛ ترک عملی ناپسند است و انسان از ترک آن کار حیا می‌کند».

چنانچه در هر دو تحلیل ارائه شده از مفهوم حیا می‌بینیم، ماحصل این حالت، مهار نفس برای بازداشتن از ارتکاب فعل قبیح است، بنابراین مقتضای ذات مفهوم حیا نیز به عنوان یکی از مفاهیم مطرح در اسناد مواجهه فرد با امر جنسی، کنترل و مهار آن با توجه به احساس ارزشمندی خود و درک ناظر محترم است، اما وجود ناظر بیرونی به معنای نفی اراده فرد در عدم ارتکاب فعل قبیح نیست؛ بلکه در حیا، فرد در وهله نخست به دلیل ارزشی که برای خود قائل است، به دوری از فعل قبیح فکر می‌کند، در وهله بعد به دلیل

شرم از درک حضور ناظر اقدام به دوری از فعل قبیح می کند؛ به عبارت دیگر وجود ناظر بیرونی به اراده فرد در جهت پیشگیری کمک می نماید و اراده فرد را در ارتکاب فعل قبیح سلب نمی نماید. ضمن اینکه مفهوم حیا با توجه به ناظر (خداوند، دیگران، خود، پیامبر و امام، فرشتگان) از مراتبی برخوردار است (خادم پیر، ۱۳۹۴). در این صورت اگر شخص به علت شرم از درک وجود خداوند به عنوان ناظر خود را مهار نماید، در هر حالتی از ارتکاب فعل قبیح خودداری می کند. نکته دیگر در خصوص مفهوم حیا، گستره مفهومی آن در مورد اعمال انسان است، به طوری که نگاه، گفتار و رفتار انسان را شامل می شود.

**«عفاف، پاکدامنی»:** مفهوم پاکدامنی یا عفاف چنان چه پیش از این بیان گردید، یکی از نتایج حیا در انسان است و مبتنی بر نگه داری و مصونیت انسان از اعمال قبیح در ارتباط با امر جنسی است و به نظر می رسد عنصر اصلی در این مفهوم توانایی کنترل و مهار خود در هنگام مواجهه با فعل قبیح مرتبط با امر جنسی است.

با توجه به آنچه بیان گردید، می توان گفت، رویکرد اسناد آموزش و پرورش ایران در مواجهه با نیاز جنسی، رویکردی است که آن را به عنوان یکی از غرایز انسان به رسمیت می شناسد و از خویشتن داری و مهار آن سخن می گوید<sup>۱</sup>. ضمن اینکه بنظر نمی رسد به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان یکی از تمایلات انسان تاثیری در مواجهه با امر جنسی داشته باشد؛ زیرا سند مبانی نظری تحول بنیادین، هنگامی که شهوت را به عنوان یکی از تمایلات طبیعی انسان به رسمیت می شناسد، بیان می کند «تمایلات مهارنشده مانعی جدی بر سر راه کمال انسان است» (ص ۶۶-۶۷). هم چنین پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان نیز با وجود بیان امر جنسی به عنوان میل، از لزوم کنترل و تسلط بر آن سخن می گوید. علاوه بر این، حیا و عفاف راهبردهایی مبتنی بر خویشتن داری جنسی بوده که در جهت تقویت مهار میل جنسی به کار می روند (حاجی پور، ۱۳۹۵).

### ۳-۲-۳. دانش جسمی و جنسیتی

بعد جنسی انسان و به تبع آن تربیت جنسی در سند مبانی نظری تحول بنیادین به عنوان سند زیربنایی اسناد تحولی کشور ذیل حوزه تربیت بدنی و زیستی جایابی می گردد. با توجه به اسناد، ارائه دانش جنسی به دانش آموزان تایید نمی گردد، اما ارائه دانش مربوط به جنبه های جسمی با رویکردی جنسیتی صورت می گیرد، اما هیچکدام از اسناد به دانش جنسی به معنای شناخت ارگان جنسی، دستگاه تولید مثل، رابطه جنسی و سایر مسائل ورود پیدا نمی کنند. در این بخش دانش ارائه شده در اسناد ایران به صورت مشروح بیان می گردد:

**نخست،** دوران بلوغ و آموزش های مرتبط با سلامت نوجوانی و آموزش های دینی و اخلاقی در خصوص این دوران مورد تاکید سند تحول بنیادین، سند برنامه درسی ملی و پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان است؛ از این رو علاوه بر آموزش های دینی و اخلاقی مرتبط با بلوغ، ارائه آموزش های مربوط به بهداشت بلوغ و حفظ سلامت نوجوانان به صورتی که علم بهداشت مقرر می دارد، الزامی

<sup>۱</sup> راهنمای خودمراقبتی برای زندگی عاری از اچ.آی.وی/ایدز که در مدارس میان دانش آموزان توزیع گردید، بر خویشتن داری و مهار جنسی صحه گذاشته و بیان می کند: «خویشتن داری تنها راه تضمین ۱۰۰ درصد محافظت از خود است و چیزی به نام رابطه جنسی ایمن وجود ندارد» (ص ۲)

است. در میان اسناد مذکور در این بخش، پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان با صراحت بیشتری به جوانب مختلف دوران بلوغ پرداخته است.

نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان در پروتکل ناظر به رفتارهای پرخطر، به طور اختصاصی به مساله بلوغ پرداخته و به بیان جوانب مختلف بلوغ مانند تعریف بلوغ و جوانب مختلف رشد نوجوان و ویژگی های نوجوان در این دوران، بلوغ زودرس در دختران و پسران، بهداشت بلوغ برای پسران و دختران، بیماری های شایع و مشکلات اجتماعی دختران در دوران بلوغ، مشکلات احتمالی پسران در دوران بلوغ، سن تکلیف و وظایف خاص دختران و پسران در دوران بلوغ می پردازد. این سند، «مجموعه اطلاعات درباره جنسیت و بلوغ برای دختران» را الفبای زنانگی نامیده و بیان می کند تجارب نشان می دهد ندانستن این الفبا نه تنها سلامت جنسی، بلکه سلامت جسمی، روانی و اجتماعی فرد را تهدید می کند. الفبای زنانگی برای دختران در این سند، شامل شرایط و وضعیت بلوغ و قاعدگی طبیعی و غیرطبیعی، رفتارهای زندگی سالم از جمله تغذیه، ورزش، استراحت، استفاده از آفتاب، مراجعه به افراد ذی صلاح برای کسب اطلاعات و کاهش اضطراب و احیانا تشخیص مسائل فرد و ... است (ص ۶۲).

**دوم،** در سند مبانی نظری تحول بنیادین، به رفتارهای پرخطر به عنوان یکی از بحث های جدی مطرح در سطح جهان اشاره می گردد. تنها موضوع مرتبط به رفتارهای پرخطر جنسی، بخش «مختصر و مفید درباره ایدز(ایدز و نوجوان)» (صص ۳۲۷-۳۲۲) در پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان است.

رفتارهای پرخطر برای کسانی تعریف می شود که رفتار یا موقعیت پرخطر دارند. این افراد شامل معتادان تزریقی و همسرانشان، افراد با رفتار جنسی پرخطر، همسران مبتلا به اچ.آی.وی، مبتلایان به بیماری های مقاربتی و افراد مبتلا به رفتار جنسی غیرایمن است (مرکز ملی پیشگیری از ایدز ایران<sup>۱</sup>). بنابراین می توان گفت رابطه جنسی یک عنصر بسیار مهم در دایره رفتارهای پرخطر است.

یکی دیگر از حوزه های مرتبط با رفتارهای پرخطر جنسی، انحرافات جنسی مطرح در آموزه های دینی است. پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان، به بیان و تعریف انحرافات، علل و آسیب های آن ها می پردازد. در میان آن ها، این سند توجه ویژه ای به خودارضایی و عوامل آن می نماید.

**سوم،** پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان با تمرکز بر دوران بلوغ، به ارائه آموزش به نوجوانان در دو زمینه ارتباط با جنس مخالف و انتخاب دوستان می پردازد.

پروتکل ابتدا به تبیین روابط دختر و پسر مجاز و غیرمجاز بر مبنای آموزه های دینی می پردازد و رابطه دختر و پسر غیرمجاز را بدین صورت تعریف می نماید: «رابطه ای است صمیمانه و گرم و اغلب پنهانی که احساسات و عواطف طرفین در این ارتباط، دخالت جدی دارد و نگاه آن دو به هم، نگاه جنسیتی باشد؛ نه نگاه پاک انسانی و اغلب از طریق دیدارهای مخفیانه، رد و بدل کردن نامه، تلفن و ... ایجاد می گردد»؛ از این رو رابطه دختر و پسر که نسبت خویشاوندی دارند و یا رابطه علمی، شغلی و اقتصادی بین پسر و دختر بی اشکال است. پس از تعریف روابط دختر و پسر در شکل مردود آن، سند معیارهای اخلاقی معاشرت را در ابعاد

<sup>1</sup> Iran National Center for AIDS Prevention



مختلف نگاه، پوشش، اندیشه و قلب، گفتار، رفتار می پردازد و سپس آسیب های ناشی از روابط پسر و دختر را ذکر می کند.

انتخاب دوستان در دوران بلوغ موضوع دیگری است که این سند بیان می کند. در فصل یازدهم این پروتکل (صص ۲۶۲-۲۴۹)، ضمن تاکید بر نقش نوجوانان بر پرورش رشد اجتماعی و اخلاقی یکدیگر، به تبیین دلایل نیاز به دوست (ص ۲۵۲)، معیارهای انتخاب دوست در نوجوان (ص ۲۵۳)، ضرورت کمک والدین به فرزندان در انتخاب دوست (ص ۲۵۵) و معرفی «ویژگی های دوست خوب و بد» (صرفاً بیان روایات، ص ۲۶۰) و پیامدهای آن می پردازد. لازم به ذکر است تمام موارد این فصل بدون اشاره به امر جنسی بیان می گردد.

**چهارم،** یکی دیگر از موضوعات مربوط به حوزه تربیت جنسی، موضوع رسانه و گسترش فناوری های نوین ارتباطی یعنی اینترنت است. فصل دوازدهم پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان به موضوع «تاثیر رسانه های جدید و کنترل نشده بر بلوغ» (صص ۲۹۶-۲۶۳) می پردازد. در این فصل به «برخی از چالش هایی که اینترنت می تواند در دوران بلوغ ایجاد می کند مانند گرایش به پورنوگرافی و مساله جنسی، کاهش تاثیرپذیری اطفال از والدین، ترویج فرهنگ غربی و ایجاد بحران هویت، تشویق به هنجارشکنی اجتماعی، اعتیاد به اینترنت و بازماندن از رشد علمی و جسمی، چت مهم ترین انگیزه نوجوانان در پر کردن اوقات فراغت» (صص ۲۷۱-۲۶۶) اشاره می شود. در میان چالش های بیان شده، این پروتکل با تفصیل بیشتری به مساله پورنوگرافی و فرآیند آن در تشویق نوجوان به رفتار جنسی اشاره می نماید و با ارائه پژوهش های داخلی و خارجی در جهت توجیه نوجوانان برای خودداری از پرداختن به این امر تلاش می نماید.

پروتکل علاوه بر اینترنت به سایر رسانه ها و مسائلی که برای نوجوان در ارتباط با امر جنسی ایجاد می نماید، اشاره می نماید. نخستین رسانه فراگیر که می تواند باعث بلوغ زودرس در نوجوان گردد، تلویزیون است (ص ۲۸۵) (البته شواهد پژوهشی مربوط به این نتیجه، پژوهش های خارجی است). دومین رسانه مورد اشاره این سند، ماهواره است (ص ۲۸۵) که علاوه بر تاثیرات خوب، با توجه به برنامه های آن می تواند تاثیرات منفی بر افکار و اعمال نوجوان داشته باشد. بلوتوث نیز فناوری مدرن و شومی (ص ۲۹۰) است که این پروتکل به غلبه وجهه غیراخلاقی این فناوری در ایران اشاره می نماید.

در نظر گرفتن تفاوت سطح رشدی انسان در سال های مختلف عمر او از ملاحظات ناظر به تربیت انسان از جمله تربیت جنسی است؛ سند مبانی نظری تحول بنیادین، رویکرد خود «در تربیت جنسیتی را رویکرد نرم یعنی با توجه به سطح رشد متربیین» (ص ۳۰۳) عنوان می کند. سطح رشدی اگر چه از وجوه طبیعی و بیولوژیک برخوردار است اما با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی دانش آموزان می تواند متفاوت باشد، از این رو باید به عنوان ملاحظه ای مرتبط با شرایط طبیعی و فرهنگی افراد لحاظ گردد.

در مجموع می توان گفت دانش ارائه شده در اسناد ایران در مرز ورود به ارائه دانش جنسی متوقف می گردد. در میان دوره های زندگی انسان به ارائه دانش جسمی برای دوران بلوغ مبتنی بر رویکرد جنسیتی و مهار و از میان مجموعه رفتارهای پرخطر نیز تنها به موضوع ایدز و بدون ورود به موضوع رفتار جنسی و کیفیت انتقال و به طور مجدد با تاکید بر خویشتن داری و مهار جنسی پرداخته می شود. ورود به موضوع ارتباطات نوجوان نیز در پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان بدون ارجاع و اشاره به رفتار

جنسی و از جهت نقش مقدماتی روابط فرد در ارتباط با رفتار جنسی، چنان چه در اسناد بین المللی بیان می گردد، است. توجه به موضوع رسانه ها نیز به بیان نقش منفی آن در ارتباط با امر جنسی خلاصه شده است.

#### ۴-۳-۲. توجه به ملاحظات فرهنگی و تاکید بر نظام معیار اسلامی

توجه به زمینه های فرهنگی امر جنسی یکی از مولفه های اساسی تربیت جنسی در هر کشوری با هر ویژگی هایی است، چرا که هر کشوری از الزامات فرهنگی خاصی در ارتباط با امر جنسی برخوردار است که تربیت بدون توجه به آن، غیرممکن است.

مراجعه به تعریف سند مبانی نظری تحول بنیادین از «حیات طیبه» (ص ۹۵) به عنوان هدف اصلی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور نشان می دهد نظام معیار اسلامی (سند تحول بنیادین، ص ۶) اصلی ترین ملاحظه فرهنگی کشور به شمار می آید؛ به طوری که تربیت متریبان در تمام ابعاد وجود آنان باید با در نظر گرفتن این امر صورت گیرد. در واقع در هم تنیدگی فرهنگ کشور و دین به نحوی است که نمی توان به راحتی آن ها را تفکیک کرد. آن چه باعث می شود رعایت معیارهای دینی ذیل مفهوم «فرهنگ» قرار گیرد، علاوه بر تعاریفی که دین و مذهب را یکی از ابزارهای غیررسمی انتقال فرهنگ (ژوزف<sup>۱</sup> و دیگران، ترجمه مهرمحمدی و دیگران، ۱۳۹۳) و به عبارتی ذیل فرهنگ قرار می دهند (باقری، ۱۳۶۹)، وجود نمونه هایی چون ازدواج موقت است که با وجود مشروعیت دینی به علت عدم پذیرش فرهنگی در کشور، هنوز امری پسندیده شمرده نمی شود. با این وجود از میان دین و فرهنگ جامعه، نظام معیار اسلامی غالب است و معیار سنجش امور قرار می گیرد. به همین دلیل این مولفه در اسناد ایران با تمرکز بر «ارائه» است نه «ارائه و ارزیابی».

نظام معیار اسلامی (دینی/ربوبی) در سند مبانی نظری تحول بنیادین «مبانی و ارزش های مبتنی بر دین حق یا سازگار با آن» (ص ۴۴۲) تعریف شده است. این نظام طبق بیانی که این سند در تحقق حیات طیبه دارد، مشتمل بر سلسله مراتبی از ارزش هاست که در وهله نخست، همه آن ها به لحاظ اهمیت و اولویت تحقق در یک سطح و مرتبه نیستند. ضمن این که پذیرش بخشی از ارزش های اساسی نظام معیار دینی متوقف به شناخت و انتخاب دین حق نیست؛ به عبارتی بخشی از ارزش های (مانند انصاف، آزادگی، عدالت ورزی، صداقت، وفای به عهد و امانت داری) ذیل نظام معیار اسلامی، جنبه ای همگانی دارد و با مراجعه به هر عقل سلیمی رعایت آن ها ضروری می آید. متاثر از به رسمیت شناختن دین و نظام معیار اسلامی به عنوان اصلی ترین ملاحظه فرهنگی ناظر به تربیت جنسی، چگونگی مواجهه با نیاز جنسی، مبانی، اصول و روش های تربیت جنسی، ارزش های ناظر به بعد جنسی از نظام معیار اسلامی بر می آید. نمود این امر را می توان در انتخاب خویشتن داری و ذکر ارزش های حیا و عفت در این اسناد مشاهده نمود.

رعایت ملاحظات جنسیتی، یکی دیگر از ملاحظات ناظر به امر جنسی است، به طوری که سند مبانی نظری تحول بنیادین، «رویکرد تربیت رسمی و عمومی را رویکرد تربیت جنسیتی» (ص ۳۰۳) عنوان می کند. رویکرد جنسیتی یکی از ملاحظات برآمده از معیارهای دینی است؛ چنان چه در رویکرد دینی، با تاکید بر اصالت روح انسان و خارج نمودن عنصر جنسیت از ذات انسان، تفاوت های جنسیتی اصیل شمرده نمی شود. در این رویکرد، جنسیت به عنوان یکی از ویژگی های بدن معرفی می گردد که به دلیل ارتباط بدن با روح،

<sup>1</sup> Joseph, Pamela Bolotin

تفاوت های جنسیتی تاثیر نسبی در حیات انسان ایفا می نماید (علم الهدی، ۱۳۸۳). در این رویکرد، تفاوت های میان زنان و مردان به گونه ای تبیین می گردد که این دو جنس مکمل و مایه آرامش یکدیگرند (شاهواروتی و دیگران، ۱۳۸۷) و همین امر موجب تکامل دو جنس در عرصه خانواده می گردد.

ازدواج تنها راهکار پاسخگویی به نیاز جنسی بر اساس نظام معیار اسلامی است، از این رو در این بخش با توجه چالش های موجود در این زمینه، بحثی ویژه ازدواج ارائه می گردد:

### ۱-۴-۳-۲. ازدواج در نظام معیار اسلامی

در جامعه اسلامی ایران، تنها راهکار مشروع و قانونی برای پاسخ به نیاز جنسی، ازدواج است؛ ازدواج و تشکیل خانواده یک اصل و ارزش اساسی در دین اسلام است. نمود این امر را می توان در سند مبانی نظری تحول بنیادین مشاهده نمود؛ «جهت گیری ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت برای عضویت فضیلت مدارانه در «خانواده صالح و جامعه صالح» است» (ص ۳۰۳). از این رو می توان گفت نهاد ازدواج و تشکیل خانواده علاوه بر اهمیت آن در پاسخگویی به نیازهای انسان برای تحقق اهداف فراتر از خود نیز اساسی تلقی می گردد.

موضوع ازدواج از دو زاویه نیازمند بررسی است:

**نخست**، طرح دو نوع ازدواج دائم و موقت در فقه اسلامی و حقوق مدنی کشور و ارجاع مکرر سند مبانی نظری تحول بنیادین به تحقق حیات طیبه بر مبنای نظام معیار اسلامی در تمام ابعاد وجودی انسان؛ دانش آموز هنگام مراجعه به معیارهای دینی ضمن مواجهه با اصل ازدواج به عنوان یک اصل اساسی برای پاسخگویی به نیاز جنسی و سایر نیازهای انسان با عنوان ازدواج موقت نیز به عنوان یک حلال اسلامی و ماده قانونی کشور مواجهه می شود. برخی از صاحب نظران بر ترویج ازدواج موقت برای حل مسائل جوانان در ارتباط با امر جنسی و پر کردن شکاف زمانی بلوغ تا ازدواج تاکید می نمایند. «متعه یا ازدواج موقت» اصطلاحی است که به عقد مخصوصی اشاره دارد که رابطه زوجیت را در مدت زمان مشخص و با مهریه به رسمیت می شناسد. متعه مطابق آیات قرآن، روایات و قانون مدنی مشروع و قانونی اعلام شده است. اصل اساسی در اسلام همان ازدواج دائم است (حاجی اسماعیلی و اسماعیلی، ۱۳۹۱) و حکم ازدواج موقت ناظر به موارد ضرورت به عنوان یک راهکار فرعی، اضطراری و خاص است (کلانتری، صادقی فسایی و رضایا، ۱۳۹۳) که برای پیشگیری از ارتکاب گناه تشریح و نه تشویق گردیده است (هاشمی، ۱۳۸۶).

ازدواج دائم، امر پذیرفته شده فرهنگی کشور است و تمام مسائل و جزئیات مطرح در مورد رابطه طرفین، حقوق آن ها، حقوق و وضعیت فرزندان مشخص است، اما در خصوص ازدواج موقت با مسائل و چالش های زیادی مواجهیم. علت اصلی وجود این چالش ها، مشخص نبودن سازوکارهای ازدواج موقت است؛ یعنی در حالی به عنوان یک راهکار اضطراری معرفی می گردد که به بعد اجتماعی امر جنسی در مورد آن توجهی نشده است و از منظری فردی و بین فردی بررسی شده است، در حالی که توجه به بعد اجتماعی امر جنسی موجب طرح چالش های مختلفی از جمله موارد زیر می گردد:

- ۱- در صورت رواج چنین امری، اجرای این حکم برای چه کسانی توصیه می شود؟ پسران مجردی که امکان ازدواج دائم برایشان فراهم نیست؟ در این صورت چه پاسخی برای دختران مجردی که امکان ازدواج دائم ندارند و احساس نیاز جنسی یا عاطفی می نمایند، وجود دارد؟ در این صورت باید با ارزش اجتماعی بکارت دختران چه کرد؟ سوال دیگر اینست که پسران و دختران در چه محدوده سنی مجاز به ازدواج موقت هستند؟
- ۲- ضمانت موفقیت اجرای چنین حکمی برای کم کردن چالش های جوانان چیست؟ اگر جوانی با ترویج چنین حکمی دچار تنوع طلبی جنسی گردید، راه حل چیست (کریمی، ۱۳۸۷)؟ اگر استفاده از این حکم برای فرار از وظایف ازدواج دائم صورت گیرد، نهاد اساسی خانواده در جامعه چه می شود (کلانتری، صادقی فسایی و رضایا، ۱۳۹۳)؟ اگر ترویج چنین امری در جامعه موجب بدبینی دختران و پسران به یکدیگر در امر ازدواج دائم گردد، برای هدف اصلی یعنی کمک به جوانان چه اتفاقی می افتد؟ مساله ترویج چنین امری دارای ابعاد گسترده ای نظیر فرهنگ، خانواده ها، فرزندان حاصل از چنین ازدواجی و ... است که باید مورد بحث و تصمیم گیری قرار گیرد. از سوی دیگر تا زمانی که تمام اقدامات لازم برای ازدواج دائم جوانان صورت نگرفته است، صحبت از چنین امری درست است؟ به عبارتی علت اصلی طرح چنین امری در جامعه فاصله طولانی بلوغ تا ازدواج جوانان است، چرا آموزش ها و شرایط مناسب برای ازدواج جوانان فراهم نمی گردد؟
- ۳- اگر مساله اصلی برای ترویج چنین حکمی نیاز جنسی پسران مجرد است، تکلیف ارزش انسانی زنان و نظر آنان چه می شود؟ به احتمال زیاد زنانی حاضر به این نوع ازدواج می شوند، اما دلیل آنان برای چنین کاری چیست؟ دریافت مهریه و به عبارتی تامین مالی؟ ارضای نیاز جنسی؟ یا ارضای نیازهای عاطفی؟ در روانشناسی زنان برای برقراری رابطه جنسی، علت اصلی به نیازهای عاطفی آنان باز می گردد، در چنین ازدواجی چه میزان امکان تامین چنین نیازی برای زنان وجود دارد؟ آیا این خود باعث احساس شکست بیشتر در زنان نمی گردد؟ اگر چنین کاری منبعی برای درآمد برخی زنان گردد، تکلیف چیست؟ در این صورت، چه میزان امکان اجرای کامل حکم ازدواج موقت با توجه به وجوب رعایت عده در چنین ازدواجی وجود دارد؟ چنانچه کلانتری، صادقی فسایی و رضایا (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان می دهند نیاز اقتصادی در صدر زمینه های ازدواج موقت از سوی افراد فاقد این تجربه عنوان می گردد و نیاز به عشق، تعلق و ایمنی در میان زنان با تجربه متعه به عنوان مهم ترین نیاز اساسی عنوان می گردد. آیا این مساله نشان دهنده عدم ارضای نیازهای اساسی زنان نیست؟ ترویج این حکم با وجود این مساله موجب آشفتگی بیش از حد زنان با امتحان متعه برای پاسخگویی به این نیاز نمی شود؟
- ۴- تعارض دیگر، صحبت از ترویج حکم ازدواج موقت در جامعه در عین مخالفت شدید با ارائه آموزش هایی به دانش آموزان و جوانان برای شناخت بعد جنسی خود و یادگیری مواجهه صحیح با این بعد با رعایت معیارها و موازین اسلامی است. هنوز در اسناد کلان کشور و حتی سند ویژه سلامت نوجوانان و جوانان صحبت مشخصی از امر جنسی وجود ندارد و در خصوص این مساله از واژه «هوس» استفاده می گردد، بنابراین چگونه از پاک و سالم بودن نیاز جنسی

و به تبع ضرورت ترویج حکم ازدواج موقت سخن گفته می شود؟ در صورتی که یکی از استلزامات جدی ازدواج موفق مطابق نظرات روانشناسان و کارشناسان حوزه خانواده، برقراری یک رابطه جنسی مناسب و مطلوب طرفین است. بنابراین با فرض خویشتن داری تا زمان ازدواج و مسکوت نگاه داشتن مدارس و فضای جامعه در ارائه اطلاعات حوزه تربیت جنسی چه ضمانتی برای موفقیت ازدواج ها وجود دارد؟ با توجه به این که امر تربیت امری تدریجی و نه دفعی است و آثار ناشی از سکوت نظام تربیتی در ارتباط با امر جنسی چگونه با ازدواج رفع خواهد شد.

۵- در صورت تایید و ترویج ازدواج موقت و ارضای نیاز جنسی جوانان بدون تربیت جنسی صحیح افراد، چه تضمینی در مورد حفظ سلامت افراد از ویروس اچ.آی.وی و سایر عفونت های منتقله جنسی وجود دارد (کریمی، ۱۳۸۷)؟

**دوم،** معنا پیدا کردن عرف و ملاحظات فرهنگی ذیل نظام معیار اسلامی موجب می گردد زاویه پیدا کردن عرف و نظام معیار اسلامی ما را در عمل به نظام معیار اسلامی با ابهام مواجه می سازد. به عنوان نمونه تصویر زن در رابطه جنسی مطابق احادیث و تصویر عرف امروز از زن در رابطه جنسی دو امر متفاوت است، عرف امروز، برابری زن و مرد در رابطه جنسی و ابتناء آن بر گفتگو برای رضایت طرفین را مطالبه می کند و همین امر موجب ایجاد مسائل بسیاری در خانواده ها و نظام ازدواج شده است. از سوی دیگر با محوریت نظام معیار اسلامی، هر امکان دیگری رد می شود، در حالی که تلاش برای نظام مند کردن نظام معیار اسلامی در زمینه تربیت جنسی با توجه به وضعیت امروز جامعه نشده است.

### ۵-۳-۲. تقویت مهارت تصمیم گیری

در اسناد ایران به جای ذکر صریح مهارت های مختلف، با اشارات جزئی به این مهارت ها و گاه با ذکر واژه ای دیگر مواجهیم. در سند مبانی نظری تحول بنیادین ذیل حوزه سلامت و تربیت بدنی با مفهوم «شایستگی های پایه» روبرو هستیم. مفهوم «شایستگی» در پیوست شماره ۲ سند مبانی نظری تحول بنیادین این گونه تعریف شده است: «منظور از شایستگی، مجموعه ای ترکیبی از صفات، توانمندی ها و مهارت های ناظر به همه جنبه های هویت (عقلانی، عاطفی، ارادی و عملی) است، که متریبان در جهت درک و عمل برای بهبود مستمر موقعیت خود (برای دست یابی به مراتب حیات طیبه) باید آن ها را «کسب» نمایند» (ص ۴۳۷). پس از تعریف این مفهوم، سند از دو نوع شایستگی پایه و ویژه سخن می گوید. از میان این دو نوع، اگر بخواهیم شایستگی های مرتبط با تربیت جنسی را جایابی نماییم، باید آن ها را ذیل شایستگی های پایه قرار داد، زیرا سند، شایستگی های پایه را آن دسته از صفات و توانمندی ها و مهارت ها می داند «که متریبان باید آن ها را برای وصول به مرتبه ای لازم یا شایسته از آمادگی عموم افراد جامعه برای تحقق حیات طیبه کسب کنند...» (ص ۴۳۷)، در حالی که شایستگی های ویژه مطابق این سند، بالاتر از سطح آمادگی همگان است و افراد بنابر علاقه و استعداد های خاص خود می توانند آن ها را کسب نمایند. با این تعریف از هر دو سطح شایستگی ها، با توجه به ضرورت شایستگی های مرتبط با امر جنسی برای همگان و عدم ارتباط آن به علاقه یا استعداد های خاص، در زمره شایستگی های پایه قرار داده می شوند.

در اسناد ایران مانند اسناد بین المللی مهارت های مشخص و مصطلح عنوان نمی گردد که بتوان با رجوع به تعاریف مشخص آنان حوزه کار را دریافت، بلکه در اسناد ایران بیشتر با کلیاتی مواجهیم که در برخی موارد شبیه مولفه های استخراجی از اسناد بین المللی است. تنها مهارت مرتبط با امر جنسی که در اسناد ایران موجود است، مهارت تصمیم گیری است. این مولفه تنها در پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان بیان شده و از جهت پردازش نیز مولفه پرننگی نیست.

پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان یکی از مهارت های ضروری برای پیشگیری از بیماری ایدز را پرورش مهارت تصمیم گیری عنوان می نماید و آن را «فرآیند انتخاب یک گزینه از بین گزینه های دیگر» (ص ۳۲۷) تعریف می نماید؛ چرا که در برخورد با هیجانات زندگی، انسان با گزینه های مختلفی رو به رو است که الزاما همه آن ها به طور مطلق خوب یا بد نیستند. ضمن اینکه انتخاب هر گزینه پیامدهایی دارد که گاه می تواند سرنوشت ساز باشد؛ به همین دلیل فرد باید بتواند با لحاظ پیامدهای گزینه های مختلف، یکی را انتخاب نماید.

### ۲-۳-۶. تقویت مسئولیت پذیری

آخرین مولفه ناظر به تربیت جنسی در اسناد ایران، پرورش مسئولیت پذیری است؛ این مولفه نیز تنها در پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان و تنها در وجه فردی به رسمیت شناخته می شود؛ زیرا اساسا صحبت از مسائل و رفتار جنسی در جامعه ایران ممنوع است و جایی برای ابراز مسئولیت پذیری اجتماعی در ارتباط با امر جنسی مطابق تعریف استاندارد آن وجود ندارد.

پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان ذیل بحث مربوط به بیماری ایدز بیان می کند: «ما علاوه بر مسئول بودن نسبت به خود، مسئول سلامت دیگران نیز هستیم و نباید جان آن ها را مخاطره بیندازیم» (ص ۳۲۶). این پروتکل فرد را در برابر حفاظت سایر مردم از ویروس اچ.آی.وی و سایر بیماری ها با آگاه ساختن والدین یا سایر بزرگسالان مورد اعتماد و مطلع هنگام انجام رفتارهای مخاطره آمیز از سوی برخی افراد مسئول می داند. این امر بیش از آن که نشان دهنده مسئولیت فرد در برابر اهداف جامعه باشد، نشان دهنده مسئولیت فرد در حفاظت از سلامت دیگران است که ذیل مسئولیت پذیری فردی قرار می گیرد.

جدول زیر (۳-۵)، مولفه های به دست آمده از اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران را نشان می دهد:

مولفه های تربیت جنسی در اسناد ایران	مولفه های تربیت جنسی در اسناد بین المللی
- حفظ کرامت نفس	- چند بعدی بودن امر جنسی
- مهار و کنترل خویشتن	- دانش جنسی
- دانش جسمی و جنسیتی	- حساسیت جنسی
- توجه به ملاحظات فرهنگی و تاکید بر نظام معیار اسلامی	- تقویت تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی
- تقویت مهارت تصمیم گیری	- تقویت قابلیت گفتگو
- تقویت مسئولیت پذیری	- تقویت قدرت تصمیم گیری
	- تقویت استقلال از دیگران
	- تقویت مدیریت خود
	- ارائه و ارزیابی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی ناظر به امر جنسی
	- احترام به خود و دیگران
	- تقویت مسئولیت پذیری

### ۳. بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی بر اساس اسناد بین المللی و اسناد ایران

پس از تبیین مولفه های تربیت جنسی، در این بخش به دنبال پاسخ گویی به قسمت اول سوال سوم پژوهش یعنی بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی بر اساس اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران هستیم. تطبیق مولفه ها در این بخش، در چهار قسمت ارائه می گردد، زیرا برخی مولفه ها در اسناد ایران یا اسناد بین المللی غائب است، برخی مولفه ها در اسناد ایران کمرنگ تر از اسناد بین المللی است و برخی مولفه های موجود در هر دو سند، از تفاوت بنیادی با یکدیگر برخوردارند. در کنار ارائه تطبیق تلاش می نماییم دلایل و تبعات هر قسمت را نیز بررسی نماییم.

#### ۳-۱. مولفه های غائب در اسناد آموزش و پرورش ایران

تطبیق مولفه های به دست آمده از اسناد بین المللی و اسناد ایران در کنار اشتراک برخی مولفه ها، نشان دهنده غیاب برخی مولفه ها در مجموعه به دست آمده بر اساس اسناد آموزش و پرورش ایران است. این مولفه ها عبارتند:

##### ۳-۱-۱. چند بعدی بودن امر جنسی

نخستین مولفه ای که در اسناد ایران دیده نمی شود، «چند بعدی بودن امر جنسی» است. این مولفه چنان چه در اسناد بین المللی توضیح داده شد، متضمن در نظر گرفتن نقشی سازنده برای ابعاد عاطفی، اجتماعی، عقلانی، روانی در ارتباط با امر جنسی و به تبع آن در تربیت جنسی است. این نگاه به بعد جنسی به عنوان یکی از ابعاد وجود انسان موجب می گردد امر جنسی به عنوان امری انسانی با پیچیدگی های خاص

انسان نگرسته شود نه صرفا در فرآیند مکانیکی و جسمی. از سوی دیگر در تربیت این بعد از وجود انسان با توجه به ملاحظات و دشواری های عصر حاضر در ارتباط با امر جنسی می توانیم با مدد گرفتن از سایر ابعاد سازنده آن، امکان های مناسب تری برای متربیین فراهم نماییم. در حالی که در اسناد ایران، تنها بر تاثیر ابعاد مختلف وجود انسان و لزوم توجه هماهنگ و متعادل با ساحات مختلف تربیت توجه شده است. تک بعدی دیدن امر جنسی موجب می گردد افراد به محض دارا شدن توانایی جسمی خود را لایق ارتباط جنسی با دیگری بینند، در صورتی که برقراری رابطه جنسی بدون بلوغ عاطفی و عقلی به سلامت فرد آسیب می زند و توجه به ابعاد مختلف امر جنسی کمک می نماید افراد بیشتری با داشتن آگاهی های لازم تا سن مناسب، با روش های مختلفی که به وی ارائه می گردد، خویشتن داری نمایند.

### ۲-۱-۳. حساسیت جنسی

دومین مولفه غائب در تطبیق مولفه های اسناد بین المللی و ایران، مولفه حساسیت جنسی است. در این مولفه از تربیت جنسی تلاش می نماییم افراد بتوانند امر جنسی را به عنوان یکی از جوانب ارتباط خود با دیگری در نظر گرفته و متوجه امکان آسیب پذیری از این ناحیه باشند. روشن است که ایجاد حساسیت افراطی موجب ایجاد نگاهی کاملا جنسی در روابط و آسیب به فرد خواهد شد، اما تلاش اسناد بین المللی در جهت توجه دادن دانش آموزان به امر جنسی و امکان آسیب پذیری و مبتنی بر آن ایجاد انگیزه در دانش آموزان برای آموزش در این زمینه است. با پرورش چنین ویژگی، فرد می تواند در مراحل مقدماتی ایجاد خطر با ارائه آموزش های دیگر، خود را از موقعیت خارج نماید و از عواقب بعدی پیشگیری نماید. در حالی که گفتمان سکوت و انکار در جامعه ایران، صرفا فرد را به دوری از امر جنسی و مهار نفس امر می نماید. در این گفتمان ضمن ایجاد نگاهی توهم گونه نسبت به امر جنسی، فرد به دلیل عدم آگاهی از آسیب پذیری و کیفیت آن، به سمت فهم از طریق تجربه قدم بر می دارد که می تواند آسیب های جدی به فرد وارد نماید. از سوی دیگر در صورت وارد آمدن آسیب نیز مرجعی برای حل مشکل فرد وجود ندارد که باعث وخیم تر شدن مشکلات فرد گردد.

### ۳-۱-۳. تقویت تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی

یکی دیگر از مولفه های غائب در تطبیق اسناد است. این مولفه در جهت توجه به ابعاد عقلانی، عاطفی و رفتاری ناظر به امر جنسی است و تلاش می نماید فرد قادر گردد در مواجهه با انفجار اطلاعات در دنیایی مملو از اشارات جنسی، به ارزیابی اطلاعات و منابع اطلاعاتی با توجه به معیارهای سلامت جنسی که در این اسناد ارائه می گردد، بپردازد. ضمن اینکه منابع اطلاعاتی معتبر به دانش آموزان معرفی می شود.

در سوی دیگر، سکوت و عدم گفتگو با دانش آموزان در ارتباط با امر جنسی در وهله نخست موجب ایجاد و رواج نگاهی اشتباه در پسران و دختران نسبت به بدن زیبا با توجه به منابع اطلاعاتی مردود و تجارب اشتباه افراد می شود. در خصوص تصویر بدن به عنوان یکی از موضوعات مرتبط با امر جنسی، پژوهش های مختلفی رابطه مثبت معنادار تصویر بدن به عنوان یک سازه روان شناختی چندبعدی و پیچیده را با رضایت زناشویی در زوجین (ابوالقاسمی، کیامرثی و سهرابی، ۱۳۹۱)، با سازگاری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان (صدیقی ارفعی، تمنائی فر و منصوره نیک، ۱۳۹۰) نشان می دهند. ضمن اینکه احساسات منفی درباره



بدن موجب تجربه عواطف منفی و عزت نفس پایین می شود. پژوهش بشرپور (۱۳۹۴) نیز، نقش باورهای غیرمنطقی و نگرش های جنسیتی در نگرانی های تصویر بدنی زنان را نشان داده و بیان می کند این مساله در گرایش زنان به اهمیت به ظاهر خود برای جذاب کردن خود برای مردان موثر است. از سوی دیگر پژوهش موحد، محمدی و حسینی (۱۳۹۰) نشان می دهد با افزایش استفاده از رسانه ها (خصوصا ماهواره و فیلم و سی دی)، افراد بیشتر در معرض احساس نامطلوب و نارضایتی نسبت به بدن های خود قرار می گیرند. بنابراین بی اعتنایی و سکوت در مورد اطلاعات ارائه شده در رسانه های داخلی و مجاز و رسانه های دیگر صرفا موجب ناآگاه ماندن متریبان نمی گردد، بلکه در دنیای امروز با فراهم بودن زمینه دسترسی سریع و آسان به منابع اطلاعاتی گوناگون، تغافل مسئولان امر نسبت به این مساله موجب وارد آمدن آسیب های جدی در تمام ساحات تربیت خواهد شد و شاید بتوان گفت اساسا امر تربیت را با بن بست مواجه خواهد کرد، زیرا کانال های ورودی وجود فرد برای جذب ارزش ها و باورهای ارائه شده در نظام آموزش و پرورش مسدود است.

#### ۴-۱-۳. تقویت قابلیت گفتگو

از دیگر مولفه های غایب در تطبیق اسناد، پرورش قابلیت گفتگو است. رابطه جنسی به عنوان یکی از اشکال ارتباط انسانی به مهارت گفتگو نیاز دارد؛ هر چند محور این رابطه میان دو طرف مشترک و مربوط به امر جنسی است، اما چند مساله پرورش قابلیت گفتگو را ضروری می سازد؛ نخست، رابطه جنسی بدون مقدمه و هیچ نوع گفتگویی با طرف مقابل قادر به شکل گیری نیست؛ بلکه به دلیل برخورداری از بعد عاطفی مستلزم شکل گیری نوعی ارتباط عاطفی با دیگری و بالتبع گفتگو جهت برقراری ارتباط با دیگری است، دوم، گرچه موضوع ارتباط میان طرفین آن به عنوان دو انسان مشترک است، اما ممکن است خواسته های دو طرف به واسطه جنسیت یا امر دیگری در این ارتباط با یکدیگر متفاوت باشد یا ارتباط محتاج در نظر گرفتن ملاحظات ویژه ای باشد که گفتگو را ضروری می سازد (به عنوان نمونه فرد مبتلا به ایدز)، سوم، فراتر از نیاز به گفتگو در مورد ارتباط جنسی میان دو نفر، فرد برای حل مسائل مربوط به امر جنسی نیاز به در میان گذاشتن آن ها با والدین یا مشاور مدرسه یا بزرگسال مورد اعتماد دارد که این امر نیازمند برخورداری از مهارت گفتگو ناظر به امر جنسی است.

رواج ارتباط جنسی خارج از چارچوب های نظام معیار اسلامی و تضعیف حیا در کلام و رفتار افراد در سطح جامعه، نگرانی های به جایی است که مسئولان امر در خصوص گفتگو در ارتباط با امر جنسی دارند، اما مسائل و آسیب های وارده به متریبان با گفتمان سکوت و انکار نگرانی به جای دیگری است که نمی توان از آن چشم پوشید، خصوصا در دنیای سریع و سهل امروز در ارتباط با امر جنسی و نوجوانان و جوانانی که به راحتی می توانند در پس پرده این گفتمان به انواع مسائل و مشکلات دچار شوند. بنابراین بهتر است به جای پناه گرفتن در سنگر سکوت و مبارزه با هر نوع راهبردی ورای این گفتمان، به سایر امکان های متناسب با نظام معیار اسلامی و شرایط موجود جامعه اندیشیده و مسئولیت خود را در برابر امر جنسی متریبان پذیرفته و بدان عمل نماییم. ضمن این که به نظر نمی رسد اصل گفتگو در خصوص امر جنسی در قرآن به عنوان کتاب مسلمین یا روایات بدین صورت نگریسته شود؛ چنان چه تبیین مفهوم حیا و عفت به عنوان راهبردهای اصلی مواجهه به امر جنسی در اسناد ایران نشان می دهد، این راهبردها می تواند عرصه کلام انسان را نیز شامل

شود. بنابراین می توانیم در این عرصه گفتگوی همراه با حفظ حیا و پرده پوشی را همان طور که قرآن از آن استفاده می نماید، پیاده نماییم.

### ۵-۱-۳. تقویت استقلال از دیگران

مولفه مهم دیگری که در تطبیق اسناد غائب است، ناظر به پرورش استقلال از دیگری است. این مولفه ناظر به این معناست که انسان از دیگری که می تواند دوست یا رسانه یا اطلاعات ارائه شده در هر منبعی باشد، تاثیر می پذیرد و نمی توان منکر تاثیر پذیری انسان شد، اما می توان توانایی فرد در مقاومت در برابر نظر و عمل دیگران را افزایش داد تا در موقعیت های مخاطره آمیز برای سلامت جنسی فرد، بتواند به صراحت نه گفته و نظر خود مستقل از دیگران را داشته و بدان عمل نماید.

فرد بدون برخوردار از استقلال از دیگران در تمام موقعیت هایی که به نوعی خوشایند وی نیست، یا می داند نادرست است، به دلیل ترس از دست دادن دوستی یا برچسب خوردن در مسیری که مردد است یا می داند نادرست است، گام بر می دارد، در صورتی که پرورش این قابلیت به متریان کمک می نماید در موقعیت های مرتبط با امر جنسی به نظرات و عمل درست پایبند بوده و متزلزل نباشند. عدم وجود چنین قابلیت در متریان خصوصا در سنین نوجوانی و جوانی با تاثیرپذیری بالای آنان از دوستان، همسالان و رسانه ها چنان که اسناد ایران به خصوص پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان در سنین بلوغ بدان اشاره می نماید، می تواند زمینه ایجاد خطرات جدی به سلامت جنسی افراد را فراهم نماید.

### ۲-۲. مولفه های مشترک با قوت کمتر در اسناد ایران

تطبیق مولفه های به دست آمده از اسناد بین المللی و اسناد ایران، نوع دیگری از ارتباط میان مولفه ها را نشان می دهد که ناظر بر اشتراک مولفه های به دست آمده است، اما این مولفه ها در اسناد ایران کمرنگ تر است، یا در عین شباهت در عنوان مولفه ها، حوزه های متفاوتی را در بر می گیرند. این مولفه ها عبارتند از:

#### ۱-۲-۲. دانش جنسی / دانش جسمی و جنسیتی

نخستین مولفه مشترک با حوزه متفاوت در اسناد بین المللی و اسناد ایران، مربوط به ارائه دانش است. دانش در اسناد بین المللی با توجه به مولفه چند بعدی بودن امر جنسی یعنی ناظر به امر جنسی ارائه می گردد. از این رو در این اسناد دانش در زمینه جسمی امر جنسی مانند؛ آناتومی و فیزیولوژی جنسی، بارداری، پیشگیری از بارداری، بیماری های مرتبط با امر جنسی به ویژه ویروس اچ.آی.وی/ایدز، زمینه عاطفی امر جنسی مانند؛ عشق و رفتار جنسی، زمینه اجتماعی امر جنسی مانند؛ ارتباط، دوست، ارتباط سالم/ناسالم، دوست خوب/بد، هنجارها و کلیشه های مرتبط با امر جنسی، خانواده، رسانه و زمینه عقلانی امر جنسی در پرورش قابلیت تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی در دانش آموزان است.

در اسناد ایران، دانش ارائه شده در مرز ورود به ارائه دانش جنسی متوقف می گردد؛ از این رو در اسناد ایران شاهد ارائه اطلاعات در حوزه مسائل جسمی دوران بلوغ مبتنی بر تفاوت های جنسیتی هستیم. یعنی هر جنس اطلاعات مربوط به خود را در زمینه بلوغ دریافت می نماید. در ارتباط با امر جنسی نیز صرفا

اطلاعاتی ناظر به مهار و کنترل جنسی ارائه می‌گردد. حرکت در سایر زمینه‌های مرتبط با امر جنسی نیز در مسیر راهبرد اصلی اسناد یعنی مهار و کنترل جنسی است. در حالی که پژوهش‌های مختلفی نشان دهنده ارتباط جنسی دانش‌آموزان است و سکوت مسئولان امر در خصوص تربیت دانش‌آموزان بیش از پیش سلامت دانش‌آموزان را تهدید خواهد کرد، در حالی که طراحی بسته آموزشی مبتنی بر نظام معیار اسلامی و در جهت تقویت خویشتن‌داری در آنان، نسل سالم تری تربیت خواهد کرد. از سوی دیگر در حال حاضر دانش‌آموزان اطلاعات خود را از منابع نامعتبر و تجارب اشتباه همسالان دریافت خواهد کرد.

## ۲-۲-۳. ارائه و ارزیابی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی ناظر به امر جنسی / توجه به

### ملاحظات فرهنگی و تاکید بر نظام معیار اسلامی

دومین مولفه مشترک با گستره حوزه متفاوت در اسناد ناظر به ملاحظات فرهنگی مرتبط با امر جنسی است. این مولفه در اسناد بین‌المللی به تاثیر مثبت و منفی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و پرورش مهارت‌های ارزیابی این هنجارها در دانش‌آموزان می‌پردازد. علاوه بر این تلاش می‌گردد برخی ارزش‌های ثابت مانند ارزش انسان، احترام به افراد، برابری، مسئولیت‌پذیری در برابر امر جنسی ناظر به خود، دیگران و جامعه، سلامت جنسی در دانش‌آموزان نهادینه گردد و دانش‌آموزان در جهت ارزیابی هنجارهای مخالف این ارزش‌ها توانا شده و بتوانند به صورت عملی نیز واکنش نشان دهند.

در اسناد ایران این مولفه با توجه به مفهوم حیات طیبه و سلسله مراتب ارزش‌های تحقق‌بخش این مفهوم تبیین می‌گردد؛ و نظام معیار اسلامی به عنوان اصلی‌ترین هنجارساز اجتماعی و فرهنگی مرتبط با امر جنسی معرفی می‌گردد. علاوه بر این ملاحظات فرهنگی کشور نیز باید مورد توجه متریبان قرار گیرد. بنابراین این مولفه در ایران ناظر بر حفظ کرامت نفس از طریق مهار و کنترل خویشتن است. در کنار این انتظار می‌رود دانش‌آموزان در مقابل تاثیرات منفی دوستان، همسالان و رسانه‌ها نیز توانایی مهار و کنترل خویشتن را داشته باشند. به عبارت دیگر شناخت آموزه‌های دینی و فرهنگی در ارتباط با امر جنسی برای تحقق هدف تربیت جنسی مطابق اسناد ایران کفایت می‌کند.

## ۳-۲-۳. تقویت قدرت تصمیم‌گیری / تقویت مهارت تصمیم‌گیری

سومین مولفه مشترک در اسناد، ناظر به توانایی تصمیم‌گیری در فرد است. این مولفه نیز در عین اشتراک در اسناد بین‌المللی و اسناد ایران، به لحاظ گستره مفهومی در این اسناد متفاوت است.

در اسناد بین‌المللی با توجه به مولفه «پرورش مدیریت خود»، قدرت تصمیم‌گیری در فرد از اهمیت بالایی برخوردار است؛ در این اسناد انتظار داریم در موقعیت‌های مرتبط با امر جنسی، فرد با توجه به ارزش‌های بیان شده بتواند تصمیم مناسبی اتخاذ و خود را مدیریت نماید. مدیریت خود در این اسناد به شکل‌های متفاوتی می‌تواند اظهار شود، بنابراین توانایی فرد در اتخاذ تصمیم مناسب در هر کدام از اشکال مدیریت خود در ارتباط با امر جنسی نقش ویژه‌ای دارد و اساساً به عنوان یک موضوع ویژه در این اسناد به این توانایی پرداخته شده است.

در اسناد ایران، به نظر می‌رسد تصمیم‌گیری به معنای کنترل و مهار خود در تمام موقعیت‌های مرتبط با امر جنسی است و چنان‌چه بیان گردید این مهارت تنها در پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان و به صورت محدود و کم‌رنگ مطرح و تعریف شده است و برخلاف اسناد بین‌المللی که مراحل تقویت این توانایی را در دانش‌آموزان بیان می‌کنند، مشخص نیست تقویت این مهارت باید طی چه فرآیندی صورت گیرد.

#### ۴-۲-۳. تقویت مسئولیت‌پذیری

آخرین مولفه مشترک در اسناد بین‌المللی و اسناد ایران که از گستره مفهومی متفاوتی در این اسناد برخوردار است، ناظر به تقویت مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان است.

مولفه «تقویت مسئولیت‌پذیری» در ارتباط با امر جنسی در اسناد بین‌المللی در برابر خود، دیگران و جامعه تعریف شده و مصادیق اعمال آن در حوزه‌های مختلف تربیت جنسی روشن می‌گردد، در حالی که این مولفه در اسناد ایران، نه تنها مولفه کم‌رنگی به شمار می‌آید، بلکه تنها حوزه مسئولیت‌پذیری فردی یعنی ناظر به خود و دیگری را در بر می‌گیرد.

#### ۴-۳. مولفه‌های با مبنای متفاوت در اسناد بین‌المللی و ایران

تطبیق برخی مولفه‌های موجود در اسناد نشان‌دهنده مولفه‌هایی با مبنای متفاوت در این اسناد است. مولفه «کنترل و مهار خویشتن» در اسناد ایران و «پرورش مدیریت خود» در اسناد بین‌المللی در این بخش قرار می‌گیرد.

#### ۱-۳-۳. احترام به خود و دیگران / حفظ کرامت نفس

اسناد بین‌المللی مبتنی بر ارزش انسان بر لزوم احترام به خود و دیگران صرف نظر از جنسیت، نژاد، دین، گرایش جنسی، اظهارات جنسیتی و وضعیت سلامت تاکید می‌نمایند، در حالی که مهم‌ترین و نخستین مولفه برآمده از اسناد ایران دال بر حفظ کرامت نفس اعطایی از جانب خداوند است. درک کرامت نفس موجب هموار شدن مسیر دست‌یابی به راهبردهای مطرح در اسناد ایران ناظر به امر جنسی مانند حیا و عفت می‌گردد، از سوی دیگر از خود معنا پیدا کند؛ از این رو ارزش‌های ناظر به کرامت انسان در ارتباط با امر جنسی باید در ارتباط با خداوند تعریف گردد، به همین دلیل انسان باید از اعمال، رفتارها و موقعیت‌هایی که کرامت نفس وی را به خطر می‌اندازد، دوری کند. بنابراین این دو مولفه از مبنایی متفاوت برخوردارند.

در اهمیت مولفه حفظ کرامت نفس هیچ تردیدی وجود ندارد، اما مساله اساسی فرآیند رسیدن فرد به این باور است که نفس و وجود وی از کرامت برخوردار است. روشن است در صورت عدم باور فرد، رواج گزاره‌های مبنی بر کرامت انسان، تأثیری در اعمال و رفتارهای فرد ندارد. بنابراین با توجه به مولفه‌های مطرح در اسناد آموزش و پرورش ایران، باید تلاش کرد متریبان به چنین باوری از خود برسند. ضمن اینکه عملکرد نظام تعلیم و تربیت کشور با دانش‌آموزان تأثیر مهمی در باور فرد دارد، بدین معنا که اگر عملکرد آن متضمن رفتار کرامت‌مدارانه با متریبان نباشد، به منزله نقض غرض نظام آموزش و پرورش کشور در تربیت است.

در مجموع می توان گفت ضمن توجه به کرامت نفس و لزوم حفظ آن باید کرامت انسان های دیگر نیز در ارتباط با امر جنسی مورد تاکید گیرد. با توجه به تعریف سند مبانی نظری تحول بنیادین از نظام معیار اسلامی به «مبانی و ارزش های مبتنی بر دین حق یا سازگار با آن» (ص ۴۴۲)، امکان پذیرش این مولفه با توجه به موارد مختلف ذیل آن مورد بررسی قرار می گیرد:

نخست، تنها الگوی دو قطبی زنانه-مردانه در خصوص ارتباط جنسی پذیرفته شده است؛ از این رو سایر گرایش های جنسی، مردود و به هیچ وجه مورد احترام نیست. چنان چه پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان هم جنس خواهی مردان، زنان و استمناء را از جمله انحرافات مطرح در متون اسلامی و دینی عنوان می نماید (ص ۱۷۵).

دوم، نظام معیار اسلامی و عرف کشور ضمن تاکید بر انسانیت به عنوان وجه مشترک افراد، الزامات و ملاحظات خاصی در خصوص اظهارات جنسیتی دارد که در چارچوب آن احترام به دیگران مطرح می گردد، به عنوان نمونه «مبدل پوشی یعنی پوشیدن لباس های زنانه توسط مردان و برعکس» (ص ۱۷۵) به عنوان یکی از انحرافات مطرح متون اسلامی در پروتکل الحاقی نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان مطرح می گردد، به همین دلیل می توان گفت اظهار جنسیت در جامعه اسلامی از ضوابطی پیروی می کند که افراد باید آن ها را رعایت نمایند، در این میان، افراد تحت شمول تغییر جنسیت، به دلیل قطعیت علم پزشکی و شریعت اسلامی در مورد چنین افرادی محترم و در چارچوب قواعد فقهی و حقوقی کشور باید عمل نموده و پس از آن با جنسیت جدید شناسایی می گردند (باریکلو، ۱۳۸۲)،

سوم، وضعیت سلامت و بیماری انسان ها تغییری در لزوم احترام به انسان ها ایجاد نمی کند. بیانیه ارزش های منشور حقوق بیمار (۱۳۸۸) به صراحت بر این امر تاکید می نماید: «یکایک افراد جامعه متعهد به حفظ و احترام به کرامت انسان ها می باشند. این امر در شرایط بیماری از اهمیت ویژه ای برخوردار است». بنابراین اصل اساسی احترام به همه انسان هاست و بیماری نه تنها خللی به این اصل وارد نمی نماید، بلکه فرد را در شرایطی با ملاحظات ویژه قرار می دهد.

چهارم، رنگ و نژاد نیز تغییری در وضعیت احترام به انسان ها ایجاد نمی کند.

در نهایت به نظر می رسد از میان عوامل مذکور، نقش محوری متوجه دین است؛ یعنی هر جایی که دین، ملاحظاتی دارد، باید آن ملاحظات در ارتباط با امر جنسی مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل جنسیت تاثیری در احترام به زن و مرد ندارد، اما در ارتباط با دین، ملاحظاتی در خصوص نقش های جنسیتی به همراه دارد.

## ۲-۳-۳. تقویت مدیریت خود / کنترل و مهار خویشتن

در نظام های لیبرالیستی و پراگماتیستی پشتیبان اسناد بین المللی، نظام ارزشی از بیرون وجود ندارد؛ بنابراین نظام ارزشی در فرآیندی دموکراتیک توسط افراد ساخته می شود. در چنین نظام ارزشی، فرد و خواست وی از اهمیت برخوردار است و نه تنها موجب اهمیت ویژه حالت موجود می گردد، بلکه حالت مطلوب بر اساس وضعیت موجود و به صورت شکل بهینه حالت موجود تعریف می گردد. چنان چه تلاش اسناد بین المللی مورد

بررسی این پژوهش مبنی بر ارتقاء سلامت جنسی در دانش آموزان و کاهش آسیب های مطرح در این حوزه است. بنابراین تنوع در کمیت و کیفیت امر جنسی در انسان مورد پذیرش و تلاش در جهت ضابطه مند کردن آن با توجه به سلامت فرد و جامعه است و مفهوم کلیدی در مواجهه با امر جنسی، «مدیریت خود» است؛ اینکه فرد در موقعیت های مرتبط با امر جنسی، بتواند از میان امکان های مختلف، انتخابی متناسب با مفهوم سلامت جنسی داشته و بدان عمل نماید.

در نظام ایران به عنوان یک نظام ارزشی، حرکت از حالت موجود به حالت مطلوب به دلیل حاکمیت نظام ارزشی، موجب تلالو بیشتر حالت مطلوب شده است؛ به گونه ای که کیفیت، ویژگی ها و اقتضائات حالت موجود کمتر مورد توجه قرار گرفته و می خواهیم با اعمال هرم ارزشی از پیش تعیین بر همه به طور یکسان، حالت مطلوب را محقق سازیم. این امر موجب حاکمیت گفتمان ممنوعیت و انکار در مورد امر جنسی شده است. از سوی دیگر اهمیت پرده پوشی در مورد امر جنسی در جامعه ایران موجب حاکمیت گفتمان سکوت نیز شده است. نمود این امر در وضع فعلی اسناد در به رسمیت شناختن امر جنسی و رویکرد «مهار و کنترل خویشتن» قابل مشاهده و لمس است.

در حال حاضر کنترل و مهار خویشتن در ارتباط با امر جنسی حکم دستوری از جانب نظام تعلیم و تربیت است، در حالی که باور ما بر اینست ضوابط دینی در مورد امر جنسی مبتنی بر حقیقت وجود انسان و برای مصلحت و نفع اوست. بنابراین این پرسش مطرح می گردد که چرا تمام دین در ارتباط با امر جنسی به طور صادقانه برای افراد تبیین نمی گردد تا افراد بتوانند ضمن درک مزایای پایبندی به این ضوابط، آن را پذیرفته و متحمل سختی های این مسیر گردند. علاوه بر این باید رویکرد خود را در مواجهه با برخی تعارض های موجود میان احکام دینی و گزاره های علمی (مانند بیان هم جنس خواهی و خودارضایی به عنوان یک انحراف در دین و پذیرش آن برای درصد بسیار اندکی از انسان ها در علوم پزشکی و روان شناسی و معرفی خودارضایی به عنوان امری بدون آسیب های جسمی و روانی) مشخص نماییم؛ زیرا مجموع این عوامل در کنار واقعیت های موجود در نوجوانان و جوانان نه تنها ما را به هدف مطلوب یعنی پرورش مهار و کنترل نفس نزدیک نکرده، بلکه موجب؛ نخست، عدم آگاهی ما از وضعیت موجود جامعه، دوم، بی اعتمادی دانش آموزان به نظام تعلیم و تربیت رسمی و سوم، حرکت دانش آموزان دقیقاً در نقطه مخالف مطلوب ما یعنی دریافت اطلاعات از منابع نامعتبر و عمل بر اساس آن شده است. ضمن این که به نظر می رسد باید متوجه تفاوت نسل حاضر نوجوانان و جوانان با نسل های قبل باشیم، نسل حاضر به دلیل دسترسی به اطلاعات در سنین بسیار پایین نسبت به بسیاری از مسائل حوزه جنسی آگاهی پیدا می کند. سوال اینجاست در چنین فضایی فایده سکوت نظام تعلیم و تربیت و ساکت نگه داشتن فضای جامعه نسبت به این موضوع چیست، از سوی دیگر هر قانونی همواره از سوی افرادی نقض می شود، بنابراین قربانی کردن آینده نوجوانان و جوانان برای اقلیتی که می ترسیم «ارائه آگاهی جنسی مبتنی بر کنترل خود»، موجب ترویج رابطه جنسی در آنان شود، در حالی که نمی دانیم چه درصدی را تشکیل می دهند، بر چه مبنایی است.

انتقاد به حالت کنونی مولفه «کنترل و مهار خویشتن» نباید مساوی تایید مواجهه اسناد بین المللی با امر جنسی تلقی گردد؛ زیرا در اهمیت وجود و پرورش چنین توانی در دانش آموزان نه تنها در ارتباط با امر

جنسی، بلکه در کل زندگی فرد تردیدی وجود ندارد<sup>۱</sup>؛ زیرا طبیعی بودن نیاز جنسی موجب نمی‌گردد کیفیت پاسخ دهی به این نیاز مانند نیازهای طبیعی دیگر انسان هم چون گرسنگی باشد؛ در مواجهه با گرسنگی، فرد با احساس نیاز در صدد پاسخگویی به آن بر می‌آید، در صورتی که نیاز جنسی در عین طبیعی بودن از پیچیدگی‌ها و ابعادی برخوردار است که آن را از سایر نیازهای طبیعی متمایز می‌سازد. یکی از امکان‌های عالی مربوط به مهار و کنترل خویشتن در ارتباط با امر جنسی، تبیین آن با توجه به مفهوم صحیح از عشق انسان به انسان است. یکی از نظریات مطرح در باب تعریف عشق، نظریه مثلث عشقی<sup>۲</sup> استرنبرگ<sup>۳</sup> است. وی برای عشق سه مولفه صمیمیت<sup>۴</sup>، شور و اشتیاق<sup>۵</sup> و تصمیم/التزام<sup>۶</sup> را بیان می‌کند.

مولفه صمیمیت ناظر به «احساس نزدیکی، وابستگی و اتصال در روابط عاشقانه» و مولفه شور و اشتیاق اشاره به «محرک‌هایی دارد که منجر به عاشقانه‌ها، جذابیت جسمی، کمال جنسی و پدیده‌های مرتبط با روابط عاشقانه، می‌شود». در نهایت مولفه تصمیم/تعهد، اشاره به «تصمیم به عشق ورزی به دیگری در کوتاه مدت، و تعهد به حفظ این عشق در دراز مدت» دارد. مولفه صمیمیت ناظر به سرمایه‌گذاری عاطفی در رابطه و مولفه شور و اشتیاق از درگیری انگیزشی در رابطه و مولفه تصمیم/تعهد به طور عمده از تصمیم‌شناختی و تعهد به رابطه، حاصل می‌شود؛ بنابراین از یک دیدگاه می‌توان گفت در این مثلث، «صمیمیت» عامل گرما بخشی، «شور و شیدایی»، تامین‌کننده حرارت رابطه و «تعهد»، عامل سرماست (استرنبرگ، ۱۹۸۶، ص ۱۱۹)؛ زیرا دور از هیجانات و بر مبنای عقل و مسئولیت در دراز مدت است. استرنبرگ، با توجه به رابطه‌های ممکن میان سه مولفه، از هشت نوع عشق نام می‌برد و عشق کامل<sup>۷</sup> را نتیجه ترکیب کامل سه مولفه می‌داند و به این نکته اشاره می‌نماید که دست‌یابی به عشق کامل با حفظ آن یکی نبوده و حفظ آن دشوارتر است. تربیت جنسی بر مبنای کنترل خویشتن با توجه به تعریف عشق بر مبنای تعهد موجب می‌گردد ضمن به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان یک نیاز طبیعی و مثبت، این نیاز در ارتباط با امر فراتری به نام عشق دیده شود که مستلزم آمادگی فرد در زمینه‌های دیگری است تا بتواند مسئولیت و تعهد خود را نسبت به طرف دیگر ایفا نماید، به همین دلیل فرد دلایل قوی‌تری برای موکول کردن پاسخ به این نیاز به زمان آمادگی برای به جا آوردن ملاحظات مربوط به مولفه‌های دیگر عشق داشته باشد.

در نهایت باید گفت تردیدی در باب پرورش توانایی کنترل خود در ارتباط با امر جنسی وجود ندارد، اما حدود آن کجاست و بسته به موقعیت‌های مختلف چگونه تعریف می‌شود و اساسا هدف از آن چیست؛ یعنی پرورش مهار و کنترل خود با هدف کنترل خود است یا در جهت تربیت صحیح جنسی انسان بر اساس نظام معیار اسلامی؛ در این صورت با فرض این که فرد بتواند تا زمان قبل از دواج صد در صد خود را کنترل نماید، هدف مربوط به بعد از دواج فرد چیست و چه تضمینی برای سلامت ارتباط جنسی در زمان مجاز آن

<sup>۱</sup> «پژوهش‌ها نشان می‌دهد دلایل زیادی برای بهتر بودن به تاخیر انداختن ارتباط جنسی تا زمانی که رشد مغز شما به (اندازه) رشد اندام‌های جنسی‌تان رسیده باشد، وجود دارد. رابطه جنسی زودهنگام موجب می‌شود فرد لذت کمتری از رابطه جنسی داشته باشد و نارسایی شناختی در فرد موجب می‌گردد توانایی ارزیابی پیامدهای محتمل رابطه جنسی را نداشته باشد» (دیلنر، ۲۰۰۹).

<sup>۲</sup> Triangular Theory of Love

<sup>۳</sup> Sternberg, Robert J.

<sup>۴</sup> intimacy

<sup>۵</sup> passion

<sup>۶</sup> decision/commitment

<sup>۷</sup> Consummate love

وجود دارد؛ به عبارتی فرد تربیت یافته با توجه به مولفه های موجود اسناد آموزش و پرورش ایران، آمادگی چنین ارتباطی را دارد؟ و مهم تر از همه، وجه انطباق یا عدم مخالفت تربیت جنسی مورد نظر اسناد ایران با نظام معیار اسلامی چیست.

خلاصه آن چه بیان شد، در جدول صفحه بعد (۶-۳) قابل مشاهده است:

جدول (۶-۳). بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی بر اساس اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران

امکان پذیرش + عدم پذیرش - پذیرش با اصلاحات ×	مولفه های تربیت جنسی	مؤلفه ها نتایج بررسی تطبیقی مؤلفه ها
+	چند بعدی بودن امر جنسی حساسیت جنسی تقویت تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی تقویت قابلیت گفتگو تقویت استقلال از دیگران	مؤلفه های غائب در اسناد آموزش و پرورش ایران
+	دانش جنسی / دانش جسمی و جنسیتی تقویت قدرت تصمیم گیری / تقویت مهارت تصمیم گیری ارائه و ارزیابی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی ناظر به امر جنسی / توجه به ملاحظات فرهنگی و تاکید بر نظام معیار اسلامی تقویت مسئولیت پذیری	مؤلفه های مشترک با قوت کمتر در اسناد ایران
تفاوت بنیادین	احترام به خود و دیگران / حفظ کرامت نفس تقویت مدیریت خود / کنترل و مهار خویشتن	مؤلفه های با مبنای متفاوت در اسناد



فصل چهارم

**تبيين و بررسی تطبیقی مبانی انسان شناختی  
پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش  
ایران**

در فصل پیش توانستیم مولفه های تربیت جنسی را بر اساس اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران تبیین و تطبیق نماییم. در این فصل در پی پاسخگویی به سوال دوم و بخش دوم سوال سوم پژوهش حاضر هستیم؛ به دنبال آنیم با تحلیل مولفه های به دست آمده از اسناد بین المللی و اسناد ایران، مبانی انسان شناختی پشتیبان این اسناد را تبیین و تطبیق نماییم. با تبیین مبانی انسان شناختی، امکان استفاده ما از این اسناد، میزان و کیفیت این امر تا حدی روشن می گردد. ضمن اینکه در اسناد بین المللی به نسبت اسناد ایران، صراحت بیشتری در خصوص کم و کیف تربیت جنسی وجود دارد، در حالی که در اسناد ایران بیشتر با مبانی انسان شناختی مواجهیم؛ از این رو با تبیین مبانی انسان شناختی، با قرار دادن آن ها در وضعیتی برابر، بهتر می توان این اسناد را با یکدیگر تطبیق داد.

به تبع فصل پیش، در اینجا نیز ابتدا به تبیین مبانی اسناد بین المللی و سپس مبانی ایران می پردازیم.

### ۱. مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی در تربیت جنسی

در فصل پیش، یازده مولفه برای تربیت جنسی بر اساس دو سند آمریکا و یونسکو به دست آمد. در این فصل در صدد تبیین مبانی انسان شناختی با تحلیل این مولفه ها هستیم. منظور از مبانی، «مجموعه قانونمندی های شناخته شده در علوم نظری، چون روان شناسی و جامعه شناسی است که تعلیم و تربیت بر آن ها تکیه دارد» (باقری، ج ۱، ۱۳۸۰، ص ۸۷). بر اساس این تعریف، مبانی انسان شناختی، گزاره های توصیفی ناظر به ویژگی های عمومی انسان هاست که با توجه به موضوع پژوهش حاضر، تربیت جنسی با تکیه با این ویژگی ها صورت می گیرد.

توجه به فلسفه های پشتیبان اسناد آمریکا و یونسکو، یکی از الزامات استخراج مبانی انسان شناختی ناظر به تربیت جنسی بر اساس این اسناد است. به همین دلیل فلسفه لیبرالیسم<sup>۱</sup> به عنوان رویکردی که تربیت جنسی جامع ذیل آن قرار می گیرد و سند یونسکو با تاکید بر حقوق بشر، اتکاء نظری خود را بر آن نشان می دهد، در روشن شدن مبانی انسان شناختی ضروری است. از سوی دیگر تاثیر فلسفه تجربه گرایی<sup>۲</sup> و به طور مشخص فلسفه دیوئی<sup>۳</sup> بر آموزش و پرورش آمریکا، مورد اشاره بسیاری از صاحب نظران این حوزه است (مایر<sup>۴</sup>، ج ۲، ۱۳۵۰ و نقیب زاده، ۱۳۸۷). هم چنین، استفاده مکرر از مفاهیم نظریه شناختی - اجتماعی در هر دو سند موجب می گردد این نظریه نیز به عنوان نظریه پشتیبان این اسناد بررسی گردد.

<sup>1</sup> liberalism

<sup>2</sup> Experimentalism

باقری بیان می کند؛ «نام ها و عناوین مختلفی برای این فلسفه وجود دارد (مانند طبیعت گرایی تجربی، عملکردگرایی، عمل گرایی و ابزار گرایی) که هر کدام جنبه خاصی از آن را مورد تاکید قرار می دهد، اما عنوان جامعی که عناوین مذکور را در بر می گیرد، تجربه گرایی است» (عطاران و باقری، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳). از این رو در این پژوهش نیز از این واژه استفاده می گردد.

<sup>3</sup> Dewey john

<sup>4</sup> Mayer, Frederick

نکته لازم به ذکر در خصوص مبانی فلسفی این اسناد، ارتباط تفکر فلسفی اومانیسسم<sup>۱</sup> و لیبرالیسم با فلسفه تجربه گرایی است؛ وجه بارز ارتباط فلسفه لیبرالیسم و فلسفه پراگماتیستی به تاکید هر دو، به مفهوم «سودمندی» باز می گردد. معیار قرار گرفتن عمل و موازین سودانگاران اساس فلسفه دیوئی است؛ چرا که دیوئی زمانی اطلاعات را سودمند قلمداد می کند که در حل مساله ای به کار آید و به عبارتی کاربرد عملی داشته باشند (نقیب زاده، ۱۳۸۷). در سوی دیگر، یکی از نتایج تفکر فلسفی و نظری اومانیسسم با مبنا قرار دادن انسان در ساحت شناخت و عمل، معیار قرار گرفتن عمل و موازین سودانگاران است (زرشناس، ۱۳۸۵). اشتراک فلسفه لیبرالیسم و تجربه گرایی در این موضوع، به فرود مفهوم آزادی از معنای مورد نظر کانت به سطح اقتصادی و اجتماعی باز می گردد؛ به گونه ای که مفهوم آزادی در فلسفه لیبرالیسم ضمن برخورداری از وجوه ایده آلیستی و پراگماتیستی، به دلیل تکیه بر مفاهیم خرد و فردباوری با توجه به سودمندی اجتماعی تبیین می گردد (بور دوآ، ۱۳۷۸). نمود این ارتباط در اساس مواجهه دو سند با امر جنسی مشاهده می شود. هر دو سند از زاویه ارتقاء سلامت و بهداشت دانش آموزان به امر جنسی توجه نموده و با اتکا به وضع موجود، از طریق ارائه دانش و پرورش مهارت های ناظر به امر جنسی در جهت حل مسائل و بهینه سازی وضع موجود تلاش می کنند.

مبانی انسان شناختی ناظر به تربیت جنسی بر اساس مولفه های به دست آمده در فصل پیش عبارتند

از:

## ۱-۱. ذو ابعاد بودن وجود انسان

نخستین مبنای انسان شناختی بر اساس مولفه های اسناد بین المللی ناظر به ذو ابعاد بودن وجود انسان است؛ یعنی وجود انسان از ابعاد مختلفی برخوردار است و یکی از این ابعاد، بعد جنسی است. بنابراین امر جنسی باید در ارتباط با کلیت وجود انسان نگریسته شود. نمود این امر در مولفه «چند بعدی بودن امر جنسی» دیده می شود و به عبارتی نگاه این اسناد به بعد جنسی، نگاهی کل گرایانه است؛ منظور از کل گرایی، پرهیز از تربیت امر جنسی در انسان صرفاً با توجه به وجه جسمانی آن و ضرورت در نظر گرفتن ارتباط امر جنسی با سایر ابعاد وجودی مانند وجه عاطفی، اجتماعی و عقلانی است. چنان که هر دو سند بر ابعاد مختلف امر جنسی تاکید نموده و مبتنی بر آن به ارائه دانش و پرورش مهارت های لازم در ابعاد عاطفی، اجتماعی و عقلانی با توجه و تمرکز بر امر جنسی می پردازند.

در نگاهی کلان تر از اسناد موجود، امر جنسی در رویکرد جنسی جامع بخشی از فرایند خودشکوفایی<sup>۳</sup> تلقی می گردد (جونز، ۲۰۱۱)؛ از این رو می توان گفت، نیاز جنسی، یک نیاز انسانی است که علاوه بر وجوه جسمی، از وجوه دیگری در سطوح برتر و بالاتر از خود برقرار است و تربیت این بعد نه تنها فرد را از آسیب های احتمالی به سلامت جنسی ایمن نگاه می دارد، بلکه ارتباط وثیقی با سایر ابعاد تربیت دارد. این ارتباط می تواند به دو شکل باشد؛ نخست، توجه به امر جنسی دارای نتایج و پیامدهایی در سایر وجوه تربیت انسان مانند تربیت اجتماعی است که بدون شک چنین است، به عنوان نمونه فرد دچار مشکل در باب هویت جنسی،

<sup>1</sup> Humanism

<sup>2</sup> Burdeau, Georges

<sup>3</sup> self-actualization

نمی تواند ارتباط مناسبی با خود یا افراد جامعه برقرار نماید، زیرا از نظر درونی همواره در حال چالش با خود است و اساساً نمی تواند خود را به درستی بشناسد تا با شناخت و اعتماد به دیگران به برقراری ارتباط با آنان اقدام نماید.

شکل دوم ارتباط امر جنسی با سایر ابعاد بیان شده ناظر به این مساله است که ابعاد بیان شده سازنده هویت شخص در ارتباط با امر جنسی است؛ در این شکل از ارتباط، اساساً تربیت جنسی بدون توجه به بعد عاطفی، عقلانی، اجتماعی غیر ممکن است، زیرا این ابعاد سازنده وجود شخص در ارتباط با امر جنسی اند و اساساً شکل گیری رفتار صحیح جنسی نیازمند توجه به این ابعاد است. به عبارت دیگر امر جنسی به بلوغ عاطفی، عقلانی و اجتماعی نیز در فرد نیازمند است. برای روشن شدن موضوع بهتر است به ابعاد مختلف امر جنسی توجه نماییم و حالاتی را تصور نماییم که رفتار جنسی بدون توجه به نقش سازنده ابعاد دیگر شکل می گیرد؛ به عنوان نمونه اگر در رفتار جنسی به بعد عاطفی توجه نگردد، ممکن است شخص، عشق و ارتباط جنسی با جنس مخالف را یک چیز تلقی کند و زمینه آسیب های جسمانی و روانی زیادی برای خود یا دیگری فراهم نماید، در صورتی که در این اسناد، به امر جنسی نگاه پیوستاری وجود دارد که نشان دادن عشق و دوستی به دیگری می تواند اشکال مختلفی از جمله رابطه جنسی داشته باشد. در حالت بعد اگر تربیت امر جنسی بدون توجه به بعد عقلانی در امر جنسی صورت گیرد، به نوعی فرد از توانایی شناخت خود، دیگری، ارزیابی موقعیت و راه حل های موجود در هنگام احساس خطر بی بهره است. بی توجهی به بعد اجتماعی امر جنسی نیز موجب می گردد فرد متوجه پیامدهای اجتماعی رفتارهای خود از جمله رفتار جنسی نباشد، در صورتی که برخی از امور مرتبط به امر جنسی مانند بارداری و تولید مثل از پیامدهای شخصی و اجتماعی برخوردار است.

تربیت جنسی در اسناد آمریکا و یونسکو مبین شکل دوم ارتباط امر جنسی با سایر ابعاد بیان شده برای آن است؛ یعنی به ابعاد مختلف با توجه به نقش سازنده آن ها در تربیت جنسی فرد توجه می گردد. نگاه کل گرایانه به تربیت جنسی موجب می گردد ابعاد تربیت را مستقل از یکدیگر ندانیم. ضمن اینکه امکان تربیت صحیح با توجه به ویژگی های امر جنسی در وجود انسان فراهم می گردد؛ توضیح آن که در تربیت جنسی نمی خواهیم همه چیز را موقوف به لحظه برانگیختگی نماییم، بلکه می خواهیم مرحله قبل از برانگیختگی و تحریک جنسی را در نظر بگیریم، زیرا در لحظه برانگیختگی به دلیل قوت گرفتن میل در وجود انسان، نمی توان انتظار داشت عقل و اراده فرد کارکرد قابل قبولی نسبت به لحظه عدم تحریک داشته باشد؛ از این رو امکان اشتباه از سوی فرد بسیار زیاد است. با نگاه پیوستاری به امر جنسی تلاش می نماییم فرد را از پرسش به پله آخر در حالی که هنوز آمادگی آن را ندارد، باز داریم و با نشان دادن امکان های متناسب با شرایط وی، او را تا زمان تربیت یافتگی نسبت به امر جنسی ایمن نگاه داریم. به عنوان نمونه فهم نگاه پیوستاری به امر جنسی با توجه به بعد عاطفی موجب می گردد نوجوان ۱۲ ساله با احساس عشق به دیگری که هیچ نوع آمادگی برای برقراری ارتباط جنسی ندارد، با استفاده از سایر امکان های رفتاری و کلامی از پرسش به پله آخر و آسیب به خود یا دیگری باز داشته شود.

## ۱-۲. به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان نیاز انسانی

یکی از مبانی اساسی و زیربنایی با توجه به مولفه های مفهوم تربیت جنسی بر اساس اسناد بین المللی، به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان یک نیاز انسانی است؛ از این رو تلاش می گردد دانش مرتبط با این نیاز ارائه و مهارت های ناظر به امر جنسی با توجه به اهداف تربیت جنسی اسناد در دانش آموزان تقویت شود. علاوه بر دلالت مولفه ها بر این مبنا، گزاره های صریح این اسناد نیز مبین آن است. سند آمریکا در صفحه ۶، «معرفی رشد جنسی به عنوان یک بخش نرمال، طبیعی و سالم رشد انسان» را یکی از اهداف طراحی استانداردهای ملی تربیت جنسی در آمریکا عنوان کرده و آن را یک بخش ضروری از هر برنامه درسی آموزش بهداشت اعلام می نماید. مطابق این گزاره، نیاز جنسی یکی از نیازهای ذاتی و مثبت در وجود انسان و یکی از ابعاد رشد وجود انسان تلقی می گردد که توجه به آن برای سلامت فرد ضروری است.

سند یونسکو نیز در بخش مفروضات ناظر به تربیت جنسی، «امر جنسی را یک جنبه اساسی از زندگی انسان» (ج ۱، ص ۲) معرفی کرده و بیان می کند: «انسان ها با توانایی<sup>۱</sup> لذت بردن از تمایلات جنسی در طول زندگی به دنیا می آیند» (ج ۲، ص ۲۶). این گزاره مبین چند امر است؛ نخست، میل جنسی امری ذاتی در وجود انسان است که با آن به دنیا می آید، دوم، ذاتی بودن تمایلات جنسی در وجود انسان نشان دهنده طبیعی و منفی نبودن امر جنسی است، سوم، میل جنسی و قابلیت لذت بردن از آن به دوره خاصی از زندگی انسان اختصاص ندارد و امری جاری در طول زندگی فرد است، چهارم، به کار بردن واژه «توانایی» در سخن گفتن از امر جنسی نشان از نگاه مثبت این سند به امر جنسی است، ضمن اینکه به کار بردن این واژه در مورد امر جنسی تاکید مجددی بر طبیعی و ذاتی بودن امر جنسی در وجود انسان است؛ زیرا یکی از معانی واژه «ability»، «توانایی یا لیاقت انجام کاری بدون آموزش قبلی» (فرمهینی فراهانی، ۱۳۹۴، ص ۷) است. بنابراین می توان گفت طبیعی و ذاتی بودن امر جنسی موجب گردیده انسان از راهنمایی های ذاتی برای عمل به امر جنسی بدون آموزش برخوردار باشد.

هر دو سند، امر جنسی را به عنوان یکی از نیازهای انسانی بر مبنای متافیزیک خوش بینانه به رسمیت شناخته اند؛ یعنی نیاز جنسی هیچ وجه پلیدی و ناپاکی ندارد و به عنوان یکی از وجوه مربوط به رشد و سلامت وجود انسان باید مورد توجه و تربیت قرار گیرد.

## ۱-۲. به رسمیت شناختن لذت جنسی

«لذت» یکی از ویژگی های عمومی است که این اسناد در ارتباط با امر جنسی برای انسان به رسمیت می شناسند، چنان چه سند یونسکو بیان می کند، اساسا تولد انسان همراه با توانایی لذت بردن از تمایلات جنسی است، بنابراین خاستگاه اصلی این مبنا از مولفه اول یعنی «به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان نیاز انسانی» و مولفه دوم یعنی «چند بعدی بودن امر جنسی» است؛ زیرا مفهوم لذت جنسی در ارتباط با ابعاد مختلف امر جنسی مانند بعد جسمی، روانی، عاطفی شکل می گیرد، به طوری که می توان گفت لذت جنسی در انسان بیش از لذت جسمی، از وجه روانی و عاطفی برخوردار است.

<sup>1</sup> ability

نگاه این اسناد به امر جنسی نشان می دهد از میان دو متافیزیک بدبینانه و خوش بینانه به امر جنسی، از متافیزیک خوش بینانه پیروی می کنند. این نگاه فعالیت جنسی را موجب لذت همزمان خود و دیگری و امری ارزشمند می داند. ارزشمندی لذت جنسی علاوه بر ویژگی ذاتی امر جنسی در وجود انسان به نتیجه ای که در طرفین آن دارد، باز می گردد؛ زیرا تبادل لذت جنسی با ایجاد حس سپاسگزاری و علاقه طرفین نسبت به هم باعث تحکیم روابط انسانی و ایجاد احساس عاطفی بیشتر می شود (جونز، ۲۰۱۱). بنابراین توجه به مفهوم لذت در ارتباط با امر جنسی، با توجه به تاثیر آنی آن نیست، بلکه به تاثیر بلندمدت این مساله در رابطه دو انسان نیز باز می گردد.

تفکیک عرصه توصیف از تجویز یکی از ملاحظات ناظر به این مبنا در اسناد بین المللی است؛ به عبارتی به نظر می رسد این اسناد در پی تجویز اشکال مختلف ارتباط جنسی برای لذت هر چه بیشتر جنسی نیستند، بلکه ذکر اشکال مختلف رابطه جنسی در این اسناد بر مبنای توصیف وضع موجود و ضابطه مند کردن آن است. این مساله به ویژگی های جامعه غربی باز می گردد. در جامعه غربی صراحت امری مطلوب است و اساسا مساله پوشیدگی چنان که در فرهنگ شرقی مطرح و مطلوب است، در فرهنگ غرب از چنین ویژگی برخوردار نیست، به همین دلیل گفتگو در ارتباط با امر جنسی به صورت آشکار، امری نامطلوب تلقی نمی گردد. از سوی دیگر در نظام های لیبرالی و پراگماتیستی مانند جامعه آمریکا و فضای حاکم بر سند یونسکو با توجه به تاکید این سند بر حقوق بشر و ابتدای آن بر فلسفه لیبرالیسم، نظام ارزشی از بیرون وجود ندارد و هرم ارزشی در فرآیندی دموکراتیک توسط اکثریت افراد جامعه ساخته می شود، از این رو در فرهنگ غربی، در حرکت از حالت موجود به حالت مطلوب در ارتباط با امر جنسی، حالت موجود یعنی همان کاری که انسان ها بدان مبادرت دارند، تلالو بیشتری دارد و حالت مطلوب شکل بهینه حالت موجود تصویر می گردد که در ارتباط با امر جنسی، می بینیم هر دو سند با بیان اشکال مختلف ارتباط جنسی به دنبال بهینه کردن آن با ایمن ساختن ارتباط جنسی و ارتقاء سلامت جنسی افرادند.

### ۳-۱. به رسمیت شناختن مفهوم «تفاوت» در ارتباط با امر جنسی

اسناد آمریکا و یونسکو، مفهوم تفاوت را در ارتباط با امر جنسی به رسمیت می شناسند. این امر تاثیر خود را در این اسناد در دو حوزه نشان داده و آن به رسمیت شناختن تفاوت ظرفیت های جنسی افراد به لحاظ کمی و کیفی است. منظور از تفاوت کمی، تفاوت افراد مختلف در میزان و کمیت نیاز به ارضاء جنسی است؛ بدین معنا که میزان نیاز افراد مختلف چه زن و چه مرد در برقراری ارتباط جنسی و پاسخ به این نیاز متفاوت است؛ زیرا ارضای میل جنسی انسان علاوه بر بعد جسمی از ابعاد دیگری برخوردار است که به روح و روان فرد باز می گردد. همین امر موجب می گردد در ارضای میل جنسی با توجه به میزان توان فرد در بعد جسمی یا روحی با ۴ گروه انسانی مواجه باشیم: «۱. افرادی که از نظر جسمی برای آمیزش کم توان یا ناتوان هستند. ۲. کسانی که از نظر روحی آمادگی لازم برای عمل جنسی را ندارند؛ گرچه از نظر جسمی قوی و پرتوان هستند. ۳. آنانی که از هر دو جهت ناتوانند. ۴. آنان که از هر دو نظر از آمادگی نسبی بیشتری برخوردارند». بنابراین تعیین و تکلیف در خصوص میزان ارضای نیاز جنسی در همه انسان ها امری غیرممکن و غیر عقلانی است و خود فرد بهتر از هر کسی می داند با چه میزانی ارضاء می گردد (ثابت، ۱۳۹۶، ص ۱۸۷)؛

به همین دلیل در تربیت جنسی تلاش برای ارائه دانش و مهارت های لازم برای توانا ساختن فرد در مدیریت خود است.

تفاوت کیفی در ارتباط با امر جنسی می تواند به دو صورت محقق گردد؛ حالت نخست، «به رسمیت شناختن کیفیت های مختلف پاسخ به نیاز جنسی» یا اشکال مختلف ارتباط جنسی؛ چنان چه نمود این امر را در اسناد مشاهده می نماییم و افراد با وجود تفاوت در گرایش جنسی و اظهارات جنسی پذیرفته می شوند، حالت دوم، «به رسمیت شناختن تفاوت در کیفیت امر جنسی در زن و مرد به عنوان دو جنس متفاوت»؛ چنان چه در این اسناد برخی تفاوت های واقعی میان زن و مرد به رسمیت شناخته شده و در تربیت جنسی اعمال می گردد. علاوه بر این می توان گفت زن و مرد در کیفیت ارتباط جنسی با یکدیگر متفاوتند، برای نمونه گری<sup>۱</sup> در رابطه جنسی، از زن به عنوان ماه و از مرد به عنوان خورشید یاد می کند؛ روشن است همانطور که ماه و خورشید با یکدیگر تفاوت دارند، زن و مرد هم در ارتباط جنسی از ویژگی های مختلفی برخوردارند. هم چنین وی بیان می کند زن در اوقات مختلف هم از ویژگی های متفاوتی در ارتباط با امر جنسی برخوردار است چنانچه ماه نیمه و ماه تمام با هم تفاوت دارند. به همین دلیل آگاهی از این تفاوت ها را برای زن و مرد ضروری می داند (گری، ۱۳۸۸).

این مبنا با دو مبنای «به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان نیازی انسانی» و «ارزش ذاتی انسان» در ارتباط است؛ در مبنای اول، نیاز جنسی یک نیاز طبیعی و سالم معرفی می شود و مسئله «تفاوت» به عنوان یکی از واقعیت های موجود در ارتباط با این نیاز به رسمیت شناخته شده و توضیح داده شده است؛ از این رو تفاوت در سه زمینه ی توضیح داده شده خصوصا تفاوت های کمی میان افراد مختلف و تفاوت های جنسیتی یک بخش واقعی این نیاز تلقی می گردد. از سوی دیگر معرفی انسان به عنوان موجودی ارزشمند که «وجود» و «ارزش» او همراه یکدیگر و جدایی ناپذیرند، موجب می گردد انسان از جایگاهی منحصر به فرد برخوردار گردد و چنان چه پیش از این بیان گردید، حالت موجود یعنی همان کاری که انسان ها بدان مبادرت می ورزند، پررنگ تر باشد و حالت مطلوب بر مبنای حالت موجود تعریف شده و به بهینه سازی آن پردازد. در ارتباط با امر جنسی زمانی که حالت موجود نشان دهنده افرادی با گرایش ها و اظهارات جنسیت متفاوت باشد، این افراد به واسطه ارزش ذاتی وجودی شان مورد پذیرش قرار گرفته و تلاش می گردد سلامت جنسی اینان نیز ارتقاء یابد.

#### ۴-۱. ارزش ذاتی انسان

مبنای ارزش ذاتی انسان به بیان این واقعیت در مورد انسان می پردازد که همه انسان ها موجوداتی منحصر به فرد و ارزشمندند. مولفه «احترام به افراد» در اسناد بین المللی بر این مبنای انسان شناختی تکیه دارد. چنان چه دیدیم در اسناد آمریکا و یونسکو بر احترام به همه تاکید می شود. مبتنی بر ارزش ذاتی انسان، احترام به همه ضروری می آید. از طرفی همه انسان ها از ارزشی یکسان برخوردارند و وجهی برای برتری یکی بر دیگری وجود ندارد، به همین دلیل با هم برابرند. اسناد تربیت جنسی آمریکا و یونسکو، مبتنی بر اعلامیه

<sup>1</sup> Gray, Jhon

<sup>2</sup> dignity

حقوق بشر<sup>۱</sup> از حیثیت و ارزش<sup>۲</sup> ذاتی انسان ها سخن می گویند. ارزش ذاتی انسان، به معنای لزوم احترام و حمایت از همه است (گوچمان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶). به نظر می رسد با توجه به ارجاع و تاکید سند یونسکو به حقوق بشر می توان مفهوم «ارزش» را با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر تعریف نمود.

به لحاظ لغوی، واژه «dignity» در فرهنگ لغات و اصطلاحات، «بزرگی، والایی، شایستگی، فرهنگندی» (آریان پور کاشانی، ج ۲، ۱۳۷۷)، «بلند پایگی، ارجمندی، شکوه» (آشوری، ۱۳۷۴)، «حیثیت، کرامت، شان، قدر» (میرساردو، ۱۳۸۷)، «ارج، ارزش» (خرمشاهی، ج ۱، ۱۳۹۴)، «حرمت» (پژوهشگاه علوم انسانی، بی تا) معنا شده است. بنابراین صرف نظر از واژه دقیقی که برای ترجمه این لغت به کار می بریم، این واژه مبین شان و منزلت انسان است و به عنوان «یک مفهوم برای توصیف مجموعه ای از ارزش ها و ویژگی های شخص یا چیزی که استحقاق ارزش، عزت و احترام را دارد» (گوچمان، ۲۰۰۶، ص ۱۰۰)، به کار می رود. در این پژوهش با توجه به این که بیشتر معانی به کار رفته در ترجمه این واژه، مبین شان و منزلت انسان است، از لغت «ارزش» استفاده می نماییم. چنان که آریان پور کاشانی (ج ۲، ۱۳۷۷) در ترجمه ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر، برای این واژه از معادل «ارزش» استفاده کرده است. علاوه بر این، استفاده از واژه کرامت که واژه ای دینی و با معنایی مشخص در فرهنگ اسلامی است، می تواند موجب خلط معنا گردد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در مقدمه و برخی مواد (ماده ۱، ۲، ۵، ۶، ۱۲) بر حیثیت و ارزش ذاتی انسان ها تاکید کرده و بیان می کند ارزش به عنوان زیربنای اندیشه حقوق بشر، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است. این مفهوم در اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای قید «ذاتی»<sup>۴</sup> است. منظور از این قید، تاکید بر ارزش و احترام انسان به جهت انسانیت اوست. به عبارتی انسان به جهت اینکه انسان است، به طور طبیعی و خود به خود از ارزشی برخوردار است که سلب نشدنی، تفکیک ناپذیر و غیرقابل تجزیه از وجود اوست؛ یعنی ارزش وجودی انسان از جانب کسی به وی اعطا نشده است تا قابل سلب باشد (علوی قزوینی و ستوده، ۱۳۹۴).

ارزشمندی انسان به طوری که مورد تاکید حقوق بشر است از روح دنیای جدید بعد از رنسانس نشأت می گیرد و از نمودهای فلسفی اندیشه اومانیسم در دوران مدرن است (علوی قزوینی و ستوده، ۱۳۹۴، ص ۴۹). بنیان فکری اکثر اومانیست ها به ارسطو و تعریف وی از انسان (حیوان ناطق) باز می گردد. به همین دلیل در این دیدگاه بر توانایی خرد و عقل انسان تاکید می گردد. پس از آن در عصر جدید، با اضافه شدن آزادی به عقل، این دو ممیزه وجود انسان معرفی گردیدند؛ چنانچه فلسفه ایده آلیستی کانت در مورد آزادی مبنای فلسفه لیبرالیستی قرار می گیرد (بوردو، ۱۳۷۸). نظر کانت در تقسیم بندی عقل به عقل نظری و عقل عملی و تعریف آزادی حقیقی در سایه عقل موجب گردید در اندیشه لیبرالیستی برآمده از اومانیسم نیز، آزادی انسان تحت نظارت خرد قرار گیرد.

در فلسفه لیبرالیسم انسان در حیطة شناخت و عمل معیار قرار می گیرد؛ در حیطة شناخت، شناخت هر فردی به واسطه این که شناخت فرد انسانی است و دلیلی برای ترجیح یکی بر دیگری وجود ندارد، معیار

<sup>1</sup> Universal Declaration of Human Rights: UDHR

<sup>2</sup> dignity

<sup>3</sup> Gluchman, Vasil

<sup>4</sup> Inherent



قرار می‌گیرد. در حیطه عمل نیز، اومانیسیم بدین معناست که در مقام عمل و دخل و تصرف در جهان هستی نیز همواره باید جایگاه اولی انسان حفظ گردد (ملکیان، ۱۳۸۸)، به همین دلیل، سود و ضرر انسان ملاک قرار گرفته، از این رو؛ در این دیدگاه دین رد نمی‌گردد بلکه اطاعت از خداوند نیز مشروط به سودآوری است و در اموری که برای انسان سود محرز و مسلم دارد، مقبول است؛ به نحوی که این سود با مجموعه نیروهای ادراکی در اختیار بشر قابل درک باشد، در این میان مهم، رعایت معیار قابلیت ادراک بشری شرط است (ملکیان، ۱۳۷۱).

مبنای ارزش ذاتی انسان توضیح دهنده کیفیت مواجهه این اسناد با امر جنسی و برخی مبانی دیگر است؛ به عنوان نمونه به رسمیت شناختن تفاوت افراد در گرایش های جنسی از مظاهر این مبنا است؛ زیرا معرفی انسان به عنوان موجودی ذاتا با ارزش موجب می‌گردد انسان ها همان گونه که هستند، پذیرفته شوند و چنان چه پیش از این بین گردید، ضمن تاللو بیشتر حالت موجود، حالت مطلوب به صورت بهینه سازی حالت موجود دیده شود. چرا که در این دیدگاه انسان در ارتباط با امر فراتری نگریسته نمی‌شود، به همین دلیل انسان نقطه شروع و پایان کار است.

#### ۵-۱. به رسمیت شناختن توانایی اندیشه ورزی در انسان

«اندیشه ورزی انسان» یکی دیگر از ویژگی های عمومی است که بر اساس مولفه های تربیت جنسی این اسناد به دست می‌آید. مولفه های «چند بعدی بودن امر جنسی» به دلیل تکیه بر بعد عقلانی در ارتباط با امر جنسی و «تقویت تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی» به جهت صراحت در به رسمیت شناختن توانایی تفکر و اندیشه ورزی انسان مولفه های اصلی اند که بر این مبنا صحنه می‌گذارند. هم چنین این اسناد در مولفه هایی مانند؛ «تقویت قابلیت گفتگو»، «تقویت قدرت تصمیم گیری»، «تقویت استقلال از دیگران»، «تقویت مدیریت خود» و «ارائه و ارزیابی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی ناظر به امر جنسی» توانایی اندیشه ورزی انسان را در عرصه عمل به رسمیت شناخته و می‌خواهند توانایی دانش آموزان در تمام موقعیت های مرتبط با امر جنسی را ارتقاء دهند. برای روشن شدن امر، این مبنا در مبانی فلسفی پشتیبان این اسناد پی جویی می‌گردد.

عقل گرایی<sup>۱</sup> یکی از نمودهای فلسفه اومانیسیم و به معنای محوریت عقل انسان در رهبری بشر است (واثق غزنوی، ۱۳۹۰). این ویژگی انسان نیز متناسب با مبنای محوری این فلسفه یعنی ارزش ذاتی انسان، تبیین می‌گردد، به همین دلیل ضمن به رسمیت شناختن تعقل در وجود انسان، خود انسان، محور و معیار شناخت قرار می‌گیرد (امری و عبداللهی، ۱۳۹۵) و شناخت افراد مختلف از این جهت که انسانند و از ارزش ذاتی برخوردارند، مورد پذیرش و معیار است. در فرآیند شناخت، معرفت و علم نیز ذهن انسان مانند آینه عمل نمی‌کند و منفعل نیست بلکه شناخت در نتیجه کنش و واکنش میان ابژه یعنی واقعیت و سوژه یعنی ذهن انسان ایجاد می‌گردد (ملکیان، ۱۳۷۱)؛ بنابراین متعلق شناخت به انسان وابسته است و نسبت به هر شخصی می‌تواند متفاوت باشد، به همین دلیل انسان معیار شناخت معرفی می‌گردد و شناخت هر انسانی ارزشمند قلمداد می‌گردد. این امر یکی از نقاط اتصال فلسفه اومانیسیم و عمل گرایی و همان چیزی است که دیوئی و

<sup>1</sup> Rationality

مید به عنوان دو فیلسوف عمل گرا در مساله شناخت بدان معتقدند. با این تفاوت که دیوئی به عنوان یک فیلسوف عمل گرا، از نتایج آن در عرصه عمل با توجه به معیار کارآمدی استفاده می نماید.

برای روشن شدن مفهوم اندیشمندی انسان از نظر دیوئی ابتدا به آبخورهای فلسفه وی اشاره می نماییم. دیوئی در سیر تدوین تفکر و فلسفه خود از هگل و داروین متأثر بوده است. وی در ابتدا از پیروان هگل بود ولی پس از آشنایی با اندیشه داروین و گرایش به آن، هم از ایده آلیسم هگل و هم از گرایش او به مطلق و مطلق انگاری روی گرداند. «دیوئی هماهنگ با دید داروین و هگل، انسان را باشنده ای زاده ی تحول و تحول یابنده می بیند»؛ تحول در نگاه دیوئی از دو بعد زیستی و طبیعی و فرهنگی و اجتماعی یعنی تاریخی برخوردار است. نگاه دیوئی به تحول زیستی و طبیعی بر مبنای اندیشه داروین و به تحول تاریخی و اجتماعی بر اساس اندیشه هگل است. تاکید دیوئی بر شدن، پویایی، تحول، نگرش تاریخی، یگانگی درون و بیرون، روان و تن و هم چنین بود و نمود بر جای مانده از اندیشه هگلی است (نقیب زاده، ۱۳۹۰، ص ۶۴). علاوه بر این دیوئی از دیگر متفکران پراگماتیسم مانند جیمز به لحاظ توجه به روانشناسی، مید به واسطه دید اجتماعی و پیرس به جهت روشی متأثر است.

دیوئی مبتنی بر دید طبیعت گرایانه به جای «خرد» از واژه «هوش»<sup>۱</sup> استفاده کرده و آن را ابزار سازگاری انسان با محیط تعریف می کند. هوش از نظر دیوئی همانند انسان با تحول طبیعی پدید می آید، ویژه انسان نیست و خاستگاهی معماگونه ندارد (نقیب زاده، ۱۳۹۰). با توجه به اهمیت مفهوم تعادل در فلسفه دیوئی، اندیشه ورزی انسان نیز از همین زاویه تبیین می گردد؛ یعنی تفکر و اندیشیدن از نظر دیوئی با بر هم خوردن تعادل آغاز شده و هدف از آن، بازگشت به وضعیت تعادل، برای رفع مشکل یا وضعیت بغرنج است.

اندیشه یا اندیشیدن از نگاه دیوئی، «کارکرد سلسله اعصاب دماغ و سازمان تن (ارگانیسم) در ارتباط با محیط و ابزاری برای حل مسائل تازه ای است که شخص با آن رو به رو می گردد» (کاردان، ۱۳۹۲، ص ۲۲۶) و افکار، «گزاره هایی درباره کارهایی که قرار است انجام بشود، نه درباره این که چه چیزی (در جهان) هست یا از قبل بوده است» (باقری، ۱۳۹۲). بنابراین می توان گفت؛ نخست، اندیشه از نظر دیوئی، یک رابطه فعال بین یک ارگانیسم زنده و محیط آن یعنی اصالت طبیعت و اصالت تجربه است نه یک عنصر ناطبیعی با معنای متافیزیکی؛ به عبارت دیگر اندیشه از نظر دیوئی شکل پیشرفته ای از رابطه بین محرک و پاسخ در سطح زیست شناسی محض است؛ یعنی همانطور که ما دوستان را صدا می زنیم و او به طرف ما بر می گردد، اندیشه نیز همین است ولی پیشرفته تر (خسروپناه، بی تا)، دوم، با تعریف دیوئی از افکار، خصیصه بازنمایی در فکر نفی شده و تنها جنبه عملی مورد تاکید قرار می گیرد؛ به گونه ای که در عرصه شناخت مفهوم «کارآمدی»<sup>۲</sup> یا سازگاری افکار با محیط معیار قرار گرفته و جایگزین مفهوم «حقیقت» می شود (باقری، ۱۳۹۲). بنابراین دیوئی ضمن به رسمیت شناختن توانایی اندیشه ورزی در انسان بر اساس نگاه اومانستی و محوریت انسان در فرآیند شناخت، مبتنی بر دیدی طبیعت گرایانه و ناظر به عرصه عمل و عمل گرایی بدان توجه می نماید. به همین دلیل، در معرفی معیار برای شناخت نیز مفهوم تعادل اهمیت پیدا کرده و کارآمدی معیار قرار می گیرد.

<sup>1</sup> intelligence

<sup>2</sup> viability

هربرت مید<sup>۱</sup> یکی دیگر از فیلسوفان عمل‌گرا نیز با انتقاد به واتسون، روان‌شناس رفتارگرای آمریکایی در فروکاستن مجموعه پیچیده ذهن و روان انسان به رفتار و رفتار دیده‌شده شذنی معتقد است نادیده گرفتن ذهن امری نادرست است. وی در تبیین ذهن، آن را نه یک واقعیت مستقل، بلکه هم‌چون دیوئی، برآمده از کنش و واکنش‌های فرد با گروه، جامعه و رفتارهای جمعی می‌داند (نقیب‌زاده، ۱۳۹۰). بنابراین انسان ضمن برخورداری از توانایی اندیشه‌ورزی در کنش و واکنش میان ذهن و واقعیت به شناخت می‌رسد.

نظریه شناختی-اجتماعی بندورا یکی دیگر از بنیان‌های نظری این اسناد شناخته می‌شود. بندورا با تاکید بر وجوه شناختی و عاملی انسان در نظریه یادگیری شناختی-اجتماعی بر توانایی اندیشه‌ورزی انسان صحنه می‌گذارد؛ چرا که ویژگی‌های چهارگانه عاملیت در دیدگاه بندورا یعنی قصدمندی<sup>۲</sup>، پیش‌اندیشی<sup>۳</sup>، خودواکنش‌سازی<sup>۴</sup> و خودتاملی<sup>۵</sup> ناظر به توانایی اندیشه‌ورزی انسان است. ویژگی قصدمندی عاملیت انسانی به اعمال عمدی و ارادی اشاره دارد که شامل طرح‌ریزی راهبردها و استفاده از آن‌ها برای واقعیت‌بخشیدن به قصد و اراده انسان است. پیش‌اندیشی شامل طرح‌ریزی‌های رو به آینده است. خودواکنش‌سازی، توانایی خلق اعمال مناسب، انگیزه‌مند کردن خویش و تنظیم اجرای انتخاب‌ها و طرح‌ریزی‌ها است و در نهایت خودتاملی ناظر به ارزیابی عملکردهای خود است (اشعری و حسنی، ۱۳۹۳). تمام این ویژگی‌ها، گرچه بر اراده و اختیار انسان نیز صحنه می‌گذارد، اما مستقل از توانایی‌های شناختی یا اندیشمندی انسان نیست.

در مجموع با توجه به هر دو سند، انسان موجودی برخوردار از توانایی اندیشه‌ورزی شناخته می‌شود، اما به دلیل تعامل دائمی انسان و محیط، فرآیند اندیشه‌ورزی انسان نیز با محیط و تاثیرپذیری از آن گره خورده است، به همین دلیل در هر دو سند تاکید زیادی بر پرورش توانایی ارزیابی تاثیرات مثبت و منفی عوامل مختلف بر افکار فرد مشاهده می‌شود، تا با پیراستن شاخ و برگ‌های اضافی، فرد مبتنی بر ارزش‌های اساسی که این اسناد در مورد امر جنسی به رسمیت می‌شناسند، مانند احترام به تفکر در خصوص آن بپردازند.

## ۱-۶. اراده و اختیار

اراده و اختیار از دیگر ویژگی‌های عمومی است که بر اساس مولفه‌های تربیت جنسی اسناد بین‌المللی به دست می‌آید. تاکید بر تقویت مهارت‌های «تصمیم‌گیری»، «مسئولیت‌پذیری»، «توانایی استقلال از دیگران» و «مدیریت خود» مویده این امر است که این اسناد، انسان را موجودی می‌دانند که از اراده و اختیار برخوردار است و می‌تواند با این ویژگی معادلات محیطی را بر هم زده و در شرایطی که عواملی سلامت جنسی فرد یا دیگران را تهدید می‌نماید، تصمیم درست بگیرد. در این جا نیز برای روشن شدن مفهوم اراده و اختیار و حدود آن به فلسفه‌های پشتیبان این اسناد مراجعه می‌نماییم.

<sup>1</sup> Mead, G. H.

<sup>2</sup> intentionality

<sup>3</sup> forethought

<sup>4</sup> reactivity self

<sup>5</sup> self-reflectiveness

اندیشه اومانیسم به عنوان یکی از زیرساخت های لیبرالیسم و ترویج دموکراسی مبتنی بر آزادی و استقلال انسان است؛ یعنی انسان صاحب عقل و خرد که خود معیار شناخت قرار می گیرد، در ساحت عمل نیز معیار قرار گرفته؛ نمود این نوع نگاه به اراده انسان در رویکرد تربیت جنسی لیبرالیسم قابل مشاهده است؛ در این رویکرد، اقتدار به افراد منتقل می شود یعنی افراد در عین تاثیرپذیری از آموزش های مربوط و نهادهای فرهنگی و سیاسی، انتخاب های خود را دارند و رفتارها و نقش ها و تنظیم ایده آل ها همه مبتنی بر انتخاب فرد است.

انسان مدنظر این اسناد، ضمن برخورداری از اراده در ارتباط با امر جنسی در خلا و فارغ از تاثیر محیط نگرسته نمی شود، بلکه اراده و اختیار وی تا حد زیادی توسط عوامل محیطی محدود گردیده و تحت تاثیر آن قرار می گیرد. این امر با توجه به فلسفه های پشتیبان این اسناد قابل تبیین است. در فلسفه لیبرالیستی اراده انسان تحت لوای خرد و آزادی انسان های دیگر محدود می گردد. در فلسفه دیوئی نیز، «خود» انسان در «وضعیت<sup>۱</sup>» شکل می گیرد؛ یعنی فراهم آمده از عادت هایی است که نتیجه رویارویی، کشش و سازگار شدن آدمی با شرایطی است که همواره او را در بر گرفته اند. این شرایط شامل چگونگی های زیستی و جسمانی تا چگونگی های اجتماعی و فرهنگی است (نقیب زاده، ۱۳۹۰)؛ بنابراین مفهوم اراده و اختیار در نظر دیوئی ارتباط تگاتنگی با محیط و موقعیت فرد دارد، به گونه ای که اساسا «خود» فرد در این ارتباط شکل می گیرد.

تاکید دیوئی بر بقای ارگانیک، محوریت تجربه، چگونگی زندگانی، شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و در نظر گرفتن انسان در وضعیت با توجه به دو اصل «پیوستگی» و «تاثیر» می تواند به ما در روشن نمودن حدود مفهوم اراده از نظر دیوئی کمک نماید. اصل پیوستگی از ارتباط و پیوستگی تجربه های مختلف با یکدیگر و زنده بودن یک تجربه در تجربه های آینده و اصل تاثیر دو سویه از برخورد درون و بیرون و تاثیرپذیری و تاثیرگذاری مداوم انسان در تجربه ها سخن می گوید (نقیب زاده، ۱۳۸۷). از این رو رفتار فرد از نظر دیوئی همواره در سلسله ای از تجربه های ناظر به محیط اتفاق می افتد و اراده انسان تا حد زیادی تحت تاثیر وضعیتی است که در آن قرار دارد.

سوم، بندورا نیز تلقی مشابه دیوئی از مفهوم اراده دارد؛ بندورا با افزودن وجوه شناختی به نظریه خود، انسان را صرفا موجودی تحت تاثیر ساختارهای اجتماعی نمی بیند، بلکه در مقایسه با نظریه پردازان پیشین با ذکر مدل علیت سه گانه و افزودن وجوه شناختی یا عاملی، موجب توسعه مفهومی عاملیت گردیده است. عاملیت از نظر بندورا، «اثرگذاری ارادی بر عملکرد خود و محیط» و مفهومی قابل پرورش و تقویت است؛ زیرا مفهوم عاملیت در این دیدگاه وابسته به توانایی های شناختی شخص و برخاسته از آن است و فرد می تواند با تقویت منابع عاملیت یعنی صلاحیت، خودتنظیمی، خودکارآمدی، عاملیت خود را تقویت نماید. با این وجود در نظریه بندورا، دستاوردهای شخصی، تجارب مشاهده ای و ترغیب اجتماعی همه با توجه به عامل بیرونی و محیط صورت می گیرد؛ از این رو می توان گفت جنبه فردی و ارادی در نگاه بندورا تا حد زیادی از وجه اجتماعی برخوردار است (اشعری و حسنی، ۱۳۹۳) و با توجه به مشاهده پاداش و تنبیه رفتارهای دیگران و

<sup>1</sup> situation

الگوهای رفتاری موجود در جامعه صورت می گیرد. بنابراین از نظر بندورا، وجه اجتماعی نقشی سازنده در مفهوم عاملیت و اراده دارد.

در این اسناد مخصوصا سند آمریکا، تاکید زیادی بر ایجاد هنجارهای اجتماعی مثبت برای تغییر رفتار دانش آموزان در ارتباط با امر جنسی می گردد. در فلسفه عمل گرایی نیز اراده انسان ارتباط تنگاتنگی با محیط ذیل مفهوم تجربه دارد؛ به عبارتی تجربه های فرد با رقم زدن تجربه های بعدی، به نوعی اراده فرد را تجربه های بعد رقم می زند. در حالی که در فلسفه لیبرالیسم سخن از حد خوردن آزادی بی حد و حصر انسان به وسیله عقل، آزادی دیگران و هنجارهای اجتماعی است؛ در مجموع به نظر می رسد، گر چه به رسمیت شناختن اراده و اختیار و اندیشه ورزی در این اسناد مبتنی بر فلسفه لیبرالیسم است، اما در عرصه تربیت جنسی، نظریه دیوئی و شناختی حاکم است، علت این امر، اهمیت «رفتار» در این اسناد است؛ زیرا رفتار جنسی نیز یکی از اشکال رفتار به شمار می آید که چگونگی مواجهه با آن و تربیت جنسی با توجه به نظریات عملی مانند فلسفه دیوئی و نظریات روان شناسی تعیین می گردد. چنان چه محتوای اسناد ضمن دلالت بر فلسفه لیبرالیستی، بیشتر مبتنی بر عمل گرایی و نظریه شناختی- اجتماعی است.

#### ۷-۱. تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر

در این مبنا دو ویژگی انسان در دو سطح به طور همزمان مورد توجه قرار می گیرد. ویژگی اول بر اساس این دو سند، تاثیرپذیری انسان از محیط است. مولفه های «چند بعدی بودن امر جنسی» با تاکید بر وجه اجتماعی امر جنسی، «حساسیت جنسی» به دلیل توجه دادن فرد به امر جنسی به عنوان یکی از زمینه های وجودی خود و دیگران و «ارائه و ارزیابی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی ناظر به امر جنسی» به خوبی نشان دهنده تاثیرپذیری فرد از محیط در ارتباط با امر جنسی است. در این میان مولفه ناظر به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی روشن تر این مساله را نشان می دهد؛ چرا که فرهنگ به منزله لنزهایی برای دیدن، فهم و استدلال در مورد امور مختلف است. از سوی دیگر والدین، مذهب، داستان و اساطیر، هنر، رسانه ها و نظام آموزشی به عنوان ابزارهای غیررسمی انتقال فرهنگ (پاملا بلوتین و دیگران، ۱۳۹۳) در شکل گیری افکار و اعمال و شخصیت انسان بی تردید موثرند. محیط در این اسناد طیف وسیعی از عوامل مانند همسالان، والدین، بزرگسال مورد اعتماد، محیط جامعه، رسانه، فضای مجازی و ... را در بر می گیرد.

ویژگی دوم بر اساس این اسناد، توانایی تاثیرگذاری فرد بر محیط است. مولفه های «پرورش تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی»، «تقویت قابلیت گفتگو»، «تقویت قدرت تصمیم گیری»، «تقویت استقلال از دیگران»، «تقویت مدیریت خود» و «تقویت مسئولیت پذیری» نشان دهنده توانایی فرد در فراتر رفتن از شرایط و اتخاذ تصمیمی مناسب برای حفظ سلامت جنسی خود است. در میان مولفه های بیان شده، مولفه های استقلال از دیگران و مسئولیت پذیری دلالت بهتری بر توانایی تاثیرگذاری فرد بر محیط دارند؛ زیرا در مولفه استقلال از دیگران انتظار داریم در حالی که مجموع شرایط بیرونی فرد را به سمتی سوق می دهد، وی بتواند با رجوع به اصول ارزشی ناظر به امر جنسی، با استقلال رای و عمل خود، در برابر شرایط مقاومت نماید. از سوی دیگر اگر فرد توانایی مقاومت در برابر شرایط و تاثیرگذاری نداشته باشد، اساسا وجهی برای مسئول دانستن وی وجود ندارد.

دو ویژگی بیان شده و نوع ارتباط آن‌ها با یکدیگر، با توجه به فلسفه‌های پشتیبان این اسناد قابل تبیین است. نخست، **تاثیرپذیری فرد از محیط**؛ در فلسفه عمل‌گرایی و نظریه‌های یادگیری اجتماعی، شناختی - اجتماعی و بوم‌شناسی پیشگیری اجتماعی، محیط یک عامل اساسی در جریان تربیت و یادگیری فرد لحاظ می‌گردد؛ در نظریه یادگیری اجتماعی، یادگیری در محیط اتفاق می‌افتد و یک رکن آن به شمار می‌آید و کنترل محیط می‌تواند نقش موثری در تربیت فرد داشته باشد. در نظریه شناختی اجتماعی نیز با وجود افزودن عوامل شناختی، عوامل محیطی هم‌چنان یک رکن رفتار فرد به شمار می‌آید. تاکید این نظریه بر نقش الگوها در رفتار فرد و ایجاد الگوهای رفتاری مثبت برای تربیت افراد نشان‌دهنده تاثیر محیط بر افراد است. ضمن اینکه این نظریه با تمایز مفهوم اکتساب و عملکرد، هم‌چنان عملکرد یعنی تثبیت رفتار را وابسته به عوامل بیرونی می‌داند. مدل بوم‌شناسی اجتماعی پیشگیری نیز با تمرکز بر فرد و رابطه او با محیط اطراف در طی زمان به امر تربیت و یادگیری توجه می‌نماید که نشان‌دهنده تاثیر محیط بر جریان یادگیری و لزوم توجه و کنترل محیط است.

علاوه بر نظریه‌های یاد شده، فلسفه عمل‌گرایی نیز تاکید زیادی بر محیط و رابطه فرد با آن در جریان تربیت دارد. دیوئی متأثر از هگل، جدا کردن انسان از زمینه اجتماعی را نادرست می‌شمارد و همه نهادهای اجتماعی را نهادهای آموزشی می‌داند؛ «زیرا همه آن‌ها در پدید آوردن حالت‌ها و گرایش‌ها، توانایی‌ها و ناتوانی‌هایی که سازنده شخصیت آدمیانند، نقش دارند» (نقیب زاده، ۱۳۸۷) و تاکید می‌کند «تنها روان‌شناسی متفاوت با یک گزارش زیست‌شناختی از رفتار، می‌تواند روان‌شناسی اجتماعی باشد» (ترجمه عطاران و باقری، ۱۳۷۶، ص ۱۰۹) از سوی دیگر، دیوئی انسان را همواره در «وضعیت»؛ یعنی رویارویی با شرایط و چگونگی‌های فرهنگی و اجتماعی می‌بیند و اساساً مفهوم «تجربه» در فلسفه وی مویده ارتباط دائمی انسان با محیط است، به نحوی که هدف اندیشیدن در این دیدگاه، سازگاری با محیط عنوان می‌گردد. روشن است که در سازگاری، انسان از شرایط مقابل تاثیر می‌پذیرد. علاوه بر این، دیوئی در اصل تاثیر دو سویه، صراحتاً از تاثیرپذیری انسان از شرایط خارجی سخن می‌گوید. شرایط خارجی شامل آن‌چه مربی انجام می‌دهد، روشی که در اجرای امور به کار می‌برد، طرز برخورد و صحبت کردن او، اسباب، کتب، دستگاه‌ها و موادی که فرد استفاده می‌کند و مهم‌تر از همه وضعیت اجتماعی است که فرد در آن به فعالیت می‌پردازد (شریعتمداری، ۱۳۹۳).

در فلسفه لیبرالیسم نیز با وجود تاکید بر فردباوری و خرد و آزادی انسان، فرد و جامعه مقابل یکدیگر قرار نمی‌گیرند، بلکه انسان موجودی اجتماعی است و شخصیت او در ارتباط با جامعه شکل می‌گیرد؛ به عبارت دیگر «جامعه‌پذیری و آزادی، بدون طرد یکدیگر در سنتزی به هم می‌رسند که در واقع تشکیل‌دهنده اصالت شخص انسان است» (بوردو، ۱۳۷۸، ص ۲۶۳). بنابراین با وجود اینکه فلسفه لیبرالیسم و تحقق اهداف آن مبتنی بر کنش فردی است، تاثیرپذیری فرد از محیط انکار نمی‌گردد. تاکید بر مفهوم آموزش توسط تمام اندیشمندان فلسفه لیبرال مویده این امر است؛ زیرا با آموزش انسان، می‌توان به اهداف اندیشه لیبرال مانند احترام به آزادی دیگران، رعایت عدالت در ارتباط با دیگران، دل‌بستگی به نوع دوستی سودمند و حد زدن بر خودپرستی خود و تعدیل خواسته‌های خود نایل شد (همان).

دوم، **تاثیرگذاری فرد بر محیط**؛ این مبنا نیز با توجه به نظریه های پشتیبان آن، قابل تبیین است. بندورا در نظریه شناختی- اجتماعی با افزودن وجوه شناختی و بسط مفهوم عاملیت، توانایی اثرگذاری انسان بر محیط را به رسمیت می شناسد و معتقد است انسان می تواند خارج از چارچوب تقویت رفتاری را بیاموزد. ضمن این که وی، اراده در انسان را قابل پرورش عنوان می نماید.

دیوئی نیز انسان را در وضعیت یعنی در کشاکش تاثیرپذیری و تاثیرگذاری بر محیط می نگرد و در بیان اصول ناظر به تجربه در اصل تاثیر بر تاثیر دو سویه عوامل درونی و بیرونی تاکید می کند. این اصل نشان دهنده نقش تاثیرگذار فرد در تعامل با محیط و شکل گیری تجربه های وی است.

کنش پذیری فردی مفهومی اساسی در فلسفه لیبرالیسم است؛ زیرا این فلسفه با معیار قرار دادن انسان در فرآیند شناخت و عمل، نه تنها انسان را صاحب خرد و آزاد عنوان کرده، بلکه تحقق اهداف فلسفه لیبرالیسم را بر اساس کنش پذیری فردی ممکن می داند. به عبارت دیگر در این فلسفه هم هدف و هم وسیله نیل به هر غایتی تلقی می گردد. این به معنای به رسمیت شناختن توانایی تاثیرگذاری فرد بر محیط است.

هر دو سند بر این دو ویژگی انسان صحنه می گذارند، اما تاثیر متقابل فرد و محیط در دو سطح نگریسته می شود؛ سطح نخست؛ پیش از حالت برانگیختگی جنسی، در این سطح فرد تا حد خوبی می تواند خود را کنترل نماید، به همین دلیل با تقویت مهارت های مختلف می توانیم این انتظار را داشته باشیم که پیش از رسیدن به نقطه آخر در فیلترهای قبلی متوقف گردد؛ از این رو تعامل تاثیر و تاثر فرد و محیط بر یکدیگر در این سطح به نفع فرد است، سطح دوم، در حالت برانگیختگی جنسی، در این حالت امکان تاثیرپذیری فرد از محیط به دلیل ویژگی های امر جنسی بسیار بیشتر از تاثیرگذاری از محیط است، به همین دلیل در این جا تاثیر متقابل فرد و محیط به نفع محیط رقم می خورد، با این وجود اراده و اختیار از انسان سلب نشده و تا حد امکان تلاش می نماییم فرد در این مرحله هم مغلوب محیط نگردد.

## ۲. مبانی انسان شناسی پشتیبان اسناد آموزش و پرورش ایران در تربیت جنسی

در اسناد ایران پیش از مولفه های ناظر به تربیت جنسی با مبانی انسان شناختی مواجهیم. در فصل پیش بر اساس داده های اسناد ایران، شش مولفه ناظر به تربیت جنسی استخراج گردید. در این بخش تلاش می گردد مبانی انسان شناسی ناظر به این مولفه ها استخراج گردد؛ از این رو برخی مولفه های انسان شناختی رایج در دیدگاه اسلامی در این بخش ممکن است دیده نشود؛ زیرا مولفه های تربیت جنسی برآمده از اسناد منتخب پژوهش، دلالت بر چنین مبنایی ندارند و نباید این مبانی مساوی مبانی انسان شناختی اسلامی تلقی گردد. این مبانی عبارتند از:

### ۱-۲. به رسمیت شناختن نیاز جنسی

نخستین مبنای انسان شناسی که با توجه به مولفه های مستخرج از اسناد ایران به دست می آید، به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان یکی از نیازهای طبیعی انسان صرف نظر از میل یا غریزه دانستن آن است. مولفه «مهار و کنترل خویشتن»، ناظر بر این مبنا است که یکی از ویژگی های عمومی انسان ها، برخوردار بودن آن ها از نیاز جنسی است.

در اسناد ایران برای نیاز جنسی واژه های مختلفی بیان شده است. صرف نظر از این مساله در تمام آن ها، از صفت «طبیعی» برای امر جنسی انسان استفاده شده است، این صفت نشان دهنده طبیعی بودن و غیر ارادی بودن وجود این نیاز در انسان است؛ به همین دلیل، دلیلی برای ناپاک یا زشت شمردن این جنبه از وجود انسان وجود ندارد. از سوی دیگر در نظام معیار اسلامی به عنوان وسیله و معیار حیات طیبه و تربیت جنسی به عنوان یکی از مراتب مقدماتی حیات طیبه، امر جنسی به هیچ وجه ناپاک و بد تلقی نمی گردد. با این وجود مطالعه و بررسی واژه های اسناد ایران ناظر به امر جنسی و رویکرد مواجهه با آن، بیش از آن که نشان دهنده نوع نگاه مثبت به امر جنسی باشد، از نگاه منفی این اسناد به نیاز جنسی حکایت می کند، چنان چه حاجی پور (۱۳۹۵) در پژوهشی گفتمان اسناد ایران در خصوص تربیت جنسی را گفتمان «مهار» نامیده و آن را نشان دهنده نگاه پلید و ناپاک به نیاز جنسی عنوان می نماید. بخش واژه شناسی پژوهش حاضر در مورد نیاز جنسی و مولفه «مهار و کنترل خویشتن» نیز موبد این امر است.

بدبینی جنسی متافیزیکی، ذات و نتایج عمل و تحریک جنسی را به دلیل عدم تناسب با شان و اهداف عالیه انسان بد و پلید شمرده شده، اما به دلیل کارکرد ویژه آن در تولید مثل و صرفا در ارتباط با جنس مخالف و قالب ازدواج پذیرفته می شود. لذت جنسی هم ارزشی ابزاری دارد و به دلیل کارکرد آن در تهییج افراد به برقراری رابطه ای که نتیجه آن تولید مثل است، پذیرفته می شود.

مواجهه فعلی اسناد ما با امر جنسی، ما را به چنین نگاهی به امر جنسی نزدیک نموده است؛ نگاهی که در آن امر جنسی به نوعی پلید شمرده شده و باید تا زمان ازدواج به عنوان تنها جایگاه مشروع پاسخگویی به این نیاز، بدون صحبت و آموزش، مهار و کنترل گردد. لذت جنسی نیز جایگاهی در نگاه فعلی اسناد ما به امر جنسی ندارد و تنها مساله مهم، ازدواج و تعریف نقش های مادری و پدری با توجه به کارکرد تولید مثل است. همین مساله ما را به رویکرد تربیت جنسی پرهیزمدارانه نزدیک نموده است. در این دیدگاه روابط جنسی خارج و پیش از ازدواج موجب احساس گناه، افسردگی، بیماری های مقاربتی و از دست دادن روابط خوب پس از ازدواج خواهد شد. تاکید بر نقش های زنانه و مردانه و پرورش آن ها، زهد اخلاقی و دستورات مذهبی از اجزای اساسی این رویکرد تربیتی می باشد.

رویکرد پرهیزمدارانه زندگی انسان را در ارتباط با بعد جنسی با توجه به دو دوره مورد توجه قرار می دهد. نخست، مربوط به دوران پیش از ازدواج و نیاز جنسی آن؛ اصل مورد پذیرش این رویکرد برای این دوران، تنها پرهیز است و رابطه جنسی در این دوران غیرمناسب و غیراخلاقی است. از این رو ارائه اطلاعات در زمینه رابطه جنسی، پیشگیری و ایدز به دلیل تشویق جوانان به رابطه جنسی زود هنگام، نادرست است و تنها پرهیز و کف نفس در ارتباط با امر جنسی آموزش داده می شود. دوم مربوط به دوران پس از ازدواج و زمان پاسخگویی به نیاز جنسی؛ این رویکرد ازدواج را تنها راه پاسخگویی به نیاز جنسی مطرح می کند. ضمن این که در این دوران نیز فرد باید از ارزش های اخلاقی پیروی کند. بنابراین نیاز است مواجهه ما با نیاز جنسی مطابق نظام معیار اسلامی و با توجه به ملاحظات امروز روشن گردد.



## ۲-۲. به رسمیت شناختن تفاوت ظرفیت های جنسیتی

یکی دیگر از ویژگی های عمومی انسان ناظر به تربیت جنسی بر اساس مولفه های به دست آمده از اسناد ایران، تفاوت ظرفیت های جنسیتی است. این مبنا بر اساس مولفه های «دانش جسمی و جنسیتی» و «توجه به ملاحظات فرهنگی و نظام معیار اسلامی» قابل تبیین است. مواجهه اسناد ما با دوران بلوغ دانش آموزان به صورت جنسیتی، بیش از هر چیز مبتنی بر ملاحظات فرهنگی و نظام معیار اسلامی است.

نظام معیار اسلامی اصلی ترین ملاحظه فرهنگی حوزه تربیت جنسی در اسناد ایران به شمار می آید. با توجه به نظام معیار اسلامی، همه انسان ها در عین برابری در آفرینش، با یکدیگر تفاوت هایی دارند. چنان چه یکی از مبانی انسان شناسی در سند مبانی نظری تحول بنیادین به بیان این مطلب می پردازد که: «همه انسان ها، بر حسب آفرینش برابری و از حقوق و تکالیف عادلانه برخوردارند». مبتنی بر این مبنا می توان گفت:

نخست، همه انسان ها در آفرینش از یک اصل (آدم و حوا) هستند و هیچ یک در آفرینش بر دیگری برتری ندارد.

دوم، برابری در آفرینش به معنای عدم وجود تفاوت های طبیعی مانند نژادی، جنسی، وراثتی یا قومی میان انسان ها نیست، بلکه انسان ها در عین وجود این تفاوت ها با یکدیگر برابرند.

سوم، برابری انسان ها به معنای یکسان بودن آن ها از لحاظ حقوق و تکالیف نیست، بلکه تفاوت های طبیعی، ظرفیت های مختلف افراد و تلاش متفاوت افراد تعیین کننده حقوق و تکالیف به طور عادلانه است (سند مبانی نظری تحول بنیادین، ص ۶۳).

بر این اساس، یکی از تفاوت های طبیعی موجود میان انسان ها در عین برابری در آفرینش، تفاوت های جنسی است؛ از این رو در عین در نظر گرفتن استلزامات برابری زن و مرد، باید تفاوت های جسمانی و روانی اثبات شده میان زن و مرد (ماسن<sup>۱</sup> و دیگران، ۱۳۸۵) به رسمیت شناخته شده و در تربیت جنسی لحاظ گردد. تفاوت های بیان شده موجب ایجاد تفاوت در نقش های محول شده به زنان و مردان می گردد؛ به عنوان نمونه، یکی از نقش های مهم برای زن، نقش مادری و برای مرد، نقش پدری است، تربیت صحیح جنسی اقتضاء می کند در کنار توجه به نقاط اشتراک زن و مرد در ارتباط با امر جنسی، آن ها را برای نقاط تفاوت شان در ارتباط با امر جنسی و حوزه های مربوط به نقش جنسیتی آماده نماییم. بنابراین زن ضمن شناخت خود در رابطه جنسی، ویژگی های طرف مقابل به عنوان مرد را شناخته و مراعات می نماید، مرد نیز ضمن شناخت خود، تفاوت ویژگی های زن با خود را به رسمیت شناخته و رعایت می کند. این مساله موجب تفاهم زن و مرد در ارتباط جنسی و رضایت زناشویی می گردد. از سوی دیگر یکی از پیامدهای مهم مرتبط با امر جنسی، به بارداری و فرزندآوری باز می گردد. در این مهم نیز ضمن اشتراک زن و مرد در انسانیت، به واسطه تفاوت های موجود در ساختار فیزیکی و روانی آن ها، ذیل نقش جنسیتی پدر و مادر، ضمن اشتراک در وظایفی مانند محبت و توجه به کودک، ایجاد امنیت روانی در محیط خانواده، تفاوت هایی در اجرای این نقش

<sup>1</sup> Mussen, Paul Henry

ها برای تربیت بهتر کودک به چشم می خورد. به عنوان نمونه مادر با شیردهی و حضور کافی و با کیفیت در کنار کودک در اجرای این نقش ها تلاش می نماید، در حالی که ممکن است پدر، ضمن محبت به کودک با محبت به مادر و کمک به وی در این جهت تلاش نماید. بنابراین تفاوت نقش های جنسیتی ممکن است همواره باعث ایجاد نقش های متفاوت نگردد، بلکه موجب تفاوت در تحقق وظایف مشترک گردد.

### ۲-۳. کرامت

مبنای کرامت بیان کننده ارزش ذاتی انسان است. مولفه «حفظ کرامت نفس» و راهبردهای حیا، عفاف، تقوا دلالت بر ارزش و کرامت نفس انسان دارند. کرامت انسان به علت پشتیبانی نظام معیار اسلامی از اسناد ایران، یکی از مبانی انسان شناختی اساسی است.

خداوند در قرآن کریم بر اعطا کرامت و فضیلت به انسان تاکید نموده است.<sup>۱</sup> کرامت انسان به واسطه مقام خلیفه الهی اوست؛ زیرا جانشین موجودی کریم، کریم است، به همین دلیل اگر انسان از مقام جانشینی خداوند تنزل یابد، کرامت خود را از دست می دهد. در واقع انسان برخوردار از کرامت ذاتی، در ارتباط با کرامت از دو وضعیت برخوردار است؛ یا در مقام خلیفه الهی و کرامت، یا در غیر جانشینی خداوند و مقام حیوانی<sup>۲</sup>.

«کرامت، ناظر به شرافت ذاتی شیء است که ویژه اوست و مقایسه با غیر در آن لحاظ نمی شود»، اما فضیلت که رکن اصلی آن مقایسه با دیگری است به معنای برتری انسان بر دیگر موجودات به واسطه بیشتر داشتن چیزی که دیگر موجودات دارند و یا اساسا داشتن چیزهایی است که دیگر موجودات از آن بی بهره اند (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۲). چنانچه خداوند نوع انسان را به گونه ای آفریده است که نسبت به سایر موجودات از مزایای بیشتری نظیر عقل و آزادی برخوردار است.

ذاتی بودن کرامت در انسان به معنای همیشگی بودن آن نیست و می تواند از دست رود؛ به همین دلیل همواره بر حفظ کرامت انسانی تاکید می گردد. از سوی دیگر انسان می تواند به واسطه ی سعی و تلاش به مراتب بالاتر کرامت ارتقا یابد. این نوع کرامت که حاصل تلاش انسان در پرتو ایمان و عمل صالح و تقوا است، کرامت اکتسابی نامیده می شود (سند مبانی نظری تحول بنیادین، ص ۶۱).

مبنای کرامت در ارتباط با امر جنسی بدین معناست که انسان دارای نیاز جنسی، از جانب خداوند کریم معرفی شده و به واسطه داشتن توانایی هایی چون تفکر و تعقل، آزادی، اراده و اختیار نسبت به سایر موجودات از جایگاه برتری برخوردار است. بنابراین از انسان دارای این توانایی ها انتظار می رود در مواجهه با امر جنسی رفتاری متفاوت داشته باشد. این رفتار در وهله نخست باید متضمن حفظ کرامت ذاتی باشد که خداوند به انسان عطا کرده است. یعنی الزامات دینی و عقلانی ناظر به فکر و عمل در خصوص این نیاز لحاظ گردد. حفظ کرامت نفس در ارتباط با امر جنسی در مولفه های برآمده از اسناد ایران به صورت مهار و کنترل نیاز جنسی معرفی شده است.

<sup>۱</sup> اسراء: ۷۰

<sup>۲</sup> اعراف: ۱۷۹، انعام: ۱۱۲

از سوی دیگر امکان دست یابی انسان به مراتب بالاتری از کرامت وجود دارد که وابسته به ایمان و عمل فرد در نظام معیار اسلامی است و به همین دلیل، «کرامت اکتسابی» نامیده می شود. با این که ملاحظات ناظر به دست یابی انسان به کرامت اکتسابی در ارتباط با امر جنسی در اسناد ایران مشخص نیست، اما وجود مفاهیمی چون حیا، عفاف، تقوا، خویشن داری، مهار، کنترل مثبت و منفی در اسناد ایران در مرتبه کرامت اکتسابی نشان دهنده تاکید این اسناد بر حفظ و نگهداری خود در پرهیز از انجام دادن اعمال موجب تحریک جنسی و حفظ و نگهداری خود در دوری از فعل حرام در هنگام تحریک جنسی است. علاوه بر این در مفهوم حیا بر درک حضور ناظر بیرونی تاکید می گردد. بیان شد که ناظر بیرونی می تواند خود شخص، دیگران، فرشتگان، پیامبران و امامان و خداوند باشد. با توجه به طیف ناظرین در این مفهوم، می توان در سطح اول برای حفظ کرامت نفس، حیا را با توجه به درک نظارت دیگران در وجود متربی پرورش داد و در مرحله کرامت اکتسابی، متربی را قادر ساخت با توجه به درک نظارت دائمی خداوند بر اعمال وی، نفس خود را مهار نماید. نکته مهم در این خصوص، توجه به توانایی متربی در سنین مختلف در درک مفاهیم انتزاعی نظارت و نظارت خداوند، فرشتگان و پیامبران و امامان است.

#### ۴-۲. اراده و اختیار

یکی دیگر از ویژگی های عمومی انسان در تربیت جنسی که با توجه به مولفه های برآمده از اسناد ایران به دست می آید، برخورداری انسان از قدرت اراده و اختیار است. مولفه های «کنترل و مهار خویشتن»، «تقویت مهارت تصمیم گیری» و «تقویت مسئولیت پذیری» موید برخورداری انسان از قدرت اراده و اختیار است؛ زیرا در هر سه مولفه با به رسمیت شناختن توانایی اراده و اختیار در انسان می توان انتظار داشت فرد نفس خود را مهار کرده، تصمیم درست بگیرد و در برابر خود و دیگری مسئولیت پذیر باشد. در غیر این صورت بدون بهره مندی انسان از قدرت اختیار، واکنش انسان در مواجهه با نیاز جنسی دو حالت بیشتر نخواهد داشت و در هر دو حال نمی توان انتظار دیگری غیر از آن چه محقق شده است، از فرد داشته باشیم؛ نخست؛ مبارزه و مهار دائمی نیاز جنسی در هر موقعیتی، دوم، پاسخ دائمی به نیاز جنسی در هر موقعیتی. به نظر می رسد با توجه به مولفه های اسناد ایران، تنها کارکرد اراده و اختیار در انسان، مهار نفس در ارتباط با امر جنسی است؛ چرا که تنها مسیر پیش روی نیاز جنسی مطابق این اسناد، خویشتن داری است.

آزادی و اختیار یکی از امتیازاتی است که خداوند به انسان داده است و زمینه مسئولیت و تکلیف در انسان است. «قرآن بر آزادی انسان تصریح می کند<sup>۱</sup> و بر انتخاب گری او تاکید می نماید<sup>۲</sup>، بنابراین با این که در نظام هستی و به اذن خداوند هم شرایط وراثتی و محیطی آثار قابل توجهی بر وجود انسان دارند... ولی این امور به هیچ وجه نافی اختیار و اراده آدمی نیستند» (سند مبانی نظری تحول بنیادین، صص ۶۵-۶۴).

آزادی و اختیار در انتخاب و عمل به محدوده خاصی از زندگی انسان مربوط نمی شود، بلکه تمام ابعاد وجود او از جمله بعد جنسی را در بر می گیرد. بنابراین در این محدوده نیز انسان مسئول انتخاب ها و اعمال خویش بوده، انتخاب ها و اعمال درست و غلط معنا پیدا می کند. از سوی دیگر این مبنا، انسان را از حیث

<sup>۱</sup> ابراهیم: ۳، رعد: ۱۱، کهف: ۲۹، دهر: ۲، نجم: ۴۰-۳۹

<sup>۲</sup> کهف: ۷، دهر: ۲، توبه: ۶۸

آزادی و اجبار در جایی میان این دو قرار می دهد، یعنی انسان به طور کامل آزاد نیست و عواملی مانند عوامل محیطی، وراثتی بر او تاثیر می گذارند. یکی از عوامل محیطی مهم در زمان حاضر مربوط به گسترش فناوری اطلاعات و سرعت و سهولت در عبور از مرزهای مکانی و زمانی با دسترسی به اینترنت و اطلاعات گوناگون از منابع معتبر و نامعتبر در حیطه جنسی است. این در حالی است که فرد مخاطب این اطلاعات، آموزشی در جهت تشخیص اعتبار منابع یا اطلاعات مزبور ندیده است. با این وجود، این مبنا در سوی دیگر نداشتن آزادی کامل، از سلب نشدن اختیار انسان توسط شرایط سخن می گوید. یعنی انسان این توانایی را دارد در موقعیتی که همه شرایط اعم از محیطی، دوستان یا شرایط طبیعی فرد در ارتباط با نیاز جنسی و ضعف او در مقابل این نیاز او را تحت فشار قرار می دهند، با استفاده از توانایی های خود تصمیم درست بگیرد و به آن عمل کند.

البته به نظر می رسد چنین انتخاب ها و عمل هایی زمانی ممکن است که فرد مراحل قبل را به درستی طی کرده باشد. یعنی عقل در ادراکات نظری و عملی و التزام عملی مسیر صحیح را طی کرده باشد. از سوی دیگر باید آگاهی ها و توانایی های لازم در جهت تربیت جنسی به او داده شده باشد. در غیر این صورت از انسانی که شناخت واقعی از خود، نیاز جنسی خود، اهداف و باورها و ارزش های خود ندارد، نمی توان انتظار داشت در موقعیت های دشوار تصمیم درستی بگیرد. به عبارت دیگر نباید تمام بار تصمیم گیری و سهم اشتباه را بر روی دوش حلقه آخر گذاشت.

## ۵-۲. تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر

در این مبنا دو ویژگی انسان در دو سطح مورد توجه قرار می گیرد:

ویژگی اول بر اساس این اسناد آموزش و پرورش ایران، «تاثیرپذیری انسان از محیط» است. مولفه «به رسمیت شناختن نیاز جنسی» با توجه به واژه شناسی نیاز جنسی در اسناد ایران، به صفت «شدت» اطلاق دارد، به همین دلیل می توان گفت ویژگی های امر جنسی از شرایط درونی تاثیرگذار بر انسان در تربیت جنسی است. علاوه بر این مولفه «توجه به ملاحظات فرهنگی و تاکید بر نظام معیار اسلامی» در وجه ملاحظات فرهنگی از تاثیرپذیری انسان از فرهنگی محیط خود حکایت می کند. با این وجود دلالت این مولفه بر تاثیرپذیری انسان از شرایط، دلالت چندان قوی بر این امر ندارد؛ زیرا در این مولفه صرفا توجه به ملاحظات فرهنگی و تاکید بر نظام معیار اسلامی ناظر به امر جنسی دیده شده است، بدون آن که انتظار داشته باشیم فرد بتواند به ارزیابی ملاحظات پردازد و متوجه تاثیرپذیری از تاثیرات آن ها باشد.

«انسان، به دلیل نیازمندی یا کمال جویی و به لحاظ ساختار شخصیت، موجودی اجتماعی است» (مبانی نظری تحول بنیادین، ص ۷۰)؛ از این رو هویت او یعنی بینش، نگرش، کنش و منش انسان تا حد قابل توجهی متأثر از نظام فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اجتماع شکل می گیرد. توجه به ملاحظات فرهنگی در ارتباط با امر جنسی به جهت تاثیر است که این عوامل می تواند بر کیفیت تربیت جنسی داشته باشد. توجه به این ملاحظات همواره به معنای نقش منفی آن ها در امر تربیت نیست، بلکه می تواند تاکید بر نقش مثبت و سازنده ی عوامل بیرونی در تربیت جنسی انسان باشد.

در توضیح این مبنا باید گفت، برخورداری انسان از استعدادهای فراوان به معنای نبود محدودیت‌ها و خطرات بیرونی و درونی برای انسان نیست. همان‌طور که انسان تلاش می‌کند با استفاده و پرورش استعدادها موجبات رشد خود را فراهم کند، با محدودیت‌های مختلف رو به رو است (سند مبانی نظری تحول بنیادین، ص ۶۹). به عنوان نمونه تعریف و تحلیل واژه شهوت نشان از کیفیت «شدت» خواست انسان از جمله در مورد میل جنسی است، خود این امر زمینه‌ساز محدودیتی درونی برای انسان باشد؛ چرا که با وجود راه‌هایی برای کنترل این امر، تاثیرپذیری انسان از این مساله امری ناگزیر است.

ویژگی دوم ناظر به «توانایی انسان در مقاومت در برابر شرایط» است. مولفه‌های «حفظ کرامت نفس»، «مهار و کنترل خویشتن»، «قدرت تصمیم‌گیری» و «مسئولیت‌پذیری» نشان‌دهنده توانایی انسان در مقاومت در برابر شرایط هستند. البته باید توجه نمود در اسناد ایران، ارتباط فرد و محیط در خصوص امر جنسی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد تا بتوان بر اساس آن از کیفیت تاثیرگذاری انسان بر شرایط سخن گفت، در تمام مولفه‌های برآمده از اسناد ایران، تنها انتظار ما این است که متربی بتواند نفس خود را در هر شرایطی مهار نماید و ارتباط این راهکار با سلامت جنسی و داده‌های علمی روشن نیست. بنابراین این مبنا با توجه به اسناد ایران، مولفه نحیف و ضعیفی تلقی می‌گردد.

سند مبانی نظری تحول بنیادین در صفحه ۷۰ بر این مبنا صحنه گذاشته و بیان می‌کند: «انسان، به دلیل نیازمندی یا کمال‌جویی و به لحاظ ساختار شخصیت، موجودی اجتماعی است و هویت او تا حد قابل توجهی (به خصوص در آغاز زندگی) در عرصه زندگی اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود. یعنی بینش، گرایش، کنش و منش انسان از نظام فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اجتماع تاثیر می‌پذیرد، هر چند این تاثیر به آن پایه نیست که او را به صورت تابعی مطلق از وضع محیط اجتماعی در آورد؛ بنابراین هم باید شرایط اجتماعی را به مثابه عاملی بسیار موثر بر شخصیت و نحوه زندگی افراد در نظر بگیریم و هم می‌توان با تکیه بر اراده فردی در برابر این تاثیر اجتماعی مقاومت کرد».

هر دو سند بر این دو ویژگی انسان صحنه می‌گذارند، اما تاثیر متقابل فرد و محیط در اسناد ایران نیز در دو سطح نگریسته می‌شود؛ سطح نخست؛ پیش از حالت برانگیختگی جنسی، در این سطح با توجه به گفتمان سکوت و ممنوعیت حاکم ناظر به امر جنسی، هر گونه سخن یا اشاره به امر جنسی موجب برانگیختگی است، از این رو برخلاف اسناد بین‌المللی در این سطح محیط بر فرد غالب است، زیرا به محض اشاره به امر جنسی فرد تحریک شده و به رابطه جنسی تشویق می‌شود، بنابراین تاثیر متقابل فرد و محیط در این سطح به نفع محیط است. سطح دوم، در حالت برانگیختگی جنسی، در این حالت تنها راهکار و امر ارائه شده مبتنی بر کنترل و مهار خود است، از این رو در این سطح یعنی در حالتی که اراده و اختیار فرد در ارتباط با امر جنسی دچار اختلال است، انتظار کامل از فرد داریم و تاثیر متقابل فرد و محیط در این سطح به نفع فرد است.

مبانی انسان‌شناختی تربیت جنسی بر اساس اسناد بین‌المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران در جدول صفحه بعد (۱-۴) آمده است:

جدول (۱-۴): مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران

مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد آموزش و پرورش ایران	مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- به رسمیت شناختن نیاز جنسی</li> <li>- به رسمیت شناختن تفاوت های جنسیتی</li> <li>- کرامت</li> <li>- اراده و اختیار</li> <li>- تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ذو ابعاد بودن وجود انسان</li> <li>- به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان نیاز انسانی</li> <li>- به رسمیت شناختن لذت جنسی</li> <li>- به رسمیت شناختن مفهوم «تفاوت» در ارتباط با امر جنسی</li> <li>- ارزش ذاتی انسان</li> <li>- به رسمیت شناختن توانایی اندیشه ورزی در انسان</li> <li>- اراده و اختیار</li> <li>- تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر</li> </ul>

### ۳. بررسی تطبیقی مبانی انسان شناختی تربیت جنسی پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران

در این بخش به دنبال پاسخ گویی به بخش دوم سوال سوم پژوهش یعنی بررسی تطبیقی مبانی انسان شناختی به دست آمده از اسناد بین المللی و اسناد ایران هستیم. با توجه به این که نمی توان در مورد مبانی انسان شناختی از کمرنگ یا پررنگ بودن مبانی سخن گفت، در این بخش، هر کدام از مبانی مشترک در اسناد به طور ویژه به طور تطبیقی در اسناد بررسی می گردد و در نهایت در مورد مبانی غائب در اسناد ایران توضیحاتی ارائه می گردد. لازم به ذکر است در این بخش بررسی تطبیقی روی مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد ایران است؛ از این رو نباید مبانی انسان شناختی اسناد ایران مساوی مبانی انسان شناختی اسلامی ناظر به تربیت جنسی تلقی گردد.

#### ۳-۱. به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان نیاز انسانی / به رسمیت شناختن نیاز جنسی

نخستین مبنای به دست آمده بر اساس اسناد بین المللی و اسناد ایران ناظر به رسمیت شناختن نیاز جنسی در انسان است. نیاز جنسی در اسناد بین المللی در وهله نخست به عنوان یک جنبه طبیعی، سالم و نرمال وجود انسان معرفی می گردد و در وهله بعد مفهوم «لذت» در ارتباط با امر جنسی به عنوان یک واقعیت به رسمیت شناخته می شود؛ یعنی هدف تجویز امر جنسی نیست، بلکه هدف توصیف لذت جنسی در انسان

به عنوان یکی از توانایی های موجود در اوست. به گونه ای که با توجه به این اسناد می توان گفت، نوع نگاه به امر جنسی از متافیزیک خوش بینانه جنسی پیروی می کند.

در اسناد ایران، نیاز جنسی با واژه های مختلفی معرفی گردیده است. تحلیل این واژه ها و رویکرد مواجهه اسناد با هر کدام نشان دهنده به رسمیت شناختن نیاز جنسی در چهارچوب متافیزیک بدبینانه جنسی است؛ یعنی در عین به رسمیت شناختن و ضرورت پاسخگویی به نیاز جنسی، به دلیل عدم تناسب این نیاز با شان و مقام والای انسانی، علت اصلی پذیرش و پاسخ گویی به آن به کارکرد ویژه آن در تولیدمثل باز می گردد. لذت جنسی نیز با توجه به نقش انگیزشی که در تهییج افراد به تولید مثل دارد، به صورت ابزاری پذیرفته می شود. از سوی دیگر تمام تلاش در جهت تعیین ضابطه برای مهار نیاز جنسی مگر در صورت ضرورت است، که حد ضرورت در این نگاه، رابطه دو جنس مخالف در قالب ازدواج است.

با روشن شدن نوع نگاه اسناد به نیاز جنسی، تذکر این مهم ضروری است که تبعیت از متافیزیک خوش بینانه نباید مساوی تبعیت از اسناد بین المللی تربیت جنسی قلمداد گردد، چنان چه در فصل دوم بیان گردید، رویکردهای تربیت جنسی مطرح ذیل هر کدام از این نوع نگاه به امر جنسی می تواند در طیفی قرار گیرند، بنابراین می توان ضمن داشتن نگاه مثبت و خوش بینانه به امر جنسی، آن را تنها در الگوی زنانه- مردانه و در قالب ازدواج به رسمیت شناخت.

## ۲-۳. به رسمیت شناختن مفهوم تفاوت در ارتباط با امر جنسی / به رسمیت شناختن تفاوت

### های جنسیتی

یکی دیگر از مبانی به دست آمده در اسناد، به مفهوم تفاوت در ارتباط با امر جنسی اشاره می کند. مفهوم تفاوت در اسناد بین المللی بر مبنای «ارزش ذاتی انسان» اتکاء دارد؛ بدین معنا که در این اسناد، مفهوم تفاوت و احترام به تفاوت ها مبتنی بر ارزشی است که ذاتا برای انسان ها قائل است؛ به همین دلیل انسان ها شایسته احترام و با یکدیگر برابرند. با توجه به این مطلب، تفاوت های افراد در ارتباط با کمیت و کیفیت امر جنسی به رسمیت شمرده شده و مورد احترام قرار می گیرد. در مورد تفاوت های ناظر به جنسیت نیز، اصل اولیه، ارزش و برابری زن و مرد در ارتباط با امر جنسی است، مگر در مورد برخی تفاوت های واقعی موجود میان زن و مرد (تفاوت های موجود در ویژگی ها و آثار بلوغ) که باید ملاحظات ویژه آن در نظر گرفته شود. از این رو تفاوت های برآمده از فرهنگ های مختلف به عنوان کلیشه های جنسیتی شناخته شده و مردود اعلام می گردد.

در اسناد ایران ضمن اشاره به برابری انسان ها در آفرینش و کرامت ذاتی انسان (چه زن و چه مرد)، با توجه به حاکمیت نظام معیار اسلامی بر امر جنسی، تفاوت در ارتباط با کیفیت امر جنسی به هیچ وجه به رسمیت شناخته نمی شود و ارتباط جنسی تنها میان دو جنس مخالف و با ضوابط و ملاحظات خاص آن مجاز اعلام می شود. در مورد تفاوت های کمی ناظر به امر جنسی در اسناد ایران مسکوت است. تفاوت های جنسیتی نیز در اسناد ایران در جهت تحقق عدالت مورد توجه قرار می گیرند؛ بدین معنا که حقوق و تکالیف افراد باید متناسب با سطح توانایی و خصوصیات افراد باشد و تفاوت هایی که نظام معیار اسلامی و فرهنگ ایران میان دو جنس زن و مرد لحاظ می کند، به رسمیت شناخته می شود.

تفاوت افراد در بخش کمی ناظر به امر جنسی با توجه به نظام معیار اسلامی قابل پذیرش است، اما تفاوت های افراد در گرایش های جنسی و اظهارات جنسیتی به دلیل تقابل با نظام معیار اسلامی به هیچ وجه قابل پذیرش نبوده و رد می گردد. در مورد تفاوت های جنسیتی نیز، تا بخشی از معنای مورد نظر این اسناد همراهی مشکل ایجاد نمی نماید؛ زیرا در نگاه اسلامی نیز زن و مرد در ارزش انسانی با یکدیگر برابرند، مبتنی بر تفاوت های میان ایشان، نقش ها و تکالیف آنان با یکدیگر متفاوت است، در اسناد بین المللی، ضمن به رسمیت شناختن ارزش انسان و برابری جنسیتی در تمام عرصه ها، تفاوت های جسمی و روانی واقعی ناظر به بلوغ در مورد زن و مرد پذیرفته شده است. از سوی دیگر چنان چه در سند آمریکا می بینیم، مفهوم نقش های جنسیتی و حدود آن یکی از مواردی است که باید برای دانش آموزان روشن گردد، در حالی که در این زمینه سند یونسکو همواره بر برابری جنسیتی تاکید می نماید و نمی توان گفت به نقش های جنسیتی قائل است. بنابراین به نظر می رسد سند آمریکا در کلیت به رسمیت شناختن تفاوت نقش های جنسیتی با ما همراهی بیشتری دارد، در حالی که مواضع سند یونسکو در این حوزه سازگاری کامل با نظام معیار اسلامی ندارد.

### ۳-۳. ارزش ذاتی انسان / کرامت

مبنای به دست آمده از مولفه های اسناد بین المللی در تربیت جنسی از ارزش ذاتی انسان مبتنی بر فلسفه لیبرالیسم و اومانیسم حکایت می کند. ضمن اینکه پیش از این دیدیم مطابق گزارش جونز (۲۰۱۱)، آموزش جنسی جامع یکی از برنامه هایی است که ذیل رویکرد لیبرال قرار می گیرد و وام دار مفاهیم کلیدی این رویکرد است. در این دیدگاه انسان از ارزش ذاتی برخوردار است، اما ارزش ذاتی انسان در ارتباط با امری فراتر نگرسته نمی شود، به همین دلیل نقطه آخر هم خود انسان است و ارزش های ناظر به امر جنسی توسط خود او تعیین می گردد.

در اسناد ایران، مبنای به دست آمده از کرامت ذاتی انسان حکایت می کند. در این مبنای «عنایت ویژه خداوند به همه انسان ها، کرامتی خداداد و ذاتی است (البته، تعبیر ذاتی در این خصوص به معنای ویژگی خدادادی و غیر اکتسابی این نوع کرامت است) برخوردار است ولی آدمی می تواند با حسن استفاده از این امکانات و مزایای اعطایی به مقام خلیفه الله دست یابد و مسجود فرشتگان گردد و می تواند با انتخاب نادرست خود چنان عمل کند که همین کرامت خداداد را از دست بدهد، چنان چه برخی آیات قرآن حکایت از آن دارد که گروهی از انسان ها از چهارپایان بدترند (اعراف: ۱۷۹) یا برخی بدترین جنبنده نام گرفته اند (انفال: ۲۲)» (سند مبانی نظری تحول بنیادین، ص ۶۲-۶۱).

می توان گفت نبض تفاوت های موجود اسناد بین المللی و اسناد ایران در مبنای «ارزش ذاتی انسان» یا «کرامت» می زند؛ تفاوت ارزش انسان در اسناد بین المللی و کرامت انسان در اسناد ایران به منبع اعطاء آن باز می گردد؛ در فلسفه لیبرالیسم، اصالت با انسان است و ارزش ذاتی انسان قائم به وی و تحت هیچ شرایطی از وی سلب نمی شود، در حالی که در رویکرد اسلامی، کرامت انسان از جانب خداوند به وی اعطاء شده، به همین دلیل ارزش های انسان ناظر به امر جنسی در ارتباط با امر فراتری تعریف می گردد و در صورت عدم رعایت ملاحظات تعیین شده در حفظ کرامت نفس، قابل از دست رفتن است. بنابراین می توان گفت در



رویکرد اسلامی، کرامت نفس به منزله موقعیتی است که در صورت عدم رعایت ضوابط مربوط به آن، از انسان سلب می شود. بر اساس مبنای اسلامی، انسان پیش از هر چیز در برابر موقعیتی که دارد، مسئول است، به همین دلیل مفاهیمی مانند حیا، عفت و تقوا و پرورش توانایی کنترل و مهار خویشتن برای حفظ کرامت انسانی در ارتباط با امر جنسی مطرح است.

مبتنی بر تفاوت بنیادین در مورد ارزش و کرامت انسان، رویکرد مواجهه اسناد با امر جنسی متفاوت است. در رویکرد لیبرالیستی و پراگماتیستی حاکم بر اسناد بین المللی، مواجهه با انسان حق مدارانه است، در صورتی که در رویکرد اسلامی کرامت اعطاء شده به انسان مشروط به حفظ آن با رعایت ضوابط تعیین شده از جانب خداوند است، و می توان گفت اساسا انسان مکلف است. با این وجود، یک نقطه اشتراک حداقلی میان این دو دیده می شود؛ در فلسفه لیبرالیسم، سود انسان محور سنجش امور قرار می گیرد. در سوی دیگر، خداوند به عنوان خالق انسان و آگاه به حقیقت وجود انسان، آموزه های به حقی در جهت مصلحت انسان صادر کرده است، بنابراین می توان مصلحت انسان را در عمل به احکام اسلامی نشان داد.

#### ۴-۳. اراده و اختیار

یکی از مبانی مشترک در اسناد بین المللی و اسناد ایران ناظر به وجود اراده و اختیار در انسان در ارتباط با امر جنسی است. البته در خصوص هر کدام از اسناد، ذکر یک نکته ضروری است؛ در مورد اسناد بین المللی تذکر این نکته ضروری است که مفهوم اراده و اختیار در این اسناد گرچه جایگاه وثیقی در میان مولفه های تربیت جنسی و نقش پررنگی در عمل افراد در حیطه عملکرد جنسی دارد، اما فارغ از تاثیر گذاری شرایط بر انسان نیست.

در اسناد ایران نیز، اراده و اختیار انسان در ارتباط با امر جنسی به رسمیت شناخته می شود، به حدی که انتظار می رود در تمام موقعیت ها بتواند خود را مهار و کنترل نماید. نکته قابل تذکر در اسناد ایران مربوط به کمرنگ بودن این مولفه در مجموعه مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد ایران است، در حالی که مولفه «مهار و کنترل خویشتن» از توانایی صددرصدی فرد در غلبه بر شرایط و نفس خود حکایت می کند، امری که با واقعیت های نیاز جنسی همخوانی ندارد. به نظر می رسد، هدف نهایی در تربیت جنسی مدنظر اسناد ایران، مهار و کنترل خود است، اما فرآیند تحقق آن در موقعیت های عملی که دانش آموز با آن مواجه است، روشن نیست. بنابراین یکی از ضروریات تربیت جنسی در اسناد ایران، تفکیک «هدف» از «راه رسیدن به هدف» در تربیت جنسی است. این نکته خللی به تربیت جنسی به عنوان یکی از مراتب مقدماتی حیات طیبه وارد نمی کند، یعنی در عین این که هدف غایی تربیت در هر کدام از ساحات تربیت، قرب الهی تعریف می گردد، ضروری است هدفی برای روشن شدن مسیر راه تربیت جنسی با توجه به ویژگی های آن تعیین گردد. به عنوان نمونه روشن گردد منظور از سلامت جنسی در دوره های مختلف زندگی دانش آموزان به چه معناست و از چه معیارهایی برخوردار است (نظیر کاری که در ساحات دیگر تربیت صورت گرفته است).

### ۵-۳. تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر

آخرین مبنای انسان شناختی که در اسناد بین المللی و اسناد ایران مشترک است، ناظر به تاثیرپذیری و تاثیرگذاری فرد نسبت به محیط است. این مبنا در اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران از تاثیر متقابل فرد و محیط و به عبارتی تاثیرپذیری فرد از محیط و تاثیر وی بر محیط حکایت کرده و در دو سطح نگرین شده می شود و در هر دو سطح، نتیجه به دست آمده از اسناد مخالف یکدیگر است؛ در سطح نخست یعنی حالت پیش از برانگیختگی، اسناد بین المللی با تقویت مولفه های مربوط تلاش می نمایند فرد بتواند پیش از رسیدن به نقطه آخر یعنی حالت برانگیختگی و برقراری ارتباط جنسی متوقف گردد، به عبارتی تاثیر متقابل فرد و محیط به نفع محیط است، در حالی که در اسناد ایران، در این مرحله هر گونه سخن گفتن یا اشاره به امر جنسی ممنوع است و موجب تحریک و تشویق شخص به عمل جنسی انگاشته می شود، از این رو در این مرحله، اسناد ایران در تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر به نفع محیط حکایت می کنند.

در سطح دوم، یعنی زمانی که فرد در حالت برانگیختگی قرار دارد، در اسناد بین المللی، جهت این ارتباط به نفع محیط تغییر می کند، با این وجود به دلیل وجود اراده و اختیار در انسان، در این مرحله نیز امکان هایی به فرد ارائه می گردد تا بتواند خود را حفظ نماید، در حالی که در اسناد ایران پس از رسیدن به حالت برانگیختگی، باید اراده صددرصدی فرد وارد میدان شده و مهار نفس را در دست بگیرد، یعنی جهت این ارتباط به سوی فرد است.

### ۶-۳. سایر مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی

مبانی مذکور تنها در اسناد بین المللی موجود است. مساله مورد بررسی در مورد این مبانی اینست که آیا با سایر مبانی به دست آمده از اسناد ایران در تعارض است یا خیر.

#### ۱-۶-۳. ذو ابعاد بودن وجود انسان

بعد جنسی یکی از ابعاد وجود انسان است؛ از این رو ضروری است نگاه ما به انسان در ارتباط با امر جنسی، نگاهی کل گرایانه باشد. هم چنین امر جنسی خود از ابعادی برخوردار است که سازنده آن است و باید تربیت جنسی با توجه به این ابعاد صورت گیرد. این امر موجب می گردد، وجود یکپارچه انسان در تربیت یک بعد تکه تکه نشده و به تاثیر تربیت در ابعاد مختلف انسان بر یکدیگر توجه گردد.

#### ۲-۶-۳. به رسمیت شناختن لذت جنسی

اسناد آموزش و پرورش ایران حکایت از نوع نگاه منفی به نیاز جنسی دارند، در حالی که نظام معیار اسلامی به عنوان مبنای تحقق حیات طیبه در اسناد ایران، نه تنها نیاز جنسی را به عنوان نیاز پاک و غیرپلید انسان (ثابت، ۱۳۹۶) به رسمیت می شناسد، بلکه مفهوم «لذت» نیز به عنوان یکی از مفاهیم مرتبط با آمیزش جنسی در روایات اسلامی طرح می گردد (صدری، ۱۳۷۵). علاوه بر این، تحلیل مفهوم نیاز هم نشان دهنده مثبت بودن آن است، چنان چه هرست<sup>۱</sup> و پیترز<sup>۲</sup> در تحلیل مفهوم نیاز، ضمن تفکیک آن از مفهوم «خواسته»،

<sup>1</sup> Hirst, Paul Heywood

<sup>2</sup> Peters, Richard Stanly

نیاز را مفهومی ارزشی می دانند؛ خواسته، آن چیزی است که فرد می خواهد و ممکن است مطلوب و ارزشمند نباشد اما نیاز در ذات خود از ارزشمندی و مطلوبیت حکایت می کند (هرست و پیترز، ۱۳۸۹). بنابراین اگر رابطه جنسی را یک نیاز طبیعی هم چون غذا خوردن در نظر بگیریم، همان طور که پس از خوردن یک غذای خوب احساس لذت خود را ابراز می کنیم، در صورتی که رابطه جنسی نیز به طور صحیح صورت گیرد، یکی از آثار روحی آن احساس لذت خواهد بود (کیهان نیا، ۱۳۷۵).

### ۳-۶-۳. به رسمیت شناختن توانایی اندیشه ورزی در انسان

اندیشه ورزی نه تنها یکی از ویژگی های مهم مورد تاکید در اسناد ایران، بلکه یکی از امتیازات مبنای کرامت انسانی است؛ بنابراین نه تنها این ویژگی هیچ تعارضی با مبنای پشتیبان اسناد ایران ندارد، بلکه جای خالی این مبنا در اسناد ایران موجب شگفتی است. ابتدایی ترین تاثیر این امر در تربیت جنسی، تغییر مواجهه نظام آموزش و پرورش در ارتباط با امر جنسی با متربیان است و موجب می گردد متربی به عنوانی ماشینی با یک دستور نگریده شده، در حالی که در دوره گذار از سنت به مدرنیته بیش از هر زمان دیگری، متربی به تناسب آموزه ها با عقل توجه می کند و اگر رویکرد مواجهه ما با امر جنسی با توجه به این امر نباشد، احتمال بیشتری برای شکست وجود دارد. از سوی دیگر با توجه به مبنای کرامت، باید مواجهه ما با متربی بر اساس این مبنا باشد؛ یعنی همان طور که در بیان تکالیف متربی، وی را به مبنای کرامت ارجاع می دهیم، در تربیت وی نیز با توجه به همین معنا رفتار نماییم. به عبارت دیگر، در تربیت جنسی، متربی و نظام آموزش و پرورش مانند مردم و حاکمانند و هر دو حقوق و تکالیفی دارند؛ از این رو نظام تعلیم و تربیت باید پیش از متربی بر مبنای آن چه امر می نماید، عمل کند.

با وجود ضرورت به رسمیت شناختن توانایی اندیشه ورزی در انسان به عنوان یکی از مبنای تربیت جنسی، این امر ضرورتاً به معنای پذیرش این مبنا چنان چه در اسناد بین المللی بیان می گردد، نیست. زیرا در نظام معیار اسلامی، معیار شناخت، «حقیقت» است، در حالی که در مبنای پشتیبان اسناد بین المللی، انسان و کارآمدی او معیار قرار می گیرد و این با نظام معیار اسلامی سازگار نیست؛ از این رو ضمن پذیرش ضرورت به رسمیت شناختن توانایی اندیشه ورزی در انسان، باید مطابق نظام معیار اسلامی آن را تبیین نمود. خلاصه آنچه در بررسی تطبیقی مبنای انسان شناختی اسناد بیان گردید، در جدول زیر (۲-۴) قابل مشاهده است:

جدول (۲-۴): بررسی تطبیقی مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران

ارتباط مبانی	مبانی	
<p>ناسازگاری(امکان پذیرش)</p> <p>سازگاری نسبی</p> <p>تفاوت بنیادی</p> <p>تفاوت بنیادی</p> <p>ناسازگاری(امکان پذیرش)</p>	<p>- به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان نیاز انسانی / به رسمیت شناختن نیاز جنسی</p> <p>- به رسمیت شناختن مفهوم «تفاوت» در ارتباط با امر جنسی / به رسمیت شناختن تفاوت های جنسیتی</p> <p>- ارزش ذاتی انسان / کرامت</p> <p>- اراده و اختیار</p> <p>- تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر</p>	<p><b>مبانی متناظر در اسناد بین المللی و اسناد ایران</b></p>
<p>امکان پذیرش</p> <p>امکان پذیرش</p> <p>پذیرش اصل مبنا</p>	<p>- ذو ابعاد بودن وجود انسان</p> <p>- به رسمیت شناختن لذت جنسی</p> <p>- به رسمیت شناختن توانایی اندیشه ورزی در انسان</p>	<p><b>مبانی اختصاصی اسناد بین المللی</b></p>

فصل پنجم

## نتیجه گیری و پیشنهادهای پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی پشتیبان آن بر اساس اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران است. در جهت نیل به این هدف، این پژوهش در پنج فصل تکوین گردید؛ فصل اول به کلیات پژوهش مانند بیان مساله، ضرورت مساله، اهداف و سوالات پژوهش، روش پژوهش، واژگان کلیدی و پیشینه پژوهشی این موضوع پرداخت.

در فصل دوم، مبانی نظری پژوهش در سه بخش ارائه گردید؛ در بخش اول، با توجه به اهمیت مبانی انسان شناختی اسلامی در تحقق اهداف هر کدام از ساحات تربیت از جمله تربیت جنسی، مبانی اسلامی ناظر به تربیت جنسی با توجه به پژوهش باقری (۱۳۸۷) در این زمینه، ارائه گردید، در بخش دوم به دلیل توجه این پژوهش به اسناد بین المللی، دو دیدگاه متافیزیکی ناظر به امر جنسی، چهار رویکرد مطرح در مورد تربیت جنسی و برنامه تربیت جنسی جامع به دلیل ابتدای اسناد بین المللی بر آن و رویکرد تربیت جنسی پرهیزمدارانه به دلیل نزدیکی با نوع نگاه اسناد ایران در تربیت جنسی مورد بررسی قرار گرفت، در نهایت بخش سوم این فصل، دو سند آمریکا و یونسکو به عنوان اسناد بین المللی در تربیت جنسی و پنج سند، «مبانی نظری تحول بنیادین در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران»، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، «سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، «نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان» و «پروتکل الحاقی پیشگیری از رفتارهای پرخطر- سنین بلوغ در دختران و پسران» به عنوان اسناد ایران در تربیت جنسی به طور اجمالی معرفی گردید.

فصل سوم با عنوان تبیین و بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی بر اساس اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران، از سه بخش تشکیل شده است؛ بخش اول ناظر به تبیین مولفه های تربیت جنسی بر اساس بین المللی، ابتدا به معرفی مفهومی این اسناد پرداخته و سپس مولفه ها تبیین می گردد. بخش دوم ناظر به اسناد ایران، متناظر با شیوه کار در اسناد بین المللی، ابتدا اسناد ایران به طور مفهومی معرفی گردیده و پس از واژه شناسی نیاز جنسی در اسناد ایران، مولفه های تربیت جنسی بر اساس اسناد ایران تبیین می گردد. بخش سوم این فصل نیز، پس از تبیین مولفه ها ناظر به بررسی تطبیقی آن ها در سه قسمت، مولفه های غائب در اسناد ایران، مولفه های مشترک با گستره متفاوت و مولفه های با مبنای متفاوت می پردازد.

فصل چهارم با عنوان تبیین و بررسی تطبیقی مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران، سه بخش دارد، در بخش اول و دوم بر اساس مولفه های به دست آمده در فصل سوم، مبانی انسان شناختی تبیین می گردد و سپس در بخش سوم، این مبانی مورد بررسی تطبیقی قرار می گیرد.

در نهایت این فصل پژوهش به جمع بندی و نتیجه گیری از مباحث مطرح شده در فصول پیش اختصاص دارد و در دو بخش ارائه می گردد؛ در بخش نخست، به سه پرسش پژوهش پاسخ داده خواهد شد و در بخش دوم، پیشنهادهای پژوهش در دو بخش پیشنهادهای نظری و عملی ارائه می گردد.

## ۱. پاسخ به پرسش های پژوهش

این پژوهش در جهت پاسخگویی به سه سوال اصلی شکل گرفت؛ از این رو در اینجا پاسخ هر کدام از سوالات به طور خلاصه بیان می گردد:

### ۱-۱. پاسخ به پرسش نخست پژوهش

بررسی دو سند آمریکا و یونسکو به عنوان اسناد بین المللی تربیت جنسی در جهت پاسخگویی به پرسش نخست پژوهش (مولفه های مفهوم تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی آن بر اساس اسناد بین المللی کدامند؟) نشان می دهد، تربیت جنسی مدنظر این اسناد، مبتنی بر ۱۱ مولفه مفهومی؛ ۱- چند بعدی بودن امر جنسی، ۲- دانش جنسی، ۳- حساسیت جنسی، ۴- تقویت تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی، ۵- تقویت قابلیت گفتگو، ۶- تقویت قدرت تصمیم گیری، ۷- تقویت استقلال از دیگران، ۸- تقویت مدیریت خود، ۹- ارائه و ارزیابی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی ناظر به امر جنسی، ۱۰- احترام به خود و دیگران و ۱۱- تقویت مسئولیت پذیری است.

مبتنی بر مولفه های یازده گانه بیان شده، ۸ مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی به دست می آید. این مبانی عبارتند از؛ ۱- ذو ابعاد بودن وجود انسان، ۲- به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان نیاز انسانی، ۳- به رسمیت شناختن لذت جنسی، ۴- به رسمیت شناختن مفهوم «تفاوت» در ارتباط با امر جنسی، ۵- ارزش ذاتی انسان، ۶- به رسمیت شناختن توانایی اندیشه ورزی در انسان، ۷- اراده و اختیار و ۸- تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر.

### ۱-۲. پاسخ به پرسش دوم پژوهش

بررسی پنج سند، «مبانی نظری تحول بنیادین در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران» ، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، «سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران»، «نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان» و «پروتکل الحاقی پیشگیری از رفتارهای پرخطر- سنین بلوغ در دختران و پسران» به عنوان اسناد آموزش و پرورش ایران در جهت پاسخگویی به سوال دوم پژوهش (مولفه های مفهوم تربیت جنسی و مبانی انسان شناختی آن بر اساس اسناد آموزش و پرورش ایران کدامند؟)، نشان می دهد تربیت جنسی مدنظر این اسناد، بر ۶ مولفه مفهومی؛ ۱- حفظ کرامت نفس، ۲- مهار و کنترل خویشتن، ۳- دانش جسمی و جنسیتی، ۴- توجه به ملاحظات فرهنگی و تاکید بر نظام معیار اسلامی، ۵- تقویت مهارت تصمیم گیری و ۶- تقویت مسئولیت پذیری استوار است.

مبتنی بر مولفه های شش گانه بیان شده، ۵ مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد آموزش و پرورش ایران به دست می آید. این مبانی عبارتند از؛ ۱- به رسمیت شناختن نیاز جنسی، ۲- به رسمیت شناختن تفاوت های جنسیتی، ۳- کرامت، ۴- اراده و اختیار، ۵- تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر.

### ۳-۱. پاسخ به پرسش سوم پژوهش

پاسخگویی به پرسش سوم پژوهش (بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی و مبنای انسان شناختی پشتیبان آن در اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران نشان دهنده چه نتایجی است و می تواند چه دستاوردهایی برای ما داشته باشد؟)، جهت بررسی تطبیقی مولفه های تربیت جنسی بر اساس اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران نشان دهنده چهار نتیجه است؛

۱- برخی مولفه های تربیت جنسی در اسناد ایران غائب است. در این دسته مولفه هایی مانند؛ ۱- چند بعدی امر جنسی، ۲- حساسیت جنسی، ۳- تقویت تفکر انتقادی ناظر به امر جنسی، ۴- تقویت قابلیت گفتگو، ۵- تقویت استقلال از دیگران قرار می گیرد.

۲- برخی مولفه های تربیت جنسی ضمن اشتراک میان اسناد بین المللی و اسناد ایران، در اسناد ایران از قوت کمتری برخوردار است. در این بخش دو گانه های؛ ۱- دانش جنسی / دانش جسمی و جنسیتی، ۲- ارائه و ارزیابی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی ناظر به امر جنسی / توجه به ملاحظات فرهنگی و تاکید بر نظام معیار اسلامی، ۳- تقویت قدرت تصمیم گیری / تقویت مهارت تصمیم گیری و ۴- تقویت مسئولیت پذیری قرار می گیرد. در این بخش ضمن اشتراک میان مولفه های اسناد بین المللی و اسناد ایران می بینیم، اسناد بین المللی در تعریف و عمل به این مولفه ها جلوتر از اسناد ایرانند. منعی برای پذیرش مولفه های مذکور با توجه به اسناد ایران وجود ندارد و به نظر می رسد علت اصلی کم رنگ بودن این مولفه ها در اسناد ایران مربوط به نبود کار جدی در تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش و حاکمیت گفتمان سکوت در مورد امر جنسی است؛ زیرا با توجه به ویژگی های عصر حاضر، تردیدی در باب پرورش مهارت های زندگی ناظر به امر جنسی و ارائه دانش صحیح جنسی متناسب با نظام معیار اسلامی به دانش آموزان وجود ندارد.

۳- برخی مولفه ها در اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران از مبنای متفاوت برخوردارند. در این بخش دو گانه های؛ ۱- احترام به خود و دیگران / حفظ کرامت نفس و ۲- تقویت مدیریت خود / مهار و کنترل خویشتن قرار دارد، که از مبنای متفاوت برخوردارند.

احترام به خود و دیگران / حفظ کرامت نفس: اسناد بین المللی بر لزوم احترام به خود و دیگران در ارتباط با امر جنسی تاکید می کنند، در حالی که در اسناد ایران، تاکید بر حفظ کرامت نفس است. ملاحظات مربوط به مولفه احترام به خود و دیگران به مبنای این مولفه باز می گردد؛ این مولفه بر مبنای ارزش ذاتی انسان، همه انسان ها را صرف نظر از گرایش جنسی، وضعیت سلامت، نژاد، رنگ و دین قابل احترام می داند. در حالی که اسناد آموزش و پرورش ایران مبتنی بر نظام معیار اسلامی ضمن به رسمیت شناختن مفهوم احترام به انسان ها، در موارد گرایش های جنسی، اظهارات جنسیتی، جنسیت و دین ملاحظاتی دارند، اما رنگ، نژاد و وضعیت سلامت افراد تاثیری در احترام به آنان ندارد. تمام ملاحظات مربوط به این موارد، دایر مدار حاکمیت نظام معیار اسلامی یعنی عامل دین، بر امر جنسی است؛ مبتنی بر آن، گرایش های جنسی به رسمیت شناخته نشده و انحراف اعلام می شود؛ زیرا تنها الگوی مجاز ارتباط جنسی در نظام معیار اسلامی، ارتباط جنسی دو جنس مخالف است و سایر اشکال ارتباط جنسی رد می گردد. در موارد اظهارات جنسیتی و جنسیت نیز مبتنی بر تفاوت های



موجود میان زن و مرد ضمن وجود اشتراک، از نقش های متفاوتی برخوردار بوده و باید در اظهار آن نیز متفاوت عمل نمایند. مساله دیگر، حوزه عمل این مولفه ها است؛ در اسناد بین المللی، انسان از ارزش ذاتی برخوردار است و شایسته احترام؛ از این رو فرد باید به خود و در وهله نخست به بدن خود و سپس به دیگران احترام بگذارد، در حالی که در اسناد ایران، انسان از جانب خداوند از کرامت برخوردار است و باید کرامت وجود را حفظ نماید و شاهدهی بر دال به احترام به دیگری در ارتباط با امر جنسی دیده نمی شود.

تقویت مدیریت خود/ مهار و کنترل خویشتن: مدیریت خود نسبت به مهار و کنترل خویشتن، مفهومی گسترده تر است؛ این تفاوت ناظر به رویکرد اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران در حرکت از حالت موجود به حالت مطلوب است. در اسناد بین المللی به دلیل تلالو بیشتر حالت موجود، ضمن به رسمیت شناختن وضعیت موجود، تلاش در جهت بهینه ساختن آن است؛ از این رو با توجه به تفاوت های کمی و کیفی ناظر به حالت موجود تلاش می گردد با پرورش مدیریت خود در دانش آموزان، از میان امکان های مختلف که متناسب با تعریف سلامت جنسی در این اسناد است، عمل نمایند، در حالی که در اسناد ایران با توجه به حاکمیت نظام معیار اسلامی، حالت مطلوب از تلالو بیشتری برخوردار است و تنها راهکار موجود در مواجهه با امر جنسی، کنترل و مهار خویش است. در این مولفه با توجه به مبنای متفاوت آن، مساله از این جهت مورد بررسی قرار می گیرد که باید در مسیر تحقق حالت مطلوب، حالت موجود نیز مورد توجه قرار گیرد و با توجه به تفاوت ظرفیت های جنسی در افراد و واقعیت های زمان حاضر بازتعریف و فرآیند پرورش این ویژگی در دانش آموزان روشن گردد.

بخش دوم پرسش سوم پژوهش، بررسی تطبیقی مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد بین المللی و اسناد ایران است. در این بخش، ابتدا مبانی انسان شناختی متناظر در این اسناد و سپس مبانی اختصاصی پشتیبان اسناد بین المللی مورد بررسی قرار می گیرد:

۱- **به رسمیت شناختن نیاز جنسی به عنوان نیاز انسانی / به رسمیت شناختن نیاز جنسی**: اسناد بین المللی و آموزش آموزش و پرورش ایران ضمن به رسمیت شناختن نیاز جنسی در انسان، از دو نگاه متفاوت خوش بینانه و بدبینانه نسبت به امر جنسی حکایت می کنند؛ در حالی که نخست، نگاه نظام معیار اسلامی نسبت به امر جنسی به نوع نگاه مثبت به امر جنسی نزدیک تر است و دوم، به رسمیت شناختن نگاه مثبت به امر جنسی به معنای گام برداشتن در مسیر اسناد بین المللی نیست و می توان ضمن داشتن نگاه مثبت، ملاحظات نظام معیار اسلامی را اجرا نمود.

۲- **به رسمیت شناختن مفهوم تفاوت در ارتباط با امر جنسی / به رسمیت شناختن تفاوت های جنسیتی**: اسناد بین المللی بر مبنای ارزش ذاتی انسان، مفهوم تفاوت را در سطح کمی و کیفی امر جنسی به رسمیت می شناسند. تفاوت افراد در سطح کمی یعنی میزان نیاز، مورد پذیرش و امری ثابت شده است، اما تفاوت کیفی ناظر به امر جنسی با توجه به حاکمیت نظام معیار اسلامی در تربیت جنسی دانش آموزان جز در یک حالت رد می گردد؛ زیرا تنها الگوی مجاز ارتباط جنسی در نظام معیار اسلامی، ارتباط جنسی دو جنس مخالف است. تنها حالت پذیرفته شده ناظر به تفاوت در این نظام مربوط به تفاوت های جنسیتی است؛ یعنی زن و مرد در عین برابری در آفرینش و انسانیت، از تفاوت های

برخوردارند که در تربیت جنسی آنان اثرگذار است و باید در تربیت جنسی لحاظ گردد. بنابراین ضمن پذیرش تفاوت بنیادین در مورد این مبنا، باید تفاوت ظرفیت های جنسی در انسان ها (تفاوت در سطح کمی) در اسناد ایران به رسمیت شناخته شده و متناسب با آن، ملاحظاتی در نظر گرفته شود.

۳- **ارزش ذاتی انسان / کرامت:** مرکز ثقل اسناد بین المللی، ارزش ذاتی انسان است، در حالی که در اسناد ایران، کرامت انسان است. یعنی در اسناد بین المللی، ارزش انسان قائم به خود اوست و از او جدایی ناپذیر است، در حالی که در اسناد ایران، کرامت امری اعطایی از جانب خداوند و قابل سلب است، به همین دلیل انسان در وهله نخست باید در جهت حفظ کرامت تلاش نماید، به عبارتی نگاه این اسناد به ارزش ذاتی انسان در ارتباط با امری فراتر با یکدیگر متفاوت است. بنابراین تردیدی در تفاوت بنیادین این مبنا در اسناد وجود ندارد، اما لازم است به یک نکته توجه نماییم. در فلسفه لیبرالیستی و پراگماتیستی، سکولاریسم به معنای جدایی دین از اهداف است نه از ابزارها؛ از این رو گرچه در تعیین اهداف، دین نقشی ندارد، اما در نیل به اهداف، می توان از دین به عنوان ابزار استفاده کرد؛ حرکت بر مبنای سودمندی انسان است. نظام معیار اسلامی به عنوان عنصر حاکم بر مبانی و اهداف امر تربیت از جمله تربیت جنسی نیز نفع و مصلحت انسان را در عمل به آموزه های دین عنوان می نماید، بنابراین تلاش مدافعان نظام معیار اسلامی در نشان دادن منافع آموزه های دین، نه تنها در جهت تربیت جنسی متریبان، بلکه در جهت تحقق دیگر اهداف نظام آموزشی در باب هویت جهانی است؛ تلاشی که تا کنون صورت نگرفته و ضمن عدم برخورداری متریبان از این نظام در تربیت جنسی، آنان را به سمت پذیرش آموزه های غربی سوق داده است.

۴- **اراده و اختیار:** این مبنا با توجه به تفاوت اسناد بین المللی و اسناد آموزش و پرورش ایران در مواجهه با حالت موجود و حالت مطلوب، به طور متفاوت در این اسناد تبیین شده است. در اسناد بین المللی مبتنی بر فلسفه لیبرالیسم، انسان آزاد و صاحب اختیار معرفی می گردد، با این وجود تاثیر شرایط بر انسان و اراده و اختیار او نفی نمی گردد. در اسناد ایران، اراده و اختیار یکی از امتیازات اعطایی از جانب خداوند و موجب تکلیف انسان در برابر اوست و ضمن تاثیرپذیری از مجموع شرایط درونی و بیرونی انسان، اختیار از انسان سلب نمی گردد و می تواند عمل نماید. بنابراین این مبنا نیز در اسناد تفاوت بنیادین دارد.

۵- **تاثیر متقابل فرد و محیط بر یکدیگر:** اراده و اختیار یکی از توانایی های انسان است که در اسناد بین المللی و ایران در ارتباط با امر جنسی به رسمیت شناخته شده است، اما این به معنای توانایی تام انسان در اعمال اراده خود در جهت مشخص نیست، بلکه انسان تحت تاثیر شرایطی قرار دارد که ضمن اثر گذاری بر وی، موجب سلب قدرت اراده از وی نمی گردد. تاثیر و تاثیر فرد و محیط در ارتباط با امر جنسی در دو سطح متصور است؛ در مرحله پیش از برانگیختگی جنسی، اسناد بین المللی فرد را از قدرت تاثیر بیشتری برخوردار می بینند، از این رو تلاش می نمایند با تقویت مهارت های مرتبط با امر جنسی، او را از رسیدن به نقطه آخر بازدارند، در حالی که اسناد ایران در این مرحله هر گونه اشاره به امر جنسی را موجب تحریک فرد دانسته و ممنوع اعلام می نمایند. در مرحله برانگیختگی جنسی اسناد بین المللی، جهت ارتباط فرد و محیط را به نفع محیط می دانند، یعنی در این مرحله اراده و اختیار فرد به اندازه حالت پیش کارآمد نیست، با این وجود از وی سلب اختیار نشده و راه هایی برای خروج

فرد از موقعیت نامناسب به وی ارائه می دهند، در حالی که اسناد ایران در این مرحله می خواهند فرد بتواند خود را کنترل نماید و به عبارت دیگر، ارتباط فرد و محیط به نفع محیط تغییر جهت می دهد.

۶- **مبانی اختصاصی پشتیبان اسناد بین المللی:** مبانی «ذو ابعاد بودن وجود انسان»، «لذت جنسی» و «به رسمیت شناختن توانایی اندیشه ورزی در انسان» دیگر مبانی هستند که از مولفه های تربیت جنسی اسناد بین المللی به دست آمده اند و تعارضی با سایر مبانی انسان شناختی پشتیبان اسناد ایران و نظام معیار اسلامی ندارند. با ذکر این نکته که ضمن پذیرش اصل مبنای اندیشه ورزی ناظر به امر جنسی، باید با توجه به نظام معیار اسلامی بازتعریف گردد.

## ۲. پیشنهاد های پژوهشی

پیشنهاد های این پژوهش در دو بخش پیشنهاد های نظری و کاربردی تدوین شده است؛ پیشنهاد های نظری ناظر به انجام پژوهش های دیگر در آینده و پیشنهاد های کاربردی ناظر به موارد کاربردی برای عرصه عمل است.

### ۲-۱. پیشنهاد های نظری

- مولفه ها و مبانی انسان شناختی تربیت جنسی بر اساس اسناد بین المللی و نظام معیار اسلامی مورد تطبیق قرار گیرد تا میزان فاصله اسناد ایران از نظام معیار اسلامی در امر تربیت جنسی روشن گردد.
- مفهوم سلامت جنسی برای سنین مختلف بر مبنای نظام معیار اسلامی و نظریات روان شناسی که تناقضی با آن ندارد، تعریف گردد.
- اهداف تربیت جنسی برای سنین مختلف بر مبنای نظام معیار اسلامی و با توجه به واقعیت های وجودی نوجوانان و جوانان تبیین گردد.
- مفاهیم حیا و عفاف به عنوان راهبردهای اساسی اسناد آموزش و پرورش ایران در ارتباط با امر جنسی به عنوان نیازی چند بعدی و ویژگی های عصر حاضر و روش های پرورش این مفاهیم در متریبان تبیین گردد.
- مفهوم کنترل و مهار خویشتن با توجه به سنین مختلف در ارتباط با امر جنسی تعریف و فرآیند پرورش آن در متریبان تبیین گردد.
- مولفه کنترل و مهار خویشتن در ارتباط با امر جنسی برای سنین مختلف و متناسب با عرصه عمل تبیین گردد.
- مولفه کرامت نفس در ارتباط با امر جنسی برای سنین مختلف و متناسب با عرصه تبیین گردد.
- پژوهش های توصیفی برای شناخت وضعیت موجود نوجوانان و جوانان مرتبط با امر جنسی تعریف گردد تا بتوان بر مبنای شناخت حالت موجود به سوی حالت مطلوب حرکت نمود.

### ۲-۲. پیشنهاد های کاربردی

- عاملان عرصه تربیت در وهله نخست، تصمیم راسخ برای ورود به عرصه تربیت جنسی متریبان اتخاذ نمایند.

- عواملان عرصه تربیت، تربیت جنسی را ناظر به دو فاز؛ قبل برانگیختگی و حالت برانگیختگی ببینند.
- امر جنسی با توجه به بعد اجتماعی آن و پیامدهایی که در سطح جامعه دارد، نگریسته شود.
- نوع نگاه عواملان تربیت متناسب با مبانی و اهداف تربیت جنسی مدنظر نظام معیار اسلامی، تغییر یابد.
- پژوهش های عرصه فلسفه تعلیم و تربیت باید در کنار نظریات روان شناسی غیرمتناقض با نظام معیار اسلامی مورد توجه قرار گیرد تا حرکت در عرصه عمل تناسب بیشتری با حالت موجود داشته باشد.
- عواملان تربیت باید نسبت به امر جنسی در انسان، نگاهی چند بعدی داشته باشند و تربیت بعد جنسی در انسان نباید به صورت تک بعدی به منزله امری جسمانی صورت گیرد. این امر موجب می گردد، امکان های متعددی برای تحقق مولفه های تربیت جنسی داشته باشند.

## فهرست منابع

## ۱. منابع فارسی

برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، قابل بازیابی در آدرس: [http://www.roshdmag.ir/Roshdmag\\_content/media/article/652.pdf](http://www.roshdmag.ir/Roshdmag_content/media/article/652.pdf)

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). مشهد: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، قابل بازیابی در آدرس:

<https://library.tebyan.net/f/Viewer/Switcher/236256/0>.

راهنمای خودمراقبتی «زندگی عاری از اچ.آی.وی/ایدز» (۱۳۹۳). تهران: دفتر آموزش و ارتقای سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دفتر سلامت و تندرستی وزارت آموزش و پرورش، قابل بازیابی در آدرس:

[www.mahabad.umsu.ac.ir/uploads/HIV.pdf](http://www.mahabad.umsu.ac.ir/uploads/HIV.pdf).

سند سلامت جوانان (۱۳۹۴). تهران: دفتر سلامت جمعیت خانواده و مدارس وزارت بهداشت، قابل بازیابی در آدرس:

[www.sbmua.ac.ir/uploads/سند\\_ملی\\_جوانان.pdf](http://www.sbmua.ac.ir/uploads/سند_ملی_جوانان.pdf).

سند سلامت جوانان (نسخه پیش نویس) (۱۳۹۳). تهران: دفتر سلامت جمعیت خانواده و مدارس وزارت بهداشت، قابل بازیابی در آدرس:

[www.sbmua.ac.ir/uploads/سند\\_ملی\\_جوانان.pdf](http://www.sbmua.ac.ir/uploads/سند_ملی_جوانان.pdf).

طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۷). تهران: شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، قابل بازیابی در آدرس:

[https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/download\\_sparse/345287](https://ganj-old.irandoc.ac.ir/articles/download_sparse/345287).

منشور حقوق بیمار (۱۳۸۸). تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جمهوری اسلامی ایران، قابل بازیابی در آدرس:

[www.pec.kums.ac.ir/kums\\_content/media/image/2016/07/85877\\_orig.pdf](http://www.pec.kums.ac.ir/kums_content/media/image/2016/07/85877_orig.pdf).

نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان (۱۳۹۱). وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور با همکاری واحد سلامت نوجوانان، جوانان و مدرسه و مشارکت مرکز بهداشت استان اصفهان، نقشه جامع سلامت نوجوانان و جوانان. قابل بازیابی در آدرس: [www.abzums.ac.ir](http://www.abzums.ac.ir).

ابراهیمی دینانی، آرزو؛ نوروزی، رضا علی؛ خنجرخانی، ذبیح الله (۱۳۸۶). درآمدی بر معنا، ضرورت و کاربرد تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت. مجله مصباح (علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع))، ۱۶ (۷۳)، صص ۱۴۲-۱۱۳.

ابراهیمی هرستانی، اصغر؛ مهram، بهروز؛ لیاقت دار، محمدجواد (۱۳۹۴). *واکاوی برنامه درسی مغفول برای تربیت جنسی دانش آموزان پسر مقطع راهنمایی تحصیلی*. پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۱۲(۴۴)، صص ۴۰-۲۶.

ابوالقاسمی، عباس؛ کیامرثی، آذر؛ سهرابی، زهره (۱۳۹۱). *ارتباط تصویر بدن و رفتار دوستانه با رضایت زناشویی در زوجین*. دوفصلنامه مشاوره کاربردی، ۲(۲)، صص ۱۵-۲۸.

اتکینسون و هیلگارد (۱۳۸۶). *زمینه روانشناسی هیلگارد (حسن رفیعی؛ محسن ارجمند و حسن حمیدپور، مترجمان)*. ج ۲، چ ۲، تهران: انتشارات ارجمند.

استادان طرح جامع آموزش خانواده (۱۳۸۹). *خانواده و فرزندان در دوره ابتدایی*. ج ۳، چ ۲۳. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

امری، مرضیه و عبداللهی، کبری (۱۳۹۵). *بررسی مقایسه ای «انسان شناسی» از دیدگاه قرآن و اومانیسیم*. دو فصلنامه علمی - اختصاصی مطالعات تطبیقی حقوق بشر. ۱(۱)، صص ۶۶-۵۳.

امینی، محمد؛ تمنایی فر، محمدرضا؛ پاشایی، رقیه (۱۳۹۰). *بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش آموزان*. مجله علمی - پژوهشی پژوهش های برنامه درسی، ۱(۱)، صص ۲۰۲ - ۱۶۹.

انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. ج ۱، چ ۲، تهران: انتشارات سخن.

انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. ج ۵، چ ۲، تهران: انتشارات سخن.

انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. ج ۶، چ ۱، تهران: انتشارات سخن.

انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. ج ۷، چ ۱، تهران: انتشارات سخن.

انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. ج ۸، چ ۲، تهران: انتشارات سخن.

آریان پور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۷). *فرهنگ پیشرو، آریان پور*. ج ۲، چ ۱، تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه.

آشوری، داریوش (۱۳۷۴). *فرهنگ علوم انسانی؛ انگلیسی - فارسی*. چ ۱، تهران: نشر مرکز.

آشتیانی، محمدرضا (۱۳۸۰). *عفاف*. چ ۱، قم: انتشارات فقه.

بابایی، حبیب الله (۱۳۹۱). *عزت نفس و کرامت غیر دراز خودگذشتگی در اسلام*. پژوهش های اخلاقی، ۲(۳)، صص ۴۸-۲۳.

باریکلو، علی رضا (۱۳۸۲). *وضعیت تغییر جنسیت*. فصلنامه اندیشه های حقوقی، ۱(۵)، صص ۸۶-۶۳.

باقری، خسرو (۱۳۶۹). *درآمدی به انقیاد فرهنگی در روانشناسی معاصر*. مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱۳(۴-۱)، صص ۸۱-۴۷.

- باقری، خسرو؛ اسکندری، حسین؛ خسروی، زهره؛ اکبری، مسلم (۱۳۷۵). *عمل آدمی و آثار آن*. فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، ۲(۷)، صص ۳۰-۲۱.
- باقری، خسرو (۱۳۸۰). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. ج ۱، چ ۷، تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲). *هویت علم دینی؛ نگاهی معرفت شناختی به نسبت دین با علوم انسانی*. چ ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات.
- باقری، خسرو (۱۳۸۳). *جهانی شدن انقلاب اطلاعاتی و تعلیم و تربیت: با تاکید بر دیدگاه ژ.ف. لیوتار*، فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۳(۸)، صص ۵۸-۴۰.
- باقری، خسرو (۱۳۸۷). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*. ج ۱، چ ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- باقری، خسرو؛ خسروی، زهره (۱۳۸۷). *نظریه های روان شناسی معاصر به سوی سازه گرایی واقع گرایانه*. چ ۱، تهران: نشر علم
- باقری، خسرو (۱۳۹۲). *الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران*. چ ۲، تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس؛ توسلی، طیبه (۱۳۸۹). *رویکردها و روش های پژوهش در تعلیم و تربیت*. چ ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بانکی پور فرد، امیرحسین (۱۳۸۹). *حیا*. چ ۸، اصفهان: انتشارات حدیث راه عشق.
- بحرانی فرد، الهام (۱۳۹۳). *بررسی بازنمایی جنسیتی موجود در کتاب های درسی دو مقطع ابتدایی و راهنمایی سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ با توجه به سند تحول آموزش و پرورش*. (پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان). دانشگاه تهران، تهران.
- بشرپور، سجاد (۱۳۹۴). *ارتباط نگرانی های مربوط به تصویر بدن با باورهای غیرمنطقی و نگرش های جنسیتی در دانشجویان دختر*. دو فصلنامه پژوهش نامه زنان، ۶(۱)، صص ۱۶-۱.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴). *روان شناسی تربیتی (روان شناسی آموزش و یادگیری)*. چ ۱، تهران: نشر ویرایش. پژوهشگاه علوم انسانی (بی تا). *فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی، انگلیسی - فارسی*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۳). *تحلیل مساله خویشتن داری در جمع با تکیه بر قرآن و حدیث*. فصلنامه علمی- پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء، ۱۱(۲۴)، صص ۲۵-۱.
- تاجیک، زهرا (۱۳۹۰). *عفت، ندای فطرت*. چ ۱، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- ثابت، حافظ (۱۳۹۶). *تربیت جنسی در اسلام*. چ ۶، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.



جلیلی، مطهره؛ براتی، جلیل؛ بشیریان، سعید(زمستان ۱۳۹۳). عوامل پیش بینی کننده رفتارهای تغذیه ای بر اساس تئوری شناختی اجتماعی در زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی و درمانی شهر تبریز. مجله آموزش و سلامت جامعه، ۱(۴)، صص ۲۱-۱۱.

جوادی آملی، عبدالله(۱۳۹۲). تفسیر انسان به انسان. چ ۷، قم: مرکز نشر اسراء.

حاج ملک، ملیحه(۱۳۹۵). روش های تربیت کودک مسئولیت پذیر از دیدگاه قرآن و روایات. چ ۱، قم: نشر باقیات.

حاجی اسماعیلی، محمدرضا؛ اسماعیلی، داود(۱۳۹۱). بررسی مستندات قرآنی-روایی فریقین در حکم ازدواج موقت و پیامدهای آن. فصلنامه علمی-پژوهش آموزه های فقه مدنی، ۶(۶)، صص ۸۸-۶۵.

حاجی پور، حامد (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران؛ وضعیت موجود. (پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش). دانشگاه خوارزمی، تهران.

حسام پور، سینا؛ سینایی نوبندگان، هاله(۱۳۹۴). بررسی ارتباط مهارت های تفکر نقادانه و فرآیندهای ساخت معنا در ذهن در نمایشی از مجموعه کلاه قرمزی. تفکر و کودک، ۶(۱)، صص ۴۴-۱۹.

حسینی، محمد(۱۳۸۹). نقد الگوی هدف گذاری سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۵(۱۸)، صص ۱۱۹-۸۹.

حسین زاده باردئی، خدیجه؛ موسوی باردئی، سید احمد(۱۳۹۳). مروری بر مقالات نگاشته شده در تربیت جنسی فرزندان از دیدگاه اسلام(در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۷۵ در ایران). دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۱(۱)، صص ۱۳۴-۱۲۱.

حیدری، صفار؛ حسین نژاد، رزا(۱۳۹۳). رویکردهای عدالت آموزشی(نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران). پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۴(۱)، صص ۷۲-۴۹.

خادم پیر، علی(۱۳۹۴). خاستگاه، عوامل و آثار شرم و حیا در نگاه قرآن و حدیث. فصلنامه علمی- ترویجی بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۲(۳۲)، صص ۱۵۴-۱۲۷.

خبرگزاری ایلنا(۲۱ مرداد ۱۳۹۶). جدیدترین آمار مبتلایان به ایدز در کشور اعلام شد/ انتقال بیماری از طریق روابط جنسی در حال افزایش است/ رشد تدریجی ایدز در بین زنان(به نقل از پروین افسر کازرونی: رئیس اداره ایدز وزارت بهداشت). قابل بازیابی در آدرس: [www.ilna.ir](http://www.ilna.ir)، دسترسی در ۲۳ مهر ۱۳۹۶.

خرمشاهی، بهاءالدین(۱۳۹۴). فرهنگ- دانشنامه کارا(انگلیسی- فارسی). ج ۱، چ ۱، تهران: معین، نگاه، شباهنگ.

خسروپناه، عبدالحسین(۱۳۹۴). تاریخ فلسفه غرب. موسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی(حنا)، قابل بازیابی در آدرس: <http://khosropanah.ir/fa/fa-gh/html>، دسترسی در ۲۴ دی ۱۳۹۶.

- خنیفر، حسین (۱۳۸۱). پیش درآمدی بر اهمیت ضرورت جنسی جوان و ارائه مدل از نظر آیات و روایات. ارائه شده در سومین همایش مشاوره از دیدگاه اسلامی: جوان و آرامش روان، قم.
- خنیفر، حسین؛ پورحسینی، مزده (۱۳۹۱). مهارت های زندگی. چ ۱۲، قم: مرکز نشر هاجر.
- خواجه نوری، بیژن؛ مساوات، سید ابراهیم؛ ریاحی، زهرا (زمستان ۱۳۹۳). رابطه سبک زندگی و مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی (مطالعه موردی: نوجوانان دبیرستانی شیراز). جامعه پژوهی فرهنگی، ۵(۴)، صص ۱۹-۳۶.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۷). سیاست، تاریخ، تفکر. چ ۱، تهران: نشر ساقی.
- رجبی، عباس (۱۳۸۳). حیا و خودآرایی؛ نقش آن ها در سلامت روانی زن. مجله علمی- تخصصی معرفت، ۱۳(۱۲)، صص ۴۸-۵۶.
- رجبی، محمود (۱۳۷۹). انسان شناسی. چ ۱، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رزاقی، رضا (۱۳۹۳). آموزش موضوعات جنسی. چ ۱، تهران: دانژه.
- رشید، خسرو (۱۳۹۴). رفتارهای پرخطر در بین دانش آموزان نوجوان دختر و پسر شهر تهران، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۵(۵۷)، صص ۳۱-۵۶.
- رضازاده شیراز، فاطمه بیگم (۱۳۶۹). نظام جنسی کودک و نوجوان در اسلام. (پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش). دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- رهبری، مهدی؛ بلباسی، میثم؛ قربی، سید محمدجواد (۱۳۹۴). هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ج ۱/ ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات ملی، ۱۶(۱)، صص ۴۵-۶۶.
- رهنما، اکبر؛ علیین، حمید؛ محمدی، حسین (۱۳۸۸). بررسی و تبیین مبانی، اصول و روش های تربیت جنسی با تاکید بر دیدگاه اسلام. دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشور رفتار، ۱۴(۲۴)، صص ۹۷-۱۱۰.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۵). واژه نامه فرهنگی سیاسی. چ ۲، تهران: نشر کتاب صبح.
- زنداونیان، احمد؛ شمشادی، صادق (۱۳۸۹). ابعاد و مراحل تربیت جنسی دختران و زنان از نظر اسلام. مباحث بانوان شیعه (علمی ترویجی)، ۷(۲۵)، صص ۵۶ تا ۸۹.
- زیباکلام مفرد، فاطمه (۱۳۹۰). مبانی فلسفی آموزش و پرورش در ایران. چ ۴، تهران: انتشارات حفیظ.
- ژوزف، پاملا بلوتین و دیگران (۱۳۹۳). فرهنگ های برنامه درسی (نظریه ها) (محمود مهرمحمدی و دیگران، مترجمان). چ ۲، تهران: انتشارات سمت.
- ساعتچی، محمود (۱۳۸۸). نظریه پردازان و نظریه ها در روانشناسی و مدیریت. چ ۱، تهران: انتشارات جنگل.

سبحانی نژاد، مهدی؛ آب نیکی، زهرا (۱۳۹۱). بررسی میزان توجه به مولفه های مسئولیت پذیری اجتماعی در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه نظری ایران در سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹. فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه های نوین تربیتی، ۸(۱)، صص ۱۰۶-۵۹.

سبحانی نژاد، مهدی؛ نجفی، حسن؛ نورآبادی، سولماز (۱۳۹۶). مفهوم تعالی و نقد وضعیت موجود آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات ملی، ۱۸(۲)، صص ۴۴-۲۵.

سجادیه، نرگس (۱۳۹۴). نقد و بررسی رویکرد سواد اخلاقی از منظر عاملیت انسانی، ۵(۱۰)، صص ۱۰۹-۸۸. سجادیه، نرگس (۱۳۹۳). تحلیل تطبیقی اسناد رسمی نگاشته شده در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۴(۱)، صص ۴۸-۲۹.

سجادیه، نرگس؛ آزادمنش، سعید (۱۳۹۲). نقد و بررسی «اهداف تفصیلی فعالیت های دوره پیش دبستانی» در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران از منظر رویکرد اسلامی عمل. دو فصلنامه نظر و عمل در برنامه درسی، ۱(۲)، صص ۹۸-۶۵.

سلطانی نژاد، نجمه (۱۳۸۶). درآمدی بر خودمدیریتی مبتنی بر تعالیم دینی. فصلنامه علمی-پژوهشی مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۲(۱)، صص ۹۷-۸۷.

شاهواروتی، مریم؛ علم الهدی، جمیله؛ آشتیانی، ملیحه (۱۳۸۷). بررسی تفاوت های جنسیتی زنان و مردان در دو دیدگاه قرآن مجید و فمینیسم. پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، ۱۱(۱)، صص ۸۲-۶۳. شریعتمداری، علی (۱۳۹۳). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. چ ۶۰، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

شیرازی، عبدالله (۱۳۹۳). رویکردی جامعه‌شناختی به موضوع سلامت جنسی. بازتاب اندیشه: فصلنامه تخصصی مطالعات راهبردی رسانه، ۶(۶)، صص ۸۷-۶۵.

صابری، فضل الله؛ علامه، زهرا؛ امیدی، راضیه؛ اسپنانی، مرتضی (بی تا). پیشگیری از رفتار مخاطره آمیز در نوجوانان و جوانان - سنین بلوغ. اصفهان: انتشارات شهید حسین فهمیده - آموزش و پرورش استان اصفهان.

صادق زاده، علیرضا و همکاران (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

صانعی دره بیدی، منوچهر (۱۳۸۲). برابری (تساوی) در حقوق بشر و پیشینه تاریخی آن. شناخت، ۳۹(۴۰)، صص ۱۰۶-۸۷.

صدری، سید ضیاءالدین (۱۳۷۵). آئینه ازدواج و روابط همسران. چ ۳، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

صدیقی ارفعی، فریبرز؛ تمنائی فر، محمدرضا، منصوره نیک، اعظم (۱۳۹۰). ارتباط میان تصویر بدن، میزان سازگاری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۱۰(۳۸)، صص ۶۶-۵۱.

صلیبی، ژاسنت (۱۳۸۲). فرهنگ توصیفی روانشناسی اجتماعی. چ ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

طاهرپور، محمدشریف؛ شرفی، محمدرضا؛ باقری، خسرو؛ مسعودی، جهانگیر (۱۳۹۲)، تبیین مبانی انسان شناختی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام. دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، ۸(۱۷)، صص ۷۴-۵۱.

طاهرپور، محمدشریف (۱۳۸۷). تبیین فلسفه اخلاق جنسی در اسلام. (پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت). دانشگاه تهران، تهران.

طاهرپور، محمدشریف (۱۳۸۹). راهکارهای تقویت حجاب و عفاف در جامعه. ماهنامه مهندسی فرهنگی، ۵(۴۵) و ۴۶، صص ۳۷-۱۸.

عسکری، مهدیه؛ نوری، ابراهیم؛ خاکپور، حسین (۱۳۹۵). کارکردهای تربیتی عزت نفس و نقش آن در سلامت روان از منظر قرآن و روایات. پژوهش های اخلاقی، ۶(۴)، صص ۱۴۶-۱۳۱.

عسگری، محمد؛ ملکی، ساسان (۱۳۸۹). اعتبارسازی، روسازی و هنجاریابی آزمون مهارت های تفکر انتقادی کالیفرنیا برای دانشجویان. فصلنامه علمی-پژوهشی اندازه گیری تربیتی، ۱(۱)، صص ۱۶۹-۱۴۷.

عطاران، محمد؛ باقری، خسرو؛ مترجمان (۱۳۷۶). فلسفه تعلیم و تربیت معاصر. چ ۱، تهران: محراب قلم.

عطاافر، علی؛ کتابی، سعیده؛ مومنی نورآبادی، زهرا (۱۳۹۰). تاثیر استراتژی های مدیریت بر خود بر سطح نوآوری دانشجویان رشته مدیریت دانشگاه اصفهان. مدیریت اطلاعات سلامت (ویژه نامه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی)، ۸(۸)، صص ۱۱۲۱-۱۱۱۲.

علم الهدی، جمیله (۱۳۸۳). جنسیت در تربیت اسلامی. ۳(۸)، صص ۹۲-۵۹.

علوی قزوینی، سید علی؛ ستوده، حمید (۱۳۹۴). رویکرد تطبیقی به کرامت انسانی و تاثیر آن در تحقیقات زیستی. فصلنامه اخلاق زیستی، ۵(۱۶)، صص ۷۶-۴۱.

عمید، حسن (۱۳۹۰). فرهنگ فارسی. ج ۲، چ ۲، تهران: انتشارات اشجع.

فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۹۰). فرهنگ توصیفی علوم تربیتی انگلیسی به فارسی، فارسی به انگلیسی. چ ۱، تهران: انتشارات شباهنگ.

فقیهی، علی نقی؛ شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم (۱۳۸۷). آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روانشناختی. مجله تربیت اسلامی (علمی-پژوهشی)، ۳(۷)، صص ۸۰-۵۱.

فقیهی، علی نقی (۱۳۹۱). تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش ها، از منظر قرآن و حدیث. چ ۶، قم: انتشارات دارالحدیث.

قاسمی، فرشید؛ مهاجری، احمد؛ اسکندری، شهره؛ آب روشن، حسن (۱۳۹۲). بررسی و مقایسه مهارت تفکر انتقادی فرهنگیان دوره های ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و پیش دانشگاهی استان بوشهر و ارائه راهکارهایی جهت ارتقاء تفکر انتقادی. فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۴(۳)، صص ۲۱۶-۱۹۳.

کاردان، علیمحمد (۱۳۹۲). سر آراء تربیتی در غرب. چ ۷، تهران: انتشارات سمت.

کجباف، محمدباقر (۱۳۸۱). روان شناسی رفتار جنسی (نظریه ها و دیدگاه ها). چ ۲، تهران: نشر روان.

کج باف، محمدباقر (۱۳۸۴). رفتارشناسی جنسی در اندیشه دینی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۷(۲۷)، صص ۱۴۴-۱۱۳.

کروز، اندرسون؛ تیموتی ا (۱۳۹۳). تفکر نقادانه (مسعود فرهمندفر، مترجم). چ ۱، تهران: نشر اطلاعات.

کریمی، شیوا (۱۳۸۷). جایگاه نکاح منقطع در فقه شیعه و امکان و موانع ترویج آن در جامعه ایرانی. فصلنامه بانوان شیعه، ۵(۱۶)، صص ۳۸-۷.

کلانتری، سهیلا؛ غنا، سامیه؛ ثناگو، اکرم؛ مهستی جویباری، لیلا (۱۳۹۳). آموزش بلوغ و مسائل جنسی به دختران: تجارب مادران گرگانی. مدیریت ارتقای سلامت، ۲(۳)، صص ۹۰-۷۴.

کلانتری، عبدالحسین؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ رضایا، صدیقه (۱۳۹۳). مطالعه کیفی شرایط و زمینه های شکل گیری ازدواج موقت زنان. زن در توسعه و سیاست، ۱۲(۴)، صص ۵۲۴-۵۰۷.

کیهان نیا، اصغر (۱۳۷۵). زن امروز، مرد دیروز! (تحلیلی بر اختلاف های زناشویی). چ ۱، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

گری، جان (۱۳۸۸). مریخ و ونوس در اتاق خواب: زناشویی درمانی جنسی، راهنمای کاربردی زوجین برای تداوم عشق و رابطه جنسی سالم، متعهدانه و عاشقانه (روح الله بای و فاطمه بای، مترجمان). تهران: دانژه.

ماسن، پاول هنری و دیگران (۱۳۸۰). رشد و شخصیت کودک (مهشید یاسایی، مترجم). چ ۱۷، تهران: کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز).

مایر، فردریک (۱۳۵۰). تاریخ فلسفه تربیتی (اصغر فیاض، مترجم). چ ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

متقی فر، غلامرضا (پاییز ۱۳۸۳). آموزش جنسی در مدارس. فصلنامه پژوهش های تربیت اسلامی، ۳(۸)، صص ۱۳۱-۱۶۴.

متقی فر، غلامرضا (۱۳۸۸). درآمدی بر نظام اخلاق جنسی در اسلام. چ ۱، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

محمدی، حسین (۱۳۸۵). بررسی و تبیین مبانی، اصول و روش های تربیت جنسی با تاکید بر دیدگاه اسلام. (پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش). دانشگاه شاهد، تهران.

محمدی، حسین و موسوی، سید صاحب (۱۳۹۱). تربیت جنسی (مبانی، اصول و روشها). چ ۱، تهران: انتشارات زیتون سبز.

محمدی، مهدی و مرزوقی، رحمت اله (۱۳۹۱). پیش فرض های برنامه درسی آموزش سلامت جنسی از منظری اسلامی. مجله پژوهش های برنامه درسی. ۲(۱)، صص ۵۳-۸۹.

مختاری، حیدر؛ یمین فیروز، موسی (۱۳۸۳). از داده تا دانش و از مدیریت داده تا مدیریت دانش؛ مروری بر متون. فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۱۵(۳)، صص ۲۳-۱۱.

مدن، یوسف (۱۳۸۳). تربیت جنسی در اسلام (بهر روز رفیعی، ترجمه و تلخیص). فصلنامه پژوهش های تربیت اسلامی، ۳(۸)، صص ۲۱۸-۱۸۳.

مرکز ملی پیشگیری از ایدز ایران (۱۳۹۵). آمار موارد مبتلا به اچ ای وی ثبت شده بر حسب جنس و راه احتمالی انتقال، قابل بازیابی در آدرس: <http://aids.ir/Info>، دسترسی در ۳ اردیبهشت ۱۳۹۶.

مرکز ملی پیشگیری از ایدز ایران (۱۳۹۲). رفتارهای پرخطر چیست؟. قابل بازیابی در آدرس:

[www.aids.ir/news-376.html](http://www.aids.ir/news-376.html). رفتارهای پرخطر- چیست؟

دسترسی در ۵ مهر ۱۳۹۶.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب. چ ۲۹، تهران: انتشارات صدرا.

معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی. ج ۱، چ ۲۵، تهران: انتشارات امیرکبیر.

معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی. ج ۲، چ ۲۵، تهران: انتشارات امیرکبیر.

معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی. ج ۴، چ ۲۵، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مک فادن، برنار آدولفوس (۱۳۶۹). بلوغ و ازدواج (مهرداد مهرین، مترجم). چ ۳، تهران: انتشارات میلاد بهاران.

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۸). اومانیسیم در ساحت انسان متجدد. مجله آیین، (۲۲ و ۲۳)، صص ۵۶-۵۰.

ملکیان، مصطفی (۱۳۷۱). اومانیسیم؛ از مجموعه درس گفتارهای تاریخ فلسفه اسلامی. قابل بازیابی در آدرس: [www.s3.picofile.com](http://www.s3.picofile.com). دسترسی در ۲۴ دی ۱۳۹۶.

موحد، مجید؛ محمدی، نوراله؛ حسینی، مریم (۱۳۹۰). مطالعه رابطه بین رسانه ها، تصویر بدن و عزت نفس با عمل و تمایل به آرایش. فصلنامه مطالعات زنان، ۹(۲)، صص ۱۶۰-۱۳۳.

میرخانی، عزت السادات (۱۳۸۰). گستره عفاف در زندگی انسان. فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۶(۲۴)، صص ۹۹-۸۶.

میرساردو، طاهره (۱۳۸۷). فرهنگ جامع جامعه شناسی انگلیسی- فارسی (باقر ساروخانی، ویراستار). ج ۱، چ ۲، تهران: انتشارات سروش.

ناصری، حسین (۱۳۸۵). *سنجش بنیادهای نظری و مواد اعلامیه حقوق بشر با مبانی و آموزه های قرآنی*. مطالعات اسلامی، (۷۱)، صص ۱۶۶-۱۴۳.

نراقی، ملا احمد (۱۳۸۴). *معراج السعاده*. چ ۳، قم: انتشارات قائم آل محمد.

نراقی، ملامهدی (۱۳۸۹). *ترجمه جامع السعادات: علم اخلاق اسلامی (جلال الدین مجتبی)*. ج ۲، چ ۹، تهران: حکمت.

نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۸۷). *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*. چ ۲۲، تهران: انتشارات طهوری.  
نقیب زاده جلالی، میر عبدالحسین (۱۳۹۰). *نگاهی به نگرش های فلسفی سده بیستم*. چ ۲، تهران: انتشارات طهوری.

نورعلیزاده میانجی (۱۳۸۸). *مدل اسلامی مصون سازی «رفتار جنسی» با تاکید بر پیشگیری و درمان انحراف ها و مشکلات جنسی، دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات اسلام و روان شناسی، ۳(۵)، صص ۱۴۲-۱۰۷*.

نوحی، عبدالله (۱۳۸۷). *بررسی اهداف، اصول و روش های تربیت جنسی در قرآن و روایات*. (پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش). دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.  
واثق قزوینی، قادر علی (۱۳۹۰). *جایگاه انسان شناسی در سازمان و مدیریت از دیدگاه اسلام*. اسلام و پژوهش های مدیریتی، ۱(۲)، صص ۴۰-۵.

واربرتون، نایجل (۱۳۸۸). *اندیشیدن، فرهنگ کوچک سنشگرانه اندیشی (محمد مهدی خسروانی، مترجم)*. چ ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

والدمن، محمد (۱۳۸۳). *چگونگی تنظیم رفتارها و روابط جنسی در غرب و کشورهای اسلامی بر اساس مقایسه دو جامعه آلمان و اتریش با جامعه ایران*. فصلنامه پژوهش های تربیت اسلامی، ۳(۸)، صص ۲۵۲-۲۱۹.  
وینچ، کریستوفر (۱۳۸۹). *استقلال، آموزش و تفکر انتقادی (افشار امیری، مترجم)*. چ ۲، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

هاشمی، سید حسین (۱۳۸۶). *نقدی بر ازدواج موقت در فقه عامه، مطالعات راهبردی زنان، ۹(۳۵)، صص ۱۲۸-۱۰۰*.

هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۶). *فرهنگ قرآن*. ج ۱۸، چ ۱، قم: موسسه بوستان کتاب.

## ۲. منابع انگلیسی

Advocates for Youth, answer sex ed, honestly, SIECUS(2008). *The National Sexuality Education Standards: Core Content and Skills, K-12 (NSES)*, Retrieved from [www.futureofsexed.org/nationalstandards.html](http://www.futureofsexed.org/nationalstandards.html).

Alagiri, P & Collins, C & Morin, S & Summers, T. (2002). *Abstinence Only vs. Comprehensive Sex Education: What are the Arguments? What is*

- the Evidence? . San Francisco: *Center for AIDS Prevention Studies (CAPS). University of California*. Retrieved from [www.issue-lab.org](http://www.issue-lab.org).
- Centers for Disease Control and Prevention: CDC (2012). The Health Education Curriculum Analysis Tool (HECAT), Retrieved from [www.cdc.gov/healthyyouth/HECAT/index.htm](http://www.cdc.gov/healthyyouth/HECAT/index.htm).
- Dillner, Luisa. (2007). What is the right age for sex? . *The Guardian*, Retrieved from [www.theguardian.com/lifeandstyle/2007/sep/29/familyandrelationship1](http://www.theguardian.com/lifeandstyle/2007/sep/29/familyandrelationship1), Access on February 10, 2018.
- Gains, A. (?). What Are Refusal Skills? - Definition & Examples, Retrieved from <http://study.com>, accessed December 31, 2017.
- Gluchman, V. (2006). A Concept of Human Dignity. *Wisdom and Philosophy*, 1(4), 5-14, Retrieved from [www.noormags.com](http://www.noormags.com).
- Halstead, J. M. (1997). Muslims and Sex Education, *Journal of Moral Education*, 26(3), 317-330.
- Helmich MA, J. (2009). What is Comprehensive Sexuality Education? Going WAAAAAY Beyond Abstinence and Condoms. *American Journal of Sexuality Education*, 4(1), 10-15.
- Jones, T. (2011). A Sexuality Education Discourses Framework: Conservative, Liberal, Critical, and Postmodern. *American Journal of Sexuality Education*, 6(2), 133-175, DOI: 10.1080/15546128.2011.571935.
- Keefe, M. (2007). Abstinence-Only-Until-Marriage Programs: Ineffective, Unethical, and Poor Public Health. Washington, DC: *Advocates For Youth*, Retrieved from [www.advocatesforyouth.org](http://www.advocatesforyouth.org).
- McGowan, P. (2005). Self-Management: A Background Paper to the New Perspectives: *International Conference on Patient Self-Management. University of Victoria, Centre on Aging*, Retrieved from [www.bcsmbcsm.bluelemonmedia.com](http://www.bcsmbcsm.bluelemonmedia.com).
- Mylona, Elza. Negotiation. *Assistant Dean of Academic Affairs and Faculty Development*, Retrieved from <http://docplayer.net/17817186-Elza-mylona-ph-d-assistant-dean-of-academic-affairs-and-faculty-development.html>.



- Pittman, V & Gahungu, A. (2006). Comprehensive Sexuality Education or Abstinence-Only Education, Which Is More Effective?. *Journal of Research for Educational Leaders (JREL)*, 3(2), 60-91.
- Ragab , A. (2009). Sexuality education approaches: what would be applicable to North of Africa and Middle East?. *UNESCO HIV and Health Education Clearinghouse*, Retrieved from <http://hivhealthclearinghouse.unesco.org/library/documents/sexuality-education-approaches-what-would-be-applicable-north-africa-and-middle>.
- Roman, ED. (2015). Refusal skills. Wexford: *North Allegheny School District*, Retrieved from: [www.northallegheny.org/cms/lib](http://www.northallegheny.org/cms/lib).
- Sex, Etc (American magazine and web site on teens' reproductive health). Abstinence Only Education. Answer(National Organisation) & RUTGERS university, Retrieved from: <https://sexetc.org/sex-ed/sex-terms>, accessed May 6, 2017.
- Sincero, S. M. (2011). Cognitive Learning Theory. *Explorable.com*, Retrieved from: <https://explorable.com/Cognitive-learning-theory>.
- Soble, A. (2009). Philosophy of Sexuality. *Internet Encyclopedia of philosophy(IEP)*, Retrieved from: [www.iep.utm.edu/sexualit/](http://www.iep.utm.edu/sexualit/).
- Steinberg, Robert J. (1986). A Triangular Theory of Love. *Psychological Review*, 93(2), 119-135.
- Tabatabaiea, A. (2015). Constructing the ideal Muslim sexual subject: problematics of school-based sex education in Iran. *Sex Education: Sexuality, Society and Learning*, 15(2), 204-216, DOI: 10.1080/14681811.2014.992066.
- Tabatabaiea, A. (2015). Childhood and adolescent sexuality, Islam, and problematics of sex education: a call for re-examination. *Sex Education: Sexuality, Society and Learning*, 15(3), 276–288, DIO:10.1080/14681811.2015.1005836.
- the cool spot: National Institute on Alcohol Abuse and Alcoholism, National Institutes of Health, U.S. DEPARTMENT OF HEALTH AND HUMAN

SERVICES, USA.gov. (?). the right to resist. Retrieved from: [www.thecoolspot.gov/right\\_to\\_resist.aspx](http://www.thecoolspot.gov/right_to_resist.aspx), accessed Jun 6, 2018.

UNESCO. (2009). International Technical Guidance on Sexuality Education(V 1,2). Retrieved from: [unesdoc.unesco.org/images/0018/001832/183281e.pdf](http://unesdoc.unesco.org/images/0018/001832/183281e.pdf)

UNFPA Evaluation, (2015). The Evaluation of Comprehensive Sexuality Education Programmes: A Focus on the Gender and Empowerment Outcomes. Retrieved from : [www.unfpa.org/publications/evaluation-comprehensive-sexuality-education-programmes](http://www.unfpa.org/publications/evaluation-comprehensive-sexuality-education-programmes), accessed February 14, 2017.

Universal Declaration of Human Rights: UDHR (1948). *United Nation*, Retrieved from [www.un.org](http://www.un.org), accessed Jun 8, 2017

We Need to Talk: 8<sup>th</sup> Grade Lesson from Rights, Respect, Responsibility: A K-12 Sexuality Education Curriculum. *Advocates For Youth*, Retrieved from [www.advocatesforyouth.org](http://www.advocatesforyouth.org), accessed December 31, 2017.

## **Comparative Study of the Components of Sexuality Education and its Supporting Anthropological Foundations in International and Educational Documents of Iran**

### **Abstract**

The main objective of this research is to compare the components of sexuality education and the supporting anthropological foundations in international and educational documents of Iran. Hence, this research seeks to answer three main questions: First, what are the components of sexuality education and the anthropological foundations supporting it in international documents? Second, what are the components of sexuality education and the anthropological foundations supporting it in Iran's educational documents? Third, what are the results of the comparative study of the components of sexuality education and the anthropological foundations supporting it in international and educational documents of Iran? Conceptual analysis and recursive deduction methodologies have been used to answer the first and second questions and to answer the third question, comparative analysis method has been used.

The present study shows that sexuality education in international documents is based on eleven components, including "multidimensionality of sexuality", "sexuality sensitivity", "gender knowledge", "enhancement of critical thinking in the sexuality affairs," "strengthening dialogue ability" , "Strengthening independence from others", "strengthening decision-making power". Sexuality education in Iran's documents is also based on six components of "maintaining dignity of the soul", "controlling oneself", "physical and gender knowledge", "paying attention to cultural considerations and emphasizing the Islamic criteria system", "enhancing decision-making skills" and "Strengthening Accountability." Based on these components, "the dimension of human existence", "the recognition of sexual need as a human need", "the recognition of sexual pleasure", "the recognition of the concept of "difference" in relation to the matter", "The intrinsic value of man", "the recognition of the ability to think in man", "will and authority" and "the interplay of the individual and the environment on each other" are the anthropological foundations supporting international documents, while "recognizing the need for sexuality" , "Recognizing the differences in gender capacities", "dignity", "will and authority" and "the interplay of the individual and the environment on each other" are the anthropological foundations backing Iran's documents.

The comparative study of the components shows that some of the components are absent and some of them though shared are less strong in the documents of Iran. Also, some of the components are different in the documents they are based on. A comparative study of the bases also shows that some bases such as intrinsic value are fundamentally different with the basis of dignity in

Iran's documents, some of the corresponding or absent foundations in Iran's documents are also admissible, while in some cases, such as the "recognition of the concept of difference in relation to sexual affairs", though relatively compatible with the supporting bases of Iranian documents, it is not possible to accept part of it because of incompatibility with the Islamic criteria system.

**Keywords:** Sexuality Education, Iranian Educational Documents, International Documents, Sexuality Education Based on Abstinence, Comprehensive Sexuality Education.



University of Tehran  
Faculty of Psychology and Education  
Department of Philosophy of Education

Thesis for M.A in History and Philosophy of Education

**Comparative Study of the Components of Sexuality Education  
and its Supporting Anthropological Foundations in International  
and Educational Documents of Iran**

Supervisor:

**Dr. Narges Sajjadiyeh**

Advisor:

**Dr. Marzieh Aali**

By:

**Faezeh Vahdani**

Tehran- Iran

February 2018